

آدریان والورک

انگلیسی

برای پژوهش:
کاربرد، سبک، و
گرامر

آدریان والورک

**انگلیسی برای پژوهش:
کاربرد، سبک،
و گرامر**

مترجم: سینا رادفر



Adrian Wallwork
Via Carducci 9
56127 Pisa, Italy
adrian.wallwork@gmail.com

ISBN 978-1-4614-1592-3 ISBN 978-1-4614-1593-0 (eBook)

DOI 10.1007/978-1-4614-1593-0

Springer New York Heidelberg Dordrecht London

Library of Congress Control Number: 2012948775

© Springer Science+Business Media New York 2013

This work is subject to copyright. All rights are reserved by the Publisher, whether the whole or part of the material is concerned, specifically the rights of translation, reprinting, reuse of illustrations, recitation, broadcasting, reproduction on microfilms or in any other physical way, and transmission or information storage and retrieval, electronic adaptation, computer software, or by similar or dissimilar methodology now known or hereafter developed. Exempted from this legal reservation are brief excerpts in connection with reviews or scholarly analysis or material supplied specifically for the purpose of being entered and executed on a computer system, for exclusive use by the purchaser of the work. Duplication of this publication or parts thereof is permitted only under the provisions of the Copyright Law of the Publisher's location, in its current version, and permission for use must always be obtained from Springer. Permissions for use may be obtained through RightsLink at the Copyright Clearance Center. Violations are liable to prosecution under the respective Copyright Law.

The use of general descriptive names, registered names, trademarks, service marks, etc. in this publication does not imply, even in the absence of a specific statement, that such names are exempt from the relevant protective laws and regulations and therefore free for general use. While the advice and information in this book are believed to be true and accurate at the date of publication, neither the authors nor the editors nor the publisher can accept any legal responsibility for any errors or omissions that may be made. The publisher makes no warranty, express or implied, with respect to the material contained herein.

Printed on acid-free paper

Springer is part of Springer Science+Business Media (www.springer.com)

مقدمهٔ مولف

این کتاب برای چه کسانی است؟

مخاطبان این کتاب افرادی هستند که در حال نوشتن مقالات پژوهشی هستند، آن‌هایی که زبان مادری‌شان انگلیسی نیست، و آن‌هایی که نیازمند به دستورالعملی برای گرامر، کاربرد، و سبک انگلیسی آکادمیک می‌باشند. همچنین این کتاب می‌تواند برای کسانی که مقالات پژوهشی را ویرایش و یا ویراستاری می‌کنند مفید باشد.

این کتاب برای آن‌هایی که سطح زبان انگلیسی‌شان در حد متوسط و یا بالاتر می‌باشد، مفید می‌باشد.

کتاب چگونه سازمان‌دهی شده است؟

کتاب در ۲۸ فصل با جنبه‌های مختلف کاربرد زبان انگلیسی سازمان‌دهی شده است. این بدان معنی است که در همان فصل، شما تمامی موضوعات مرتبط - برای مثال، استفاده از زمان‌های فعل - را در خواهید یافت. با این حال، برخی مباحث گرامری برای راحتی گفته نشده است. برای مثال، استفاده از قیدها را در سه بخش مختلف فرا می‌گیرید: فصل ۱۳ در مورد چگونگی استفاده از قیدها به‌عنوان کلمات ارتباط‌دهنده، فصل ۱۴ در مورد تفاوت‌های معمول بین قیده‌های مختلف زمانی و مکانی، و فصل ۱۷ در مورد مکان قرارگیری قیدها درون جمله‌واره.

در هر زیربخش، شما دستورالعمل‌ها را به‌صورت شماره‌ای می‌یابید. زمانی که تعداد آن‌ها چهارتا و یا بیش‌تر باشد، چند دستورالعمل آخر معمولاً کم‌تر ضرورت دارند.

در جدول زیر این دستورالعمل‌ها، جمله‌های مثالی آورده شده است که از قوانین بیان‌شده استفاده می‌کنند (یا آن‌ها را نقض می‌کنند).

مثال‌های خوب و بد در ستون‌هایی از جدول تحت عنوان "درست" و "نادرست" آورده شده‌اند. مثال‌های "نادرست" بیانگر اشتباهات رایج رخ داده شده می‌باشند که از مقالات واقعی استخراج شده‌اند. اکثر مثال‌های "درست" از جملات نوشته‌شده توسط گویندگان بومی انگلیسی‌زبان اتخاذ شده است.

برخی اوقات به‌عنوان جایگزینی برای "درست" و "نادرست"، یک ستون به این امر اختصاص داده شده است که چگونه یک کلمه یا زمان فعل استفاده شده است، و دیگری به اینکه چگونه کلمه یا زمان فعل مرتبط استفاده شده است.

فهرست شاخص‌ها در انتهای کتاب آورده شده است که به شما کمک می‌کند تا عناوین موضوعی خاص گرامری و سبکی که می‌خواهید مرور کنید را بیابید.

با خواندن این کتاب، آیا من شانس خود را در مورد گرفتن پذیرش مقالهٔ خود بهبود خواهم بخشید؟

قطعاً. این کتاب بر اساس بیش از ۲۵ سال تجربه تصحیح زبان انگلیسی مقالات پژوهشی می‌باشد. دستورالعمل‌ها و قوانینی برای اجتناب از حدود ۲۰۰۰ اشکال رایج داده شده است. همچنین من صدها گزارش داوری خواندم تا دریابم که آن‌ها به چه خطاهایی در مورد انگلیسی پیش‌نویس مقاله اشاره کرده‌اند.

آیا کتاب تمامی جنبه‌های کاربرد زبان انگلیسی را پوشش می‌دهد؟

خیر، این کتاب تنها مشکلاتی را پوشش می‌دهد که معمولاً در مقالات پژوهشی یافت می‌شوند. برای مثال، در این کتاب کاربرد زمان‌های فعل صریحاً مرتبط با این است که چگونه در مقاله استفاده می‌شوند، نه اینکه چگونه در زبان محاوره‌ای عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند. تنها استثنا در این مورد مثال گاهاً برداشته از انگلیسی "عمومی" می‌باشد، که در آن یک مثال "عمومی" ایده واضح‌تری را برای کاربرد نسبت به یک مثال "علمی" خواهد داد (این را من در تمام بخش افعال معین شرطی انجام دادم).

جنبه‌هایی که در مقالات پژوهشی و انگلیسی عمومی رایج می‌باشند، اما کاربرد آن‌ها بسیار مشابه است، در این کتاب پوشش داده نشده است. برای چنین موضوعاتی، خواننده می‌بایست به راهنمای کاربرد زبان انگلیسی عمومی همچون *Practical English Usage* نوشته Michael Swan (انتشارات دانشگاهی آکسفورد) مراجعه کند.

با تنها تمرکز بر روی مشکلاتی که معمولاً در مقالات پژوهشی اتفاق می‌افتند، من قادر به جزئیات بیش‌تر در توضیحاتم بوده‌ام؛ برای مثال، فضای بسیار بیش‌تری در مورد استفاده از حروف تعریف (حرف تعریف a, the, صفر) و حالت مالکیت نسبت به دیگر کتاب‌ها اختصاص داده شده است. همچنین قادر بودم -امیدوارم- تا تفاوت‌های نامحسوس بین حال ساده و گذشته ساده را با توجه به نتایج حاضر توضیح دهم. من باور دارم که هیچ کتاب گرامری دیگری برای تعریف این تفاوت‌ها کوشش نکرده است.

اگر، بعد از خواندن دستورالعمل خاصی در این کتاب، هنوز کاملاً مطمئن نیستید که چگونه یک کلمه و یا ساختاری گرامری استفاده می‌شود، آنگاه Google Scholar را امتحان نمایید. این موتور جستجو در هزاران پیش‌نویس نوشته‌شده توسط افراد آکادمیک جستجو انجام می‌دهد. بنابراین این مورد راهی مناسب برای بررسی اینکه آیا به درستی از چیزی مانند حرف تعریف (a, the, an)، حرف اضافه (e.g., in, into, inside) و یا ترتیب (مثلاً ترکیبی از کلمات در یک نظم خاص) استفاده کردید می‌باشد. یک حقه خوب این است که جستجوی خود را محدود به مقالاتی کنید که توسط گویندگان بومی انگلیسی‌زبان نوشته شده‌اند. برای انجام این کار، در قسمت "author" بنویسید "Smith". Smith پرکاربردترین اسم انگلیسی است و هزاران نفر از محققان با این اسم وجود دارند. برای پیشنهادی بیش‌تر در مورد اینکه چگونه از موتورهای جستجوی گوگل استفاده کنید، به فصل ۲۱ از همین مجموعه از کتاب *English for Academic Correspondence and Socializing* رجوع نمایید.

تا چه اندازه قوانین داده‌شده در این کتاب ۱۰۰٪ در تمامی موارد قابل استفاده هستند؟

زمانی که پژوهش خود را برای این کتاب انجام می‌دادم، مقالات نوشته‌شده در محدوده وسیعی از رشته‌ها را بررسی کردم. چیزی که من فهمیدم تأیید می‌کند که هر رشته (و در واقع شاخه) تمایل دارد تا از زبان انگلیسی به روش‌های بسیار خاصی استفاده کند که در رشته‌های دیگر سازگار نیست.

یک نمونه واضح استفاده از we است. در برخی رشته‌ها، we (و حتی I) آزادانه استفاده می‌شوند؛ در مابقی رشته‌ها، آن‌ها صریحاً منع شده‌اند. نمونه کمتر بارز، در ارتباط با استفاده از حروف تعریف می‌باشد - که در یک رشته استفاده از the و an/a در برخی

موارد خاص اجباری خواهد بود، در حالی که در مابقی این طور نیست. نمونه دیگر: قوانین نشانه‌گذاری، مخصوصاً راجع به مخفف‌ها و واحدهای اندازه‌گیری، به‌طور قابل ملاحظه‌ای از یک نویسنده به نویسنده دیگر و از مجله‌ای به مجله دیگر متفاوت است.

قوانین دقیق حالت مالکیت نیز به نظر می‌رسد غیرممکن است که تعریف شود. در یک مرحله از نوشتن این کتاب، من ۱۶ صفحه در زمینه استفاده از حالت مالکیت نوشتم، اما در انتها به این نتیجه رسیدم که به احتمال زیاد خوانندگان گیج می‌شوند تا اینکه به آن‌ها بخواهم کمک کنم! لذا تماماً تلاش کردم که روی مباحث اصلی که مشکل‌ساز هستند تمرکز کنم تا اینکه هر مورد تصورکردنی را بررسی کنم.

آگاه بودن از این عدم ثبات در استفاده از زبان انگلیسی در نوشتن آکادمیک، مخصوصاً برای کسانی که کار آن‌ها اصلاح زبان انگلیسی پیش‌نویس‌ها است، مهم می‌باشد. ویراستاران و نمونه‌خوانان ممکن است مثال‌هایی از ساختارها و کاربرد کلمه در مقاله‌ای بیابند که در حال اصلاح آن هستند که بر خلاف قوانین طبیعی زبان انگلیسی می‌باشند، اما از این حقیقت که این سوء استعمال آشکار کاملاً در دستورالعمل خاصی قابل قبول است، آگاه نیستند.

این همان دلیل است که استفاده از عبارت "دستورالعمل" را به جای "قانون" ترجیح می‌دهم. همچنین آن‌ها به نوعی دستورالعمل من هستند. اغلب آن‌ها براساس بینش شخصی من می‌باشند که از خواندن هزاران پیش‌نویس به‌دست آمده‌اند، نسبت به هر قانون خاص دیگری که قادر بودم در کتاب‌های گرامری دیگر و یا در اینترنت بیابم. یک مشکل بزرگ این است که حتی گویندگان بومی در دستورالعمل‌های دقیقاً مشابه همواره از قوانین مشابهی پیروی نمی‌کنند!

با این اوصاف، این کتاب می‌بایست به‌عنوان پیش‌نویسی از پروژه در حال انجام با هدف ثبت چگونگی استفاده از زبان انگلیسی در محیط‌های آکادمیک مدنظر قرار گیرد. لطفاً نظرات خود را به adrian.wallwork@gmail.com ارسال نمایید.

کتاب‌های دیگر در این مجموعه

English for Academic Research: Grammer/Vocabulary/Writing Exercises – این سه کتاب تمرین، قوانین و دستورالعمل‌های داده‌شده در این کتابچه راهنمای کاربر را تکرار و تمرین می‌کنند. همچنین تمرین‌های نوشتنی وجود دارد که می‌تواند با فصل‌های کتاب *English for Writing Research Papers* ترکیب شود.

English for Writing Research Papers – هر چیزی که شما نیاز دارید تا بدانید چگونه مقاله‌ای را بنویسید که داوران آن را برای انتشار تأیید کنند.

English for Academic Correspondence and Socializing – نکاتی برای پاسخ‌دهی به ویراستاران و داوران، شبکه ارتباطی در کنفرانس‌ها، فهم بیان گویندگان بومی انگلیسی‌زبان که سریع صحبت می‌کنند، استفاده از Google Translate، و بیش‌تر. هیچ کتاب دیگری مانند این در بازار وجود ندارد.

English for Presentations at International Conferences – تمامی ترفندها برای غلبه بر ترس ارائه دادن به زبان انگلیسی در کنفرانس.

ارजाعات متقابل بین کتاب‌ها

وبسایت www.springer.com/978-1-4614-1592-3 را ببینید تا دریابید چگونه این کتاب می‌تواند در ترکیب با کتاب‌های دیگر در این مجموعه استفاده شود.

پیشنهاد مطالعه

من توصیه می‌کنم که کتاب‌های زیر را برای دانستن عناصر غیرزبانی مانند چگونگی تدوین منابع، ارجاع به متون در درون متن اصلی، و تشکیل جدول‌ها و شکل‌ها، به همراه اطلاعات بیش‌تر در مورد استفاده از واحدهای اندازه‌گیری بخوانید. همچنین اکثر این اطلاعات می‌تواند در ویکی‌پدیا یافت شود.

A Manual for Writers of Research Papers, Theses, and Dissertations, Kate L. Turabian, the University of Chicago Press

MLA Handbook for Writers of Research Papers, Modern Language Association

Handbook of Writing for the Mathematical Sciences, Nicholas J. Higham, SIAM

در مورد نویسنده

از سال ۱۹۸۴، مقالات آکادمیکی را که توسط پژوهشگران غیربومی نوشته شده است، ویراستاری و اصلاح کردم. من همواره بین انگلیس و ایتالیا در سفر بودم، و همچنین در طی این زمان سمینارهایی را در مورد چگونگی نوشتن و ارائه مقالات پژوهشی برگزار کردم. من به‌طور گسترده در زمینه زبان انگلیسی برای انتشارات دانشگاه کمبریج، انتشارات دانشگاه آکسفورد، و BBC مطالبی را نوشتم.

شما می‌توانید من را در Amazon، Academia، Facebook، LinkedIn، و Twitter بیابید.

خدمات اصلاح / ویرایش

اگر می‌خواهید پیش‌نویس خود را با نیازمندی‌های مجله خود سازگار کنید، به من ایمیل بزنید:

adrian.wallwork@gmail.com

برای جزئیات بیش‌تر در زمینه این خدمات، به این وبسایت مراجعه کنید: <http://adrianwallwork.wordpress.com>

مقدمه مترجم

زبان انگلیسی را با اهداف گوناگون می‌توان آموخت، از جمله با اهداف دانشگاهی؛ یعنی آموختن انگلیسی برای تحصیل در دانشگاه‌های بین‌المللی، برای پژوهش و نوشتن مقالات علمی و دانشگاهی، برای سخنرانی و ارائه علمی، یا برای مکاتبه و مکالمه علمی و دانشگاهی. آموختن زبان انگلیسی با چنین اهدافی، اقتضائات و الزامات ویژه‌ای دارد. از همین‌رو، حوزه‌ای با عنوان «زبان انگلیسی برای اهداف دانشگاهی» یا «English for Academic Purposes» یا «EAP» شکل گرفته است و کتاب‌های آموزشی ویژه‌ای در این زمینه منتشر شده است.

از میان کتاب‌هایی که در زمینه آموزش زبان انگلیسی برای اهداف دانشگاهی منتشر شده است، کتاب‌های آدریان والورک (Adrian Wallwork)، جایگاه ویژه‌ای دارد. انتشارات اشپرینگر، مجموعه‌ای از کتاب‌های آموزشی او را منتشر کرده است. کتاب‌های آموزشی آدریان والورک، ساختاری منسجم و زبانی ساده و شیوا دارد. او مطالب را با مثال‌ها و نمونه‌های عینی، به‌خوبی شرح داده است. دیگر ویژگی کتاب‌های او این است که برای دانشجویان غیرانگلیسی‌زبان نوشته شده است. بنابراین، دانشگاهیان با استفاده از این کتاب‌ها با سرعت و سهولت بیش‌تری می‌توانند نوشتن مقالات علمی به زبان انگلیسی را یاد بگیرند یا خود را برای تحصیل در دانشگاه‌های بین‌المللی و شرکت در کنفرانس‌های علمی بین‌المللی و مکاتبه و مکالمه دانشگاهی به‌زبان انگلیسی، آماده کنند.

مطالعه گرامر زبان انگلیسی احتمالاً به شما برای رفع بسیاری از مشکلات رایج گرامری نوشتارتان کمک می‌کند؛ اما انتخاب یک کتاب گرامری توسط یک پژوهشگر با چنین هدفی بعید است. کتاب «انگلیسی برای پژوهش - کاربرد، سبک، و گرامر» نوشته آدریان والورک را به‌نوعی می‌توان یک هندبوک برای رفع مشکلات گرامری پژوهشگران فرض کرد. این کتاب برخلاف عنوان آن، یک کتاب گرامری نیست بلکه اشکالات رایج گرامری که عمدتاً در نوشتن مقالات علمی رخ می‌دهند و نحوه جلوگیری از آن‌ها را به‌صورت مستدل گردآوری کرده است.

جامعه هدف این کتاب کسانی هستند که مقالات پژوهشی خود را می‌نویسند، کسانی که زبان اول آن‌ها انگلیسی نیست، و کسانی که نیازمند به‌راهنمایی در زمینه گرامر، کاربرد، و سبک انگلیسی آکادمیک هستند. این کتاب برای کسانی مناسب است که سطح زبان انگلیسی آن‌ها اواسط متوسط یا بالاتر است. مطالب کتاب توسط تجربه نویسنده در زمینه تصحیح ساختار زبانی مقالات پژوهشی و مطالعه صدها گزارش دآوری شکل داده شده است، لذا او دقیقاً می‌داند که داوران چه چیزی را به‌عنوان اشتباه انگلیسی در پیش‌نویس در نظر می‌گیرند.

سازماندهی کتاب به‌طور خاص خواننده‌پسند طراحی شده است. تشریح واضح و مختصر هر موضوع (استفاده از حروف تعریف، استفاده از زمان‌های فعل، و غیره) با راهنماهای شماره‌دار همراه شده است، که به نوبه خود با جداول ۲ ستونه همراه است که در آن مثال‌هایی پیشنهاد شده است: ستون سمت چپ نشانگر استفاده صحیح و ستون سمت راست نشانگر اشتباهات رایج یا عبارات کم‌تر قابل قبول است. سرتیتر دقیق ستون‌ها با محتوای آن‌ها تغییر می‌کند: درست و نادرست؛

درست (تقریباً همیشه صحیح است) و درست (اما فقط در برخی موارد)؛ *A/An* و *The*؛ کاربرد معمول قابل قبول و همچنین امکان پذیر در علوم؛ و غیره.

از آنجایی که مطالب کتاب به صورت موردی و فشرده آورده شده است، خواندن یکباره این کتاب شاید منجر به خستگی و سردرگمی خواننده شود. به همین منظور، توصیه می شود این کتاب را به صورت مقطعی خوانده و دستورالعمل هایی که فکر می کنید بیش تر با آن ها مواجه می شوید را در کتاب علامت گذاری و یا در برگه ای یادداشت نمایید. همچنین اگر با کتاب های «هندبوک» آشنایی داشته باشید، می دانید که فهرست مطالب و مخصوصاً فهرست شاخص ها نقش قابل توجهی در تسریع پیدا کردن عنوان مدنظر شما دارد.

به منظور کمک به دانشجویانی که در حال نگارش اولین مقاله های خود هستند، بر خود دانستم که این کتاب را به زبان فارسی ترجمه نمایم و آن را به صورت رایگان در اختیار عموم قرار دهم. با این حال، تمام حقوق این اثر متعلق به مترجم است. لذا هرگونه انتشار و کپی برداری از مطالب این کتاب می بایست با ارجاع به آن صورت گیرد. همچنین شما خواننده عزیز می توانید اشکالات و پیشنهادات مدنظر خود را برای من ارسال نمایید. ایمیل من (sina.radfar@hotmail.com) همواره پذیرای این انتقادات سازنده است.

سینا رادفر

شهریور ماه ۱۳۹۷

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۱۰
۱ اسم‌ها: جمع‌ها، قابل شمارش در برابر غیرقابل شمارش	۲۱
۱-۱- جمع‌های با قاعده	۲۱
۲-۱- جمع‌های بی‌قاعده	۲۲
۳-۱- اسم‌هایی که به s- ختم می‌شوند	۲۳
۴-۱- اسم‌هایی که به گروهی از افراد اشاره می‌کنند	۲۴
۵-۱- توافق اسم-فعل	۲۵
۶-۱- اسم‌های قابل شمارش: استفاده با حروف تعریف	۲۶
۷-۱- اسم‌های قابل شمارش مفرد: استفاده با و بدون a/an در انگلیسی علمی	۲۷
۸-۱- اسم‌های غیرقابل شمارش: قانون‌های کلی	۲۸
۹-۱- اسامی غیرقابل شمارش: استفاده از کلمات یا فرم‌های متفاوت	۲۹
۱۰-۱- اسامی غیرقابل شمارش: جزئیات بیش‌تر	۳۰
۲ Genitive: حالت مالکیت اسم‌ها	۳۱
۱-۲- جایگاه 's همراه با نویسندگان و داوران	۳۲
۲-۲- تئوری‌ها، ابزارها، و غیره.	۳۳
۳-۲- شرکت‌ها و سیاست‌مداران	۳۴
۴-۲- دانشگاه‌ها، دپارتمان‌ها، مؤسسه‌ها، و غیره.	۳۵
۵-۲- حیوانات	۳۵
۶-۲- حالت مالکیت همراه با اشیای بی‌جان	۳۶
۷-۲- دوره‌های زمانی	۳۶
۳ حرف تعریف نامعین: a / an	۳۷
۱-۳- a در برابر an: قانون‌های اساسی	۳۷
۲-۳- a در برابر an: مورد استفاده همراه با مخفف‌ها، عددها، و نمادها	۳۸

- ۳-۳ a / an در برابر one ۳۹
- ۴-۳ a / an در برابر the: عام در برابر خاص ۴۰
- ۵-۳ a / an در برابر the: تعریف‌ها و بیان‌ها ۴۱
- ۶-۳ a / an ، the، ضمیر ملکی: بخش‌های بدن ۴۲
- ۴ حرف تعریف معین: the ۴۳
- ۴-۱ حرف تعریف معین (the): استفاده اصلی ۴۳
- ۴-۲ خاص در برابر عام: مثال‌ها ۴۴
- ۴-۳ استفاده‌های دیگر از حرف تعریف معین ۴۵
- ۵ حرف تعریف صفر: بدون حرف تعریف ۴۷
- ۵-۱ حرف تعریف صفر در برابر حرف تعریف معین (the): کاربرد عمده ۴۷
- ۵-۲ استفاده‌های دیگر از حرف تعریف صفر ۴۸
- ۵-۳ ملیت‌ها، کشورها، زبان‌ها ۴۹
- ۵-۴ حرف تعریف صفر و the: استفاده متضاد در انگلیسی علمی ۵۰
- ۵-۵ حرف تعریف صفر در برابر a / an ۵۱
- ۵-۶ حرف تعریف صفر و a / an: استفاده متضاد در انگلیسی علمی ۵۲
- ۶ کمیت‌سنج‌ها: any, some, much, many, each, every، و غیره ۵۳
- ۶-۱ کمیت‌سنج‌های مورد استفاده با اسم‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش ۵۳
- ۶-۲ any در برابر some ۵۴
- ۶-۳ any در برابر no ۵۵
- ۶-۴ a little و a few در برابر little و few ۵۵
- ۶-۵ many ، much ، a lot of ، و lots of ۵۶
- ۶-۶ each در برابر every, every در برابر any ۵۷
- ۶-۷ no در برابر not ۵۸
- ۷ ضمیرهای نسبی: that, which, who, whose ۵۹
- ۷-۱ that , which , who , whose ۵۹

- ۶۰.....who و which that در برابر ۲-۷
- ۶۱.....who و which, that حذف ۳-۷
- ۶۳.....ing دار ۴-۷ جلوگیری از ابهام با استفاده از عبارت نسبی در اولویت با حالت
- ۶۴.....which شامل ۵-۷ جلوگیری از جملات بلند و مشکل برای خواندن
- ۶۴.....which توسط ۶-۷ جلوگیری از ابهام
- ۶۵..... گذشته، آینده ۸ زمان‌های فعل: حال، گذشته، آینده
- ۶۵..... ۱-۸ حال ساده در برابر حال استمراری: قوانین کلیدی
- ۶۶..... ۲-۸ حال کامل: قوانین کلیدی
- ۶۸..... ۳-۸ حال کامل: حوزه‌های مشکل دار
- ۶۹..... ۴-۸ گذشته ساده: قوانین کلیدی
- ۷۰..... ۵-۸ حال ساده در برابر گذشته ساده: قوانین مشخص (اهداف و روش‌ها)
- ۷۱..... ۶-۸ حال ساده، حال کامل و گذشته ساده: ارجاع به متون
- ۷۲..... ۷-۸ حال ساده در برابر گذشته ساده: قوانین خاص (نتایج و بحث)
- ۷۳..... ۸-۸ حال کامل در برابر حال کامل استمراری
- ۷۳..... ۹-۸ گذشته استمراری و گذشته کامل در برابر گذشته ساده
- ۷۴..... ۱۰-۸ will
- ۷۵..... ۹ حالت‌های شرطی: صفرم، اول، دوم، سوم
- ۷۵..... ۱-۹ شرطی نوع صفرم و اول
- ۷۶..... ۲-۹ شرطی نوع دوم
- ۷۷..... ۳-۹ استفاده‌های دیگر از would
- ۷۸..... ۴-۹ حال ساده در برابر would
- ۷۹..... ۵-۹ شرطی نوع سوم
- ۸۱..... ۱۰ مجهول در برابر معلوم: حالت‌های بی‌فاعل در برابر فاعل دار
- ۸۲..... ۱-۱۰ استفاده اصلی از مجهول
- ۸۳..... ۲-۱۰ مجهول بهتر از معلوم: مثال‌های بیش‌تر

- ۱۰-۳- معلوم بهتر از مجهول ۸۴
- ۱۰-۴- ابهام همراه با مجهول ۸۵
- ۱۱- دستوری، مصدر در برابر اسم مصدر (حالت یدار)..... ۸۷
- ۱۱-۱- دستوری ۸۷
- ۱۱-۲- مصدر ۸۸
- ۱۱-۳- in order to ۸۹
- ۱۱-۴- مصدر مجهول ۹۰
- ۱۱-۵- مصدر کامل ۹۰
- ۱۱-۶- اسم مصدر (حالت یدار): موارد استفاده ۹۱
- ۱۱-۷- by در برابر thus + اسم مصدر، برای جلوگیری از ابهام ۹۲
- ۱۱-۸- منابع دیگر ابهام همراه با اسم مصدر ۹۳
- ۱۱-۹- جایگزینی اسم مصدر مبهم با that و یا which، یا با عبارت دوباره مرتب شده ۹۴
- ۱۱-۱۰- افعالی که هدف و یا ظاهر را بیان می کنند + مصدر ۹۴
- ۱۱-۱۱- افعالی که نیازمند به ساختار مفعولی هستند (به عنوان مثال، شخص/چیز + مصدر) ۹۵
- ۱۱-۱۲- حالت معلوم و مجهول: با و بدون مصدر ۹۶
- ۱۱-۱۳- حالت معلوم: افعالی که همراه با مصدر استفاده نمی شوند ۹۶
- ۱۱-۱۴- let و make ۹۷
- ۱۱-۱۵- افعال + اسم مصدر، suggest ,recommend ۹۸
- ۱۱-۱۶- افعالی که هم مصدر و هم اسم مصدر را می گیرند ۹۹
- ۱۲- افعال معین: can, may, could, should, must و غیره ۱۰۱
- ۱۲-۱- توانایی و امکان حال و آینده: can در برابر may ۱۰۱
- ۱۲-۲- عدم امکان و امکان: cannot در برابر may not ۱۰۲
- ۱۲-۳- ability : can, could در برابر succeed ,manage ,be able to ۱۰۳
- ۱۲-۴- استنتاج ها و گمانه زنی ها در مورد حال: must ,cannot ,should ۱۰۴
- ۱۲-۵- استنتاج ها و گمانه زنی ها: could, (not) might ۱۰۵

- ۱۰۶.....need ,have to ,must not ,must :الزامات حاضر: ۱۲-۶
- ۱۰۷..... was supposed to ,have to ,should have + past participle :الزامات گذشته: ۱۲-۷
- ۱۰۸..... should :الزام و توصیه: ۱۲-۸
- ۱۰۹..... but ,although ,also : (قیدها و حروف ربط): و غیره ۱۳-۱۲
- ۱۰۹..... as far as ... is concerned , about-۱۳-۱
- ۱۱۰..... moreover ,besides ,as well ,in addition , also-۱۳-۲
- ۱۱۱..... all ,both ,too ,as well , also-۱۳-۳ not استفاده همراه با
- ۱۱۱..... even if در برابر even though , although-۱۳-۴
- ۱۱۲..... along with , and-۱۳-۵
- ۱۱۳..... as it در برابر as-۱۳-۶
- ۱۱۳..... (unlike) like در برابر as-۱۳-۷
- ۱۱۴..... why ,since ,owing to ,insofar as ,for ,due to ,because , as-۱۳-۸
- ۱۱۵..... either ... or , both ... and-۱۳-۹
- ۱۱۶..... for example در برابر e.g.-۱۳-۱۰
- ۱۱۷..... etc. ,i.e. , e.g.-۱۳-۱۱
- ۱۱۸..... to this end ,for this purpose در برابر for this reason-۱۳-۱۲
- ۱۱۹..... the latter , the former-۱۳-۱۳
- ۱۲۰..... notwithstanding ,nonetheless ,nevertheless ,despite ,yet ,but ,although , however-۱۳-۱۴
- ۱۲۱..... nevertheless در برابر however-۱۳-۱۵
- ۱۲۲..... by comparison with ,compared to در برابر in contrast with-۱۳-۱۶
- ۱۲۳..... on the contrary ,whereas ,on the other hand , instead-۱۳-۱۷
- ۱۲۴..... thereby ,so ,consequently ,hence ,therefore , thus-۱۳-۱۸
- ۱۲۵..... or و both ,but ,and با جملات همراه ۱۳-۱۹ حذف کلمات در جملات همراه با
- ۱۲۷..... of ,in ,at ,yet ,already :حروف اضافه: و غیره ۱۴-۱۲۷
- ۱۲۷..... (under) over ,(below) above-۱۴-۱۲۷

- ۱۲۸..... through ، across-۲-۱۴
- ۱۲۹..... yet ,still ، already-۳-۱۴
- ۱۳۰..... of (تمایز و اختلاف) ,from ,between ، among-۴-۱۴
- ۱۳۱..... to (موقعیت، حالت، تغییر) ,in ، at-۵-۱۴
- ۱۳۲..... on (زمان) و ,in ، at-۶-۱۴
- ۱۳۳..... to (اندازه گیری، کیفیت) ، at-۷-۱۴
- ۱۳۴..... first ,afterwards ,beforehand ,after ، before-۸-۱۴ (توالی زمان)
- ۱۳۴..... close to ,near (to) ,next to ، beside-۹-۱۴ (موقعیت)
- ۱۳۵..... (origin و ,means ,cause) from و by-۱۰-۱۴
- ۱۳۶..... of (تغییرات) ,in ، by-۱۱-۱۴
- ۱۳۶..... within (زمان) و by-۱۲-۱۴
- ۱۳۷..... so far ,until now ,for the moment ,for now ، by now-۱۳-۱۴
- ۱۳۸..... throughout (زمان) و ,over ، during-۱۴-۱۴
- ۱۳۹..... from ,since ، for-۱۵-۱۴ (زمان)
- ۱۴۰..... at the moment ,currently ,now ، in-۱۶-۱۴
- ۱۴۱..... within ,inside ، in-۱۷-۱۴ (موقعیت)
- ۱۴۲..... with و of (ماده، روش، توافق) -۱۸-۱۴
- ۱۴۳..... ۱۵ طول جمله، مختصر، وضوح، و ابهام.....
- ۱۴۳..... ۱-۱۵ حداکثر دو ایده در هر جمله.....
- ۱۴۴..... ۲-۱۵ قرار دادن اطلاعات در ترتیب زمانی، مخصوصاً در بخش روش ها.....
- ۱۴۴..... ۳-۱۵ اجتناب از عبارت های پرانتزی.....
- ۱۴۵..... ۴-۱۵ اجتناب از حشو.....
- ۱۴۶..... ۵-۱۵ ترجیح افعال به اسامی.....
- ۱۴۶..... ۶-۱۵ استفاده از صفت ها به جای اسم ها.....
- ۱۴۷..... ۷-۱۵ احتیاط در مورد استفاده از ضمائر شخصی: they ,she ,he ,one ,you.....

- ۱۵-۸- استفاده ضروری و غیرضروری از: we, us, our..... ۱۴۸
- ۱۵-۹- اجتناب از کلمات و اختصارات غیررسمی ۱۴۹
- ۱۵-۱۰- do / does مؤکد، تأکید کردن با افعال کمکی ۱۵۰
- ۱۵-۱۱- حصول اطمینان از ثبات در سراسر یک پیش‌نویس ۱۵۱
- ۱۵-۱۲- مفاهیم ترجمه که تنها در کشور / زبان شما وجود دارد..... ۱۵۲
- ۱۵-۱۳- همیشه از کلمات کلیدی مشابه استفاده کنید: تکرار کلمات مشکلی نیست ۱۵۳
- ۱۵-۱۴- اجتناب از ابهام زمانی که از the former / the latter, which, و ضمائر استفاده می‌شود..... ۱۵۴
- ۱۵-۱۵- اجتناب از ابهام زمانی که از as, in accordance with, according to استفاده می‌شود ۱۵۵
- ۱۵-۱۶- زمانی که یک مفهوم منفی با استفاده از نفی بیان می‌شود ۱۵۶
- ۱۶ ترتیب کلمه: اسم‌ها و فعل‌ها ۱۵۷
- ۱۶-۱- فاعل را تا جایی که ممکن است قبل از فعل و در ابتدای عبارت قرار دهید ۱۵۷
- ۱۶-۲- تصمیم بگیرید که چه چیزی اول در جمله قرار می‌گیرد: جایگزین‌ها..... ۱۵۷
- ۱۶-۳- فاعل را به تأخیر نیندازید..... ۱۵۸
- ۱۶-۴- اجتناب از فاعل‌های طولانی که فعل اصلی را به تأخیر می‌اندازند ۱۵۹
- ۱۶-۵- وارونگی فاعل و فعل..... ۱۶۰
- ۱۶-۶- وارونگی فاعل و فعل همراه با only, rarely, seldom, و غیره ۱۶۱
- ۱۶-۷- وارونگی همراه با so, neither, nor ۱۶۲
- ۱۶-۸- قرار دادن مفعول مستقیم قبل از مفعول غیرمستقیم..... ۱۶۳
- ۱۶-۹- افعال چند قسمتی..... ۱۶۴
- ۱۶-۱۰- ساختارهای اسم + اسم و اسم + of + اسم ۱۶۵
- ۱۶-۱۱- رشته‌ای از اسامی: استفاده از حروف اضافه در جایی که امکان دارد ۱۶۶
- ۱۶-۱۲- تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام اسم ابتدا در رشته اسم‌ها قرار گیرد ۱۶۷
- ۱۶-۱۳- موقعیت حرف اضافه همراه با who, which, و where ۱۶۸
- ۱۷ ترتیب کلمه: قیدها ۱۶۹
- ۱۷-۱- قید تکرار + also, only, just, already ۱۶۹

- ۱۷-۲-احتمال..... ۱۷۰
- ۱۷-۳-روش..... ۱۷۰
- ۱۷-۴-زمان..... ۱۷۱
- ۱۷-۵-first(ly) ، second(ly)، و غیره..... ۱۷۱
- ۱۷-۶-قیدهایی با بیش از یک معنی..... ۱۷۲
- ۱۷-۷-انتقال کلمه نفی (no, not, nothing) و غیره) به نزدیکی ابتدای عبارت..... ۱۷۳
- ۱۸ ترتیب کلمه: صفت‌ها و قسمت‌های سوم فعل..... ۱۷۵
- ۱۸-۱-صفت‌ها..... ۱۷۵
- ۱۸-۲-صفت‌های چندگانه..... ۱۷۶
- ۱۸-۳-اطمینان از واضح بودن اینکه صفت به چه اسمی اشاره دارد..... ۱۷۷
- ۱۸-۴-قسمت‌های سوم فعل..... ۱۷۸
- ۱۹ صفت‌های مقایسه‌ای و عالی: -er، -est، حالت‌های بی‌قاعده..... ۱۷۹
- ۱۹-۱-حالت و کاربرد..... ۱۷۹
- ۱۹-۲-موقعیت..... ۱۸۰
- ۱۹-۳-مقایسه (نا)برابری..... ۱۸۱
- ۱۹-۴-the more ... the more..... ۱۸۱
- ۲۰ اندازه‌گیری‌ها: اختصارات، شاخص‌ها، استفاده از حروف تعریف..... ۱۸۳
- ۲۰-۱-مخفف‌ها و شاخص‌ها: قوانین کلی..... ۱۸۵
- ۲۰-۲-فاصله همراه با شاخص‌ها و مخفف‌ها..... ۱۸۶
- ۲۰-۳-استفاده از حرف تعریف: a / an در برابر the..... ۱۸۶
- ۲۰-۴-بیان اندازه‌گیری‌ها: صفت‌ها، اسم‌ها، و فعل‌ها..... ۱۸۷
- ۲۱ اعداد: حروفی در برابر عددی، جمع‌ها، استفاده از حروف تعریف، تاریخ‌ها، و غیره..... ۱۸۹
- ۲۱-۱-حروفی در برابر عددی: قوانین پایه..... ۱۸۹
- ۲۱-۲-حروفی در برابر عددی: قوانین اضافی..... ۱۹۰
- ۲۱-۳-زمانی که ۱-۱۰ می‌تواند به‌عنوان ارقام به‌جای حروف استفاده شود..... ۱۹۱

- ۲۱-۴- جمع بستن اعداد ۱۹۲
- ۲۱-۵- مفرد یا جمع به همراه اعداد ۱۹۳
- ۲۱-۶- مخفف‌ها، شاخص‌ها، درصدها، کسرهای و اعداد ترتیبی ۱۹۴
- ۲۱-۷- محدوده مقادیر و استفاده از خطوط ربط ۱۹۵
- ۲۱-۸- حرف تعریف معین (the) و حرف تعریف صفر همراه با اعداد و اندازه‌گیری‌ها ۱۹۶
- ۲۱-۹- حرف تعریف معین (the) و حرف تعریف صفر همراه با ماه‌ها، سال‌ها، دهه‌ها، و قرن‌ها ۱۹۷
- ۲۱-۱۰- twice ، once در برابر two times , one time ۱۹۷
- ۲۱-۱۱- اعداد ترتیبی، مخفف‌ها، و اعداد رومی ۱۹۸
- ۲۱-۱۲- تاریخ‌ها ۱۹۹
- ۲۲ علامت‌های اختصاری: کاربرد، گرامر، جمع‌ها، نقطه‌گذاری ۲۰۱
- ۲۲-۱- کاربرد اصلی ۲۰۱
- ۲۲-۲- علامت‌های اختصاری خارجی ۲۰۲
- ۲۲-۳- گرامر ۲۰۳
- ۲۲-۴- نقطه‌گذاری ۲۰۴
- ۲۳ مخفف‌ها و کلمات لاتین: کاربرد، معنی، نقطه‌گذاری ۲۰۵
- ۲۳-۱- کاربرد ۲۰۵
- ۲۳-۲- نقطه‌گذاری ۲۰۶
- ۲۳-۳- مخفف‌های موجود در کتاب‌شناسی‌ها ۲۰۷
- ۲۳-۴- اصطلاحات و مخفف‌های رایج لاتین ۲۰۹
- ۲۴ بزرگ‌نویسی حروف: سرتیترها، تاریخ‌ها، شکل‌ها، و غیره ۲۱۱
- ۲۴-۱- عنوان‌ها و سرتیترهای بخش ۲۱۱
- ۲۴-۲- روزها، ماه‌ها، کشورها، ملیت‌ها، زبان‌های طبیعی ۲۱۲
- ۲۴-۳- عناوین، درجات، موضوعات (برای درس)، دپارتمان‌ها، مؤسسه‌ها، دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها ۲۱۳
- ۲۴-۴- شکل، جدول، بخش، و غیره: گام، فاز، مرحله، و غیره ۲۱۴
- ۲۴-۵- کلمات کلیدی ۲۱۴

- ۲۴-۶- مخفف‌ها ۲۱۵
- ۲۴-۷- the internet , euro ۲۱۵
- ۲۵ نقطه‌گذاری: آپوستروف‌ها، دونقطه‌ها، ویرگول‌ها، و غیره ۲۱۷
- ۲۵-۱- آپوستروف (‘) ۲۱۷
- ۲۵-۲- دونقطه‌ها (:) ۲۱۸
- ۲۵-۳- ویرگول (,) : کاربرد ۲۱۹
- ۲۵-۴- ویرگول (,) : عدم کاربرد ۲۲۰
- ۲۵-۵- خط تیره (_) ۲۲۱
- ۲۵-۶- خط ربط (-) : بخش ۱ ۲۲۲
- ۲۵-۷- خط ربط (-) : بخش ۲ ۲۲۳
- ۲۵-۸- پرانتز () ۲۲۴
- ۲۵-۹- نقطه (.) ۲۲۵
- ۲۵-۱۰- علامت نقل قول (‘ ’) ۲۲۶
- ۲۵-۱۱- نقطه‌ویرگول (;) ۲۲۷
- ۲۵-۱۲- بولت: دایره، شماره، تیک ۲۲۸
- ۲۵-۱۳- بولت: ثبات و اجتناب از حشو ۲۲۹
- ۲۶ ارجاع به اسناد ۲۳۱
- ۲۶-۱- رایج‌ترین سبک‌ها ۲۳۱
- ۲۶-۲- خطرات رایج ۲۳۲
- ۲۶-۳- نقطه‌گذاری: ویرگول و نقطه‌ویرگول ۲۳۳
- ۲۶-۴- نقطه‌گذاری: پرانتز ۲۳۳
- ۲۶-۵- et al ۲۳۴
- ۲۷ شکل‌ها و جدول‌ها: ارجاع دادن، نوشتن زیرنویس و شرح ۲۳۵
- ۲۷-۱- شکل‌ها، جدول‌ها ۲۳۵
- ۲۷-۲- شرح ۲۳۶

- ۲۷-۳- ارجاع به بخش‌های دیگر پیش‌نویس..... ۲۳۷
- ۲۸ املاي کلمات: قوانین، US در برابر GB، غلط‌های املايي رایج..... ۲۳۹
- ۲۸-۱- قوانین..... ۲۳۹
- ۲۸-۲- برخی از تفاوت‌ها بین املاي انگلیسی (GB) و آمریکایی (US)، از نظر حروف چاپی..... ۲۴۱
- ۲۸-۳- برخی از تفاوت‌ها بین املاي انگلیسی (GB) و آمریکایی (US)، از نظر الفبایی..... ۲۴۲
- ۲۸-۴- غلط‌های املائي که نرم‌افزارهای بررسی‌کننده املاء آن‌ها را یافت نمی‌کنند..... ۲۴۳
- پیوست‌ها..... ۲۴۵
- پیوست ۱: فعل‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها + حروف اضافه..... ۲۴۵
- پیوست ۲: لغت‌نامه عبارات مورد استفاده در این کتاب..... ۲۵۳
- فهرست شاخص‌ها..... ۲۵۷

۱ اسم‌ها: جمع‌ها، قابل شمارش در برابر غیرقابل شمارش

۱-۱- جمع‌های با قاعده

۱- برای ساختن فرم جمع اکثر اسم‌های قابل شمارش (بخش ۱-۶) (شامل مخفف‌ها) به‌سادگی s و یا es در انتهای کلمه اضافه کنید.

۲- در ساختار اسم + **of** + اسم که در آن هر دو اسم یک ماهیت منفرد را بیان کنند، اسم اول جمع بسته می‌شود.

۳- صفت جمع بسته نمی‌شود.

۴- اسم‌هایی که به‌عنوان صفت استفاده می‌شوند، جمع بسته نمی‌شوند.

۵- اسمی که بعد از یک عدد (و یا یک عدد ضمنی) و به‌عنوان صفت آورده شود، به‌صورت مفرد استفاده می‌شود. به استفاده از حروف ربط توجه کنید (بخش ۲۵-۶).

۶- fold- که به‌عنوان پسوندی برای تعداد مشخصی از اجزاء یا دفعات استفاده می‌شود، دارای فرم جمع s- نمی‌باشد. به استفاده از حروف ربط توجه کنید (بخش ۲۵-۶).

	درست	نادرست
1	We tested the engines of three cars, two taxis, six trains, and four buses.	
2	Several points of view have been put forward in the literature.	Several point of views have been put forward in the literature.
3	We also analysed three other papers on this topic.	We also analysed three others papers on this topic.
4	Car production is rising, but car sales are falling. = The production of cars is rising but the sales of cars are falling.	Cars production is rising, but cars sales are falling.
5	I have a 24- year -old student helping me in the lab. = The student is 24 years old.	I have a 24- years -old student helping me in the lab.
5	This work is part of a three- phase study into psychotic behavior amongst TEFL teachers.	This work is part of a three- phases study into psychotic behavior amongst TEFL teachers.
5	This would require a multi- megabyte memory.	This would require multi megabytes memory.
6	The increase was 3-fold . = There was a 3-fold increase.	The increase was 3 folds . There was a 3 folds increase.

۲-۱- جمع‌های بی‌قاعده

۱- برخی اسم‌ها دارای فرم بی‌قاعده جمع هستند: children / child, men / man, women / woman, halves / half, teeth / tooth, feet / foot, lives / life, knives / knife.

۲- sheep و fish جمع بسته نمی‌شوند.

۳- جمع mouse (حیوان) mice است؛ اما برای دستگاه‌های کامپیوتری جمع آن mice است.

۴- data می‌تواند همراه مفرد یا جمع بیاید؛ در علوم حالت جمع بسیار رایج است. حالت مفرد datum, data است؛ اما data معمولاً در هر دو حالت مفرد و جمع استفاده می‌شود.

۵- datum/data مثالی از فرم مفرد و جمع در زبان لاتین می‌باشند؛ موارد مشابه دیگر به‌صورت زیر می‌باشند:

apex/apices, axis/axes, analysis/analyses, criterion/criteria, lemma/lemmata, optimum/optima, phenomenon/phenomena, vertex/vertices

	درست	نادرست
1	The patients consisted of three children , four adult men , and six adult women , all with persistent problems with their teeth .	The patients consisted of three childs , four adult mans , and six adult womans , all with persistent problems with their tooths .
2	This paper compares the relative brain powers of fish and sheep .	This paper compares the relative brain powers of fishes and sheeps .
3	All subjects were provided with PCs, monitors, headphones and mouses .	All subjects were provided with PCs, monitors, headphones and mice .
4	This data is / These data are inconsistent.	
5	This was true of the first analysis, but not of the other analyses .	This was true of the first analysis, but not of the other analysises .

۳-۱ - اسم‌هایی که به s- ختم می‌شوند

برخی اسم‌ها به s- ختم می‌شوند، که رفتار متفاوتی نسبت به این چنین کلمات اتخاذ می‌شود:

۱- کلماتی مانند economics, electronics, mathematics, physics, politics و statistics زمانی که موضوع یک مطالعه را بیان کنند، می‌بایست با فعل مفرد به کار روند (مانند is not are).

۲- اگر کلمات موجود در قانون ۱ موضوع یک مطالعه را بیان نکردند، معمولاً می‌بایست با فعل جمع به کار روند ولی می‌توان با فعل مفرد هم به کار روند؛ به جز electronics که با هر دو فعل مفرد و جمع می‌تواند استفاده شود.

۳- از means می‌توان برای فرم جمع mean استفاده کرد؛ اما اگر means به معنای "روش" باشد، به فرم مفرد به کار می‌رود، مثلاً: a means of transport.

۴- کلمه news (بخش ۱-۸) و همچنین کلمات پزشکی مانند diabetes, mumps, و pus غیرقابل شمارش هستند.

۵- اسم‌هایی که به is- ختم می‌شوند، فرم جمع آن‌ها به es- ختم می‌شود؛ مانند analysis/analyses, thesis/theses.

۶- کلمه species هم به صورت مفرد و هم به صورت جمع استفاده می‌شود.

	درست	نادرست
1	Economics is one of the most popular subjects amongst students in our university.	
2	Statistics is a distinct mathematical science, rather than a branch.	It is not clear where these statistics come from.
2	In this case the physics are Eulerian invariant.	If the physics is the same in central and peripheral collisions, then Eq. 1 yields ...
2	Competition is different in knowledgebased industries, because the economics are different.	Climate change is a subject of vital importance but one in which the economics is fairly young.
3	This means of transport is the fastest.	Prison is another means of controlling young offenders.
4	This news is not good.	
5	In my thesis I conducted an analysis of ...	In their theses they conducted several analyses of ...
6	Genome transplantation in bacteria: changing one species to another	These species are subdivided into serotypes.

۴-۱- اسم‌هایی که به گروهی از افراد اشاره می‌کنند

۱- برخی از اسامی که دارای فرم جمع هستند، اغلب به صورت مفرد استفاده می‌شوند اما با هر دو فعل جمع و مفرد. چنین اسم‌هایی در ارتباط با انسان‌ها هستند: army (navy, air force), audience, board, cabinet, council, government, senate, class (به عنوان گروهی از دانش‌آموزان), committee, company (firm, corporation), crew, department, faculty, family, jury, majority, media, minority, public, staff, و team. انتخاب فرم مفرد یا جمع آن‌ها به این بستگی دارد که افرادی که گروه را تشکیل دادند، به صورت انفرادی (معمولاً فعل جمع ارجحیت دارد) و یا به صورت یک واحد جمعی (معمولاً فعل مفرد ارجحیت دارد) عمل کرده باشند.

۲- کلمه people به فرم جمع نیازمند است. persons اغلب به عنوان فرم رسمی تر people استفاده می‌شود. از people زمانی که بخواهیم در حالت کلی به مردم اشاره کنیم، استفاده می‌شود.

۳- کلمه police به همراه فعل جمع استفاده می‌شود.

	درست	نادرست
1	The class is made up of 15 students.	The class are made up of 15 students.
1	The board of examiners is / are authorized to make decisions regarding ...	The board of examiners are a statutory body established by the department.
2	Under pressure, many people admit that they believe in ghosts.	Under pressure, much people admits that they believe in ghosts.
2	Title: Prevention of heart disease in older persons	
	Title: A hypnotherapy treatment for persons prone to criminal activities	
2	Title: Job satisfaction – How do people feel about their jobs?	Title: Job satisfaction – How do persons feel about their jobs?
3	The police are often perceived as being racist.	The police is often perceived as being racist.

۵-۱ - توافق اسم-فعل

۱- معمولاً اسمی که در مجاورت فعل است، تعیین می‌کند که آیا فعل به حالت مفرد باشد یا جمع. مثال: The majority of books have now been digitized by Google. در این مثال دو اسم (majority و books) وجود دارد اما books به فعل نزدیک‌تر است (have been digitized).

۲- کلمه a number of نیازمند به فعل جمع می‌باشد؛ در حالی که کلمه the number of نیازمند به فعل مفرد می‌باشد.

۳- کلمات a set of و یا a series of نیازمند به فعل مفرد می‌باشند.

۴- فعل قبل از more than one به صورت مفرد می‌باشد.

	درست	نادرست
1	Around 40% of the funds have been deposited.	Around 40% of the funds has been deposited.
1	The majority of those interviewed were African Americans.	The majority of those interviewed was African Americans.
1	Only a quarter of these men are still alive.	Only a quarter of all these men is still alive.
2	A number of papers have highlighted this major difference.	A number of papers has highlighted this major difference.
2	The number of papers being published on this topic has increased.	The number of papers being published on this topic have increased.
3	A set of three parameters is obtained.	A set of three parameters are obtained.
3	A series of four experiments was performed.	A series of four experiments were performed.
4	This happens when there is more than one possible answer.	This happens when there are more than one possible answer.

۶-۱- اسم‌های قابل شمارش: استفاده با حروف تعریف

اسم قابل شمارش چیزی است که می‌توانید آن را بشمارید: 30 books, many manuscript, 100 apples, several PCs.

۱- قبل از اسم قابل شمارش مفرد، می‌بایست حرف تعریف قرار دهید (a/an و the). برای استثنای بخش ۱-۷-۴ را ببینید.

۲- اگر در مورد چیزی به صورت کلی صحبت شود، نمی‌بایست از the به همراه اسامی جمع استفاده کرد.

۳- مخفف‌های علمی/تکنیکی (فصل ۲۲) که حرف آخر آن‌ها برای یک اسم قابل شمارش است، مانند دیگر اسم‌های قابل شمارش رفتار می‌کنند. بنابراین آن‌ها زمانی که به صورت مفرد استفاده شوند نیاز به حرف تعریف دارند، و زمانی که به صورت جمع استفاده شوند به s- نیاز دارند (بخش ۲۲-۳).

۴- بعد از as و in، اسامی مفرد قابل شمارش بدون هرگونه حرف تعریف استفاده می‌شود.

	درست	نادرست
1	A book is still an excellent source of information.	Book is still an excellent source of information.
1	The book that I am reading is about ...	Book that I am reading is about ...
1	This acts as an alternative	This acts as alternative
1	When I was a student .	When I was student .
1	You cannot leave the country without a passport .	You cannot leave country without passport .
2	Funds are essential for research.	The funds are essential for research.
2	Throughout the world, full professors tend to earn more than researchers .	Throughout the world, the full professors tend to earn more than the researchers .
3	Access requires a PIN (personal identification number).	Access requires PIN (personal identification number).
3	The number of purchases of CDs is only 1% of what is was 25 years ago.	The number of purchases of CD is only 1% of what is was 25 years ago.
4	We used a 5-kR resistor placed in series .	We used a 5-kR resistor placed in a series .
4	All non dummy variables are in log form .	All non dummy variables are in a log form .
4	We used X as input , and Y as output .	We used X as an input, and Y as an output .

۷-۱- اسم‌های قابل شمارش مفرد: استفاده با و بدون a/an در انگلیسی علمی

۱- برخی اسامی مفرد قابل شمارش می‌توانند با یا بدون حرف تعریف استفاده شوند. قاعده مشخصی برای آن‌ها وجود ندارد، و به نظر می‌رسد که استفاده از آن‌ها از قانون به قانون و از نویسنده به نویسنده متفاوت است.

۲- اگر اسمی بعد از of بیاید (به عنوان مثال، برای افزودن جزئیات بیشتر)، آنگاه این اسم قبل از a/an می‌آید.

۳- برخی اسامی مفرد قابل شمارش، زمانی که به روشی بسیار عمومی استفاده شوند، بدون حرف تعریف استفاده می‌شوند.

۴- زمانی که قبل از by قرار گیرد، وسایل حمل و نقل بدون a/an استفاده می‌شوند؛ اصطلاحات زمانی خاص هنگامی که با حرف اضافه باشند، به a/an نیازمند نمی‌باشند.

	همراه با a/an	بدون a/an
1	It is stored in a compact form .	It is stored in compact form .
1	As these parameters are fixed, a grammar is determined, what we call a "core grammar" .	We call this kind of abstraction "aggregation" .
1	These were obtained by using 3-chloro-1-propanol as the internal standard .	These fats were used as internal standard .
1	An analysis of the data showed that ...	Analysis of the data showed that ...
1	... with a probability of 0.25.	... with probability 0.25.
1	The software is used under a license from IBM.	The software is used under license from IBM.
2	This analysis indicated that the number of strata could be reduced considerably without a loss in the precision of the values found.	This analysis indicated that the number of strata could be reduced considerably without loss of precision and without loss of generality.
2	The guinea-pigs were housed singly or in pairs at a room temperature of 20–22°C.	The samples were stored at room temperature .
2	This was followed by etching in an aqueous solution of phosphoric acid and chromic acid.	We examined the reaction between methylchloride and chloride ion in the gas phase and in aqueous solution using techniques based on ...
3	Their new perfume depicts a strawberry on the label.	Their new perfume smells of strawberry .
4	They rented a car to travel through India.	They traveled through India by car . They drove by night . They discovered that it often rains in India in [the] summer .

۸-۱- اسم‌های غیرقابل شمارش: قانون‌های کلی

اسامی مرتبط با مواد شیمیایی، گازها، فلزات، و مصالح اسامی غیرقابل شمارش هستند. همچنین پرکاربردترین اسامی غیرقابل شمارش به قرار زیر هستند:

access, accommodation, advertising, advice*, agriculture (and other subjects of study), capital, cancer (and other diseases and illnesses), consent, electricity (and other intangibles), English (and other languages), equipment*, evidence*, expertise, feedback, functionality, furniture*, gold* (and other metals), hardware, health, industry, inflation, information*, intelligence, luck, knowhow, luggage*, machinery*, money, news, oxygen (and other gases), personnel, poverty, progress, research, safety, security, software, staff, storage, traffic, training, transport, waste, wealth, welfare, wildlife.

اسامی غیرقابل شمارش لیست‌شده در بالا که علامت ستاره دارند، می‌توانند با a piece of استفاده شوند. این بدان معنی است که می‌توانند با one, two, a/an, و به همین ترتیب استفاده شوند. به‌عنوان مثال: a piece of advice, two pieces of equipment, one piece of information.

اسامی غیرقابل شمارش نمی‌توانند:

۱- جمع بسته شوند، یعنی شما نمی‌توانید 's' را در انتهای کلمه قرار دهید؛ این بدان معنی است که آن‌ها همراه با افعال جمع استفاده نمی‌شوند (مانند are, have).

۲- بعد از این کلمات بیایند: a, an, one, many, few, several, these (مانند کلماتی که به نوعی بیان می‌کنند که تعداد مشخصی از موارد درگیر هستند).

	درست	نادرست
1	This information is confidential.	These informations are confidential.
1	Feedback from users on usage of the software has shown that ...	Feedbacks from users on usage of the software have shown that ...
1	The news is good – our manuscript has been accepted.	The news are good – our manuscript has been accepted.
2	We need several new pieces new equipment and [some] new software .	We need several new equipments and a new software .
2	Our institute only has a little money available for funding.	Our institute only has few money available for funding.
2	We have not done much research in this area.	We have not done many researches in this area.
2	Written consent was obtained from all patients.	A written consent was obtained from all patients.
2	She has expertise in this field.	She has an expertise in this field.

۹-۱- اسمی غیرقابل شمارش: استفاده از کلمات یا فرم‌های متفاوت

۱- برای بیان فرم جمع برخی کلمات غیرقابل شمارش، بعضی اوقات نیازمند به انتخاب کلمه دیگری می‌باشیم.

۲- در موارد دیگر، نیازمند به قرار دادن اسم غیرقابل شمارش در حالت صفت قبل از اسم دیگری می‌باشیم.

	درست	نادرست
1	She is an expert in many areas.	She has expertises in many areas.
1	The features of this application are outstanding.	The functionalities of this application are outstanding.
1	The functionality of this application is outstanding.	Note: Although theoretically uncountable, <i>functionalities</i> is gaining acceptance.
1	They have a new advertisement on TV.	They have a new advertising on TV.
1	I have done several jobs both in industry and research.	I have done several works both in industry and research.
1	They work in research and also for a manufacturing company .	They work in research and also for an industry .
1/2	We need a program / an app .	We need a software .
	We need a software application .	
2	We have a training course tomorrow.	We have a training tomorrow.

۱-۱۰- اسامی غیرقابل شمارش: جزئیات بیش تر

۱- برخی اسامی هم قابل شمارش و هم غیرقابل شمارش هستند، اما با معانی متفاوت.

۲- برخی اسامی هم در فرم مفرد خود و هم در فرم جمع خود استفاده می شوند، بدون هیچ گونه تفاوت در معنا.

۳- برخی اسامی غیرقابل شمارش هنگامی که قبل از صفت قرار گیرند، می توانند به روش قابل شمارش استفاده شوند.

	فرم قابل شمارش / جمع	فرم غیرقابل شمارش
1	She has a coffee (i.e. a cup of coffee) and reads a paper (i.e. a newspaper) every day. She has just finished another paper (i.e. a manuscript)	Paper and coffee are becoming expensive commodities.
1	The occurrence and fate of medicines in the environment – i.e. how they are absorbed into the water and soil systems – has rarely been investigated.	The role of traditional medicine is being undermined by alternative medicine .
1	The company has been awarded damages (i.e. compensation) as a result of the lawsuit.	The explosion caused considerable damage to the machine.
1	The conference was a waste of time .	Dealing with waste is a major problem in the West.
1	The field of the cultural heritage investigates ways of preserving works of art.	This work (i.e. this research, manuscript) is worth publishing.
2	These data are fascinating.	This data is fascinating.
2	Some autistic children exhibit behaviors that are potentially ...	Teenagers often exhibit behavior that is annoying for adults.
2	Several devices were tested and their performances were evaluated.	Several devices were tested and their performance was evaluated.
3	She has a good knowledge of English.	This does not imply prior knowledge of ...

۲ Genitive: حالت مالکیت اسم‌ها

قوانین موجود برای زمان استفاده از 's به منظور اشاره به مالکیت، واضح نبوده و اغلب متناقض هستند. حتی افراد بومی نیز با یکدیگر در تناقض هستند، هرچند اکثراً به طور مستقیم می‌دانند که چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است.

قانون عمومی انگلیسی به این صورت است که می‌بایست تنها حالت مالکیت با موارد زیر استفاده شود:

- مردم، شرکت‌ها، مؤسسه‌ها، و غیره (به عنوان مثال، Smith's book, Apple's profits, IMT's staff)
- حیوانات (به عنوان مثال، the dog's bone)
- در اصطلاحات زمانی مشخص (به عنوان مثال، in three years' time)

اگر مطمئن نیستید که از حالت مالکیت استفاده کنید یا خیر، ابتدا ببینید که می‌توانید مثال‌های مشابهی را با استفاده از گوگل اسکالر (Google Scholar) بیابید یا خیر. اگر هنوز هم مطمئن نیستید، آنگاه از این فرمول استفاده کنید: اسم + of + اسم (به عنوان مثال، the assets of the company به جای the company's assets)

در هر صورت، اگر از حالت مالکیت به خوبی استفاده نکنید، این امر به ندرت مشکل جدی‌ای را ایجاد می‌کند. این بخش در جایی که قوانین بالا حاکم است، به تفصیل شرح داده می‌شود؛ با این حال، به برخی از قوانین در پیش‌نویس‌های پژوهشی احترام گذاشته نمی‌شود.

۲-۱- جایگاه 's همراه با نویسندگان و داوران

۱- 's بعد از آخرین حرف نویسنده (یا اسم، کشور، و غیره) قرار می‌گیرد. توجه کنید که از the قبل از اسم نویسنده استفاده نکنید.

۲- حتی اگر حرف آخر نام نویسنده s باشد، آنگاه باز هم 's قرار می‌گیرد. استثناها: نام‌های خانوادگی غیرانگلیسی که به s- بی‌صدا ختم می‌شوند (به‌عنوان مثال، Camus' first novel, Descartes' meditations).

۳- زمانی که مقاله توسط دو نویسنده به‌طور مشترک نوشته شده است، تنها 's بعد از آخرین اسم و یا بعد از et al می‌آید. قانون مشابهی برای اسامی ترکیبی اعمال می‌شود (به‌عنوان مثال، his mother-in-law's house).

۴- اگر دو مقاله توسط دو نویسنده به‌صورت مجزا نوشته شده است، آنگاه 's می‌بایست برای هر دو نویسنده استفاده شود.

۵- اگر اسم به‌صورت جمع باشد (به‌عنوان مثال، editors, those authors, referees)، آنگاه تنها یک آپوستروف (بدون s) بعد از s جمع قرار می‌گیرد.

۶- زمانی که داور توسط عدد مورد ارجاع قرار می‌گیرد، آنگاه بعد از عدد، 's قرار می‌گیرد.

	درست	نادرست
1	Simpson's paper is an excellent introduction to the topic.	The Simpson's / Simpson paper is an excellent introduction to the topic.
1	We have answered the referee's questions	We have answered the referee questions.
1	there is just one referee involved	
1	I have just received the editor's decision along with the committee's report.	I have just received the editor decision along with the committee report.
2	Jones's seminal paper.	Jones' seminal paper.
3	Smith and Simpson's paper.	Smith's and Simpson's paper.
3	Smith et al's paper.	Smith's et al paper.
4	Smith's paper and Li's paper take two very different positions.	Smith and Li's paper take two very different positions.
5	It is each applicant's responsibility to ensure that the three Referees' Reports are submitted by ...	It is each applicants' responsibility to ensure that the three Referee's Reports are submitted by ...
6	We have answered the three referees' questions, and specifically, we have added a new section as per Referee 1's request.	We have answered the three referees' questions, and specifically, we have added a new section as per Referee's 1 request.

۲-۲- تثوری‌ها، ابزارها، و غیره.

۱- از 's + the + name of person استفاده نکنید.

۲- the + name of person + noun: این ساختار می‌تواند به جای حالت مالکیت استفاده شود، بدون هیچ‌گونه تغییر معنایی. این ساختار بسیار رسمی است و تنها توسط دانشمندان مشهور استفاده می‌شود. این بدان معنا است که شما نمی‌توانید بنویسید ~~the Adrian Wallwork theory of writing~~، چرا که Adrian Wallwork (نویسنده این کتاب) آن‌چنان مشهور نیست!

۳- name of person + 's + noun: تمرکز معمولاً بیش‌تر روی دانشمند است (اما قانون ۵ را ببینید). ما درباره مفهوم اصلی آن‌ها، زندگی آن‌ها، و غیره صحبت می‌کنیم.

۴- name of person (used adjectivally) + noun: زمانی که تمرکز به‌طور عمده بر روی روش ابداع‌شده توسط یک دانشمند باشد، تا اینکه تمرکز بر روی خود دانشمند.

	حالت مالکیت	بدون حالت مالکیت
1	Adrian Wallwork's manual on writing. The Adrian Wallwork's manual on writing.	
2	As predicted by Newton's theory of gravity, Mercury's orbit is elliptical.	The Newton Theory of Gravity states that ...
2	The premise of Darwin's theory of evolution is that ...	This work was inspired by the Darwin Theory of Evolution.
3,4	Fourier's analysis of linear inequality systems highlights that he placed more importance on ...	We used Fourier analysis to evaluate the ...
3,4	Turing's machine was designed to be an idealized model of a human computer.	We may think of a Turing machine as a ...
3,4	George Boole's father was a tradesman who gave his son his first lessons in logic and mathematics.	Boolean algebra is a logical calculus of ...

۲-۲- تئوری‌ها، ابزارها، و غیره. (ادامه).

۵- در موارد یکسان، حالت مالکیت حتی زمانی که تمرکز روی چگونگی استفاده تئوری و یا آزمایش دانشمند توسط نویسنده باشد نیز استفاده می‌شود، تا به جای اینکه تمرکز روی خود دانشمند صورت گیرد. توجه کنید که ساختار $a + \text{name of person} + \text{noun}$ زمانی به کار می‌رود که ارجاع به قطعه‌هایی از تجهیزات و غیره صورت گرفته باشد.

۶- زمانی که قانون، تئوری، و غیره توسط بیش از یک دانشمند ابداع شده باشد، آنگاه 's تنها بعد از اسم آخرین دانشمند می‌آید. قانون ۲ می‌تواند همچنین در چنین مواردی به کار رود.

۷- در برخی موارد که در آن دو دانشمند نقش دارند، ساختار داده شده در قانون ۲ ترجیح داده می‌شود.

	حالت مالکیت	بدون حالت مالکیت
5	One-way ANOVA with Tukey's post hoc test for individual treatment differences was used for statistical analysis.	A Tukey post hoc test was used to compare the four groups.
6	Beer-Lambert's law has often been used to model canopy transmittance.	The Beer-Lambert law has often been used to model canopy transmittance.
7		In this paper the KolmogorovSmirnov statistical test for the analysis of histograms is presented.

۳-۲- شرکت‌ها و سیاستمداران

قانون ۲ و ۳ در بخش ۲-۲ برای شرکت‌ها و سیاستمداران نیز به کار می‌رود.

	حالت مالکیت	بدون حالت مالکیت
2,3	Nike's decision to raise the prices of their shoes is in direct contrast to Camper's decision to lower their prices.	The survey found that typical consumers had, over the 12-month period, bought at least two Nike products and one Apple i -phone or <i>i</i> -pad.
	Nike is seen here as a group of managers within a company.	Nike and Apple are used like adjectives to describe a product, the two companies are not being seen in terms of their managers.
2,3	Obama's administration was initially much more popular than Bush's or Clinton's.	The Obama tried to block Alabama's new administration immigration laws.
	Focus on the president contrasted with other presidents.	Focus on all the people who worked for Obama seen as a whole.

۲-۴- دانشگاه‌ها، دپارتمان‌ها، مؤسسه‌ها، و غیره

- ۱- برای افراد با موقعیت‌های بالا در ارتباط با دانشگاه‌ها و غیره این تمایل وجود دارد که بدون استفاده از حالت مالکیت نوشته شوند.
- ۲- از the + university + of + town در موقعیت‌های رسمی (به‌عنوان مثال، در بروشورها، در وبسایت‌ها، در مقالات، در سندهای رسمی) استفاده می‌شود.
- ۳- از town + university زمانی که ما مواردی را از نقطه‌نظر دانشجو می‌بینیم، استفاده می‌شود. این ساختار کم‌تر رسمی است، اما در هر صورت می‌تواند همیشه با ساختار داده‌شده در قانون ۲ جابه‌جا شود.

	درست	غیرمعمول (۱و۲)، نادرست (۳)
1	The Chancellor of the University of Cambridge is meeting the Rector of the University of Coimbra .	The University of Cambridge's chancellor is meeting the University of Coimbra's Rector .
2	The University of Bologna is the oldest university in the world.	Bologna University is the oldest university in the world.
3	I studied at Bologna University / the University of Bologna .	I studied at Bologna's University .

۲-۵- حیوانات

- ۱- از 's زمانی که به بخش‌هایی از بدن حیوان زنده اشاره می‌شود، استفاده می‌گردد.
- ۲- از 's زمانی که به محصولات حیوان زنده اشاره می‌شود، استفاده می‌گردد.
- ۳- از 's برای بخش‌های بدن و یا محصولات حیوان مرده استفاده نمی‌شود.

	درست	نادرست
1	The temporal lobes of the monkey's brain .	The temporal lobes of the monkey brain .
2	We used ewe's milk rather than cow's milk .	We used ewe milk rather than cow milk .
2	Lamb's wool is ideal for this kind of outdoor clothing.	Lamb wool is ideal for this kind of outdoor clothing.
3	Collagen can be obtained from calf skin or rat skin .	Collagen can be obtained from calf's skin or rat's skin .
3	In some parts of the world they eat monkey brain .	In some parts of the world they eat monkey's brain .

۲-۶- حالت مالکیت همراه با اشیای بی جان

حالت مالکیت معمولاً همراه با موارد غیرانسانی استفاده نمی‌شود، به غیر از دسته‌بندی‌هایی که در زیرمجموعه‌های قبلی بیان شدند (شرکت‌ها، کشورها، شهرها، سیاره‌ها). با این حال در برخی موارد -برای مواردی که هیچ قانونی وجود ندارد- حالت مالکیت همراه با اشیای بی جان استفاده می‌شود. کاربرد آن از نظامی به نظام دیگر متفاوت است، و ممکن است قوانین معمول گرامر انگلیسی را نقض نماید. در اغلب موارد نیز ساختار the + noun + of + the + noun می‌تواند استفاده شود. بنابراین اگر مطمئن نیستید، از ساختار of استفاده کنید. همچنین بخش‌های ۱۶-۱۰ و ۱۶-۱۱ را ببینید.

درست (اما تنها در برخی موارد)	درست (تقریباً همیشه صحیح است)
The brain's role is crucial.	The role of the brain is crucial.
The network's task is to converge to a particular output.	The tasks of the network is to converge to a particular output.
An understanding of malaria's effects on the region's inhabitants is vital.	An understanding of the effects of malaria on the region's inhabitants is vital.
The circle's radius.	The radius of the circle .
The approximate time of the plane's arrival was calculated.	The approximate time of the arrival of the plane was calculated.
The flat's occupants were all arrested.	The occupants of the flat were all arrested.

۲-۷- دوره‌های زمانی

۱- حالت مالکیت زمانی استفاده می‌شود که یک دوره زمانی به صورت صفت استفاده شود.

۲- حالت مالکیت زمانی که دوره‌های زمانی بعد از a / the بیایند، استفاده نمی‌شود. توجه نمایید که اسم اول در ساختار noun + noun به فرم مفرد می‌باشد. این بدان علت است که اسم اول به عنوان صفت برای توصیف اسم دوم عمل می‌کند.

	درست	نادرست
1	I'm taking three weeks' vacation next month. = three weeks of vacation	I'm taking three weeks vacation next month.
2	He's on a 3- week vacation. He's on a three- week vacation.	He's on a three weeks' vacation. He's on a three weeks vacation.

۳ حرف تعریف نامعین: a/an

۳-۱ a در برابر an: قانون‌های اساسی

a قبل از موارد زیر استفاده می‌شود:

۱- تمام حروف بی‌صدا (اما قانون شماره ۸ در زیر را ببینید)؛

۲- U زمانی که لحن مشابه با you است (مانند، unique, university)؛

۳- Eu (اما نه در مخفف‌ها)؛

۴- one؛

۵- H، به‌جز برای کلماتی که در قانون ۸ در زیر لیست شده‌اند؛

an قبل از موارد زیر استفاده می‌شود:

۶- A, e (اما نه eu) و i, o؛

۷- U زمانی که لحن مشابه با u در understanding و unpredictable می‌باشد؛

۸- Hour, honest, honor, و مشتقات آن‌ها، و herb / herbicide (انگلیسی آمریکایی). an قبل کلمات دیگری که

با H آغاز می‌شوند استفاده نمی‌شود، مگر اینکه H در مخفف ظاهر شود. توجه: هر دوی a و an معمولاً قبل از historical استفاده می‌شوند.

	A	AN
1,6	a Sony laptop, a Vodafone application	an Apple laptop, an Orange telephone
2,7	a universal law	an undisputed argument
3	a European project	an EU project
4	a one-off payment, a one-day trial	
5,8	a hierarchy, a Hewlett Packard computer	an hour, an HP computer

۳-۲- a در برابر an: مورد استفاده همراه با مخفف‌ها، عددها، و نمادها

۱- از a قبل از حرف‌های روبرو در مخفف‌ها استفاده می‌شود: Z, Y, W, V, U, T, Q, P, K, J, G, D, C, B.

۲- از an قبل از حرف‌های روبرو در مخفف‌ها استفاده می‌شود: X, S, R, O, N, M, L, I, H, E, A.

۳- برخی اوقات مخفف‌ها به صورت کلمات (مانند UNICEF, PIN, URL, NATO) خوانده می‌شوند تا حروف به حروف (مانند EU, UN, US). اگر آن‌ها به صورت کلمات خوانده شوند آنگاه قوانین عادی برای a / an اعمال می‌شود. اگر به صورت حروف خوانده شوند، آنگاه قوانین ۱ و ۲ اعمال می‌شوند.

۴- زمانی که بین a یا an قبل از یک عدد نوشته شده در جدول‌ها بخواهیم تصمیم‌گیری کنیم (مانند a 100 kilowatt battery) کلمه را با صدای بلند در ذهن خود خوانده و قوانین عادی را دنبال می‌کنیم (مانند a one hundred kilowatt battery) از قانون ۴ در زیرمجموعه قبل و an eight kilowatt battery از قانون ۷ پیروی می‌کند).

۵- اگر قبل از نمادها و کلمات یونانی بخواهیم تصمیم‌گیری کنیم که آیا کلمه‌ای که نماد یا حرف آن را بیان می‌کند با a و یا an استفاده می‌شود یا خیر، از قوانین زیرمجموعه قبل استفاده می‌کنیم.

	A	AN
1,2	a US soldier, a VIP lounge, a YMCA hostel	an IBM machine, an MTV program, an SOS signal
3	a USB, a NATO officer	an url, an NLP course
4	a 1 GB disc, a 10 GB disc, a 12 GB disc	an 8 GB disc, an 11 GB disc, an 18 GB disc
5	a # (a hash)	an \sum (an epsilon)
	a % (a percentage)	an * (an asterisk)

۳-۳ a / an در برابر one

one یک عدد است (one, two, three). زمانی از one به جای a / an استفاده کنید که:

۱- زمانی که تعیین کردن عدد مهم می باشد.

۲- قبل از another.

۳- قبل از way زمانی که قبل از صفت قرار گیرد.

۴- در اصطلاحات به این نوع: one day next week.

	ONE	A / AN
1	We need one manual, not two manuals.	We need a manual, not just any type of document.
1	Unfortunately, there is only one solution in such cases – surgical intervention.	In this paper we present an innovative solution to the three-bus problem.
1		This parameter has a unique value.
1	If you make even one mistake with Prof Syko, she will fail you.	If you make a mistake with Prof Normo, it's not a problem – he's really relaxed.
1	We conducted one experiment in which students had to memorize 100 words in English, and another in which they had to remember 200 words.	We conducted an experiment in which students had to memorize 100 words in English. This was the only experiment we conducted and it proved that ...
2	We went from one town to another .	The conference is in a town near Istanbul.
3	One way to do this is to ...	A novel way to do this is ...
4	We could have the meeting one day next month.	A good day to meet would be next Tuesday.

۳-۴ a / an در برابر the: عام در برابر خاص

۱- از a / an در اولین باری که چیزی را بیان می‌کنید، استفاده کنید.

۲- از the در مواقع بعدی استفاده کنید (مثلاً زمانی که خواننده/شنونده کاملاً می‌داند که شما در مورد چه چیزی صحبت می‌کنید).

۳- از a / an برای اشاره عام به چیزی، و از the برای اشاره خاص به چیزی و یا چیزی که خواننده کاملاً با آن آشناست استفاده کنید.

	A / AN	THE
1,2	The only thing you can take into the examination tomorrow is a dictionary .	The only thing you can take into the examination is a dictionary. The dictionary you choose can either be mono- or bi-lingual.
1,2	This paper presents a new system for modeling 4D maps.	This paper presents a new system for modeling 4D maps. The system is based on ...
1,2	I don't have a computer at home.	I have a computer at home and at work. The computer that I have in my office is a Mac and the one at home is an HP.
1,2	ABSTRACT In this work, we make an attempt to test the efficiency of ...	RESULTS In this work, the attempt to assess the relative efficiency of the tested methods was carried out on two levels.
3	A comparison of our data with those in the literature indicates that ...	The comparison given in Sect. 2.1 highlights that ...
3	We are now in a position to apply Theorem 13.	The diagram indicates the position of each piece of equipment.
3	Contrary to what is currently thought, there is a growing demand for experts in this field.	We need to satisfy the growing demand for experts in this field, which looks set to increase even further.
3	This is a first step towards combatting terrorism in that area. We cannot be sure of the outcome ...	This is the first step towards combatting terrorism in that area. The second step is to ...

۳-۵ - a / an در برابر the: تعریف‌ها و بیان‌ها

۱- از a / an زمانی که در مورد یک مثال و یا یک مجموعه صحبت می‌کنید، استفاده کنید (مثلاً، بخشی از مردم یا اشیاء با ویژگی‌های مشابه). در چنین مواردی a به معنای any می‌باشد (بخش‌های ۲-۶ و ۳-۶).

۲- از the برای تعمیم دادن در مورد مجموعه کاملی از اجزاء در کلاس استفاده کنید. در چنین مواردی the به معنای all the می‌باشد.

۳- از a / an در تعاریف استفاده کنید.

۴- از the برای ساختن بیانات کلی در مورد برخی از اشیاء استفاده کنید.

	A / AN	THE
1,2	A camel (= <i>any camel</i>) can go for days or even months without water because, unlike other animals, camels retain urea and do not start sweating until their body temperatures.	The panda (= <i>all the pandas in the world</i>) is in danger of becoming extinct.
3,4	A computer is an electronic device for storing and processing data.	The computer has changed the way we live.

۳-۶- the, a / an, ضمیر ملکی: بخش‌های بدن

۱- در تعاریف از a / an قبل از اندام‌های خارجی، و از the قبل از اندام‌های داخلی استفاده می‌شود. his, her و their بسیار غیررسمی هستند.

۲- از a / an برای بیانات عام، و از the برای موارد خاص استفاده می‌شود. تنها his و her زمانی که بخش بدن به‌طور خاص به‌ترتیب متعلق به مرد یا زن باشد، استفاده می‌شود.

۳- a / an زمانی که شخص یا حیوان بیش از یک بخش خاص از بدن دارند، و از the زمانی که بخشی از بدن عضوی منحصر بفرد باشد، استفاده می‌شود.

۴- اگر شخص یا حیوان دارای چندین بخش مشابه در بدن باشند و شما به یک بخش منفرد از این بخش‌ها اشاره کنید، از a / an استفاده می‌شود. اگر به تمامی آن‌ها اشاره کنید، از the استفاده می‌شود.

۵- the زمانی استفاده می‌شود که شخصی دارای چیزی وارده بر خود باشد، یا زمانی که به بخشی از بدن تمرکز می‌شود تا بر این حقیقت که این بخش از بدن متعلق به شخصی است.

	A / AN	THE	HIS / HER / THEIR
1	A beard is the growth of hair on the face of an adult male.	The heart is the most important muscle of the human body.	Your heart is about the same size as your fist and weighs a little less than two baseballs.
2	The patient had camouflaged his abnormal neck appearance with a beard .	The average length of the long guard hairs of the goat near the front of the beard was measured.	Employees cannot be fired in cases where the employee refuses to shave his beard .
3	The patient, a male aged 24, had burned an arm .	The patient complained of discomfort in the back .	The patient complained of discomfort in his back . He had also burned his left arm .
4	When hexanol is placed on the antennae of an insect, the insect cleans itself. When it is held close to an antenna , the insect normally turns away.	Dust that might entangle the antennae of the parasites was removed with a small brush.	The male mounted the female and aligned himself along the axis of her body , and tried to place his antennae between those of the female.
5	We managed to relieve a patient of a pain in a leg that had been amputated several years before.	The bullet hit him in the arm . He was hit in the arm .	In the second year of her illness, the patient developed stiffness in her arm .

۴ حرف تعریف معین: the

۴-۱- حرف تعریف معین (the): استفاده اصلی

استفاده بنیادی از the برای اشاره به چیز خاصی (مثلاً مواردی خاص به جای تمامی موارد) می‌باشد. با این حال، تفاوت بین عام و خاص همیشه رک و بی‌پرده نیست، به طوری که توسط این دو مثال نشان داده شده است:

a) **Male professors** of physics from China who also work in the field of mathematics and how have studied in the USA, tend to ... b) **The male professors** of physics who also work in the field of mathematics that **Anna met** at the conference are ...

جمله (a) بسیار خاص به نظر می‌رسد، اما این طور نیست. برای چیزی که بخواهد خاص باشد، ما می‌بایست قادر باشیم تا به سوال «کدام یک؟» پاسخ دهیم. در مورد (a) ما نمی‌دانیم که کدام یک از پرفسورها به طور خاص. در جمله دوم (b) این حقیقت که Anna met them به معنای این است که ما به تمامی این چنین پرفسورهایی در جهان اشاره نمی‌کنیم، بلکه به زیرمجموعه بسیار خاصی از آن‌ها اشاره می‌کنیم، به عنوان مثال آن‌هایی که Anna در کنفرانس آن‌ها را ملاقات کرده است.

در مثال‌های زیر موارد معمول که در آن‌ها حرف تعریف معین می‌بایست در زبان انگلیسی استفاده شود نشان داده شده است، اما ممکن در زبان شما استفاده نشود.

درست	نادرست
The aim of this document is to prove ... Our aim	Aim of this document is ...
The computers that are used in our department are all Hewlett Packard, and the software that we use is all proprietary software. Our computers and software	Computers used in our department are all Hewlett Packard, and software that we use is all proprietary software.
The government have increased taxes. The government of our country	Government have increased taxes.
As reviewed in the literature ... The literature in our field	As reviewed in literature ...
All the samples were cleaned in the laboratory. The lab in our institute	All the samples were cleaned in laboratory .
The results of the present study show ... Our results	Results of the present study show ...

۴-۲- خاص در برابر عام: مثال‌ها

عبارت «خاص» با ارجاع به حرف تعریف معین به معنای این است که اسم توسط برخی روش‌ها مشروط شده است. شرط‌های معمول عبارتند از:

۱- اسم دیگر: ساختار noun 1 + of + noun 2 نشان می‌دهد که احتمالاً noun 1 توسط noun 2 مشخص (خاص) شده است. در برخی موارد، noun 1 می‌بایست قبل از the بیاید؛

۲- noun + (that) + (subject) + verb

۳- صفت عالی، به عنوان مثال the simplest, the best

۴- صفت مانند first, second (و غیره)، main, principal, only, initial

۵- صفت‌ها (حتی تمام مجموعه) لزوماً اسم خود را مشخص (خاص) نمی‌کنند.

	خاص	عام
1	The life of a peasant in the Middle Ages was hard.	Life in the Middle Ages was hard.
1	The history of English is fascinating.	History was my favorite subject at school.
2	The problems that we've been having with our English pronunciation are very serious.	Problems when learning English are very common.
2	The wheat used in some types of food is derived from ...	Studies were carried out on wheat .
2	The hydrochloric acid employed in our studies was purchased from ...	Hydrochloric acid is twelve times more active than sulfuric acid.
3	This is the worst paper in the collection	Poorly written manuscripts are very common.
4	The main differences are: X, Y and Z.	Differences in opinions on this subject are very common.
5,2	The red wine that we had last night.	I prefer dark red wine from Chianti to sparkling white wine from Asti.
5,2	The intelligent female Ph.D. students from non-European countries who have studied English that have attended my course tend to get better results than ...	Intelligent female Ph.D. students from non-European countries who have studied English tend to get better results than ...

۳-۴- استفاده‌های دیگر از حرف تعریف معین

از the برای موارد زیر استفاده می‌شود:

۱- همراه با اصطلاحات مشخص: the sun, the weather, the internet, the environment, the dark.

۲- برای نشان دادن یک کلاس از اشیاء در یک مفهوم انتزاعی. نکته: در تعریف از a / an استفاده می‌شود (به‌عنوان مثال، A computer is a machine that performs calculations).

۳- همراه با last و next در اصطلاحات زمانی برای نشان دادن هفته، ماه، و یا سالی خاص به‌جای هفته، ماه، و یا سال فعلی.

	درست	نادرست
1	We found your address on the Internet .	We found your address on Internet .
1	Samples were stored in the dark at room temperature.	Samples were stored in dark at room temperature.
2	The computer and the telephone have changed the way we live.	Computer and telephone have changed the way we live.
3	The conference has been organized for the last week in May.	The conference has been organized for last week in May.
3	We will be sending you our manuscript next week.	We will be sending you our manuscript the next week.

۵ حرف تعریف صفر: بدون حرف تعریف

۵-۱- حرف تعریف صفر در برابر حرف تعریف معین (the): کاربرد عمده

عبارت «حرف تعریف صفر» اشاره به مواردی دارد که در آن‌ها به حرف تعریف نیاز نیست. در مواقعی از حرف تعریف صفر استفاده کنید که در مورد چیزی به صورت کلی صحبت می‌کنید و اسم به صورت زیر است:

۱- به صورت جمع، به عنوان مثال books, computers

۲- به صورت غیرقابل شمارش (بخش ۸-۱) به عنوان مثال information, hardware

۳- چکیده - هم مفرد قابل شمارش (بخش ۶-۱) و هم غیرقابل شمارش، به عنوان مثال performance, success, life

توجه نمایید که:

۴- برخی کلمات اگر با یا بدون the استفاده شوند، معنا را تغییر می‌دهند.

۵- در عناوین مقالات گاهی اوقات حرف تعریف اسم اول را از قلم می‌اندازند. هر دو حالت (با یا بدون the) معمول هستند.

۶- در زیرنویس شکل‌ها اغلب حرف تعریف معین را از قلم می‌اندازند.

	حرف تعریف صفر	THE
1	Oracle do not sell computers .	The computers that we have at our institute are ...
2	Oracle sell software .	The most commonly used software is
2	Research is essential if progress is to be made.	The research that we have conducted so far proves that ...
3	There was a significant effect of the road conditions on speed .	The speed of the car was optimal.
4	I love nature .	The nature of this problem is not clear.
4	The probe has been launched into space .	The space between A and B must be wide enough to accommodate C.
5	Development and validation of a test to measure competence in English	The development and validation of a group testing of logical thinking
6	Figure 1. Average rainfall 2010–2020.	We predicted the average rainfall for 2020.

۵-۲- استفاده‌های دیگر از حرف تعریف صفر

۱- در اصطلاحاتی به صورت from ... to؛ به عنوان مثال from top to bottom, from coast to coast.

۲- همراه با اسامی ساختمان‌ها و مکان‌های عمومی که برای اشاره به هدف اولیه استفاده می‌شوند (he is a Ph.D. student, he studies at university). این موارد عبارتند از: school, university, department یا institute, college, work, prison, hospital, church, home, office, (اما نه).

۳- قبل از اسامی مردم، مگر اینکه اسم به صورت صفت استفاده شود (بخش ۲-۲).

	حرف تعریف صفر	THE
1	Figure 5: From left to right , the Dean, the Dean's husband, and Prof. Donald Duck.	In GB they drive on the left , in the rest of Europe on the right .
2	Before going to school I was educated at home . I then left school at 18 and then went to university .	The editors also wish to record their thanks to the School of Sociology and Social Policy at the University of Leeds for its continuing support.
3	Davidson's article is important for several reasons.	This paper deals with the Davidson method which computes a few of the extreme eigenvalues of a symmetric matrix and corresponding eigenvectors.

۵-۳- ملیت‌ها، کشورها، زبان‌ها

۱- زمانی که به صورت کلی صحبت می‌کنیم، می‌بایست the همراه با ملیت‌های "غیر قابل شمارش" استفاده شود که به h- (مانند French, English) و -ese (مانند Portuguese, Chinese) ختم می‌شود. دیگر ملیت‌ها (Swedes, Italians, و غیره) قابل شمارش هستند و می‌توانند با یا بدون the استفاده شوند.

۲- اگر ملیت ختم‌شونده به h- یا -ese همراه با ملیت دیگری قرار گیرد، آنگاه به خاطر حفظ قوام تمامی ملیت‌ها قبلشان the قرار می‌گیرد.

۳- قانون ۱ در بالا در حالتی که کلمات به صورت صفت به جای اسم استفاده شوند، اعمال نمی‌شود؛ به عنوان مثال، قبل از people, women, men.

۴- قاره‌ها و کشورها نیازمند به حرف تعریف نمی‌باشند: Russia, France, Italy, Asia, Europe, the UK, the USA, the Ukraine, the ex-USSR, the United Arab Emirates, the Arctic, the Antarctic.

۵- از the به همراه زبان‌ها زمانی که دربارهٔ این زبان‌ها به صورت کلی صحبت می‌شود، استفاده نکنید.

	حرف تعریف صفر	THE
1	Italians do it better than Americans .	The English are not as tall as the Portuguese .
2		The English are not as tall as the Portuguese or the Italians .
3,1	Chinese people are not as tall as Japanese people .	The Chinese are famous for their culture.
4	We have offices in France, Spain and Italy .	We have offices in the UK and the USA, France, Spain and Italy .
5	The English of this paper needs to be revised.	English is not an easy language to learn.

۵-۴- حرف تعریف صفر و the: استفاده متضاد در انگلیسی علمی

ستون دوم در جدول زیر برخی مواقعی را که در آن قوانین معمول استفاده از حروف تعریف در زبان انگلیسی به طور واضح نقض می شوند لیست کرده است اما با این وجود اغلب در مقالات پژوهشی نوشته شده توسط گویندگان بومی نیز یافت می شود.

استفاده معمول قابل قبول	در علم نیز امکان پذیر است
After the incubation , all complexes were analyzed on 0.8% agarose gels and electrophoresed in TBE.	After incubation , the number of bacteria was determined by a direct count.
The inhibition of this enzyme is thought to be responsible for the cytotoxicity of ...	Inhibition of this enzyme by analogous chemical compounds has been found to decrease the proliferation of P. falciparum.
At present, the annotation of the proteins of <i>A. gambiae</i> is preliminary	Annotation of the proteins of these new genomes can be transferred to closely related genomes.
Title: The effects of salinity on dry matter partitioning and fruit growth in tomatoes grown in nutrient film culture.	Title: Fruit Yield and Quality in Tomato
Title: Occurrence of flavonols in tomatoes and tomato-based products	Title: Identification of two genes required in tomato
Those compounds which have been most effective on wheat have invariably been proportionately active on the tomato .	In this study, we describe a recessive mutant of tomato .
Lycopene, found primarily in tomatoes , is a member of the carotenoid family.	

۵-۵- حرف تعریف صفر در برابر a / an

۱- a / an می‌بایست قبل از اسم مفرد قابل شمارش (بخش ۱-۶)، و حرف تعریف صفر قبل از اسم غیرقابل شمارش (بخش ۱-۸) بیاید.

۲- a / an می‌بایست قبل از اسامی ابزارها، قطعه‌ای از تجهیزات، و غیره استفاده شود.

۳- با اشاره به موقعیت علمی، a / an اشاره به شغلی دارد که توسط چند نفر تصرف شده است. حرف تعریف صفر در زمان بیان موقعیت شغلی خاصی که تنها توسط یک نفر تصرف شده است، استفاده می‌شود.

	A / AN	حرف تعریف صفر
1	When I was a student , I was a member of the students' union.	The referees gave us feedback on our manuscript.
1	You cannot travel there without a passport or without a visa .	You cannot travel there without providing information about the reason for going.
2	A Thermoquest Trace GC gas chromatograph with a PTV injector and coupled with an ion trap mass spectrometer PolarisQ was used.	We used equipment located in our laboratory.
3	He is an assistant professor at the University of Seoul.	He is Assistant Professor of Pediatrics at the University of Seoul.
3	She is a professor , not a senior researcher .	She is Professor of Education at the University of Atago.

۵-۶- حرف تعریف صفر و a / an: استفاده متضاد در انگلیسی علمی

ستون دوم در جدول زیر برخی مواقعی را که در آن قوانین معمول استفاده از حروف تعریف در زبان انگلیسی به طور واضح نقض می شوند لیست کرده است اما با این حال اغلب در مقالات پژوهشی نوشته شده توسط گویندگان بومی نیز یافت می شود.

استفاده معمول قابل قبول	در علم نیز امکان پذیر است
An analysis of the data showed that ...	Analysis of the data showed that ...
A further analysis of the data showed that ...	Further analysis of the data showed that ...
A statistical analysis of the data showed that ...	Statistical analysis of the data showed that ...
We investigate natural products of an animal origin .	They include strains of animal origin and strains of human origin from HC.
The total amount of protein was determined by spectrophotometry using BSA as a standard .	The protein content of each well was then determined using the Pierce protein assay, using BSA as standard .
We may assume without any loss of generality that the quantity "M(ca)" is computable for any M.	For simplicity, and without loss of generality , we will assume that ...
Without a loss of generality we assume that $E\{ n_i 2\} = 1$.	
This may occur at an intermediate level .	This is far more difficult when working at advanced level .

۶ کمیت‌سنج‌ها: any, some, much, many, each, every, و غیره

۶-۱- کمیت‌سنج‌های مورد استفاده با اسم‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش

جدول زیر کلماتی را لیست کرده است که نشان‌دهنده کمیتی نامعین می‌باشند. این‌ها کلماتی هستند که معمولاً با اسم‌های قابل شمارش (بخش ۶-۱) و غیرقابل شمارش (بخش ۸-۱) در یک مقاله پژوهشی استفاده می‌شوند. با این حال توجه نمایید که اصطلاحاتی مانند with a piece of معمولاً در مقالات پژوهشی استفاده نمی‌شوند.

کمیت‌سنج	قابل شمارش (مفرد)	قابل شمارش (جمع)	غیرقابل شمارش
a / an	a book		a piece of information
a (large / small) amount of		a large amount of books	a small amount of information
a bit / piece of			a piece of information
a few		a few books	
a great deal of		a great deal of books	a great deal of information
a little			a little information
a lot of		a lot of books	a lot of information
a number of		a number of books	
a series of		a series of books	
all		all the books	all the information
any	(بخش ۶-۲-۴ را ببینید)	any books	any information
each	each book		each piece of information
enough		enough books	enough information
every	every book		every bit of information
few		few books	
little			little information
many		many books	many pieces of information
most		most books	most (of the) information
much			much (of the) information
no	no book	no books	no information
none of		none of the books	none of the information
one	one book		one piece of information
several		several books	

some		some books	some information
the	the book	the books	the information

۶-۲- any در برابر some

قوانین زیر برای any و some و مشتقاتشان (مانند something, anywhere, anyone) استفاده می‌شود:

۱- به‌عنوان قانون کلی، any در عبارات منفی و some در عبارات مثبت استفاده می‌شود.

۲- any ... not = صفر، some ... not = نه همیشه.

۳- any برای نشان دادن شک استفاده می‌شود، که مطمئن نیستیم حادثه اتفاق می‌افتد یا خیر.

۴- اگر از any در جمله‌ای که شامل هیچ نفی‌ای نیست و توسط قانون ۳ پوشش داده نمی‌شود استفاده کنید، آنگاه این به‌معنای «یک چیز یا شخص به‌صورت انتخابی از تمامی افراد در جهان» می‌باشد. some و someone به‌معنای یک چیز یا شخص منفرد می‌باشد، اگرچه دقیقاً چه چیز یا چه کسی مهم نمی‌باشد.

۵- any در سوالاتی استفاده می‌شود که در آن جواب مشخص نیست؛ some در سوالاتی استفاده می‌شود که جواب مورد انتظار مثبت می‌باشد (به‌عنوان مثال، در پیشنهادها و برخی انواع از درخواست‌ها).

	ANY	SOME
1	This did not give any interesting results.	This gave some interesting results.
2	We were not able to understand any of the figures – they were all too complicated and unclear	We were not able to fulfill some of the referees requests, specifically the first and last requests.
3	The table shows significant results, if any , of each test. Some tests may not have given significant results.	The table shows some significant results, in fact ...
3	If you need any clarifications, then do not hesitate to contact me. I don't know if you require clarifications or not.	I need some clarifications with regard to points 3 and 8.
4	Anyone can tell you that one plus one equals two.	Someone is at the door.
4	Any book on the subject will tell you all you need to know.	I read about it in some book, but I don't remember which one.
5	Excuse me, do you have any idea where the local mosque is?	Would you like some wine?

۶-۳ - any در برابر no

۱- no one به no one ... anyone در موقعیت‌های رسمی مانند مقالات پژوهشی ترجیح داده می‌شود.

۲- without و hardly به any به جای not نیازمند می‌باشند.

	درست	نادرست
1	To the best of our knowledge no one has found similar results to these.	To the best of our knowledge there isn't anyone who has found ...
2	You can do this without any problems or at least with hardly any problems.	You can do this without no problems or at least with hardly no problems.

۶-۴ - a few و a little در برابر few و little

۱- a little (اسامی غیرقابل شمارش) و a few (اسامی جمع) بیانگر مقدار محدود از چیزی می‌باشد. آن‌ها می‌توانند با some جایگزین شوند.

۲- little (اسامی غیرقابل شمارش) و few (اسامی جمع) بیانگر تعداد بسیار کم می‌باشند. آن‌ها دارای حالت منفی می‌باشند.

	A LITTLE VS. LITTLE	A FEW VS. FEW
1	We have a little time left, so does anyone else have any questions?	We have a few more experiments to do, five or six I think, and then we have finished.
2	Little is known about this very rare disease. Almost nothing is known.	Few researchers have investigated this complex phenomenon. Maybe only two or three researchers.

۵-۶ - lots of , a lot of , many , much

۱- much همراه با اسامی غیرقابل شمارش، و many همراه با اسامی جمع استفاده می‌شود.

۲- lots of بیش از حد رسمی در نظر گرفته می‌شود، که a lot of ترجیح داده می‌شود (که برخی نویسندگان هنوز از به کار بردن آن اجتناب می‌کنند بر این اساس که به حد کافی رسمی نمی‌باشد).

۳- a lot of معمولاً با not much و یا not many در عبارات منفی جایگزین می‌شود.

	درست	نادرست (*) یا بسیار غیررسمی
1	There is not much information on this topic.	We do not have many information .*
1	We have not made much progress .	We have not made many progresses .*
1	There have been many advances in this technology.	
2	We have a lot of data on this issue.	We have lots of data on this issue.
3	There are not many accessible papers on this subject.	There are not a lot of accessible papers on this subject.

۶-۶ - each در برابر every, every در برابر any

۱- each زمانی استفاده می‌شود که شما موارد را به صورت اقلام منفرد می‌بینید، و every زمانی استفاده می‌شود که این موارد به صورت یک توده دیده شوند.

۲- تنها each می‌تواند قبل از حرف اضافه استفاده شود.

۳- برخی اصطلاحات به every نیاز دارند نه each.

۴- اغلب، هیچ تفاوت واقعی‌ای بین each و every وجود ندارد.

۵- any = only one, اما نسبت به one بی تفاوت است، every = all.

	ANY, EACH	EVERY
1	An acronym is a word in which each letter stands for another word.	She is only two years of age and already knows every letter in the alphabet.
1	Each patient was given a slightly different dosage of the medicine.	Every patient in their hospital has medical insurance.
	No patient had the same dosage	All patients
1	Each volume deals with a different topic.	I have read every book on the topic.
1	Each individual case will be analysed separately.	In every case death occurred within three months.
		In all cases
1	It is each applicant's responsibility to ensure that they provide references.	What every applicant should know about the interview process.
2	Each of them has a different name.	
	= All of them have different names.	
3		Patients will be examined every week / every three months / every third month .
4	Each time we do the experiment something goes wrong.	Every time we do the experiment something goes wrong.
5	Any element in a set can be used.	Every element in this set is important.
	Just one element, it does not matter which one	All the elements

۶-۷- no در برابر not

۱- no + noun و not + a / the + noun دارای معنای مشابهی هستند. فرم not + noun نادرست است (به عنوان مثال، we ~~have not reason to suppose that~~).

۲- no + noun اغلب با not + verb + any + noun جایگزین می شود.

۳- صفت هایی که بعد از فعل to be می آیند و مرتبط با اسم نمی باشند، معمولاً قبلشان not قرار می گیرد.

۴- از not قبل از قید استفاده کنید.

۵- no longer می تواند بسیار غیررسمی نوشته شود همچون not ... anymore / longer.

۶- no + comparative adjective (بخش ۱۹-۱) به معنای این است که دو چیز مورد مقایسه یکسان می باشند؛ not + comparative adjective به معنای این است که اولین مورد، برای مثال bigger یا stronger، از دومین مورد نیست.

	استفاده همراه با NO	استفاده همراه با NOT
1	There is no reason to suppose that this is due to ...	This is not a good reason for ...
1,2	We encountered no problems with the calculations.	We did not encounter any problems ...
1,3	There are no unusual species in this area.	It is not unusual to find strange species in this area.
1,4	It is no surprise that the cardiovascular system is the first organ system to reach a functional state in an embryo.	Not surprisingly , the cardiovascular system is the first organ system to reach a functional state in an embryo.
5	This system is no longer used.	This system is not used any more . This system is not used any longer .
6	Verifying X turns out to be no easier than verifying Y.	X is not easier to solve than Y.
	X and Y have the same level of difficulty.	Y is probably easier to solve than Z

۷ ضمیرهای نسبی: whose, who, which, that

۷-۱- whose, who, which, that

۱- از that و which برای اشیاء، و از who برای مردم استفاده کنید.

۲- بعد از حرف اضافه، از which (برای اشیاء) و از whom (برای مردم) استفاده کنید. به دسته کلمه توجه کنید.

۳- اگر صفتی را بعد از اسمی که آن را توصیف می کند قرار دهید، آنگاه این صفت می بایست به طور طبیعی توسط that, which, و یا who بیان شود.

۴- whose بیانگر مالکیت می باشد.

	درست	نادرست
1	Apple's first CEO was Michael Scott, who ran the company from 1977 to 1982.	Apple's first CEO was Michael Scott that ran the company from 1977 to 1982.
2	I have several mobile phones, many of which don't work.	I have several mobile phones, many of that don't work.
2	This institute employs many people, most of whom are technicians.	This institute employs many people, most of who are technicians.
3	I met a student who is 25 years old. She wrote a document which / that is five pages long.	I met a student 25 years old. She wrote a document five pages long.
4	Professor Shirov, whose seminal paper was published in 1996, is professor of ...	Professor Shirov, who's seminal paper was published in 1996, is professor of ...

۷-۲- that در برابر who و which

۱- that: زمانی که می‌خواهید اسم قبلی را تعریف کنید تا آن را از دیگر اسامی مورد تمایز قرار دهید. عبارت حاصل اغلب به‌عنوان عبارت «تعریف‌کننده»، «مشخص‌کننده» و یا «محدودکننده» مورد خطاب قرار می‌گیرد.

۲- who, which: برای افزودن اطلاعات پُرانتزی در مورد اسم قبلی می‌باشد. چنین اطلاعات پُرانتزی‌ای برای جمله حیاتی نمی‌باشند. اگر این عبارت حذف شود، جمله هنوز حالت خود را حفظ می‌کند. در چنین مواردی شما اسم را مورد تمایز قرار نمی‌دهید اما اطلاعات بیش‌تری را ارائه می‌دهید. عبارت وابسته که در آن who و which واقع می‌شوند، معمولاً توسط وی‌رگول از هم جدا می‌شوند. عبارت حاصل اغلب به‌صورت «عبارت غیرتعریفی» مورد خطاب قرار می‌گیرد.

۳- who, which: برای افزودن اطلاعات اضافی در انتهای جمله. عبارت حاصل اغلب به‌صورت «عبارت نسبی رابط» مورد خطاب قرار می‌گیرد.

	درست	نادرست* و یا عدم وجود در مقالات پژوهشی
1	Google has many offices. I work for the office that is in London.	Google has many offices. I work for the office which is in London.
1	I collaborate with the Professor Smith that teaches economics, not the Professor Smith that teaches sociology.	I collaborate with the Professor Smith who teaches economics, not the Professor Smith who teaches sociology.
2	Google, which is a huge company, receives thousands of CVs every day.	Google, that is a huge company, receives thousands of CVs every day.*
2	Professor Jones, who lectures in political sciences, is 45 years old.	Professor Jones, that lectures in political sciences, is 45 years old.*
3	Google sells a lot of advertising, which is one way the company gets its money.	Google sells a lot of advertising, that is one way the company gets its money.*
3	I work with Professor Ling, who I have known for several years.	I work with Professor Ling, that I have known for several years.*

۷-۳- حذف **who, which, that**

این بخشی از گرامر انگلیسی است که می‌تواند بسیار گیج‌کننده باشد و قوانین آن به خوبی تعریف نشده‌اند. تنها قانون مشخص این است که هرگز نمی‌توانید **whose** را حذف کنید. اگر شک دارید، راحت‌ترین راه این است که هرگز **that, which, who** را حذف نکنید.

۱- شما نمی‌توانید **that** را در یک عبارت تعریفی آن هم زمانی که فاعل عبارت، فاعل فعل نیز است، حذف کنید. با این حال، شما نمی‌توانید **that** را زمانی که فاعل فعل متفاوت با فاعل عبارت است و همچنین زمانی که فعل حال ساده است، حذف کنید.

۲- شما معمولاً نمی‌توانید **which** و یا **who** را زمانی که این کلمات برای توصیف عبارت نهایی در یک عبارت نسبی رابط استفاده می‌شوند، حذف کنید.

۳- شما معمولاً نمی‌توانید **which** و یا **who** را در یک عبارت غیرتعریفی حذف کنید (بخش ۷-۲-۱).

۴- چندین استثنا برای قانون ۳ وجود دارد: **who** و **which** می‌توانند زمانی که علایق، سن‌ها، موقعیت‌های شغلی، و شکل‌ها (جدول‌ها و غیره) نام برده می‌شوند، حذف شوند.

۵- **which + its related verb** اغلب زمانی که تعاریف داده شوند، حذف می‌شوند.

۶- شما می‌توانید **which** و یا **who** را زمانی که کلمات و یا عبارات وصفی قابل معاوضه باشند، حذف نمایید.

۷- شما می‌توانید **which** و یا **who** را در جمله‌هایی که شامل تکراری از **which** و **who** در یک فضای بسیار کوچک هستند را حذف نمایید.

	عدم حذف	امکان حذف
1	The professor that wrote the article is giving a presentation.	The professor [that] we met yesterday is giving a presentation. The professor [that is] coming tomorrow won the Nobel Prize.
2	Professor Shirov is giving a presentation on life on Mars, which should be very interesting. The presentation on Mars will be given by Professor Shirov, who works at IMT	
3,4	Professor Shirov, who is arriving tomorrow and whose book was published last year, is giving a presentation on life on Mars.	The committee includes a professor [who is] considered to be one of the foremost experts in the field.
3,4	Mars, which is millions of miles from Earth, is also known as the red planet.	Shirov's apparatus, [which is] shown in Figure 2, is easy to set up
4		Professor Shirov, [who is] aged 52 / [who was] born in 1980, is an expert on Mars.

		Professor Shirov, [who is] a professor of astrophysics at IMT, warned that ...
5		Gold, [which is] a metal commonly used in biochip technologies, was exploited in order to provide an interaction surface.
6		The Thames, [which is] England's longest river, is located in London. (= England's longest river, [which is] the Thames, is located in London.)
7		Professor Shirov, who is an MIT professor [who was] awarded the Nobel Prize for physics, warned that ...

۷-۴- جلوگیری از ابهام با استفاده از عبارت نسبی در اولویت با حالت -ing دار

۱- در استفاده از فرم -ing دار زمانی که ۱۰۰٪ واضح نیست که چرا فرم -ing دار در حالت محدود و یا غیرمحدود استفاده شده است، جوانب احتیاط را رعایت کنید (بخش ۷-۲-۱).

۲- حتی جایی که هیچ ابهامی وجود ندارد، فرم -ing دار می‌تواند با that آن هم زمانی که فرم -ing دار برای تعریف اسم قبلی استفاده شده است، تعویض شود.

۳- استفاده از having دارای محدودیت استفاده در ریاضیات، فیزیک، و علوم کامپیوتر می‌باشد. در اصل، شما می‌توانید همیشه از that has و یا that have استفاده کنید.

	درست	نادرست
1	Edible jellyfish, which belong to the order <i>Rhizostomeae</i> , are a popular seafood in Asia.	Edible jellyfish belonging to the order <i>Rhizostomeae</i> are a popular seafood in Asia.
	All jellyfish are <i>Rhizostomeae</i> .	Not clear if the author is referring to all jellyfish or just a subset.
	The / Those edible jellyfish that belong to the order <i>Rhizostomeae</i> are a popular seafood in Asia.	
	Only some jellyfish are <i>Rhizostomeae</i>	
1	Many authors have performed studies that compare X and Y.	Many authors have performed studies comparing X and Y.
	The studies compare X and Y.	Not clear whether it was the authors or the studies that made the comparison.
	Many authors have performed studies by comparing X and Y.	
	The authors compared X and Y in order to make their study.	
2	These are complexes formed by simple ligands containing / that contain a maximum of five coordinating centers.	
3	The null set is the set having / that has no elements.	A person having no job is called 'unemployed'.
3	Markov processes having / that have a countable state space are known as ...	Those people having no house are known as 'homeless'.

۷-۵- جلوگیری از جملات بلند و مشکل برای خواندن شامل which

۱- در جملات بلند، عبارت which را با شروع کردن یک جمله جدید تعویض کنید. در مورد تکرار مجدد کلمه کلیدی مشابه نگران نباشید.

۲- به تغییر ترتیب اطلاعات به منظور آسان تر ساختن آن برای خواندن جهت فهمیدن توجه نمایید.

	درست	توصیه نمی شود
1	The CNR is the Italian National Research Council and has many institutes where innovative research is carried out . These institutes are located in various parts of Italy such as Pisa, Turin and Rome.	The CNR is the Italian National Research Council and has many institutes where innovative research is carried out and which are located in various parts of Italy such as Pisa, Turin and Rome.
2	The ethyl acetate phase was dried under a gentle stream of nitrogen, and was then re-dissolved with 50 mL of the eluent B.	The ethyl acetate phase, which had been dried under a gentle stream of nitrogen, was re-dissolved with 50 mL of the eluent B.

۷-۶- جلوگیری از ابهام توسط which

۱- which معمولاً اشاره به اسمی که به دنبال آن می آید دارد. بنابراین، در مواردی که امکان ابهام وجود دارد، از which جلوگیری کنید. به جای آن، جمله را تقسیم کنید و فاعل را تکرار کنید. در مثال "نادرست" زیر، موقعیت which در ابتدا به نظر می رسد که به جدول ۲ اشاره دارد. اما در حقیقت به مجموعه ای از قوانین معمول اشاره دارد.

۲- زمانی که عبارت which می تواند به چندین اما نه تمام المان ها اشاره داشته باشد، which را حذف کنید و المان های خاصی را تکرار کنید. در ستون "نادرست" مثال دوم در زیر، which می تواند به A و B، B و C، و یا حتی A، B، و C اشاره داشته باشد.

	درست	نادرست
1	Each language is characterized by a set of common rules, as reported in Table 2. This set highlights the structure of that particular language.	Each language is characterized by a set of common rules as reported in Table 2 which highlights the structure of that particular language.
2	Examples include A, B and C. A and B are normally established once a month.	Examples include A, B and C, which are normally established once a month.

۸ زمان‌های فعل: حال، گذشته، آینده

۸-۱- حال ساده در برابر حال استمراری: قوانین کلیدی

۱- حال ساده بیانگر فعالیت‌ها و یا وضعیت‌هایی که به‌طور مستمر در تمام زمان‌ها و یا در هر زمانی اتفاق افتادند، که شامل حقایق و یافته‌های علمی تشکیل یافته، تئوری‌ها، تعاریف، اصول موضوع، اثبات‌ها، و غیره می‌باشد.

۲- حال استمراری بیانگر علایق و وضعیت‌ها که در حال حاضر تکامل یافته‌اند، و یا اتفاقات برنامه‌ریزی شده آینده می‌باشد.

	حال ساده	حال استمراری
1,2	It is well known that in many universities how much you write (i.e. the quantity) is often considered to be more important than how well you write (i.e. the quality).	At the moment we are writing a paper on ...
1,2	Some maps of the world's oceans show the widths of the continental shelves.	The patients are now showing signs of fatigue.
1,2	Today a wide range of sensor devices exist that alter their characteristics in response to a stimulus.	Sensor devices are currently being developed that will enable researchers to ...
1,2	A nonempty subset H of a group G is said to be a <i>subgroup</i> of G , if under the product in G , H itself forms a group.	We are forming self help groups for those with marital problems.
1,2	The container holds the samples.	The conference is being held in July

۸-۲- حال کامل: قوانین کلیدی

۱- حالت معلوم حال کامل اغلب در چکیده برای اعلام کردن یافته‌ای جدید و یا برخی پیشرفت‌های جدید در یک رشته خاص می‌باشد. استفاده از آن متمایلاً محدود به خط اول چکیده است، و یا به سرعت بعد از اطلاعات پیش‌زمینه‌ای که داده شده‌اند. با این حال، برای افزودن اطلاعات بیش‌تر در مورد ابداعات/اخبار، حال ساده و یا گذشته ساده استفاده می‌شوند.

۲- زمانی که پاسخی به داوران راجع به پیش‌نویس خود می‌نویسید، از حال کامل برای اعلام اینکه چه افزودنی‌ها و تغییراتی انجام داده‌اید، استفاده کنید. با این حال، زمانی که جزئیات بیش‌تری از این تغییرات و اینکه چرا آن‌ها را انجام داده‌اید می‌دهید، از گذشته ساده استفاده کنید.

۳- حال کامل برای اقدام، رخداد، و یا سناریو که در گذشته شروع شد و امروزه هنوز ادامه دارد می‌باشد. این ساختار اغلب برای بیان وضعیت پیش‌زمینه به‌عنوان پایه‌ای برای پژوهش فعلی استفاده می‌شود.

۴- اگر هیچ منبع گذشته کامل وجود نداشت، آنگاه از حال ساده برای نشان دادن وضعیت همیشگی استفاده کنید (و حال استمراری برای اقداماتی که فعلاً و یا در دوره زمانی فعلی رخ می‌دهند).

۵- زمانی که once و as soon as به‌معنای «بعد از اینکه چیزی انجام شده است» باشند، از حال کامل استفاده می‌شود.

	زمان‌های دیگر	حال کامل
1	Our system works by harvesting wind from ... We implemented the system in a wind farm in ...	We have developed a new system for converting wind into energy.
1	This treatment consists of ... It was tested on a sample of 543 patients aged over 80.	Dementia is an increasingly common problem in advanced societies and is known to cause ... We have discovered a treatment for dementia.
2	The figure was added because ... Table 3 was in fact unnecessary. We decided to rewrite the conclusions on the basis of Ref 3's comments.	We have added a new figure ... Table 3 has been deleted. The Conclusions have been completely rewritten.
2	We opted to keep Table 3 because ...	<i>Ref 3's comment:</i> I suggest the authors remove Table 2 and combine it with Table 1. <i>Authors reply:</i> Done.
3,4	The sea level changes every year.	The sea level has changed throughout the Earth's history and will continue to do so.
3,4	If language transforms our thinking, do specific languages transform it in different ways?	Over the last 60 years English has transformed itself from a predominantly writer-oriented language to a reader-oriented language.

3,4	Since the 1990s / For the last few decades , English writers have published several thousand books.	English writers typically publish their work in English, but more and more are now publishing in other languages too.
3,4	Since 2009 there have been many other attempts to establish an international readability index [Wallwork et al, 2009; Smithson 2012], but until now no one has managed to solve the issue of ...	Establishing an international readability index represents a frequent topic in the literature [Wallwork et al, 2009; Smithson 2012]. The essential problem is how to solve the issue of ...
4	Once/As soon as the initial tests have been made , the research effort will focus on ...	Generally speaking, once you start reading the book, you soon become addicted.

۸-۳- حال کامل: حوزه‌های مشکل‌دار

۱- **حال کامل** (نه **حال ساده**) برای بیان هنگامی که -همراه با ارجاع به وضعیت فعلی- گفتید این وضعیت برای چه مدت زمانی (به صورت روز، ماه، سال، و غیره) عامل شده است، استفاده می‌شود.

توجه نمایید که I have been here for a week به معنای این است که من یک هفته پیش رسیدم و هنوز اینجا هستم. به جای آن، I am here for a week به معنای این است که شاید من امروز (یا اخیراً) برسم و اینکه ۷ روز می‌مانم. بخش ۱۴-۱۵ را برای اختلاف بین for, since, و from ببینید.

۲- **حال کامل** (نه **حال ساده**) برای بیان اینکه این اولین (دومین، سومین، و غیره) بار است که چیزی انجام شده است، استفاده می‌شود.

۳- **حال کامل** (نه **گذشته ساده**) در نتیجه‌گیری‌ها برای خلاصه کردن اینکه چه چیزی در مقاله انجام داده‌اید استفاده می‌شود. تمرکز روی نوشتن و ساختار مقاله است (افعال معمول: present, show, describe, explain, outline).

	درست	نادرست
1	We have used this system for many years .	They are many years that we use this system. We use this system since many years .
1	We have not used this equipment for several months.	We do not use this equipment from several months.
2	We have been here since last Monday / for nearly a week .	We are here since last Monday .
3	It is the first time that we have used this system.	It is the first time that we use this system.
3	This is only the second time that such a result has been published in the literature.	This is only the second time that such a result is published in the literature.
4	Conclusions: We have presented a new methodology for teaching English. We have shown that ... We have described three cases where ...	Conclusions: We presented a new methodology for teaching English. We showed that ... We described three cases where

۸-۴- گذشته ساده: قوانین کلیدی

۱- از گذشته ساده زمانی که یک مرجع زمانی مشخص وجود دارد استفاده کنید (به عنوان مثال، three last month, in 2011, years ago).

۲- از گذشته ساده زمانی که کاملاً مشخص است اقدامی در گذشته رخ داده است، استفاده کنید.

۳- از حال ساده برای توصیف اعمالی که در گذشته رخ داده‌اند، خودداری کنید. به جای آن از گذشته ساده استفاده کنید، مخصوصاً برای خودداری از ابهام (آخرین مثال در زیر).

	درست	نادرست
1	In 2012, Carter suggested that complex sentences could also lead to high levels of stress for the reader [25].	In 2012, Carter has suggested that complex sentences could also lead to high levels of stress for the reader [25].
1	Smith first used this procedure more than a decade ago [24].	Smith has first used this procedure more than a decade ago [24].
2	This building technique was exploited by the ancient Egyptians for the pyramids.	This building technique has been exploited by the ancient Egyptians for the pyramids.
3	Galileo Galilei was born in Pisa, Italy in 1564. At the age of eleven, Galileo was sent off to study in a Jesuit monastery. After four years, Galileo announced to his father that he wanted to be a monk.	Galileo Galilei is born in Pisa, Italy in 1564. At the age of eleven, Galileo is sent off to study in a Jesuit monastery. After four years, Galileo announces to his father that he wants to be a monk.
3	In 2010 the Social Democrats challenged the anti-GMO movement. The fact that this party was in favor of genetically modified products meant that ... It is clear that we are referring only to the situation in 2010. We do not know the Social Democrat's position on GMOs today.	In 2010 the Social Democrats challenges the anti-GMO movement. The fact that this party is in favor of genetically modified products means that ... The reader cannot know if the party was only in favor of GMOs in 2010, or if they still are today.

۸-۵- حال ساده در برابر گذشته ساده: قوانین مشخص (اهداف و روش‌ها)

۱- برای تعیین کردن موضوعات اصلی پژوهش و اهداف پروژه: از **حال ساده** در اولین جمله برای توصیف تمام مقاله استفاده کنید، و از **گذشته ساده** برای تعیین کردن کاری که انجام داده‌اید استفاده کنید.

۲- زمانی که هدف پروژه را توصیف می‌کنیم، از **حال ساده** آن هم اگر پروژه هنوز در حال اجراست استفاده می‌شود، و از **گذشته ساده** نیز زمانی استفاده می‌شود که مقاله شما یک پروژه به اتمام رسیده را توصیف می‌کند.

۳- **حال ساده** برای توصیف یک روند (روش و غیره) ایجادشده توسط برخی نویسندگان استفاده می‌شود، به‌عنوان مثال برای بیان مبانی کلی مرتبط با روند.

۴- **حال ساده** برای اشاره به روش‌شناسی، فرآیند و یا روشی که اگر تنها در حالت کلی چگونگی عمل آن را به جای کاری که روی یک مناسبت خاص انجام دادید توضیح می‌دهید، استفاده می‌شود.

۵- **گذشته ساده** برای بیان اینکه اهداف آزمایش‌های شما این بوده است که از چه تجهیزاتی استفاده کردید، چگونه روش‌های دیگر وفق پیدا کردند، چه مراحل دنیال شده‌اند، و غیره استفاده می‌شود.

	حال ساده	گذشته ساده
1	This paper outlines a methodology for establishing the amount of verbosity in a nation's language.	To establish our verbosity index, we analysed five languages. We classified these languages in terms of x, y, z. On the basis of these results, we then calculated the number of ...
2	The aim of this research is to ...	The aim of the project was to ...
3	A cloze procedure is a technique in which words are deleted from a text according to a word-count formula. The passage is presented to students, who then ...	
4,5	In our procedure the students are first split into groups by age and level. This grouping enables the teacher to ...	The aim of our procedure was to find a way for teachers to place students into groups. We used GroupSoft (GS Inc, USA) which automatically <i>places</i> students into groups. We adapted the software by adding an additional step in which students <i>are</i> preliminary grouped by age.
4,5	Our methodology consists of the following steps: First, we gather the data. Second, we sort the data by ...	In the second experiment we proceeded as follows: First, we gathered the data. Second, we sorted the data by ...

۸-۶- حال ساده، حال کامل و گذشته ساده: ارجاع به متون

- ۱- گذشته ساده برای ارجاع به متون زمانی که تاریخی را در درون جمله اصلی می‌دهید، استفاده می‌شود.
- ۲- حال کامل برای دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای گذشته تا حال استفاده می‌شود. حال ساده نیز در اینجا امکان‌پذیر است، اما معمولاً بسیار کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ۳- حال کامل زمانی استفاده می‌شود که روش، تکنیک، روند، و غیره فاعل فعل باشند و مرجع زمانی وجود نداشته باشد. گذشته ساده زمانی استفاده می‌شود که نویسنده فاعل فعل باشد. در چنین مواردی، ممکن است و یا نیست که علامت زمانی وجود داشته باشد.
- ۴- گذشته ساده (یا کمتر معمول حال ساده) برای گزارش اینکه نویسندگان دیگر چه چیزی را پیشنهاد داده‌اند، فرض کرده‌اند، ادعا کرده‌اند، اعمال کرده‌اند، برانگاشته‌اند، طرح کرده‌اند، و غیره استفاده می‌شود. در چنین حالتی اگر حال ساده را برای استفاده انتخاب نمایید، نمی‌تواند یک مرجع زمانی مشخص وجود داشته باشد.

	درست	درست
1	In 2007, Carter suggested that women are superior to men [25].	
2	Many authors [3, 6, 8, 12] have claimed that there is life on Mars.	Many authors [3, 6, 8, 12] claim that there is life on Mars.
3	This method has been used to investigate both problems [24].	Smith used this method to investigate both problems [24].
3	This procedure has been exploited by many authors in order to conduct very diverse investigations.	Smith first used this procedure in 1996 [24].
3	In support of such treatment, Griggs has made the surprising discovery that ...	Recently , Griggs made the surprising discovery that ...
4	For instance in [5] the authors suggested that a new strategy could be introduced to ...	For instance in [5] the authors suggest that a new strategy could be introduced to ...

۸-۷- حال ساده در برابر گذشته ساده: قوانین خاص (نتایج و بحث)

۱- بسیار مهم: اگر از **حال ساده** برای گزارش یافته‌های خود استفاده می‌کنید، می‌بایست ۱۰۰٪ برای خوانندگان واضح باشد که در مورد یافته‌های خود صحبت می‌کند و نه چیزی که در متون گزارش شده است. این قانون بسیار مهم است و نمی‌بایست نادیده گرفته شود. بخش ۱۰-۴-۲ را برای آشنایی قابل امکان که با استفاده از حالت مجهول رخ می‌دهد ببینید.

۲- **حال ساده** برای بیان اینکه شکل و یا جدول، نکات مهم، توصیف‌ها، گزارش‌ها، و غیره چه چیزی را نشان می‌دهند استفاده می‌شود.

۳- **حال ساده** برای بحث در مورد داده‌ها و نتایج خود، و برای بیان پیامدهای یافته‌های خود استفاده می‌شود. معمولاً بعد از show, explain, highlight, believe, mean, indicate, reveal استفاده می‌شود.

۴- افعال مقدماتی مانند show, highlight, reveal می‌توانند در هر دو حالت **حال ساده** و **گذشته ساده** استفاده شوند، اما برای صحبت در مورد چیزی که یافتید، کشف کردید، دیدید، و غیره تنها از **گذشته ساده** استفاده می‌شود.

	گذشته ساده	حال ساده
1	We found that green and red produces white. This only seems to happen when the ratio of green to red is 6:1. But when the ratio is 4:1, this produces yellow. The reader may think that 'seems to happen' and 'produces' refer to what other people have found.	We found that green and red produced white. This only seemed to happen when the ratio of green to red was 6:1. But when the ratio was 4:1, yellow was produced. The reader is clear that you are only talking about what you found.
2	The results are given in Table 4, which shows that ... In addition, Figure 1 highlights that X equals Y.	
3	We believe that this means that our method outperforms all previous methods.	
4	These results highlight / highlighted the importance of carrying out tests in triplicate.	We found that best results were achieved by carrying out tests in triplicate.

۸-۸- حال کامل در برابر حال کامل استمراری

۱- اگر وضعیتی برای میزان قابل توجهی از سال وجود داشته است، **حال کامل** به **حال کامل استمراری** ترجیح داده می‌شود. اگر وضعیت اخیراً وجود داشت، آنگاه هر دو حالت می‌توانند همراه با حالت استمراری استفاده شوند که بیانگر امکان موقتی بودن وضعیت است.

۲- از **حال کامل استمراری** برای اقدامات کامل‌شده و یا زمانی که در مورد تعداد مناسب‌هایی که چیزی اتفاق افتاده است صحبت می‌کنید و یا زمانی که کمیتی را مشخص می‌کنید، استفاده نکنید (استثنا: minutes, hours, days, years, و غیره).

	حال کامل	حال کامل استمراری
1	For thousands of years man has tried to give a meaning to life.	For several years researchers in this field have been trying to understand the ...
2	We have already written three papers on this topic.	We have been investigating this problem for three years .

۸-۹- گذشته استمراری و گذشته کامل در برابر گذشته ساده

۱- **گذشته استمراری** برای اشاره به اقدامی طولانی مدت که توسط یک اقدام کوتاه مدت مختل شده است استفاده می‌شود.

۲- **گذشته استمراری** برای اشاره به دو اقدام طولانی مدت که در یک زمان اتفاق افتاده‌اند استفاده می‌شود. **گذشته ساده** برای مجموعه‌ای از اقدامات غیرهمزمان استفاده می‌شود.

۳- **گذشته کامل** برای برجسته کردن زمانی که یک اقدام زودتر از اقدام بعدی رخ داده است استفاده می‌شود. **گذشته ساده** برای نشان دادن مجموعه‌ای از اقدامات متوالی استفاده می‌شود.

	گذشته استمراری، گذشته کامل	گذشته ساده
1	We encountered a problem while we were loading the software.	We downloaded the software and installed it.
2	While I was studying I was also working full time.	I studied at Ulaanbaatar State University. I then worked for Mongolian Railways.
3	Two dogs that had died for reasons unrelated to this study were used to characterize the approach.	Unfortunately, one of the cats died during the experiments.

will - ۱۰-۸

زبان انگلیسی دارای روش‌های متعددی برای بیان آینده می‌باشد. با این حال، تنها will و حال استمراری (بخش ۸-۱) معمولاً در پیش‌نویس‌های مقالات یافت می‌شوند.

۱- will برای ساختن پیش‌بینی‌ها استفاده می‌شود.

۲- will می‌تواند برای بیان فرضیه با اشاره به یک مورد خاص استفاده شود، در حالی که حال ساده برای شرایط کامل شناخته‌شده که برای تمامی موارد مناسب است استفاده می‌شود.

۳- در بخش نتیجه‌گیری‌ها از will برای مطرح کردن کارهای آینده استفاده کنید.

۴- will می‌تواند برای صحبت کردن در مورد بخش‌های آینده پیش‌نویس استفاده شود.

۵- برخلاف قانون ۴، حال ساده ترجیح داده می‌شود، مخصوصاً زمانی که ساختار مقاله را مطرح می‌نماییم.

	WILL	حال ساده
1	We predict that demand will outweigh supply, and thus house prices will rise .	
2	Note that if the water in the container reaches a temperature of 100C it will boil and this will cause damage to the samples.	It is well known that if / when water reaches a temperature of 100°C it boils .
3	Future work will involve investigating the reasons for these discrepancies.	
4	We will see how relevant this is in the next subsection. We will now explain how $x = y$.	
5		This paper is organized as follows. Section 1 gives a brief overview of the literature. A history of the English language is presented in Section 2.
5		This feature is covered more in depth in the appendix.

۹ حالت‌های شرطی: صفرم، اول، دوم، سوم

۹-۱- شرطی نوع صفرم و اول

۱- شرطی نوع صفرم (if + present + present یا present + if + present): برای بیان حقایق کلی، نتیجه‌گیری‌های منطقی و حقایق علمی استفاده می‌شود. این به معنای «هر زمان که» یا «هرگاه» می‌باشد.

۲- شرطی نوع اول (if + present + will یا will + if + present): برای صحبت در مورد وضعیت‌های واقعی آینده، به جای حقایق کلی که همیشه معتبر می‌باشند، استفاده می‌شود.

۳- هر دو حالت شرطی نوع صفرم و اول می‌توانند برای بیان نتیجه‌گیری‌های منطقی استفاده شوند؛ **will** برخی اوقات زمانی که مراحل مختلفی در یک فرآیند وجود دارد و نویسنده در مورد مرحله بعدی در فرآیند صحبت می‌کند ترجیح داده می‌شود.

۴- **حال کامل** می‌تواند با **حال ساده** در جمله‌واره شرطی جایگزین شود. در چنین مواردی هر دو **حال ساده** و **will** ممکن است در جمله‌واره وابسته یافت شود.

توجه نمایید که if به رخداد یک واقعه که ممکن است/نیست رخ دهد برمی‌گردد، در حالی که when بیانگر اطمینان است. مثال‌ها: I get up in if the alarm goes off, call the police (ما نمی‌دانیم که آیا هشدار به صدا در خواهد آمد و یا خیر). the morning when the alarm goes off (هشدار من همیشه هر صبح به صدا در می‌آید).

	شرطی نوع صفرم	شرطی نوع اول
1,2	Papers tend to be rejected if the English is poor.	If we do not receive the revised manuscript by the end of this month, we will be forced to withdraw your contribution from the special issue.
1,2	If all humans are prone to corruption, then politicians are more prone than others.	If it is true, as many authors contend, that Chinese is set to replace English as the international language, then this will have profound effects on ...
1,2	If you wish to advance your academic career you have to publish your research in high impact journals.	If the illness is in an advanced stage, then treatment will have little effect.
3	This leads to the result that if (1) is false then (2) is also false.	The second property guarantees that if H is true initially, then it will remain true while P is being executed.
4	If this period has elapsed / elapses before x reaches y, then the system fails .	If this period has elapsed / elapses before x reaches y, then the system will fail .

۹-۲- شرطی نوع دوم

۱- شرطی نوع دوم (if + past simple + would): برای بیان وضعیت‌های فرضی استفاده می‌شود آن هم براساس اینکه چه اتفاقی خواهد افتاد اگر ویژگی‌ها، وقایع، و سناریوها امکان‌پذیر بودند (کدام یک یقیناً امکان‌پذیر نبودند).

۲- حالت جایگزین شرطی نوع دوم، جایگزینی جمله‌واره شرطی با was / were + subject + infinitive می‌باشد. این ساختار بسیار رسمی می‌باشد و هیچ نیاز واقعی برای استفاده از آن وجود ندارد.

	درست	نادرست
1	If the government raised taxes further, this would have serious consequences.	If the government would raise taxes further, this would have serious consequences.
1	Would the world be different if it were ruled by women?	Would the world be different if it would be ruled by women?
2	Were citizens to pay their taxes ... Were women to rule the world ...	

۹-۳- استفاده‌های دیگر از would

۱- would می‌تواند برای ساختن یک جمله بسیار تجربی استفاده می‌شود. این کلمه معمولاً با seem, appear و suggest استفاده می‌شود.

۲- would برخی اوقات برای ارجاع به اینکه چگونه وضعیت قبلی بعداً در آینده پیشرفت می‌کند استفاده می‌شود. در چنین مواردی گذشته ساده نیز می‌تواند استفاده شود، اما will خیر.

۳- would + infinitive (اما نه would have + past participle) در گفتگوهای غیرمستقیم برای گزارش اینکه فردی چه گفته است استفاده می‌شود.

۴- would می‌تواند برای گزارش یک عادت (مجموعه‌ای از اقدامات گزارش شده) در گذشته مخصوصاً در ارجاع به عادت یک فرد استفاده شود؛ استفاده از گذشته ساده در چنین وضعیتی به معنی این است که چنین وضعیتی ممکن است تنها یکبار اتفاق بیفتند تا اینکه دائماً تکرار شوند.

	درست	نادرست
1	An intriguing hypothesis concerns the development of bilingualism. It would seem that this can be favored when ... This would suggest that ...	
2	This is highlighted by Maria Kazlovic. A mentally troubled woman – she would commit suicide two years later – she claimed that ...	This is highlighted by Maria Kazlovic. A mentally troubled woman – she will commit suicide two years later – she claimed that ...
2	His description of this species, which he would revise completely in the third and final edition of his book, focused exclusively on ...	His description of this species, which he will revise completely in the third and final edition of his book, focused exclusively on ...
3	The experimenter then told the students that she would return later to explain how each problem was solved.	The experimenter then told the students that she would have returned later to explain how each problem was solved.
3	In the next session, as soon as he sat down, he said that he would be unable to concentrate on whatever I might have to say, because he had just seen a ghost.	In the next session, as soon as he sat down, he said that he would have been unable to concentrate on whatever I might have to say, because he had just seen a ghost.
4	In the first session he showed no strange behaviors. However at the beginning of each subsequent session he would stare at the wall for five minutes, then he would turn his head towards me and start speaking at great speed.	In the first session he would show no strange behaviors. However at the beginning of each subsequent session he would stare at the wall for five minutes, then he turned his head towards me and start speaking at great speed.

۹-۴- حال ساده در برابر would

۱- زمانی که فرضی را گزارش می‌کنید، به‌عنوان مثال چگونه شما (یا نویسنده دیگر) تصور می‌کنید که چیزی چطور باید باشد، از **حال ساده** و نه **would** استفاده می‌شود. کلمات و عباراتی مانند *hypothesis*, *hypothesize*, *assumption*, *assume*, *argue*, *suggest* و *according to* به خواننده اشاره می‌دارد که چیزی که شما می‌گویید تنها پیشنهادی تجربی است و در حقیقت نیاز نیست.

۲- معمول‌ترین استفاده از **would** عبارت شرطی واقعی است (بخش ۹-۲) که در آن **if** وجود دارد (یا زمانی که **if** حداقل به‌طور ضمنی است).

	حال	WOULD
1,2	Aardvark's hypothesis suggests that the onset of the disease is associated with a sudden increase in blood pressure.	Batteaux suggests that the onset of the disease would only be associated with a sudden increase in blood pressure if the patient were over the age of 50, whereas Aardvark had only hypothesized such an event for younger patients.
1,2	According to these authors, mating early in the morning is quite advantageous for small insects, as cool temperatures and a high relative humidity reduce the risk of desiccation.	Although we have no data that provides concrete evidence of this, we believe that mating early in the morning would be quite advantageous for large insects, as cool temperatures ...
1,2	Bakali argues that global warming is causing an increase in the possibility for a war to gain access to water.	Bakali also argues that the consequences of such a war would be catastrophic. In fact if wars were started in order to capture water supplies, the West would certainly be forced to intervene and this would lead to ...

۵-۹- شرطی نوع سوم

۱- شرطی نوع سوم (would have + past participle + if + past perfect + would have + past participle) یا (of + past perfect): برای بیان اینکه چگونه چیزهایی ممکن است باشند اگر چیزی اتفاق بیفتد یا خیر.

۲- would have + past participle می‌تواند در شرایط ضمنی نیز استفاده شود.

۳- would have + past participle برای گزارش اینکه افراد دیگر چه چیزی گفتند استفاده نمی‌شود، مگر اینکه چیزی که در اصل گفتند شامل شرطی نوع سوم باشد.

۴- حالت جایگزین شرطی نوع سوم، جایگزین کردن جمله‌واره شرطی با had + subject + past participle می‌باشد. این ساختار بسیار رسمی است و هیچ نیاز واقعی برای استفاده از آن وجود ندارد.

	درست	نادرست
1	This mistake would not have been made if the authors had been more careful.	This mistake would not have been made if the authors would have been more careful.
1	What would have happened if the central bank had not intervened ?	What would have happened if the central bank would not have intervened ?
2	This work would not have been possible without the help of the following people: = If the following people had not helped me.	This work was not possible without the help of the following people:
3	One juror said that she would have done exactly what the defendants had done if she had been in their position. The original words of the juror were: <i>I would have done exactly what the defendants did if I had been in their position.</i>	One migrant said that he would have only liked to live in a country where everyone followed regulations and valued fairness. The original words of the migrant were: <i>I would only like to live in a country where everyone follows regulations and values fairness. Thus the correct version of the above is: he would only like to live.</i>
4	Had the physician known the true nature of the patient's condition, she would have never prescribed such a high dose. = If the physician had known ...	

۱۰ مجهول در برابر معلوم: حالت‌های بی‌فاعل در برابر فاعل‌دار

مجهول را به صورت ذکر شده در مثال‌ها بسازید:

معلوم: *They built a new road* (گذشته ساده).

مجهول: *A new road was built* (گذشته ساده + اسم مفعول).

معلوم: *They are building a new road* (حال استمراری).

مجهول: *A new road is being built* (حال استمراری + اسم مفعول).

اکثر کتاب‌های نوشتاری خوب، حالت معلوم را به حالت مجهول ترجیح می‌دهند. همچنین، برنامه‌های رایانه‌ای که متن را از نظر گرامر و ساختار به صورت اتوماتیک بررسی می‌کنند، معمولاً هر استفاده از مجهول را روشن می‌نمایند و حالت معلوم را به عنوان جایگزین پیشنهاد می‌دهند.

با این حال، در پیش‌نویس‌های پژوهشی، مجهول اغلب گزینه بسیار بهتری است (بخش‌های ۱۰-۱ و ۱۰-۲ را ببینید).

۱۰-۱- استفاده اصلی از مجهول

مجهول معمولاً نسبت به معلوم در تمامی موارد زیر در اولویت است. معادل معلوم ممکن است زمانی که ارائه‌های شفاهی می‌دهیم و یا در موارد متعدد رسمی دیگر امتیازی محسوب شود:

۱- برای توصیف فرآیندها. در چنین مواردی علاقه اصلی این نیست که چه کسی و یا چه چیزی اقدامات را انجام داده‌اند؛ مهم‌ترین مورد فاعل جمله است. معمولاً این امر در بخش روش‌ها یافت می‌شود. تنها we در روش‌ها استفاده می‌شود اگر واضح نباشد که چه کسی اقدام را انجام داده است.

۲- زمانی که ارجاعات کلی به متون و یا به چیزی که در جهان به صورت کلی رخ داده است، می‌دهیم.

۳- زمانی که غیرضروری، مشکل، و یا غیرممکن است که مبتکر اقدامی را تشخیص دهیم.

۴- برای گزارش اینکه چه چیزی معمولاً برای آن این باور وجود دارد که صحیح است.

۵- برای گزارش تصمیمات رسمی و یا برای ساختن اعلان‌ها.

	مجهول	معلوم
1	The rust was removed by acid treatment.	We removed the rust by acid-treatment.
1	An aerosol solution was added to make the flame front visible.	We added an aerosol solution to make the flame front visible.
2	Several attempts have been made to explain this phenomenon [17, 24, 33].	Several researchers have attempted to explain this phenomenon [17, 24, 33].
2	Much progress is being made in the field of telecommunications.	They are making much progress in the field of telecommunications.
3	The surface of the steel piping was fractured .	Something had caused the steel piping to fracture .
3	A large sum of money was recently donated to the hospital.	Someone recently donated a large sum of money to the hospital.
4	This drug is known to have serious side effects.	Serious side effects typically arise from the use of this drug.
5	The law is expected to be passed next year.	It is likely that the government will pass this law next year.

۱۰-۲- مجهول بهتر از معلوم: مثال‌های بیش‌تر

در استفاده از مجهول دقت نمایید تا از موارد زیر جلوگیری نمایید:

۱- استفاده بیش از حد از we و us (بخش ۱۵-۸)، اما در صورت امکان حالت معلوم ترجیح داده می‌شود.

۲- استفاده از حالت بدون فاعل one. استفاده از one کاملاً منسوخ شده است.

۳- زنجیره‌ای از اسامی.

توجه نمایید که:

۴- مجهول معمولاً همراه با افعالی مانند upload, install, و download استفاده می‌شود.

	درست	قبول (۱-۳)، نادرست (۴)
1	An example of this effect is shown in Figure 4. = Figure 4 shows an example of this effect.	We show an example of this effect in Figure 4.
1	The example can be strengthened by means of the circuit in Fig. 3b.	Let us strengthen the example by means of the circuit in Fig. 3b.
2	On the other hand the other case of a branch is only obtained at the TTC input.	On the other hand one obtains the other meaning of a branch only at the TTC input.
3	Costs can be further reduced since the components can be placed in arbitrary positions in the memory space.	Further reductions in costs follow from the possibility to place the components in arbitrary positions of the memory space.
4	The system is installed automatically.	The system installs automatically.
4	Files are downloaded directly from source.	Files download directly from source.

۱۰-۳- معلوم بهتر از مجهول

۱- جمله معلوم به خواننده کمک می‌نماید تا دقیقاً بداند که چه کسی عامل (در مورد ما، نویسنده/محقق) کاری است. بنابراین، اگر جمله شما به استفاده از we اجازه می‌دهد، آنگاه از we برای جلوگیری از هر گونه گمراهی در مورد اینکه شما یا نویسنده دیگر یک عمل خاص را انجام داده است استفاده نمایید (بخش ۱۰-۴).

۲- جملات معلوم به فاعل نیازمند نیستند. از حالت معلوم استفاده نمایید آن هم اگر این امر به بردن فعل به نزدیکی فاعل خود کمک می‌کند.

۳- برخی ساختارهای مجهول ناشی و یا نادرست در زبان انگلیسی به نظر می‌رسند، مخصوصاً همراه با افعالی مانند to aim و to focus.

	درست	توصیه نمی‌شود
1	We compared our results with those of Alvarez.	The results were compared with those of Alvarez. Possibly ambiguous, but fine if it is clear from the context who did what
2	The following section outlines the state of the art in cybertronics.	In the following section the state of the art in cybertronics is outlined .
2	Figure 1 shows the relevant trends.	The relevant trends are shown in Figure 1.
2	The system supports : x, y and z.	The following features are supported by the system: x, y and z.
3	The main aim of this project is to develop an alternative to the Internet.	This project is mainly aimed at developing an alternative to the Internet.
3	This paper focuses on the best way to control the activities of potentially rogue traders.	This paper is focused on the best way to control the activities of potentially rogue traders.

۱۰-۴- ابهام همراه با مجهول

برخی مجلات پافشاری می‌نمایند که شما نباید از ضمیر فاعلی we استفاده کنید. این بدان معنی است که به جای نوشتن we did x (معلوم)، می‌بایست به صورت x was done (مجهول) نوشته شود. متأسفانه، حالت مجهول به خواننده ۱۰۰٪ اطمینان نمی‌دهد که چه کسی کاری را انجام داده است.

۱- اگر از مجهول برای صحبت در مورد چیزی که معمولاً به اسناد ارجاع داده شده است استفاده کنید، آنگاه در صورتی که از کلمه و یا اصطلاحی استفاده کنید که بیانگر مشترک بودن این دانش است، این امر به خواننده کمک می‌نماید.

اگر در مورد اسناد صحبت می‌کنید و از مجهول هم برای ارجاع به کار خود و هم ارجاع به اسناد استفاده می‌کنید، آنگاه خواننده به سختی بین دو مورد تمییز قائل خواهد شد. راه‌های مختلفی وجود دارد که برای چنین ابهاماتی ضروری می‌باشد:

۲- از اسم نویسندگان ترجیحاً در بین جمله اصلی و از حالت معلوم استفاده کنید. تنها مشکل همراه با استفاده از ارجاع بدون اسم نویسنده این است که خواننده مجبور می‌شود که بررسی کند و قسمت منابع را ببیند که ارجاع به شما داده شده است و یا نویسنده دیگر.

۳- اگرچه برخی مجلات برخلاف we، به نظر می‌رسد که با our مشکلی ندارند! لذا یک راه خوب برای جلوگیری از سوء تفاهم امکان‌پذیر این است که از اصطلاحاتی مانند our results show، in our work، in our study استفاده شود. استفاده از چنین اصطلاحاتی در زمان اینکه به‌طور مداوم از صحبت در مورد اسناد به صحبت در مورد کار می‌روید، حیاتی است.

۴- مواظب باشید که زمانی که از اصطلاحاتی مانند in a pervious work استفاده می‌کنید می‌بایست بسیار روشن باشد که در مورد کار قبلی خود صحبت می‌کنید، به جای کار قبلی نویسنده‌ای که ذکر کردید.

	درست	امکان وجود ابهام
1	Children are conditioned by their parents [1, 7, 9]. Thus it is generally assumed that children in orphanages will ...	Children are conditioned by their parents [1, 7, 9]. Thus it is assumed that children in orphanages will ...
	<i>generally</i> indicates that this is an assumption made in the literature and not specifically by the authors of this paper	It is impossible to understand who has made or is making the assumption.
1	Children are conditioned by their parents [1, 7, 9]. It is well known that children who have been abandoned by their parents will ...	
	<i>it is well known</i> clarifies that this is not just the author's viewpoint.	
2	Peters found that children perform such tasks better than adults [34].	It was found that children perform such tasks better than adults [34].
3	These features are generally characteristic of this species [Smith 2010, Carsten 2013]. However, in our	These features are generally characteristic of this species [Smith 2010, Carsten 2013]. However, it was

	study, it was found that they are also characteristic of some completely unrelated species.	found that they are also characteristic of some completely unrelated species.
4	Ying et al. noted that red is most people's favorite color. However, in a previous work carried out by our group, it was noted that green was ...	Ying et al. noted that red is most people's favorite color. However, in a previous work it was noted that green was ...

۱۱ دستوری، مصدر در برابر اسم مصدر (حالت **ing** دار)

۱۱-۱- دستوری

حالت دستوری همراه با مصدر بدون to ساخته می‌شود. این حالت در پیش‌نویس‌ها برای موارد زیر به کار می‌رود:

۱- یادآوری اطلاعات مشخص برای خواننده، و یا جلب توجه در مورد حقایق مشخص.

۲- دادن فرضیات.

۳- ارجاع خواننده به بخش‌های دیگر مقاله و یا اسناد خارجی.

	درست	درست
1	Recall that $x = 1$.	Note that the values of x may vary.
2	[Let us] Suppose that $x = 1$.	Let x be equal to 1.
3	This is of great importance (see below).	See Smith's paper [23] for details.

۱۱-۲- مصدر

۱- از مصدر زمانی که در مورد هدف/منظور یک اقدام صحبت می‌کنید، و یا چگونگی بردن چیزی به خارج استفاده کنید.

۲- قبل از مصدر از for استفاده نکنید.

۳- حالت منفی مصدر عبارت است از: so as not to, in order not to.

۴- بعد از اکثر صفت‌ها (شامل عالی‌ترین) مصدر می‌آید.

۵- زمانی که کمیت‌سنج (به‌عنوان مثال enough, too much, too many, too little, too few) قبل از ساختار اسم + فعل بیاید، فعل به‌صورت مصدر خواهد بود.

	درست	نادرست
1,2	To make extra money, he designs and develops software.	For to make extra money, he designs and develops software. For making extra money, he designs and develops software.
2	I need money to buy a house.	I need money for buying a house
3	In order not to lose data, make back-ups regularly.	For not losing / For don't / To don't lose data, make back-ups regularly.
4	It is straightforward to verify that $x = y$.	It is straightforward verifying that $x = y$.
5	It has been claimed that five users is enough to catch 85% of the problems on the vast majority of websites.	It has been claimed that five users is enough for catching 85% of the problems on the vast majority of websites.
5	There are too few studies with too few patients to determine which is the best drug.	There are too few studies with too few patients for determining which is the best drug.

۱۱-۳ in order to

۱- این تمایل وجود دارد که از in order to در مواقع بسیار رسمی استفاده شود.

۲- از in order to زمانی استفاده کنید که یک مصدر سریعاً بعد از یک مصدر دیگر بیاید.

۳- استفاده از in order to به جای to اغلب اختیاری است، و برخی اوقات زائد است.

۴- in order زمانی که تمرکز روی فعالیت است تا هدف، نیاز نمی‌باشد.

	IN ORDER TO	TO
1	In order to drive a car, a license must be obtained.	To drive a car you need a license.
2	Having an English dictionary is very important, in fact a dictionary is vital in order to be able to distinguish between different meanings of the same word.	It is vital to learn English if the desired outcome is to be successful.
2	If a scientist feels it necessary, therefore, to publish in English in order to reach a worldwide audience, does this mean that ...?	It is necessary to publish in English if you wish to reach a wider audience.
3	[In order] to learn English it helps to have a good teacher.	To learn English it helps to have a good teacher.
3	Our librarian will consult the library collection [in order] to see if we already have these books.	Our librarian will consult the library collection to see if we already have these books.
4	[In order] to teach English, candidates are required to have a certificate.	There is now a program of retraining Russian teachers to teach English.

۱۱-۴- مصدر مجهول

مصدر مجهول توسط فعل *to be* + اسم مفعول ساخته می‌شود.

۱- این نوع مصدر زمانی استفاده می‌شود که فعلی که بعد از اسم می‌آید، فاعل اسم نباشد (به‌عنوان مثال، زمانی که چیز دیگری برای اقدامی مسئول باشد).

۲- در برخی موارد هر دو حالت امکان‌پذیر است. در مثال، مصدر عادی احتمالاً بیانگر این است که از خواننده انتظار می‌رود که وظایف را انجام دهد، در حالی که مجهول آن را بسیار آزاد رها می‌کند.

	مصدر عادی	مصدر مجهول
1	This enables us to calculate the ratio.	This enabled the ratio to be calculated .
1	We still need to identify the variants that influence these traits.	The variants that influence these traits still need to be identified .
1	In order to see these readings, we shifted the corresponding points horizontally and connected by straight lines.	To enable these readings to be seen separately, the corresponding points were shifted horizontally.
1	We remained after the presentation to see Professor Yi's experiments.	It remains to be seen whether the government will actually implement this policy.
2	Below is a list of tasks to do next week.	Below is a list of tasks to be done next week.

۱۱-۵- مصدر کامل

مصدر کامل توسط *to + have + past participle* ساخته می‌شود.

۱- این نوع مصدر زمانی استفاده می‌شود که تأکید بر اینکه چیزی در گذشته رخ داده است مهم باشد، به جای اینکه در تمامی مواقع صحت داشته باشد (مصدر عادی).

	مصدر عادی	مصدر کامل
1	Our clustering algorithm seems to perform very well with whatever kind of data it has to deal with.	In the last experiment, the clustering algorithm seems to have performed very well, with just a few individuals falling outside the obvious clusters.
1	Malaria is estimated to cause almost one in five deaths in sub-Saharan Africa.	This disease was estimated to have caused or contributed to death in 122 of 51,645 of the patients analysed.
1	Around 10,000 people claim to see UFOs on a regular basis.	Around 100,000 people claim to have seen a UFO last year.

۱۱-۶- اسم مصدر (حالت ing): موارد استفاده

اسم مصدر (که به حالت ing دار نیز شناخته می‌شود) با افزودن ing به حالت خالی مصدر ساخته می‌شود (به‌عنوان مثال، study + ing = studying). حالت منفی توسط افزودن not ساخته می‌شود (به‌عنوان مثال، not working, not studying). موارد استفاده از اسم مصدر:

۱- زمانی که فعل، فاعل جمله است.

۲- بعد از حرف اضافه، قید و یا حرف ربط.

۳- از اسم زمانی که در مورد هدفی صحبت می‌کنید استفاده نکنید. به جای آن، از مصدر استفاده کنید (بخش ۱۱-۲).

	درست	نادرست
1	Developing software is their core business.	To develop software is their core business.
2	Before starting up the PC, make sure it is plugged in.	Before to start up the PC, make sure it is plugged in.
2	When transferring the samples, ensure that the recipient is clean.	When transfer the samples, ensure that the recipient is clean.
2	The contents may be displaced while being transferred.	The contents may be displaced while to be transferred.
3	Our aim is to investigate the use of X. = Investigating the use of X is our aim.	Our aim is investigating the use of X.
3	The target was to identify those elements that require X. = Identifying those elements that require X was the target.	The target was identifying those elements that ...

۷-۱۱ by در برابر thus + اسم مصدر، برای جلوگیری از ابهام

۱- از اسم مصدر در ابتدای جمله زمانی استفاده کنید که فاعل فعل اصلی باشد.

۲- زمانی که چیز دیگری فاعل فعل اصلی باشد، آنگاه اسم مصدر می‌بایست بعد از by بیاید و یا با جمله‌واره شرطی جایگزین شود.

۳- از thus به همراه اسم مصدر برای نشان دادن مجموعه اقدامات انجام دادن چیزی استفاده کنید.

۴- استفاده از by به جای thus و برعکس، می‌تواند کاملاً معنای جمله را عوض کند.

	درست	نادرست
1	Learning English will help you to pass the exam.	
2	By learning English you will pass the exam. = If you learn English you will pass the exam.	Learning English you will pass the exam.
2	By clicking on the mouse you can open the window. = If you click ...	Clicking on the mouse you can open the window.
3	We learn English thus enabling us to communicate with our international colleagues. = We learn English and thus we can communicate ... = We learn English and this means we can communicate ...	We learn English enabling us to communicate with our international colleagues.
3	The introduction of the euro led to a rise in prices thus causing inflation. = The introduction of the euro led to a rise in prices <i>and this caused inflation</i> .	The introduction of the euro led to a rise in prices causing inflation.
4	This improves performance by keeping customers satisfied. = Performance improves when customers are satisfied.	This improves performance keeping customers satisfied.
4	This improves performance thus keeping customers satisfied. = If performance improves then customers will be satisfied.	This improves performance keeping customers satisfied.

۱۱-۸- منابع دیگر ابهام همراه با اسم مصدر

۱- اگر جمله‌ای را با اسم مصدر شروع می‌کنید، خواننده ممکن است نفهمد که این اسم مصدر به چه کسی یا چه چیزی اشاره دارد. راه‌حل: جمله را با استفاده از ساختار *فاعل + فعل* مجدداً مرتب نمایید.

۲- زمانی که اسم مصدر در بخش دوم جمله ظاهر می‌شود، ممکن است اگر به فاعل و یا مفعول فعل در بخش اول اشاره داشته باشد واضح نباشد. راه‌حل: از *that* و یا *because (since, as)* و غیره برای روشن کردن موضوع استفاده کنید.

۳- اگر به راحتی اطلاعات اضافی می‌دهید، از *and* استفاده کنید (این مورد قانون نمی‌باشد اما درک خواننده را تسهیل می‌نماید).

	درست	نادرست
1	Since the frequency spectrum is equal for all the examined transients, the curves have the same shape and differ only in amplitude.	Being equal for all the examined transients the frequency spectrum , the curves have the same shape and differ only in the amplitude.
1	If the status is set to OFF, users will not be able to operate the machine.	Setting the status to OFF, users will not be able to operate the machine.
1	After the gels had been washed to remove impurities, they were incubated for 90 min.	After washing to remove impurities, the gels were incubated for 90 min.
2	Professor Yang only teaches students that have a good level of English.	Professor Yang only teaches students having a good level of English.
	It is clear that it is the students who have the good level of English.	Who has good English – the students or Yang?
2	Suzi teaches students since / because she has a passion for teaching.	Suzi teaches students having a passion for teaching.
		Who has passion – the students or Suzi?
3	This document gives an overview of X and throws light on particular aspects.	This document gives an overview of X, throwing light on particular aspects.

۹-۱۱- جایگزینی اسم مصدر مبهم با **that** و یا **which**، یا با عبارت دوباره مرتب‌شده

۱- اسم مصدر می‌تواند زمانی که خواننده مطمئن نیست که شما آن را در حالت محدود و یا نامحدود استفاده کردید، مبهم باشد (بخش ۷-۲)؛ از **that** و یا **which** برای شفاف‌سازی موضوع استفاده نمایید.

۲- در برخی موارد، بهترین راه‌حل مرتب‌سازی مجدد جمله است.

	مبهم	غیر مبهم	غیر مبهم
1	Phenolic resin components (PRCs) occurring on the surfaces of plant organs have been frequently used, particularly in medicines.	Phenolic resin components (PRCs) that occur on the surfaces of plant organs have been frequently used, particularly in medicines.	Phenolic resin components (PRCs), which occur on the surfaces of plant organs, have been frequently used, particularly in medicines.
	Does this mean all or just some PRCs?	Not all PRCs occur on plant organs	All PRCs occur on plant organs, this is just additional information
2	A horizontal force is applied to one cylinder at a constant rate measuring the corresponding displacement.	A horizontal force is applied to one cylinder at a constant rate. This rate measures the corresponding displacement.	A horizontal force is applied to one cylinder at a constant rate. This force is then used to measure the corresponding displacement.

۱۰-۱۱- افعالی که هدف و یا ظاهر را بیان می‌کنند + مصدر

۱- افعالی که هدف را بیان می‌کنند: **force, encourage, decide, convince, compel, choose, attempt, afford, promise, prefer, persuade, plan, order, offer, oblige, neglect, manage, learn, invite, intend, hope, would like, wish, warn, want, try, teach, study, remember, refuse, propose**

۲- افعالی که ظاهر را بیان می‌کنند: **seem, appear**

	درست	نادرست
1	We are planning to have a meeting next week.	We are planning having a meeting next week.
1	I write to inform you that your invoice has now been processed.	I write informing you that your invoice has now been processed.
2	This seems / appears to be the best solution.	This seems / appears being the best solution.

۱۱-۱۱- افعالی که نیازمند به ساختار مفعولی هستند (به عنوان مثال، شخص/چیز + مصدر)

برخی افعال زمانی که در حالت معلوم استفاده می شوند، نیازمند به مفعولی مستقیم قبل از مصدر می باشند. سه ساختار معمول وجود دارد:

۱- X به Y اجازه می دهد تا Z را انجام دهد.

۲- X به Y اجازه می دهد تا انجام داده شود.

۳- X اجازه دارد تا Y را انجام دهد.

برخی افعال معمول که تمام سه قانون بالا را رعایت می کنند (*) به این معناست که آنها تنها قوانین ۱ و ۲ را رعایت می کنند):
 .would like*, .wish*, .want*, .request, .prefer*, .promise*, .offer*, .oblige, .force, .encourage, .ask, .advise, .forecast, .expect, .predict, .permit, .enable, .allow

	درست	نادرست
1	The build-up of large water masses against the shore forces the water to move seaward as an undertow.	The build-up of large water masses against the shore forces the water moving seaward as an undertow.
1	A passport permits the holder to travel across national borders.	A passport permits traveling / to travel across national borders.
1	The referees want / have asked / have requested us to make various changes.	The referees want / have asked / have requested we make various changes.
1	I would like you to make the following changes:	I would like that you make the following changes:
2	This software allows tasks to be carried out more quickly.	This software allows to carry out tasks more quickly.
2	The editors expect the changes to be made before the end of the month.	The editors expect that the changes are made before the end of the month.
3	Ph.D. students are encouraged to present posters at the conference.	
3	With this password users are enabled to use the system.	With this password users enable to use the system.

۱۱-۱۲ - حالت معلوم و مجهول: با و بدون مصدر

۱- مصدر بعد از حالت مجهول (اما نه بعد از حالت معلوم) همراه با این افعال استفاده می‌شود: *hypothesize, believe, assume, think, suppose, imagine*. این افعال تماماً برخی انواع هدف یا دلیل را بیان می‌کنند.

۲- زمانی که افعال لیست‌شده در قانون ۱ در حالت معلوم استفاده شوند، ساختار متفاوتی موردنیاز است (*that* + اسم + فعل در حالت معلوم).

۳- اگر فاعل حالت مجهول *it* باشد، آنگاه ساختار مشابهی همچون قانون ۲ موردنیاز است.

	مجهول	معلوم	نادرست
1,2	The value of x is assumed to be equal to 1.	We assume that the value of x is equal to 1.	We assume the value of x to be equal to 1.
1,2	This tree was believed to have supernatural powers.	They believed that this tree had supernatural powers.	They believe to have found the answer.
3,1	It was thought that the answer was known.	They thought they knew the answer.	They thought to know the answer
3,1	It was assumed that the problem had been resolved.	We assumed that we had already resolved this problem.	We assumed to have already resolved this problem.

۱۱-۱۳ - حالت معلوم: افعالی که همراه با مصدر استفاده نمی‌شوند

بعد از افعال زیر مصدر در حالت معلوم مصدر استفاده نمی‌شود: *think, realize, believe*. به‌جای آن از فرمول زیر استفاده کنید:
فعل + (*that*) + ضمیر + زمان مناسب فعل

درست	نادرست
We believe (that) we are the first to have revealed this discrepancy.	We believe to be the first to have revealed this discrepancy.
We realized (that) we had this problem only a month ago.	We realized to have this problem only a month ago.
She thought (that) she was right.	She thought to be right.

۱۱-۱۴ make و let

۱- to بعد از make (در جملات معلوم) و let استفاده نمی‌شود.

۲- to بعد از make در جملات مجهول استفاده می‌شود.

۳- از let's استفاده نکنید (به عنوان مثال، حالت منقبض شده let us). let's بسیار رسمی مدنظر قرار می‌گیرد.

۴- let اغلب زمانی که مقدمات داده می‌شود استفاده می‌گردد. فعل بعد از let در حالت مصدری می‌باشد (که در واقع حالت وجه شرطی حال حاضر می‌باشد).

	درست	نادرست
1	The engine makes the wheels go round.	The engine makes the wheels to go round.
1	Please let me know as soon as possible.	Please let me to know as soon as possible.
2	He was made to write the paper by his professor.	He was made write the paper by his professor.
3	Let us now look at Equation 5.	Let's now look at Equation 5.
4	Let X be a compact convex set in a topological vector space Y	Let X to be / Let X is a compact convex set in a topological vector space Y.

۱۱-۱۵- افعال + اسم مصدر، suggest ,recommend

۱- افعالی که قبل از برخی انواع فعالیت‌ها و یا دوره‌های کاری می‌آیند، تمایل دارند تا اسم مصدر بگیرند. در ادامه برخی از این افعال ذکر می‌شود: avoid, carry on, consider, contemplate, delay, entail, finish, imagine, imply, mean, miss, postpone, recommend, risk, suggest.

۲- prevent و stop قبل از ساختار مفعول + اسم مصدر می‌آیند.

۳- از اسم مصدر بعد از to در این افعال استفاده کنید: be dedicated to, be devoted to, be an aid to, look forward to, contribute to, object to.

۴- زمانی که توصیه یا پیشنهادی به شخص سومی داده می‌شود، آنگاه از ساختار روبرو استفاده کنید:
recommend / suggest that someone [should] do (infinitive form) something.

	درست	نادرست
1	The survey also showed that 88% of these graduates were satisfied with their programs of study and would recommend studying in Scotland.	The survey also showed that 88% of these graduates were satisfied with their programs of study and would recommend to study in Scotland.
1	Tagawaki et al. have suggested doing this in reverse order.	Tagawaki et al. have suggested to do this in reverse order.
1	This entails carrying out further tests.	This entails to carry out further tests.
1	We have finished writing the first draft.	We have finished to write the first draft.
2	Does parental disapproval prevent teenagers from drinking alcohol?	Does parental disapproval prevent teenagers to drink alcohol?
2	How do we stop doctors [from] overprescribing antibiotics?	How do we stop doctors to overprescribe antibiotics? How do we stop that doctors overprescribe antibiotics?
3	Most of this section is devoted to reviewing the literature.	Most of this section is devoted to review the literature.
3	I look forward to hearing from you.	I look forward to hear from you.
4	The referees recommend / suggest that you / he [should] reorganize the structure of your / his paper.	The referees recommend / suggest you / him to reorganize the structure of your / his paper.
4	We recommend / suggest that policy changes in this direction [should] be made .	We recommend / suggest to make policy changes in this direction.

۱۱-۱۶- افعالی که هم مصدر و هم اسم مصدر را می گیرند

برخی اوقات فعل مشابهی می تواند هم مصدر و هم اسم مصدر را بگیرد، آن هم براساس معنای خود:

۱- آن ها مصدر را زمانی می گیرند که تمرکز بر روی هدف باشد.

۲- آن ها اسم مصدر را زمانی می گیرند که تمرکز بر روی فعالیت باشد.

۳- start و begin می توانند هم قبل از مصدر و هم قبل از اسم مصدر بدون هیچگونه تغییر آشکار معنایی بیایند. با این حال اگر start و begin در حالت استمراری باشند (به عنوان مثال is starting, was beginning)، آنگاه آن ها قبل از مصدر می آیند.

۴- بعد از it is used می توانید هم از مصدر و هم از for + اسم مصدر استفاده کنید.

	مصدر	اسم مصدر
1,2	The experiments on the animals were stopped in order to avoid any further protests by activists.	We stopped doing the experiments to avoid protests by animal activists.
1,2	Please remember to include your biography with your manuscript.	The patient remembered dreaming about his mother the night before.
1,2	We regret to inform you that we cannot accept your proposal.	I regretted not accepting the job proposal.
1,2	We would like to emphasize that ...	I like playing all kinds of sports.
3	She teaches young children to dance in her spare time.	She teaches dancing in her spare time.
3	I am starting to learn Spanish.	I have started to learn / learning Spanish.
4	A pen is used to write with.	A pen is used for writing with.

۱۲ افعال معین: can, may, could, should, must و غیره

۱-۱۲ توانایی و امکان حال و آینده: can در برابر may

۱- can بیانگر رفتاری خاص می‌باشد. زمانی که شرایط مشخصی مدنظر باشد، can بیانگر چیزهایی است که امکان‌پذیر هستند اما نیازمند به رخداد نمی‌باشند.

۲- may تنها بیانگر پتانسیل برای رخ دادن چیزی می‌باشد. این کلمه بیانگر عدم قطعیت است و بنابراین برای ساختن فرضیات، اندیشیدن در مورد آینده، و یا صحبت در مورد احتمال استفاده می‌شود.

۳- can بیانگر اطمینان در مورد آینده می‌باشد.

۴- may have + past participle برای اشاره به حالت قیاس در مورد حادثه گذشته استفاده می‌شود. توجه: حالت can have + past participle وجود ندارد.

۵- برخی اوقات اختلاف بسیار کمی در معنا زمانی که can و may در حالت مثبت استفاده می‌شوند وجود دارد، به‌طوری که can بیانگر اطمینان بیش‌تر بوده و بنابراین در تعاریف ترجیح داده می‌شود (آخرین مثال زیر).

	CAN	MAY
1,2	Bilinguals are people that can speak two languages.	Bilinguals may sometimes have learning difficulties when very young.
1,2	Government cuts in education funding can have devastating effects on research (Ref. 12–28).	In the next decade such government cuts may lead to the closure of several universities.
1,2	This situation can be [= This situation is] quite dangerous when hydrogen is present in the chamber. Such dangers can be mitigated by properly designing the compartments.	It may be dangerous to speculate about the possibilities of this actually happening as so many factors are involved.
1,2	It can rain [= It rains] a lot during a monsoon, up to 20 cm of rain at one time.	It usually rains a lot during a monsoon, but this year it may rain less as a result of global warming.
1,2	From this perspective, the costs of low short-term interest rates can be seen largely as adjustment costs.	Interest rates may go up again in the near future.
3,2	I can see [= I will see] you tomorrow – what time shall we meet?	I may be here tomorrow, but I am not 100% sure.
4		Our sample was only small. Clearly, this may have affected the results.

5	In our view, having two systems can / may be a more reliable way for dealing with this problem.	In our view, having two systems can / may be a more reliable way for dealing with this problem.
5	Dogs can / may eat up to 5 kg of food per day, as can be seen in Table 4.	Dogs can / may eat up to 5 kg of food per day, as can be seen in Table 4.
5	A university can be defined as a place of advanced learning.	A university may be defined as a place of advanced learning.

۱۲-۲- عدم امکان و امکان: cannot در برابر may not

۱- cannot بیانگر عدم امکان است (به عنوان مثال، یک حادثه یا سناریوی مشخص امکان پذیر نیست).

۲- may not بیانگر این است که این امکان وجود دارد که چیزی رخ نخواهد داد (به عنوان مثال، یک حادثه یا سناریوی مشخص که احتمال ندارد).

۳- cannot have + past participle برای اندیشیدن در مورد گذشته استفاده می شود، مخصوصاً در بحث‌ها؛ might have و could have می توانند همچنین به روشی مشابه استفاده شوند. توجه: حالت can have + past participle وجود ندارد.

۴- may (not) have + past participle برای اندیشیدن در مورد گذشته استفاده می شود، مخصوصاً در بحث‌ها؛ might have و could have می توانند همچنین به روشی مشابه استفاده شوند. توجه: حالت can have + past participle وجود ندارد.

	CANNOT	MAY NOT
1,2	I apologize, but I cannot come to the meeting as I will be in Hong Kong.	I may not be able to come to the meeting tomorrow – is it alright if I let you know later today?
1,2	It is well known that most North Americans and Britons cannot speak any foreign languages.	Professor Smith is English so he may not speak any foreign languages.
3,4	Shakespeare was not born until 1564 so this work (dated 1560) cannot have been written by him.	Although our sample was only small, this may not have affected the results because the sample was, in any case, very representative.

۱۲-۳ - ability: can, could در برابر succeed, manage, be able to

۱- can برای صحبت کردن در مورد توانایی آینده استفاده می‌شود به شرطی که بحث همین الان مطرح شده باشد. توجه: will can نادرست است.

۲- در مواردی که در آن can برای صحبت کردن در مورد حادثه آینده امکان‌پذیر نیست، حالت be able to معمولاً استفاده می‌شود.

۳- could در حالت مثبت بیانگر توانایی همیشگی گذشته می‌باشد، به عنوان مثال، چیزی که شخصی یا چیزی معمولاً قادر به انجام آن است؛ was able to نیز می‌تواند در این زمینه استفاده شود. توجه: همانند تمام افعال معین، could نیازمند به مصدر بدون to می‌باشد.

۴- زمانی که توانایی‌ای را برای انجام چیزی در یک مناسبت خاص گذشته توصیف می‌کنیم، could هرگز به حالت‌های مثبت و پرسشی استفاده نمی‌شود. در هر دوی این موردها، از حالت to be able to, to succeed in, to manage استفاده کنید.

۵- به منظور جلوگیری از سردرگمی همراه با جملات شرطی و برای صحبت کردن در مورد ناتوانایی‌های گذشته، بهتر است که could not را با did not manage, did not succeed, و یا was / were not able to جایگزین کنیم.

۶- to be able to در تمامی زمان‌های فعل و حالت‌ها با can جایگزین می‌شود.

	درست	نادرست
1	I can finish the paper by tomorrow.	I will can finish the paper by tomorrow.
2	I will be able to speak better English when I have finished this course.	I can speak better English when I have finished this course.
3	The patient could / was able to walk at the age of six months.	The patient could to walk at the age of six months.
4	I managed / was able to finish the manuscript on time. I succeeded in finishing the ...	I could finish the manuscript on time.
5	They didn't manage / were unable to do it. They didn't succeed in doing it.	They couldn't do it. potentially ambiguous
6	We would have been able to obtain better results if ...	We would have been can obtain better results if ...
6	In order to be able to make this calculation, the following are required:	In order to can make this calculation, the following are required:

۱۲-۴- استنتاج‌ها و گمانه‌زنی‌ها در مورد حال: **should, cannot, must**

۱- **must** برای ترسیم نتیجه‌گیری‌های منطقی در حالت مثبت استفاده می‌شود؛ **have to** معمولاً در چنین زمینه‌هایی استفاده نمی‌شود.

۲- **cannot** برای ترسیم نتیجه‌گیری‌های منطقی در حالت منفی استفاده می‌شود.

۳- **should** بیانگر این است که چه چیزی احتمال دارد رخ بدهد (اما نه به‌طور قطعی).

	درست	نادرست
1	If $X = 1$ and $Y = 2$, then $X + Y$ must equal three.	If $X = 1$ and $Y = 2$, then $X + Y$ has to equal three.
2	If $X = 1$ and $Y = 2$, then $X + Y$ cannot equal five.	If $X = 1$ and $Y = 2$, then $X + Y$ must not equal five.
3	If the two substances are mixed together, they should go red. However, occasionally the mixture is brown.	If the two substances are mixed together they must go red. However, occasionally the mixture is brown.

۱۲-۵ - استنتاج‌ها و گمانه‌زنی‌ها: could, (not) might

۱- could اغلب برای پیشنهاد یک دوره امکان‌پذیر از اقدامی استفاده می‌شود.

۲- might بیانگر یک واکنش امکان‌پذیر و یا پیامد دوره‌ای از اقدامی می‌باشد - اما هیچ اطمینانی وجود دارد که این واکنش و یا پیامد رخ خواهد داد.

۳- اختلاف بین could و might گاهی اوقات بسیار ظریف است - could دارای حالت اطمینان است، might دارای حالت غیراطمینان (این امر ممکن است/نیست اتفاق بیفتد).

۴- برخی اوقات could و might می‌توانند به جای یکدیگر استفاده شوند.

۵- could not برای گمانه‌زنی استفاده نمی‌شود، به جای آن cannot استفاده می‌شود؛ might not به معنای این است که این امکان وجود دارد که چیزی صحیح نباشد.

	COULD	MIGHT
1,2	Future research could be directed towards elucidating this pathology.	Such research might then reveal the true causes of this pathology.
1,2	One solution could be to get parents and children to swap roles for a day.	What if parents and children swapped roles for a day? How might they behave differently?
1,2	We could , of course, increase the use of transgenic crops without thinking too much about the consequences.	We show that major problems might result from excessive use of transgenic crops over time.
1,2	If we had more energy then we could certainly increase production.	We might be able to increase production, but only if the following set of requirements were all complied with.
3	These factors could [=can] be interpreted as being indicative of ...	Unfortunately, the referees might [=may] interpret our findings as being indicative of ...
4	The temperature then rises dramatically. This effect could / might be due to ... and this could / might explain why ...	The history of the world could / might be categorized as a series of random events.
5	This cannot be the reason why the first two experiments gave very different results. There must be another reason ...	This might (may) not be the reason why the first two experiments gave very different results. There is a possibility that there are other explanations ...

۱۲-۶- الزامات حاضر: must, must not, have to, need

must و must not مکرراً در مقالات یافت نمی‌شوند، اما اغلب در مشخصات دفترچه‌های راهنما یافت می‌شوند. حالت‌های to have to در مقالات نادر می‌باشند.

۱- must به معنای این است که چیزی نیازی مطلق است که توسط اختیارات خاصی داده شده است. توجه: to have to معمولاً در چنین موقعیت‌هایی استفاده نمی‌شود.

۲- to have to برای گزارش اینکه اختیارات خارجی چه چیزی را تصمیم‌گیری نمودند استفاده می‌شود.

۳- must not به معنای این است که چیزی توسط یک سری اختیارات منع شده است.

۴- do / does not have to به معنای این است که چیزی اجباری نیست. حالت‌های to haven't, to hasn't و to hadn't نادرست می‌باشند.

۵- need بیانگر ضرورت است و ممکن است برای گفتن یک توصیه استفاده شود.

۶- do / does not need به معنای این است که تقریباً مشابه با do / does not have to می‌باشد. توجه: اگرچه یک تمایز بین do not need و needn't وجود دارد، اما برای مقالات پژوهشی مناسب نمی‌باشد.

	MUST	HAVE TO, NEED
1,2	Helmets must be worn on the building site at all times.	You have to wear a helmet on the building site at all times.
1,2	The form must be filled out and signed by the applicant. Please ensure that the form is filled out by the applicant.	I think we have to fill out the form and then sign it.
3,4	Authors must not copy the text of other authors.	As a Ph.D. student, I have to write a dissertation in my third year. However, I don't have to write it in English – I also have the option of writing it in my own language.
5		This area needs further investigation.
6		We don't need to do it tomorrow, we can do it next week if you want. = We don't have to do it tomorrow, we can do it next week if you want.

۱۲-۷- الزامات گذشته: **was supposed to have to should have + past participle**

۱- **must** دارای حالت گذشته نمی‌باشد. زمانی که به الزاماتی از گذشته اشاره می‌کنید که برآورده شده است (یعنی، شما چیزی را انجام می‌دهید که ملزم به انجام آن هستید)، از **had to**, **didn't**, **have to** استفاده کنید.

۲- **was / were supposed to** برای اشاره به چیزی که ملزم به انجام آن هستید تا برخی الزامات را رعایت کنید استفاده می‌شود، اما در حقیقت این کار را انجام ندادید.

۳- **should have + past participle** برای اشاره به چیزی که انجام ندادید استفاده می‌شود، اما اگر آن را انجام داده بودید بهتر بود.

۴- **was going to** برای اشاره به چیزی که برای انجام آن برنامه‌ریزی کنید اما آن را انجام ندادید استفاده می‌شود.

	درست	نادرست
1	We had to perform six experiments to ensure repeatability.	We musted perform six experiments to ensure repeatability.
2	The manuscript was supposed to have been completed last week, but unfortunately they are still working on it.	The manuscript had to be completed last week, but unfortunately they are still working on it.
3	We should have sent the Abstract to the conference, then we could have presented our research. Now we can only go and watch.	We had to send the Abstract to the conference, then we could have presented our research. Now we can only go and watch.
4	I was going to send my Abstract to the conference organizers, but I forgot.	I had to send my Abstract to the conference organizers, but I forgot.

۱۲-۸- الزام و توصیه: should

- ۱- should (not) برای ساختن توصیه‌ای قوی استفاده می‌شود (به جای دادن دستورات مستقیم).
- ۲- should اغلب در نتیجه‌گیری‌ها یافت می‌شود، زمانی که نویسندگان توصیه‌های خود را به دیگر نویسندگان با توجه به مسیرهای ممکن برای کارهای آینده می‌دهند.
- ۳- برای جلوگیری از حالتی متکبرانه، مراقب باشید در زمانی که می‌گویید چگونه یافته‌ها، کاربردها، و روش‌های شما برای افراد دیگر مفید می‌باشد چطور از should استفاده می‌کنید - may ترجیح داده می‌شود. از سوی دیگر، قبل از تأکید خود از we believe that استفاده کنید.
- ۴- در وضعیت‌هایی غیر از موارد موجود در مقالات، should برای دادن توصیه‌های دوستانه و بیان نظرات استفاده می‌شود.
- ۵- حالت ought to که دارای معنای مشابهی با should است، به ندرت در پژوهش استفاده می‌شود. این کلمه اغلب یک تعهد اخلاقی را نشان می‌دهد.

	درست	اجتناب
1	Special glasses should be worn in the lab. Computers should not be turned off without first being prepared for shutdown.	
2	Future work should address the need to ...	Future work must address the need to ...
3	Our approach may also be useful for those working in the field of medicine.	Those working in the field of medicine should also use our approach.
3	We believe that an important feature of any future work should be an attempt to ...	An important feature of any future work should be an attempt to ...
4	You should try using another search engine – it would be much quicker.	You must try using another search engine – it would be much quicker.
4	I think the third world debt should be cancelled.	I think the third world debt has to be cancelled.
5	There is a huge gap between what we feel we ought to do to help the third world, and what we actually do.	

۱۳ کلمات ربطی (قیدها و حروف ربط): **but, although, also**, و غیره

as far as ... is concerned, about ۱۳-۱

۱- از about در ابتدای جمله برای معرفی یک موضوع استفاده نکنید.

۲- as far as x is concerned برای معرفی یک موضوع استفاده می‌شود که در آن عبارت وابسته دارای فاعلی است که با عنوان معرفی شده در عبارت قبلی متفاوت است.

۳- از استفاده غیرضروری و بیش از حد از as far as x is concerned اجتناب نمایید. این عبارت می‌تواند اغلب به حالت کوتاه‌تری مجدداً نوشته شود.

	درست	نادرست (۱)، توصیه نمی‌شود (۲،۳)
1	We are writing to you about the paper we sent you in May. We would like to = Concerning / regarding / on the subject of / with regard to the paper we sent ...	About the paper we sent you in May, we would like to know whether ...
2	As far as the budget is concerned, we would to ask you whether ... <i>we</i> is the subject of the second phrase	As far as the budget is concerned, this can be discussed at the next meeting. <i>budget</i> is the subject of both phrases
3	The budget can be discussed at the next meeting.	As far as the budget is concerned, this can be discussed at the next meeting.
3	In terms of telephone production, Nokia is Europe's biggest producer of mobile units. = Nokia is Europe's biggest producer of mobile telephones.	As far as telephones are concerned, Nokia is Europe's biggest producer of mobile units.
3	We can draw a similar conclusion for the second phase as for the first phase.	As far as the second phase is concerned we can draw a similar conclusion as for the first phase.

moreover .besides .as well in addition .also ۲-۱۳

۱- in addition برای افزودن نظر مثبت یا خنثی اضافی استفاده می‌شود. also, further, furthermore می‌توانند به روش مشابهی استفاده شوند.

۲- moreover معمولاً برای افزودن نظر منفی اضافی استفاده می‌شود - این یک قانون نیست، اما به نظر می‌رسد یک اولویت در بین نویسندگان بومی انگلیسی‌زبان می‌باشد.

۳- besides و in addition to (هر دو + حالت یدار) در ابتدای جمله‌ای استفاده می‌شوند که از دو بخش تشکیل شده است، که در آن بخش دوم شامل یک ویژگی یا حقیقت اضافی نسبت به مورد داده شده در بخش اول است. besides در ابتدای جمله برای افزودن ایده اضافی به مورد ارائه شده در جمله قبلی استفاده نمی‌شود.

۴- as well (as) دارای معنای مشابهی با also است. as well as می‌تواند در ابتدای عبارت استفاده شود و حالت یدار فعل را بگیرد. as well, اما نه also می‌تواند در انتهای عبارت استفاده شود.

	درست	توصیه نمی‌شود (۱،۲)، نادرست (۳،۴)
1,2	This software program has several interesting features In addition / Also / Furthermore , the cost is low and it is quick to learn.	This software program has several interesting features Moreover , the cost is low and it is quick to learn.
1,2	This software program has very few useful features. Moreover , the cost is very high and it is quick to learn.	This software program has very few useful features. Further / In addition , the cost is very high and it is quick to learn.
3	Besides / In addition to having several interesting features, this program is also economical ...	This software program has several interesting features Besides , the cost is low and it is quick to learn.
3,4	In addition to / Besides / As well as teaching English, she also teaches French.	In addition / Besides / As well to teach English, she also teaches French.
4	She teaches French as well .	She teaches French also .
	She teaches French as well as English.	She teaches French also English.

۱۳-۳ - also, as well as, too, both, all: استفاده همراه با not

also, as well as, too, both و all معمولاً در جملات منفی یافت نمی‌شوند. بنابراین، در جملات منفی:

۱- از neither / nor به جای also, as well as, too استفاده کنید.

۲- از either به جای both استفاده کنید.

۳- از both همراه با حالت منفی تنها برای مخالفت استفاده کنید.

۴- از any به جای all استفاده کنید.

	درست	نادرست
1	X did not function and nor / neither did Y. Little is known about what truly matters in searching for information, nor what strategies users exploit.	X did not function and also Y. Little is known about what truly matters in searching for information, as well as what strategies users exploit.
2	Neither of them functioned as required.	Both of them did not function as required.
3	We did not use both of them, just one of them.	We did not use either of them, just one of them.
4	There were no high scores in any of the tests.	There were no high scores in all the tests.

۱۳-۴ - although, even though در برابر even if

۱- even if تنها برای موقعیت‌های فرضی استفاده می‌شود، معمولاً در شرطی نوع دوم (بخش ۹-۲). توجه: also if وجود ندارد.

۲- even though و although دارای معنای مشابهی هستند. آن‌ها برای اشاره به موقعیت‌های واقعی استفاده می‌شوند. آن‌ها معمولاً با زمان‌های حال فعل استفاده می‌شوند. though دارای معنای مشابهی است، اما در ابتدای جمله در نوشتار آکادمیک یافت نمی‌شوند؛ even though معمولاً در ابتدای جمله به جای وسط آن یافت می‌شود.

	EVEN IF	EVEN THOUGH
1	Even if I was the President of the United States ...	Even though researchers don't earn much money, at least they get to travel a lot.
2	Even if the book were available in English (it is currently only in Spanish), nobody would read it.	Even though / Although the book is essentially for children, adults still love to read it.

along with, and -۵-۱۳

- ۱- در یک لیست با سه مورد یا بیش تر، قبل از and ویرگول بگذارید - این به خواننده می‌رساند که and بیانگر آخرین مورد است.
- ۲- زمانی که لیستی از موارد را می‌دهید، از نقطه ویرگول (یا ویرگول) برای روشن کردن این موضوع که and چه عناصری را به هم متصل می‌نماید، استفاده کنید.
- ۳- زمانی که چندین بار از and درون یک عبارت یکسان استفاده می‌کنید، به روش بیان جمله توجه نمایید. از سوی دیگر، از along with یا together with برای واضح کردن منظور خود استفاده کنید.
- ۴- along with قبل از اسم می‌آید. این کلمه می‌تواند در ابتدای جمله به معنای in addition to (بخش ۱۳-۲) استفاده شود. besides (بخش ۱۳-۲) دارای معنای مشابهی است و می‌تواند با اسم یا فعل استفاده شود.

	درست	نادرست
1	These countries include Tajikistan, Uzbekistan, and Kyrgyzstan.	These countries include Tajikistan, Uzbekistan and Kyrgyzstan.
2	The following groups of countries will be involved in the project: Tunisia and Egypt; Vietnam and Laos; Peru and Chile; and Poland and Estonia.	
3	I could visit your lab in January . I could also come in February and March if my professor agrees.	I could visit your lab in January and February and March if my professor agrees.
3	A and B, along with C and D, are the most used solutions.	A and B and C and D are the most used solutions.
4	Along with / Besides Spanish and Chinese, English is the most spoken language in the world.	Along with speaking English, she also speaks Hindi and Arabic.

۱۳-۶ as در برابر as it

۱- زمانی که as بدون ضمیر یا اسم استفاده شود، دارای معنای مشابهی با like و how می‌باشد.

۲- زمانی که as قبل از ضمیر (often it) یا اسم می‌آید، به معنای because یا since می‌باشد.

	AS	AS IT
1,2	This is not true, as is evident from the figure.	This is not true, as / because it is impossible to prove that $X = Y$.
1,2	As mentioned above and as can be seen in the figure ...	These experiments were not performed as / because it would have required too much additional computing power.

۱۳-۷ as در برابر like (unlike)

۱- as زمانی استفاده می‌شود که احساس این است که یک چیز با چیز دیگری یکسان است.

۲- like به معنای «مشابه با» می‌باشد.

۳- unlike در زمان ساختن تضاد استفاده می‌شود. توجه نمایید که differently from در زبان انگلیسی وجود ندارد، از unlike به جای آن استفاده کنید.

	AS	LIKE, UNLIKE
1,2	He works as a researcher in Paris. He <u>is</u> a researcher.	She works like a slave for her boss. She is <u>not</u> a slave.
1,2	Diabetes acts as a significant risk factor for many physical diseases. Diabetes <u>is</u> a risk factor.	Xerostoma: A symptom that acts like a disease. Xerostoma, i.e. dry mouth resulting from absent saliva flow, is <u>not</u> a disease but a symptom that can lead to a disease.
3,1	As with copper and iron techniques, lead substitution failed to demonstrate growth patterns in <i>G. cirratum</i> and <i>C. altimus vertebrae</i> . Lead behaves in the same way as copper and iron.	Zinc, unlike copper and iron , fails to stimulate lipid peroxidation in vitro. Zinc does <u>not</u> behave in the same way as copper and iron.

۱۳-۸ why, since, owing to, insofar as, for, due to, because, as

۱- because بیانگر یک نتیجه است، why دلیل یا توضیح در مورد چیزی را می‌دهد.

۲- because می‌تواند در ابتدای جمله استفاده شود تا دلیلی را برای انجام چیزی توضیح دهد، اما معمولاً در انگلیسی رسمی با due to the fact that یا on account of the fact that, given the fact that, given that, seeing as, as, since جایگزین می‌شود. جایگزین دیگر استفاده از in order to و so that است.

۳- due to و owing to دارای معنای مشابهی با because of می‌باشد، و قبل از اسم می‌آیند. owing to تنها تمایل دارد تا در ابتدای جمله استفاده شود.

۴- for معمولاً با due to و because of در عباراتی که شامل کلمه "reason" می‌باشند، جایگزین می‌شود.

۵- due to the fact that و owing to the fact that از ساختار فاعل + فعل استفاده می‌شوند.

۶- insofar as و inasmuch (به صورت insofar as, in so far as, inasmuch as, in as much as نیز نوشته می‌شوند) می‌توانند برای جایگزینی با because یا due to the fact the استفاده شوند آن هم زمانی که این کلمات در ابتدای جمله ظاهر شوند. اما آن‌ها تا حدی منسوخ شده‌اند.

	مورد استفاده	جایگزین
1	This battery may explode when used with a third-party power supply. This is because the battery is highly inflammable and this is why it should not be used in children's toys.	This battery may explode when used with a third-party power supply. This is due to the fact that the battery is highly inflammable and this is the reason [why] it should not be used in children's toys.
2	Because they wanted total control, the revolutionary party enacted a series of drastic reforms.	As / Since / Given that / On account of the fact that they wanted total control, the revolutionary party enacted a series of drastic reforms. In order to have total control ... So that they would have total control ...
3	This accident was due to an electrical fault.	Owing to an electrical fault there was an accident.
4	The evolution of the Internet did not occur homogeneously around the world, for obvious historical, economic and political reasons . Moreover, for reasons of space we can only mention the ...	
5,6	Due to the fact / Owing to the fact we only had a limited budget, it was decided to use the cheapest version.	Inasmuch as we only had a limited budget, it was decided to use the cheapest version.

۹-۱۳ - either ... or, both ... and

این اصطلاحات غالباً گمراه کننده هستند، بنابراین برای خواننده منجر به ابهام می شوند.

۱- both ... and شامل می باشد.

۲- either ... or منحصر بفرد می باشد. شما نمی توانید از either در هر دو قسمت استفاده کنید.

۳- both تنها با not آن هم در هنگام ساختن تضاد استفاده می شود.

۴- not ... either ... or بیانگر این است که هیچ گزینه ای وجود ندارد.

۵- موقعیت حرف اضافه سبب تغییر معنا می شود.

	درست	نادرست
1	We can go to both Iran and Jordon. We will visit two places.	We can go either Iran either Jordon.
2	We can go to either Iran or Jordon. We can only visit one of the two alternatives.	We can go or to Iran or Jordon.
3	We can't go to both Iran and Jordon, but only to Iran. We only have one choice.	
4	We can't go either to Iran or Jordon. We cannot visit these two places.	We can't go neither to Iran nor Jordon.
5	We had fun in both the parks we visited and also the museums. We visited two parks. We had fun both in the parks and the museums. We visited an undisclosed number of parks and museums.	

۱۳-۱۰. e.g. در برابر for example

۱- قبل از for example و در انتهای مثال خود از ویرگول استفاده کنید.

۲- اگر بعد از مثال for example را می‌نویسید، به جای قبل از آن، آنگاه می‌بایست قبل و بعد از آن از ویرگول استفاده شود. for example نمی‌بایست در انتهای عبارت قرار داده شود.

۳- در وسط جمله e.g. تمایل دارد تا برای لیست‌هایی که در پرانتزها قرار دارند استفاده شود.

۴- از هر دوی such as و for example در کنار هم استفاده نکنید. از یکی از آن‌ها استفاده کنید.

۵- for instance و like معمولاً در مقالات پژوهشی استفاده نمی‌شوند، for example ترجیح داده می‌شود.

	درست	نادرست
1	Whenever you use your PIN , for example to get money from an ATM , do not let anyone see you.	Whenever you use your PIN for example to get money from an ATM do not let anyone see you.
2	Many governments are in crisis. In Venezuela, for example, the government is facing ...	Many governments are in crisis. In Venezuela for example the government is facing ... Many governments are in crisis. In Venezuela the government is facing big problems with the unions, for example.
3	When you use a PIN (e.g. to get money from an ATM, to pay for online purchases) ensure that ...	When you use a PIN e.g. to get money from an ATM, to pay for online purchases ensure that ...
4	We have collaborations with universities in many countries in Europe, for example France and Spain.	We have collaborations with universities in Europe, such as for example France and Spain.
5	We have given poster sessions at conferences in many countries in Europe, for example France and Spain.	We have given poster sessions at conferences in many countries in Europe, like France and Spain.

۱۱-۱۳. etc. i.e. e.g.

- ۱- نیاز نیست که بعد از e.g. و i.e. سریعاً از ویرگول استفاده شود.
- ۲- e.g. و i.e. نیز اغلب به سادگی به صورت eg و ie نوشته می‌شوند، اما این امر ممکن است گیج‌کننده به نظر برسد، مخصوصاً برای خوانندگان انگلیسی‌زبان غیربومی.
- ۳- e.g. بیانگر مثالی است که فقط شما گفته‌اید.
- ۴- از i.e. زمانی استفاده کنید که بعد از آن تعریف و یا شفاف‌سازی‌ای وجود دارد که فقط شما گفته‌اید.
- ۵- e.g. و i.e. اغلب گمراه‌کننده است، چرا که خوانندگان ممکن است به ترتیب با استفاده متفاوت از for example و that is آشنا نیستند.
- ۶- زمانی که مجموعه‌ای از مثال‌ها با for example معرفی می‌کنید، etc. را در انتها قرار ندهید.
- ۷- اگر امکان دارد، تفکر در مورد چیزی بسیار پرمعناتر از etc. است.
- ۸- etc. تنها نیازمند به یک نقطه در انتهای جمله است.

	نادرست	درست
1	Several authors, e.g. , Schmidt, Si, and Hurria, have investigated this problem.	Several authors, e.g. Schmidt, Si, and Hurria, have investigated this problem.
2	Several foods produce very strong allergies (e.g. eggs, nuts, wheat) ...	Several foods produce very strong allergies (eg eggs, nuts, wheat etc.) ...
3	This is true in at least ten countries, e.g. Spain, Japan and Togo.	This is true in at least ten countries, i.e. Spain, Japan and Togo.
4	The UK is made up of four countries, i.e. England, Scotland, Wales and N. Ireland.	The UK is made up of four countries, e.g. England, Scotland, Wales and N. Ireland.
5	The UK is made up of four countries, that is to say England, Scotland, Wales and N. Ireland.	
6	This is true in at least ten countries, e.g. Spain, Japan and Togo.	This is true in at least ten countries, e.g. Spain, Japan, Togo, etc.
7	This is true in many nations (Honduras and other Central American countries) and has very serious consequences.	This is true in many nations (Honduras etc.) and has very serious consequences.
8	This is true in at least ten European countries: France, Belgium, Sweden etc.	This is true in at least ten European countries: France, Belgium, Sweden etc..

۱۲-۱۳ - to this end ,for this purpose در برابر for this reason

۱- for this reason اینکه چگونه چیزی انجام شده است را توضیح می دهد.

۲- for this purpose و to this end می توانند به صورت یکسان بین برای توصیف اینکه چگونه چیزی که بیان شده است به دست آمد استفاده شوند.

	FOR THIS REASON	FOR THIS PURPOSE, TO THID END
1,2	They wish to improve their English. For this reason , they are studying ten hours a day.	Our aim was to achieve higher performance. For this purpose we built an ad hoc device to provide increased power.
1,2	The patient was suffering from amnesia, for this reason it was difficult to question him directly on the circumstances of the accident.	It is now considered expedient to purge bone marrow of tumor cells prior to returning it to the patient, and to this end a variety of techniques have been developed.

۱۳-۱۳ the latter, the former

۱- تنها زمانی از the former و the latter استفاده کنید که ۱۰۰٪ برای خواننده واضح است که the former و the latter به چیزی اشاره دارند. این سبک بدی نیست که کلمات کلیدی را تکرار کنیم، مخصوصاً اینکه این امر سبب راحتی خواننده برای تشخیص اینکه دقیقاً به چه چیزی اشاره شده است می‌شود.

۲- ممکن است واضح نباشد که the former و the latter به کدام عنصر اشاره دارند. برای مثال، زمانی که سه عنصر وجود دارد، ممکن است واضح نباشد اگر the latter تنها به عنصر سوم و یا دوم و سوم اشاره داشته باشد.

۳- در جملات بلند، خواننده ممکن است کاملاً فراموش کند که کدام عنصر اوایل ذکر شده است.

	درست	آن چنان واضح نیست
1	Lagos and Khartoum are the capital cities of Nigeria and Sudan. Lagos has a population of ...	Lagos and Khartoum are the capital cities of Nigeria and Sudan. The former has a population of ...
2	In this recipe we used potatoes, carrots and beans. This is common practice with this kind of cooking. The beans can, of course, be steamed.	In this recipe we used potatoes, carrots and beans. This is common practice with this kind of cooking. The latter can, of course, be steamed.
3	Such an unsolicited bandwidth request can be incremental or aggregate . If it is aggregate , the X indicates the whole connection backlog. Blah blah blah blah blah blah blah blah blah blah. On other hand, if it is incremental , the X indicates the difference between its current backlog and the one carried by its last bandwidth request.	Such an unsolicited bandwidth request can be incremental or aggregate. In the latter case, the X indicates the whole connection backlog. Blah blah blah blah blah blah blah blah blah blah. In the former case, the X indicates the difference between its current backlog and the one carried by its last bandwidth request.

۱۳-۱۴ - **notwithstanding nonetheless nevertheless despite yet but although however**

۱- برای توصیف کردن چیزی که شما فقط نوشته‌اید، از **however** استفاده کنید (با **but**، که اندکی غیررسمی است). **however** در اولویت با **but** در ابتدای جمله استفاده می‌شود. **however** می‌تواند با یا بدون **and** استفاده شود و می‌تواند در وسط عبارت مابین دو **and** استفاده شود. **nevertheless** و **nonetheless** مترادف هستند و دارای معنای مشابه با **however** هستند.

۲- **yet** دارای معنای مشابه با **but** و **however** می‌باشد، اما دارای تعجب قوی‌تری می‌باشد. **still** دارای معنای مشابهی می‌باشد.

۳- **notwithstanding** و **despite** نمی‌توانند زمانی استفاده شوند که سریعاً قبل از ساختار / اسم + فعل قرار گرفته باشند. به جای آن می‌بایست با **the fact that** همراه شوند. بنابراین، گفته می‌شود که استفاده از آن‌ها بسیار پیچیده می‌باشد، احتمالاً بهتر است که از **but**، **however**، و **although** استفاده شود.

۴- تنها **however**، **nevertheless** و **nonetheless** می‌توانند در انتهای عبارت استفاده شوند.

۵- **however** و **nevertheless / nonetheless** می‌توانند در انتهای جمله و قبل از **and** استفاده شوند (بخش ۱۳-۱۵).

همان‌طور که توسط چندین مثال روشن شد، **although** (بخش ۱۳-۴) می‌تواند اغلب برای توضیح یک گفته استفاده شود. با این حال، این کلمه (الف) مابین **and**، (ب) مستقیماً قبل از فعل، (ج) در انتهای عبارت استفاده نمی‌شود.

	درست	جایگزین	نادرست
1	The system costs very little to implement, but / however / nevertheless / although it is very complicated to use.	However / Nevertheless , it is very complicated to use. It is, however / nevertheless , very complicated to use.	The system costs very little to implement, despite / notwithstanding it is very complicated to use.
2	Governments know this is a problem, yet they do nothing about it.	Although governments know this is a problem, they still do nothing about it.	Governments know this is a problem, despite they do nothing about it.
3	Despite being cheap, the system works well.	Although the system is cheap, it works well.	Although / Notwithstanding being cheap, the system works well
3	Despite the fact / Notwithstanding the fact that the system is cheap, it is very effective.	Although the system is cheap, it is very effective.	Despite / Notwithstanding the system is cheap, it is very effective.
3	Despite / Notwithstanding the cheap price, the system works well.	The system works well despite its low cost.	Despite the cost is cheap, the system is very effective.
3	The system works well, nevertheless it is rather complicated.	The system works well, however it is rather complicated.	The system works well, notwithstanding it is rather complicated.

4	The system took only two days develop, it works well nonetheless .	The system was designed and ... it works well however .	The system was designed and ... it works well despite / although .
5	The system is cheap. However , it is difficult to implement.	The system is cheap. Nevertheless / Nonetheless , it is difficult to implement.	The system is cheap. Notwithstanding / Despite , it is difficult to implement.

۱۳-۱۵ however در برابر nevertheless

۱- یک تفاوت جزئی بین however و nevertheless وجود دارد. however می‌تواند برای افزودن مشاهده اضافی و یا بخشی از اطلاعات استفاده شود. nevertheless ارجاع برگشتی قوی‌ای را به چیزی که در اوایل گفته شده است می‌دهد، به جای تمرکز روی دادن اطلاعات جدید.

اساساً، اگر یک رابطه سببی بین دو جمله وجود داشته باشد، از nevertheless استفاده کنید؛ در غیر این صورت از however استفاده کنید.

	HOWEVER	NEVERTHELESS
1	Fewer men now seem to see career success as a central life interest around which other life activities are subordinated, however for many women the opposite is often true.	Studies indicate that stress from working long hours causes high blood pressure, nevertheless / despite this companies still insist on their employees working up to 60 hours per week.
	There is no direct correlation between the fact that fewer men are obsessed by their career and the fact that women now are – <i>nevertheless</i> cannot be used here.	There is a direct correlation between the fact that long hours are detrimental to health, but people continue to work 60 hours in any case. <i>however</i> could also be used here but the contrast would be weaker
1	We didn't discuss your paper. However we did mention the possibility of you working in their lab.	We didn't discuss your paper. Nevertheless , there will be many other opportunities to talk about it.

۱۶-۱۳ - by comparison with ,compared to در برابر in contrast with

۱- از in contrast with زمانی استفاده می‌شود که تفاوتی که به آن اشاره می‌کنید، قابل توجه و یا تعجب‌آور است.

۲- از compared to / with و by comparison در تمام موارد دیگر استفاده می‌شود.

	IN CONTRAST TO	COMPARED TO
1	In contrast to what was previously observed by Heimlich [2], our results showed an opposite trend.	Compared to Smith's results, our results are somewhat disappointing. = Our results are somewhat disappointing by comparison with Smith's.
2	In contrast to Hill's top-down approach [Hill, 2015], we start from the bottom layer.	Compared to the old technology, the new technology offers several new features.

۱۳-۱۷ on the contrary, whereas, on the other hand, instead

- ۱- از instead در ابتدای جمله برای حل کردن مشکل بیان شده در جمله قبل استفاده کنید.
- ۲- از instead برای بیان موضوع جدید استفاده نکنید، حتی اگر موضوع جدید به طوری مرتبط با موضوع قبلی باشد. از on the other hand استفاده کنید.
- ۳- از on the other hand برای دادن جایگزین و یا افزودن اطلاعات اضافی در مورد عبارت ذکر شده قبلی استفاده کنید - whereas در چنین موقعیت‌هایی استفاده نمی‌شود.
- ۴- هر دوی on the other hand و whereas می‌توانند برای ساختن تضاد استفاده شوند، اما whereas به خواننده این ایده را می‌دهد که تضاد کاملاً قوی می‌باشد. whereas معمولاً در ابتدای جمله استفاده نمی‌شود.
- ۵- از on the other hand به سادگی برای بیان اطلاعات جدید بدون هیچ‌گونه حس متضاد استفاده نکنید.
- ۶- on the contrary تنها برای تناقض کامل با چیزی که نویسندگان دیگر بیان نموده‌اند استفاده می‌شود.

درست		نادرست
1/4	Do not join two independent clauses with a semicolon. Instead , make two simple separate sentences.	Do not join two independent clauses with a semicolon. On the contrary , make two simple separate sentences.
2	Italian and Spanish are similar languages, in fact they both derive from Latin. On the other hand , German is derived from ...	Italian and Spanish are similar languages, in fact they both derive from Latin. Instead , German is derived from ...
3	The conference may be held in Jordon, on the other hand it may be held in Egypt.	The conference may be held in Jordon, whereas it may be held in Egypt.
4	This year the conference is being held in Prague, whereas last year it was held on the other side of the globe in Sydney.	This year the conference is being held in Prague, on the other hand last year it was held on the other side of the globe in Sydney.
4	Italian and Spanish are similar languages, whereas German is completely different.	Italian and Spanish are similar languages. Whereas German is completely different.
4	We found that $x = 1$, whereas [on the other hand] Smith et al. reached a very different conclusion that $x = 2$.	
5	Much research has been carried out in the US on using sea animals as models for robots. In addition / Furthermore , new developments have been made in Japan with local species.	Much research has been carried out in the US on using sea animals as models for robots. On the other hand , new developments have been made in Japan with local species.
5	Italian and Spanish are similar languages, in fact they both derive from Latin. German, on the other hand , is derived from ...	Italian and Spanish are similar languages, in fact they both derive from Latin. German, instead / on the contrary , is derived from ...
6,4	Smith [2013] states that governments must intervene in such cases. We believe,	Smith [2013] states that governments must intervene in such cases. We believe,

on the contrary , that they absolutely must not intervene.	whereas , that they absolutely must not intervene.
-------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------

۱۳-۱۸ thereby, so, consequently, hence, therefore, thus

۱- **thereby, so, consequently, therefore, thus** و **hence** تماماً دارای معنای مشابهی هستند. آن‌ها برای بیان نتیجه مورد بیان شده در قبل استفاده می‌شود. **so** غیررسمی در نظر گرفته می‌شود و بنابراین اغلب کم‌تر استفاده می‌شود.

۲- **hence** معمولاً برای ریاضیات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳- **thereby** به معنای **in such a way** می‌باشد. این کلمه می‌تواند تنها در عبارت وابسته و قبل از فعل استفاده شود.

	درست	جایگزین
1	Researchers do not have much time to read papers. Consequently , it makes sense to write papers in a way that they can understand quickly and easily.	Researchers do not have much time to read papers. Therefore / Thus , it makes sense to write papers in a way that they can understand quickly and easily.
1	Thus the best way to write a paper is to use short sentences.	The best way to write a paper is thus to use short sentences.
2	Note that the right-hand side of equation (2) equals $r(p)v(x) + [3]$. Hence , equation (2) reduces to equation (1) if ...	The square of the slope of the beam can be neglected in comparison with unity, thus equation (1) reduces to an ordinary linear equation.
3	Love promotes well-being thereby enabling people to live better lives.	Love promotes well-being thus enabling people to live better lives.

۱۳-۱۹ - حذف کلمات در جملات همراه با **and**, **but**, **both** و **or**

شما می‌توانید کلمات مشخصی را زمانی که در رابطه با **and**, **but**, **both** و **or** استفاده شوند حذف کنید. این امر به اجتناب از تکرار غیرضروری کمک می‌نماید.

۱- اسم‌ها، ضمیرها، حروف تعریف، صفت‌های ملکی، **this**, **those** و غیره.

۲- فعل‌ها.

۳- حروف اضافه.

	درست	درست
1	We measured and [we] calculated the values.	We extracted [the fluid] and then froze the fluid.
1	Give me your name and [your] address.	We need those books and [those] papers.
1	The sample can be introduced into the furnace using either a chromatographic [pump] or a peristaltic pump. NB do <u>not</u> say: chromatographic pump or a peristaltic one .	
1,3	Is it a theoretical [problem] or [a] practical problem?	These can be found both in animals and [in] humans.
2	The flame was low but [it was] steady.	This is an expensive [way] but [it is an] effective way of reducing pollution.
3	This disease is predominantly found in the Sudan and [in] Chad.	These findings were true for adults and [for] children.

۱۴ قیدها و حروف اضافه: of, in, at, yet, already, و غیره

۱۴-۱ (under) over, (below) above

۱- above و below معمولاً در مقالات برای اشاره به موقعیت جملات، پاراگرافها، شکلها، و جدولها استفاده می‌شوند؛ above و below نیز زمانی استفاده می‌شوند که به سطحها، لیستها، متوسطها، و سلسله مراتبها اشاره شود.

۲- over دارای معنای مشابهی با cover می‌باشد، به‌عنوان مثال اغلب تماس فیزیکی بین دو عنصر وجود دارد.

۳- over و under نیز به‌ترتیب دارای معنای مشابهی با more than و less than می‌باشند.

۴- under نیز به‌معنای «در انطباق با» می‌باشد.

۵- به تفاوت بین above all (به‌عنوان مثال مهم‌ترین چیز) و over all (به‌عنوان مثال در سطح جهانی) توجه نمایید.

	ABOVE, BELOW	OVER, UNDER
1,2	As mentioned above there are three main methods, which are summarized in the table below :	A sheet was placed over the patient's body.
1,3	Pisa is 50 m above sea level which is below the national average for Italian cities.	Only children over the age of 13 were considered in the sample. Those under 12 years of age will be the subject of a future investigation.
4		Under the new regulations, all such documents have to be filed under 'funds'.
5	Many points need to be considered, above all age and sex.	Overall , our results can be considered as an important step towards finding a cure for this endemic disease.

through across -۲-۱۴

۱- across بیانگر پیوستن دو نقطه بر روی یک صفحه می باشد.

۲- through بیانگر یک حرکت عرضی با نوعی از نفوذ می باشد.

۳- across نیز به معنای «عدم محدودیت به یک منطقه خاص» می باشد.

۴- through می تواند همچنین به معنای by means of استفاده شود.

	ACROSS	THROUGH
1,2	They swam across the river.	The train went through the tunnel.
1,2	They walked across the road.	The sample was filtered through a very fine mesh.
3,4	Our method can be applied across disciplines.	We learnt this through lengthy research.

۱۴-۳ yet, still, already

۱- already برخی اوقات در زمان گذشته است. already را با just قاطی نکنید. just به معنای چیزی است که اخیراً رخ داده است (احتمالاً چند ثانیه قبل)، به عنوان مثال we have just arrived at the airport.

۲- yet غالباً در حالت‌های مثبت و منفی یافت می‌شود و به دوره‌ای که در گذشته شروع شده است و تا زمان حال (و احتمالاً فراتر از آن) ادامه داشته است اشاره دارد.

۳- still دارای معنای مشابهی با yet می‌باشد، اما قوی‌تر از آن است. این کلمه بیانگر این است که وضعیت هنوز تغییر نیافته است و ممکن است تعجب و نگرانی را به دنبال داشته باشد.

۴- yet, already, و still می‌توانند همچنین همراه با گذشته کامل برای قرار دادن دو حادثه در ارتباط هم استفاده شوند.

	ALREADY	YET	STILL
1,2,3	This procedure has already been explained elsewhere [Ying, 2013].	Has our paper been reviewed yet ? Your paper has not been reviewed yet , and is scheduled for review on 2 June.	We still haven't heard from the referees. I am worried that they never received the paper, though I suppose they are still in time to contact us.
1,2,3	As already mentioned (see Sect 2.3), this method consists of ...	As yet , no progress has been made in this field ... = No progress has been made yet .	Despite sustained pressure by the democratic movement, his dictatorship still survives intact.
4	We had already seen her presentation before so we did not want to go again,	When we got the conference room, the presenter had not arrived yet .	Twenty minutes later, the presenter had still not arrived .

۱۴-۴ of, from, between, among (تمایز و اختلاف)

۱- between زمانی که دربارهٔ تعداد موارد به‌خوبی تعریف‌شده و یا به‌خوبی از هم جدا شده صحبت شود، استفاده می‌شود. این کلمه همراه با افعالی مانند decide, differentiate, discriminate, distinguish, mediate, و synchronize و اسامی مانند agreement, comparison, difference, distinction, interaction, و relationship یافت می‌شود. این بدان علت است که چنین افعال و اسامی بیانگر این هستند که تعداد مشخصی از موارد نقش دارند.

۲- among زمانی استفاده می‌شود که گروهی از موارد به‌راحتی قابل تفکیک نیستند یا تعداد مشخص و یا مهم نیست.

۳- form به همراه افعالی مانند choose, pick, select, و صفت‌هایی مانند different استفاده می‌شود.

۴- of در ابتدای جمله زمانی یافت می‌شود که بیانگر یک عنصر خاص است که جزء یک گروه می‌باشد.

۵- of در زمان انتخاب از بین تعدادی مورد استفاده می‌شود.

	AMONG	BETWEEN
1,2	The money was divided up among the participants.	The money was divided up between the three winners.
1,2	Students were encouraged to discuss their assignments among themselves. = with each other	We found no interaction in the classroom between teachers and students.
1,2	Their paper discusses caste and social stratification among Muslims in India.	We analyse the relationships between Hindus and Muslims in India.
1,2	Many species have died out, among them X, Y and Z.	The two parties will have to sort out the differences between them.
	FROM	OF
3,4	Candidates will be chosen from diverse disciplines and then selected from a shortlist of 10.	Of the three candidates we interviewed, the last was certainly the best.
3,4	We selected our samples from a collection of 4543 items.	A comparison of the three figures reveals that ...
5		Two thirds of tropical soils are oxisols and ultisols. Nine out of ten. Half of the samples.

۱۴-۵ - to, in, at (موقعیت، حالت، تغییر)

۱- at قبل از ساختمان و محل کار و in قبل از شهرها، کشورها، و غیره استفاده می‌شود. در هر دو مورد هیچ حرکتی درگیر نیست.

۲- to بعد از فعلی می‌آیند که بیانگر مقصد است.

۳- at در زمان توصیف موقعیت موارد در نمودارها و جدول‌ها و in قبل از شکل‌ها، جدول‌ها، و غیره استفاده می‌شود. زمانی که همراه با افعالی مانند see, show, و highlight استفاده شوند.

۴- to بیانگر حرکت، تغییر، پیروی، محدودیت‌ها، و نتیجه می‌باشد: come, bring, bind, attract, attach, adjust, adhere, react, move, link, lead, go, fax, email, direct, deliver, convey, consign, connect, conform, confine, yeld, write, transmit, tie, tend, take, switch, supply, stick, send, restrict, respond, reply این قانون همچنین برای اسامی مرتبط نیز اعمال می‌شود: tendency, response, modification, delivery و غیره.

۵- in قبل از حالت‌های مشخص مانند parallel, equilibrium و series استفاده می‌شود.

۶- to همچنین بعد از صفت‌های مشخص که بیانگر موقعیت هستند استفاده می‌شود: contingent, close, adjacent, transverse, tangent, perpendicular, parallel, orthogonal, next, internal, external, contiguous

	AT	IN	TO
1,2	They arrived at the airport, while we were still at work and Pete was at the restaurant.	They arrived in New York, while we were still in China.	They have gone to Beirut for a conference.
3,4	This can be seen at the top / bottom / side / edge of the figure.	As can be seen in Figure 1, the trend is ... Also, as highlighted in Table 3 ...	This was then moved to the top / bottom of the list.
5,6		The devices are placed in parallel and operate in a steady-state manner.	The lines are parallel to each other.

۱۴-۶ - at, in, on (زمان)

۱- at همراه با زمان روز و همراه با دوره‌های مشخص (تعطیلات آخر هفته، عید پاک، کریسمس) استفاده می‌شود.

۲- in همراه با دوره زمانی (هفته، ماه، سال، دهه، قرن، و غیره) شامل دوره‌های تاریخی (در قرون وسطی، در رنسانس، و غیره) و همراه با meantime / meanwhile استفاده می‌شود.

۳- on همراه با روز استفاده می‌شود. توجه نمایید که برخی گویندگان بومی می‌گویند on the weekend و مابقی می‌گویند at the weekend.

	AT	IN	TO
1,2,3	The meeting is scheduled to start at 15.30.	The conference will be held in June.	I will contact you on Monday morning.
1,2,3	We usually take our holidays at Easter or at Christmas, and of course at the weekend.	The last conference on this topic was held in 2012 and the previous one in the 1990s. The first was held in the 18 th century.	We do not work on Christmas Day, on Easter day and on July 4 (Independence Day).

۱۴-۷ - to, at (اندازه‌گیری، کیفیت)

۱- at همراه با این اسامی استفاده می‌شود که بیانگر مقدار و اندازه‌گیری می‌باشند؛ به‌عنوان مثال level, interval, degree, velocity, temperature, stage, speed, ration, pressure, point, node.

۲- to همراه با انواع دیگری از محاسبات و اندازه‌گیری‌ها استفاده می‌شود؛ به‌عنوان مثال همراه با این افعال: approximate, raise, measure, heat, correct, calculate.

۳- همراه با صفات‌های مشخصی، to بیانگر کیفیت، پیروی، و شباهت می‌باشد: identical, equal, superior, inferior, alternative, according, sensitive, resistant, open, impermeable, immune, similar, proportional, correspondence, compliance, conformance, comparable, common, attention, analogous, responsive, relevant, relative, proportional, opposed, open, likened, inferior, identical, entitlement, transparent, superior, suited, similar.

	AT	TO
1,2	Water boils at a temperature of 100°C.	Heat the water to a temperature of 50°C.
1,2	The vehicle moves at a velocity of 300 cm / h.	The potassium content was approximated to 90 mEq / kg.
3		Gender is common to all Latinate languages, but has no adherence to logical rules.

۸-۱۴ - before, after, beforehand, afterwards (توالی زمان)

- ۱- before و after می‌بایست قبل از اسم/ضمیر، اسم مصدر، و یا کل عبارت تابع بیاید.
- ۲- before و after نمی‌توانند به‌عنوان حرف ربط و قید استفاده شوند. به‌جای آن از beforehand و afterwards استفاده کنید.
- ۳- first به‌معنای «قبل از هر چیز دیگر» می‌باشد. این کلمه اغلب قبل از second(ly) یا then می‌آید. بنابراین این کلمه برای لیست کردن مجموعه‌ای از اقدامات استفاده می‌شود.

	BEFORE / AFTER	BEFOREHAND / AFTERWARDS	FIRST
1,2,3	Where are you going after the congress?	We're going for a drink and afterwards back to the hotel.	First we are going for a drink, then afterwards back to the hotel.
1,2,3	Before checking the levels, the presence of any metals should be detected.	The solution consists in detecting the presence of metals beforehand and then / subsequently checking the levels.	First(ly) we detect the metals, secondly we check the metals, and finally we ...
1,2,3	Preparations should be made before the mixture becomes solid.	Preparations should be made beforehand . = made in advance	First the preparations should be made, then the mixture should be allowed to become solid.

۹-۱۴ - beside, next to, near (to), close to (موقعیت)

- ۱- beside و next to دارای معنای مشابهی هستند و بیانگر عناصری هستند که لمس می‌شوند و یا تقریباً لمس می‌شوند.
- ۲- near (to) و close to دارای معنای مشابهی هستند و بیانگر عناصری هستند که در برخی فواصل نسبت به یکدیگر هستند.
- ۳- nearby / close by در انتهای عبارت با near و close جایگزین می‌شوند.

	BESIDE, NEXT TO	NEAR TO, CLOSE TO
1,2	I sat beside / next to her at the conference.	Our hotels were quite near to / close to each other, but on opposite sides of the river.
3		There was a train station nearby / close by .

۱۴-۱۰ - by و from (cause, means, origin)

۱- by زمانی استفاده می‌شود که عامل کار ذکر شود.

۲- from زمانی استفاده می‌شود که منشأ ذکر شود. افعالی که معمولاً قبل از by می‌آیند: deduce, borrow, benefit, arise, separate, select, remove, release, protect, profit, originate, exclude, ensue, differ, deviate, defend, suffer, subtract, shield, from یافت می‌شوند: protection, exclusion, deviation.

۳- by زمانی استفاده می‌شود که روش یا ابزار داده شود.

۴- from اغلب با to یافت می‌شود، آن هم برای اشاره کردن به انتقال از یک نقطه به نقطه دیگر.

	BY	FROM
1,2	Our paper has now been revised by a native English speaker.	We received a letter of acceptance from the editor.
1,2	The original computers were made by IBM but were then replaced by the director.	This mixture is made from a variety of substances from all over the world.
1,2	Taxes were raised by the government.	The economic crisis arose from banking malpractices and indiscriminate consumer borrowing from banks.
1,2	Considerable damage was caused by the earthquake.	This paper suffers from a lack of detailed discussion and would also benefit from a complete revision of the English.
1,2	The number was then divided or multiplied by 32.5, depending on the case.	The corresponding amount was obtained by subtracting the first value from the second.
3,2	They learned English by watching videos on YouTube.	They quickly learned English from their native-speaking colleagues.
3,4	We went by train instead of going by car or by plane.	While on the train from Malmo to Stockholm, they kept switching from one language to another.

۱۱-۱۴ of, in, by (تغییرات)

زمانی که در مورد افزایش‌ها، کاهش‌ها، اصلاحات، تغییرات، تفاوت‌ها، و غیره صحبت می‌کنید استفاده کنید:

۱- by بعد از فعل.

۲- in همراه با اسم.

۳- of همراه با عدد.

بخش ۱۴-۱۴-۴ را نیز ببینید.

	BY	IN	OF
1,2,3	The stock market has risen by 213 points.	There has been an increase in inflation.	There has been an increase in inflation of 5%.
1,2,3	Attendance has fallen by 16%.	A fall in unemployment is predicted.	This was affected by variations of 16% and more.

۱۲-۱۴ by و within (زمان)

۱- by برای آخرین تاریخ استفاده می‌شود.

۲- within برای دوره استفاده می‌شود.

	BY	WITHIN
1,2	We must receive your manuscript by January 21 or at the latest by the end of the month.	Manuscripts will be reviewed within six weeks of receipt.

so far until now for the moment for now by now - ۱۳-۱۴

۱- by now به معنای «دادن چیزی که قبلاً اتفاق افتاده است» می باشد. for now و for the moment هر دو به معنای «از این نقطه در زمان تا برخی زمان ها در آینده که در آن زمان ها تغییر انتظار می رود» می باشند. for now و for the moment معمولاً هم قبل از حال ساده و هم قبل از will می آیند.

۲- so far و until now هر دو به معنای «از یک نقطه مشخص در گذشته تا زمان حال و احتمالاً هم در آینده نزدیک» می باشند. هر دو معمولاً همراه با حال کامل استفاده می شوند.

۳- until now معمولاً به صورت مستقیم قبل از اسم مفعول استفاده می شوند. توجه نمایید till که دارای معنای مشابهی با until است، برای پیش نویس های پژوهشی بسیار غیررسمی به نظر می رسد.

	BY NOW	FOR NOW
1	It should, by now , be well known that publications in peer-reviewed journals are more likely to ensure success than ...	We wanted to buy new equipment, but we do not have the funds, so for now / for the moment we will have to continue using our old equipment.
1	The literature on this topic should, by now , be extremely familiar to ...	We shall expand more fully on this in Sect. 3. For now , we just focus on ...
	UNTIL NOW	SO FAR
2	So far / Until now , research into this area has been limited to X. In this paper, we investigate Y.	This is the only acid that has so far / until now been found to be effective in such scenarios.
3		The research so far undertaken has only focused on ... The patients so far described all had benign non-calcified nodules. Let us now turn to cases with calcified nodules.

۱۴-۱۴ - **during, over, throughout** (زمان)

۱- **during** به معنای در برخی نقاط در مسیر دوره زمانی می باشد. این دوره می تواند هم در گذشته و هم در آینده باشد.

۲- **over** اغلب اشاره به دوره زمانی دارد که در گذشته شروع شده است و هنوز در حال حاضر صحیح می باشد، **over** بنابراین معمولاً همراه با حال کامل استفاده می شود (بخش ۸-۳). با این حال، **over** می تواند برای دوره آینده نیز استفاده شود.

۳- **throughout** برای تمام مسیر دوره زمانی می باشد. این دوره می تواند اشاره به گذشته، حال، و یا آینده داشته باشد.

	DURING	OVER	THROUGHOUT
1,2,3	I hope to have the opportunity of meeting you during the conference next month.	Over the last few years, there has been increasing interest in ... = For the last few years, i.e. until and including today	Throughout history, humans have had a tendency to collect objects – even objects of no apparent value.
1,2,3	I worked with him during my Erasmus project.	Over the last decade, no progress has been made in ... However, over the next few years this will certainly change.	Plagues were common throughout the Middle Ages.

۱۴-۱۵ - from, since, for (زمان)

قید زمانی‌ای که استفاده می‌کنید، معمولاً به شما برای فهم زمان صحیح فعل جهت استفاده کمک می‌نماید (فصل ۸).

۱- for بیانگر طول مدت زمان از گذشته تا حال می‌باشد. این کلمه معمولاً همراه با کلمات جمع که بیانگر زمان هستند مانند days, months, years, و decades استفاده می‌شود. for به سوال «چه مدت این وضعیت ادامه داشته است» جواب می‌دهد. در این حالت، for همراه با حال کامل استفاده می‌شود. اصطلاحات مشابهی بر طول مدت زمان از گذشته تا حال دلالت دارند: over (به عنوان مثال over the last two decades), so far, until now.

۲- اگر for برای اشاره به دوره زمانی که پایان یافته است استفاده شود، آنگاه همراه با گذشته ساده استفاده می‌شود.

۳- since بیانگر نقطه شروع وضعیت حاضر می‌باشد. این کلمه معمولاً همراه با نقاط دقیق زمانی مانند ۲۰۰۱, last month, و yesterday استفاده می‌شود. since به سوال «چه زمانی این وضعیت شروع شده است» جواب می‌دهد.

۴- from بیانگر محدوده زمانی می‌باشد، یعنی همراه با شروع و پایان. از آنجا که زمان پایانی وجود دارد، from همراه با حال کامل استفاده نمی‌شود. اما from می‌تواند همراه با اکثر زمان‌های فعلی استفاده شود.

	درست	نادرست
1	We have been doing this research for nine years.	We do this research from / since nine years.
1	Over the last few months there has been a lot of media coverage.	Over the last few months there is a lot of media coverage.
2	I studied in Boston for three years and then I moved to Beijing.	I have studied in Boston for three years and then I have moved to Beijing.
3	Since 2001 there has been a dramatic increase in suicides.	From / Since 2001 there is a dramatic increase in suicides.
4	I studied in Boston from 2008 to 2011 .	I have studied in Boston from 2008 to 2011 .

۱۶-۱۴ - at the moment, currently, now, in

۱- in معمولاً قبل از تاریخ می آید (به عنوان مثال in June, in 2016) و بنابراین همراه با حال کامل استفاده نمی شود. in می تواند همراه با حال، آینده، و گذشته استفاده شود (به عنوان مثال، the new term starts in October, I will see you in March, I last sat her in 2011).

۲- at the moment, currently, now بیانگر دوره زمانی که در حال انجام است استفاده می شود، بنابراین همراه با حال ساده استفاده می شود. از طرف دیگر، ago, yesterday, last week, (year, month) بیانگر زمانی است که کاملاً سپری شده است بنابراین می بایست همراه با گذشته ساده استفاده شوند.

۳- قیدهایی که بیانگر رابطه بین گذشته و حال هستند معمولاً همراه با حال کامل یافت می شوند (traditionally, historically, typically) اما traditionally و typically نیز می توانند همراه با حال ساده و گذشته ساده آن هم براساس متن استفاده شوند.

	درست	نادرست
1	I joined this research group in July .	I have joined this group in July .
2	This is currently the world's biggest problem.	Until last year this has been the world's biggest problem.
3	Historically , French has always been taught in English schools as the second language.	Historically , French was always taught in English schools as the second language.

۱۴-۱۷ - **within inside in** (موقعیت)

- ۱- **in** و **inside** اغلب دارای معنای مشابهی در ارتباط با فضای محدود می‌باشند.
- ۲- **inside** متضاد **outside** می‌باشد، **within** هرگز در این حالت استفاده نمی‌شود.
- ۳- **within** به معنای درون چیزی است که می‌تواند یک فضای فیزیکی واقعی (مانند **border**) و یا چکیده (مانند **confines**, **comprehension**, **framework**) باشد.
- ۴- **in** معمولاً در انتهای جمله بعد از فعل یافت می‌شود.
- ۵- **inside** دارای معنای استعاری «آشکارسازی» براساس چیزی می‌باشد، و اغلب در عناوین مقالات یافت می‌شود (همان‌طور که در مثال‌های زیر داده شده است).

	IN	INSIDE	WITHIN
1	The money is kept in the safe.	The hostage was kept inside the same room for more than three years.	
1,2,3	We examined the links among the parents of children in the school .	The children were only allowed to play inside the school , never outside.	Insufficient attention has been given to the importance of relationships among children within the school .
4,3	We examined the links among the parents of children in the school .	The children were only allowed to play inside the school , never outside.	Insufficient attention has been given to the importance of relationships among children within the school .
5,3		Inside the mind of a monkey Inside bureaucracy Inside the family	Our aim is to present, within the limits of national security, a comprehensive summary of this data regarding the war in Iraq.

۱۴-۱۸ with و of (ماده، روش، توافق)

۱- of بیانگر ماده فراتر از چیزی که ساخته شده است می باشد.

۲- with توضیح می دهد که چگونه چیزی ساخته شده است و یا با چه چیزی مجهز شده است.

۳- with بیانگر حضور یا عدم حضور رابطه، توافق، و یا پشتیبان می باشد. with همراه با این افعال، اسامی، و صفت ها استفاده می شود: comparable*, collaborate, coincide, associate, appointment, ally, agree, acquaint, accordance, cooperate, contaminate, contact, consistent, connection*, connect*, concur, comply, compliance, equip, entrust, endow, dispense, deal, cover, coupled, coordination, coordinate, cooperation, problem, paint, mix, liaise, interfere, interact, infect, incongruous, incompatible, help, experiment, provide, tally, synchronous, synchronize, reinforce. { *بیانگر این است که این کلمات می توانند قبل از to نیز بیایند }.

۴- with به معنای «به عنوان عاملی از» نیز می باشد، of نمی تواند در چنین مواردی استفاده شود.

	OF	WITH
1,2	The royal family were wearing jewels made of gold and silver	A cake can be made with various ingredients.
1,2	Nitonol is an alloy of nickel and titanium.	These cars are manufactured with armor plating and come equipped with bullet-proof windows.
1,3	Snow is made of small crystals of ice.	The terrain was covered with snow.
4		The severity of the illness varies with age.

۱۵ طول جمله، مختصر، وضوح، و ابهام

۱۵-۱- حداکثر دو ایده در هر جمله

۱- در حالت ایده‌آل، هر جمله می‌بایست شامل تنها یک بخش از اطلاعات و نمی‌بایست از حدود ۲۵ کلمه بلندتر باشد.

۲- گاهی اوقات جمله بلند خوب است، به شرطی که: (۱) فهم آن آسان باشد، (۲) تقسیم کردن آن به جملات کوتاه‌تر سخت باشد.

	درست	نادرست
1	The majority of words recorded in a modern English dictionary have been borrowed from other languages. However, the words ordinarily used in speaking are largely of English origin. Most words have somewhat changed in form since their first introduction into England. (16, 13, 13 words)	In the language as recorded in a modern English dictionary the great majority of words are borrowed; but the words we ordinarily use in speaking are largely of English origin, although for the most part somewhat changed in form since their first introduction into England. (45 words)
2	As has been shown above, it would be incorrect to say that English was derived from Latin, or French, or Greek, or from anything else but the original language of the Teutonic branch of the Indo-European language. Nevertheless Latin, French and Greek have had a great and lasting influence on English vocabulary. (37, 15 words)	Although (as has been shown above) it would be incorrect to say that English was derived from Latin, or French, or Greek, or from anything else but the original language of the Teutonic branch of the Indo-European language, nevertheless Latin, French and Greek have not been without great and lasting influence on our vocabulary. (54 words)

۱۵-۲- قرار دادن اطلاعات در ترتیب زمانی، مخصوصاً در بخش روش‌ها

سند شما می‌بایست مانند نقشه‌ای باشد که به خواننده مسیر را نشان می‌دهد. سعی نمایید به روش مرحله به مرحله بنویسید، به‌طوری که هر مرحله به‌صورت منطقی مرحله قبلی را دنبال کند. این معمولاً مستلزم قرار دادن اطلاعات در ترتیب زمانی است.

۱- در بخش دوم جمله then + گذشته ساده ترجیح داده می‌شود، به‌جای after + گذشته کامل.

۲- از first(ly)، second(ly)، و غیره برای نشان دادن مراحل روش استفاده کنید.

	درست	نادرست
1	The vegetables were cooked in the oven and then served with the main course.	The vegetables were served with the main course after they had been cooked in the oven.
2	When defusing a bomb, first disrupt the circuit. Secondly , cut the green wire.	When defusing a bomb, cut the green wire after first having disrupted the circuit.

۱۵-۳- اجتناب از عبارت‌های پرانتزی

فاعل‌ها اغلب از فعل خود توسط اطلاعات پرانتزی شامل دو ویرگول یا در قلاب‌ها جدا می‌شوند. در چنین مواردی، استفاده از ویرگول و براکت‌ها منجر به شکستن جریان جمله شده و سریعاً آن را جهت تفهیم مشکل می‌سازد.

۱- بازمرتب‌سازی جمله به‌طوری که فاعل و فعل در کنار هم باشند. ترتیبی که استفاده می‌کنید وابسته به تأکیدی است که دوست خواهید داشت بدهید.

۲- زمانی که اطلاعات پرانتزی نسبتاً طولانی هستند، جمله را تقسیم کنید.

	درست	اجتناب
1	This feature will only be of limited use, owing to its high cost.	This feature , owing to its high cost, will only be of limited use.
	Owing to its high cost, this feature will only be of limited use.	This feature (owing to its high cost) will only be of limited use.
1	The vegetables were cooked in the oven and then served with the main course.	The vegetables , cooked in the oven, were served with the main course.
		The vegetables , which had been cooked in the oven, were served with the main course.
2	We believe the results are significant given their innovative nature. When they are analysed they should help in our understanding of the diffusion of this virus in the world today.	The analysis of the results, which we believe are of a significant value given their innovative nature , should help in the understanding of the diffusion of this virus in the world today.

۱۵-۴- اجتناب از حشو

با استفاده از کمترین تعداد کلمه، کار خواننده را آسان کنید. جملات حاصل نیز می‌بایست سریع توسط شما نوشته شوند.

از این موارد استفاده نکنید:

۱- کلمات چکیده‌ای بی‌معنی.

۲- کلمات توصیفی بی‌معنی.

۳- عبارات مقدمه‌ای غیرضروری (بخش ۱۳-۱-۳).

۴- کلمات ارتباطی غیرضروری (فصل ۱۳) به‌عنوان مثال to be precise, furthermore, in particular.

	درست	اجتناب
1	This supports the installation of the software.	This supports the activity of installation of the software.
1	Achieving this is difficult .	Achieving this is a difficult task .
1	We believe the results are significant .	We believe the results are of significant value .
2	They should be green and round .	They should be green in color and round in shape .
3	Note that the sum of the values needs to be lower than ...	It is worth noting / Bear in mind that the sum of the values ...
4	We found that $x = y$. Under certain circumstances x also equals z .	We found that $x = y$. In particular , under certain circumstances x also equals z .

۱۵-۵- ترجیح افعال به اسامی

۱- از فعل به جای اسم استفاده کنید، این امر خوانایی و ایجاز را بهبود می بخشد.

۲- از یک فعل به جای اسم + فعل استفاده کنید.

	درست	اجتناب
1	This was used to calculate the values.	This was used in the calculation of the values.
1	By correctly choosing the parameters, performance can be improved.	Through the correct choice of the parameters, performance can be improved.
1,2	This allows us to transfer the money. This allows the money to be transferred .	This allows the transfer of the money to be performed .
2	The USA was compared to the Russian Federation.	A comparison was made between the USA and the Russian Federation.
2	The Russian Federation performed much better than the USA.	The Russian Federation showed a much better performance than the USA.

۱۵-۶- استفاده از صفت‌ها به جای اسم‌ها

۱- از ساختار اسم + صفت به جای فعل + اسم استفاده کنید.

۲- از ساختار more + صفت به جای صفت مقایسه‌ای + اسم استفاده کنید.

	درست	اجتناب
1	This method has quite an efficient calculation process. = Calculations with this method are quite efficient .	This method shows quite a good efficiency in the calculation process.
2	X is more homogeneous than Y.	X has a higher homogeneity with respect to Y.

۱۵-۷- احتیاط در مورد استفاده از ضمائر شخصی: they, she, he, one, you

۱- استفاده از you برای آدرس دادن مستقیم به خواننده در پیش‌نویس‌های پژوهشی نادر است. این کار معمولاً برای راهنماهای کاربران، دفترچه‌های راهنما، وب‌سایت‌ها، و پست الکترونیکی استفاده می‌شود.

۲- ضمیر عمومی one تاحدی قدیمی است و در هر موردی می‌تواند به راحتی اجتناب شود.

۳- از he و she (و he, her, him, hers) تنها زمانی استفاده کنید که آن‌ها خصوصاً به ترتیب برای ارتباط با فاعل مرد و یا زن استفاده شده‌اند. استفاده از هر دو he یا she برای اشاره به صداها یا شخص عام (مانند جایی که جنسیت شخص بی‌ربط است) هم از نظر سیاسی نادرست و هم به سادگی عجیب است.

۴- شما می‌توانید از استفاده از he و she (و he / she، غیره) با استفاده از ساختن فاعل جمع و استفاده از they, their, them, و theirs اجتناب کنید.

۵- زمانی که فاعل می‌بایست مفرد باشد، از ضمیر مذکر استفاده نکنید، به جای آن از he / she, her / him, و her / his استفاده کنید.

	درست	اجتناب
1	A more detailed explanation can be found in Appendix B.	You can find a more detailed explanation in Appendix B.
2	This feature would be useful in many cases.	One can think of many examples where this feature would be useful.
3	Barack Obama claimed in his speech that he ... whereas in her speech Angela Merkel reaffirmed that she ...	A doctor plays a vital role in society, in fact he often ... A primary teacher can have a great influence on the future lives of her pupils.
4	If traders are trading on several markets and they wish to ...	If a trader is trading on several markets and he wishes to ...
4	When users have connection problems, the system tries to reconnect them automatically.	When a user has connection problems, the system tries to reconnect him / her automatically.
5	There are two traders: Trader A and Trader B. If Trader A wants to send his / her order to the market then he / she has to ...	There are two traders: Trader A and Trader B. If Trader A wants to send his order to the market then he has to ...

۱۵-۸- استفاده ضروری و غیرضروری از: we, us, our

استفاده از we ممکن است برای اجتناب از ابهام ضروری باشد (بخش ۱۰-۴).

با این حال، می‌توانید از we (us, our, ours) در موارد زیر اجتناب کرد:

۱- زمانی که می‌توانید با عدم استفاده از we جمله را بسیار کوتاه کنید.

۲- زمانی که در مورد افراد به صورت کلی صحبت می‌کنید.

۳- زمانی که در مورد روشی که خودتان نساخته‌اید صحبت می‌کنید. به جای آن از مجهول استفاده کنید.

۴- برخی اوقات نویسندگان از we برای شرکت دادن خواننده در فرآیند منطقی توصیف‌شده استفاده می‌کنند. با این حال، اگر یافتید که از we تقریباً در هر جمله استفاده کنید، استفاده از راه‌حل‌های جایگزین مانند مجهول و یا اسم مصدر را مدنظر قرار دهید.

۵- تصمیم مجلات مبنی بر عدم استفاده از we ممکن است منجر به عبارت‌های ناشیانه شود. در چنین مواردی به نظر من می‌بایست از we استفاده شود.

	درست	اجتناب
1	This document outlines the main points of xyz.	In this document we outline the main points of xyz.
1	This means that there are two ways to solve this problem.	This means that we have two ways to solve this problem.
2	The last few years have witnessed a considerable increase in the numbers of mobile devices.	In the last few years we have witnessed a considerable increase in the numbers of mobile devices.
3	A cloze procedure is a technique in which words are deleted from a passage according to a word-count formula. The passage is presented to students, who insert words as they read. This procedure can be used as a diagnostic reading assessment technique.	A cloze procedure is a technique in which we delete words from a passage according to a word-count formula. We present the passage to students, who insert words as they read. We can use this procedure as a diagnostic reading assessment technique.
4	Before dealing with this issue ...	Before we deal with this issue ...
4	As already pointed out by Ying, this is valid only below a certain frequency (hereafter F).	As already pointed out by Ying, this is valid only below a certain frequency which we denote by F
4	The discussion of integers is now continued to extend the notion of ...	We continue our discussion of integers to extend the notion of ...
5	We believe that this approach is both the easiest and quickest to perform.	It is the authors' subjective impression that this approach is both the easiest and quickest to perform.

۹-۱۵- اجتناب از کلمات و اختصارات غیررسمی

- ۱- برخی کلمات و اصطلاحات مرتبط با مقادیر، برای مقالات پژوهشی بسیار غیررسمی مدنظر قرار می گیرند.
- ۲- such as به like در هنگام دادن مثال ترجیح داده می شود.
- ۳- (consequently .therefore) thus به so ترجیح داده می شود؛ in any case به anyway ترجیح داده می شود.
- ۴- actually در ابتدای جمله اجتناب کنید.
- ۵- until به till ترجیح داده می شود.
- ۶- از حالت های اختصاری (مانند we'll ,it isn't) اجتناب کنید. به جای آن از حالت کامل (مانند we will ,it is not) استفاده کنید.
- ۷- از افعالی چندقسمتی محاوره ای (مانند check out ,get around ,give up ,work out) اجتناب کنید. بخش ۹-۱۶ را ببینید.

	درست	معمولاً بسیار غیررسمی به نظر می رسد
1	The sample size was quite small. A few samples were contaminated.	The sample size was pretty small. A tiny part of the samples were contaminated.
2	A few European countries, such as Montenegro, Slovenia and Moldavia, have requested ...	A few European countries, like Montenegro, Slovenia and Moldavia, have requested ...
3	The first set of samples were contaminated. We thus had to ... In any case , this was useful because ...	The first set of samples were contaminated, so we had to ... Anyway , this was useful because ...
4	His behavior was strange. In fact , he rarely talked ...	His behavior was strange. Actually , he rarely talked ...
5	We waited until the end of the experiments before ...	We waited till the end of the experiments before ...
6	Let us now turn to ... One cannot but notice that ... We have seen that ...	Let's now turn to ... One can't but notice that ... We've seen that ...
7	Clinton's argument does not appear to make sense , although Smith et al. have defended Clinton's position.	Clinton's argument does not appear to add up , although Smith et al. have stuck up for Clinton's position.
7	They tried for 20 years to prove that $x = y$ and they finally succeeded in 2012 when some missing data were discovered by chance.	They tried for 20 years to prove that $x = y$ and the finally brought it off in 2012 when some missing data turned up by chance.

۱۵-۱۰ - do / does مؤکد، تأکید کردن با افعال کمکی

۱- do و does برخی اوقات در جمله مثبت برای تأکید کردن استفاده می‌شوند.

۲- از do و does در زمانی که هیچ تأکید خاصی مورد نیاز نیست استفاده نکنید.

۳- اگر می‌خواهید که بر دیگر افعال کمکی تأکید کنید، می‌توانید آن‌ها را به صورت حروف کج یا حروف زیرخطدار قرار دهید و یا آن‌ها را با دیگر اصطلاحاتی که تأکید می‌کنند همراه کنید (مانند however, instead, in fact) - چنین استفاده‌ای به ندرت صورت می‌گیرد.

۴- do و does (و دیگر افعال کمکی) نیز در جملات مثبت همراه با only و قیده‌های منفی استفاده می‌شوند. در چنین مواردی فاعل و فعل معکوس می‌شوند (بخش ۱۶-۶).

	تأکید	عدم تأکید
1,2	Are scientists whose native language is not English at a disadvantage in attempting to get work published and accepted? Certainly, there does seem to be evidence that scientists from developing countries do find it more difficult to get their work published than those in developed countries.	In comparing the interviewees' responses with the comparable data from previous studies there seems to be evidence that this sample may have been affected by issues regarding the way the questions were posed. In fact, we found that three questions were open to several interpretations.
1,2	Such strange phenomena have been reported. Whether they do in fact indicate the existence of UFOs is still an open issue.	These drugs may not always be effective. In fact, they often have undesired side effects.
3	Contrary to what was previously thought, it is possible to automatically acquire English with a brain implant, and such an operation can , in fact, be achieved at low cost.	
4	In most countries using plastic bottles is not considered a problem. Only in Scandinavia do they insist on using glass bottles.	In most countries using plastic bottles is not considered a problem. However , in Scandinavia they insist on using glass bottles.

۱۱-۱۵- حصول اطمینان از ثبات در سراسر یک پیش‌نویس

۱- از فرمت مشابه برای کلمه مشابه استفاده کنید.

۲- از حالت گرامری مشابهی استفاده کنید.

۳- از تلفظ مشابهی استفاده کنید (بخش ۲۷-۲).

	درست	نادرست
1	In Phase 1 of the project we will ..., whereas in Phase 4 we will ...	In the first phase of the project we will ..., whereas in Phase IV we will ...
2	This research has three main aims: (1) to increase efficiency (2) to enhance existing features (3) to lower costs.	This research has three main aims: (1) to increase efficiency (2) the enhancement of existing features (3) lowering costs.
3	The behavior of the children in the realization of the truth differed radically from the behavior of their respective parents who realized the truth considerably more rapidly.	The behavior of the children in the realization of the truth differed radically from the behaviour of their respective parents who realised the truth considerably more rapidly.

۱۵-۱۲- مفاهیم ترجمه که تنها در کشور / زبان شما وجود دارد

از ترجمه تحت‌اللفظی مفاهیم که مختص زبان و یا کشور شما هستند اجتناب کنید (نهادهای سیاسی و سنت‌ها، نام جشن‌ها، و غیره). به جای آن:

۱- از زبان خود (به صورت حروف کج) استفاده کنید و سپس به زبان انگلیسی توضیح دهید.

۲- به زبان انگلیسی بدون استفاده از زبان خود توضیح دهید.

نادرست	فقط زبان انگلیسی	زبان خودتان + زبان انگلیسی
Such preferences are due to the Chinese concept of <i>yì tóu</i> . Thus ...		1 Such preferences are due to the Chinese concept of <i>yì tóu</i> which is related to ideas regarding premonition and superstition. Thus ...
This is OK if you have already given an English explanation of <i>yì tóu</i> or if you know your readers will be familiar with the term.		
Kimura [2014] regards <i>aida</i> (literally ‘betweeness’) as a transpersonal source that ...		1 Kimura [2014] regards <i>aida</i> (literally ‘betweeness’) as a transpersonal source that ...
This is OK for the same reasons as explained in the previous example.		= Kimura [2014] regards <i>aida</i> or ‘betweeness’ as a transpersonal source that ...
The Dutch celebrate Father Christmas on December 5. He arrives simultaneously at every city or village in the Netherlands. This is explained by way of the so-called “ help Father Christmas ”.	... Sinterklaas manages to arrive simultaneously at every city or village with the aid of helpers who dress up like him .	2 The Dutch celebrate Sinterklaas (i.e. Santa Claus) on December 5. Sinterklaas arrives simultaneously at every city or village in the Netherlands. This is explained by way of the so-called “ hulpSinterklazen ” (people who help Sinterklaas by dressing up like him).
Father Christmas is not ‘celebrated’. ‘Help father Christmas’ is meaningless in English.		
The energy plan was approved by the Tuscany Region and was then ...	The energy plan was approved by the regional administration in Tuscany and was then ...	2 The energy plan was approved by the Regione Toscana (i.e. the regional administration in Tuscany) and was then ...
‘Tuscany Region’ is meaningless in English.		

۱۵-۱۳- همیشه از کلمات کلیدی مشابه استفاده کنید: تکرار کلمات مشکلی نیست

- ۱- هرگز برای کلمات کلیدی مترادف اختراع نکنید. خواننده ممکن است فکر کند که هر عبارت دارای معنای متفاوتی است.
- ۲- زمانی که به کلمه کلیدی مورد استفاده در ابتدا رجوع می کنید، کلمات بسیاری بین کلمه کلیدی و چیزی که حالا نوشتید وجود دارد، بهتر است که آن کلمه کلیدی را به جای استفاده از حالت عمومی تکرار کنید (مانند hydrogen ... hydrogen، به جای hydrogen ... this gas). اگر تنها از عبارت عمومی (مانند this gas) و یا ضمیر (it) استفاده می کنید، خواننده ممکن است مجبور شود پاراگراف را مجدداً بخواند تا بفهمد چه فاعلی را شما به آن اشاره می کنید.
- ۳- استایل بدی نیست که حرف اضافه مشابه را تکرار کنید. حروف اضافه معمولاً قابل تعویض نیستند و بنابراین تنها حرف اضافه صحیح می بایست استفاده شود.
- ۴- ترجیحاً قابل قبول است که از مترادفها برای کلمات غیرکلیدی مانند افعال (مانند perform, carry out)، صفتها (مانند crucial, important)، و قیدها (مانند often, frequently) استفاده شود.

	درست	نادرست
1	In the first phase of the project we will ..., whereas in the fifth phase we will ...	In the first phase of the project we will ..., whereas in the fifth stage we will ...
1	The operator of the PC does x followed by y. Finally, the operator does z.	The operator of the PC does x followed by y. Finally, the user does z.
2	The solubility and mobility of elemental mercury is low and blah blah blah, blah blah blah blah blah. In fact, blah blah blah blah. In addition, blah blah blah blah blah. However, mercury can undergo many transformations, leading to contamination in humans.	The solubility and mobility of elemental mercury is low and blah blah blah, blah blah blah blah blah. In fact, blah blah blah blah. In addition, blah blah blah blah blah. However, this metal can undergo many transformations, leading to contamination in humans.
3	There is unquestionably a need for methods for testing for synergy with combinations of any number of agents of a certain value.	
4	Such manuscripts are normally accepted, usually within 20 days of receipt.	

۱۴-۱۵ - اجتناب از ابهام زمانی که از **which, the former / the latter** و ضمایر استفاده می‌شود

- ۱- از استفاده از **the former** (بخش ۱۳-۱۲) و **the latter**، و یا **the first** و **the second** اجتناب کنید. تنها کلمات را تکرار کنید. این امر به خواننده کمک می‌کند تا پاراگراف را مجدد بخواند تا بفهمد که **the former** یا **latter** به چه چیزی اشاره دارند.
- ۲- اگر جمله حاصل بسیار طولانی خواهد بود، از جمله‌واره‌های ربطی (فصل ۷) اجتناب کنید. به جای آن کلمه کلیدی را تکرار کنید.
- ۳- زمانی که از ضمایر **one, them, they, it** و غیره استفاده می‌کنید، مطمئن شوید که واضح است این ضمایر به چه چیزی اشاره دارند.

	درست	نادرست
1	Examples of countries where this kind of election system is used are Australia, New Zealand and the Canada . From an analysis of the literature it would seem that Australia has been the target of most investigations into ...	Examples of countries where this kind of election system is used are Australia, New Zealand and the Canada . From an analysis of the literature it would seem that the former country has been the target of most investigations into ...
2	The CNR is the Italian National Research Council and has many institutes where innovative research is carried out . These institutes are located in various parts of Italy such as Pisa, Turin and Rome.	The CNR is the Italian National Research Council and has many institutes where innovative research is carried out and which are located in various parts of Italy such as Pisa, Turin and Rome.
3	Portuguese and Spanish are spoken more widely than French and Dutch. In fact, French and Dutch are only used in ex-colonies, although French is also spoken in ...	Portuguese and Spanish are spoken more widely than French and Dutch. In fact, they are only used in ex-colonies, although the first is also spoken in ...

۱۵-۱۵- اجتناب از ابهام زمانی که از **as**, **in accordance with**, **according to** استفاده می‌شود

۱- **as** برخی اوقات برای اشاره به اینکه آیا رویکرد، روش، و یا تمرین مطابق با مشخصات (اغلب قانونی) چنین رویکرد، روش، و یا تمرین است یا خیر استفاده می‌شود.

۲- مطمئن شوید که واضح است آیا چیزی مطابق با مقررات و توصیه‌ها است یا خیر.

۳- **in compliance with**, **according to**, **in accordance with**, و دیگر اصطلاحات بیانگر تطابق با قوانین و مقررات، منوط به ابهام قابل امکان مشابه بیان شده در قانون ۱ می‌باشند.

	درست	نادرست
1	As recommended by ISO 2564.89, we used the following procedure:	
1	We adopted the guidelines regarding land use planning, as required by Council Directive 96 / 82 / EC.	
2	In 16.6% of the food packages, no country of origin was reported. This is in direct contrast to European regulations, which explicitly state that the country of origin must be declared.	In 16.6% of the food packages, no country of origin was reported, as required by European regulations. It seems that stating the country of origin is not a European requirement.
3	As suggested by / In accordance with Gomez (2015), samples were not pre-washed.	The samples were not pre-washed in accordance with Gomez (2015).
	Contrary to what suggested by Gomez (2015), samples were not pre-washed. This decision was made because ...	It is not clear whether Gomez advocates pre-washing or not.

۱۵-۱۶- زمانی که یک مفهوم منفی با استفاده از نفی بیان می‌شود

۱- زبان انگلیسی تمایل دارد تا ایده‌های منفی را با نفی بیان نماید (بخش ۷-۱۷). این امر به خواننده کمک می‌کند تا سریعاً بفهمد که چیزی منفی گفته شده است. توجه نمایید که مثال‌های داده شده در ستون سمت راست کاملاً در پیش‌نویس قابل قبول هستند، و موارد سمت چپ در ارائه‌های شفاهی بهتر هستند.

۲- تنها یک کلمه منفی موردنیاز است.

	بسیار معمول / کمتر رسمی	کمتر معمول / بسیار رسمی (۱)، نادرست (۲)
1	There are not many options available.	There are few options available.
1	We don't have much time available.	We have little time available.
1	There are not as many opportunities for women as there are for men.	There are fewer opportunities for women than for men.
1	There are not many cases where patients have such symptoms.	The cases where patients have such symptoms are rare .
2	The device was not designed to be connected to a network, either wired or wireless.	The device was not designed to be connected to a network, neither wired nor wireless.
2	The authors did not write anything regarding ...	The authors did not write nothing regarding ...

۱۶ ترتیب کلمه: اسم‌ها و فعل‌ها

۱۶-۱- فاعل را تا جایی که ممکن است قبل از فعل و در ابتدای عبارت قرار دهید

۱- فاعل را قبل از فعل قرار دهید (برای استثنای بخش‌های ۱۶-۵ و ۱۶-۶ را ببینید).

۲- فاعل معمولاً شامل مهم‌ترین اطلاعات می‌باشد. آن را تا جایی که ممکن است در ابتدای جمله قرار دهید.

	درست	نادرست
1	The referees' reports have arrived.	They have arrived the referees' reports .
1	The method is important.	It is important the method .
2	Several techniques can be used to address this problem.	To address this problem several techniques can be used.
2	Time and cost are among the factors that influence the choice of parameters.	Among the factors that influence the choice of parameters are time and cost .
2	Although algorithms for this kind of processing are reported in the above references, the execution of ...	Although in the above references one can find algorithms for this kind of processing, the execution of ...

۱۶-۲- تصمیم بگیرید که چه چیزی اول در جمله قرار می‌گیرد: جایگزین‌ها

۱- مهم‌ترین ایده را در ابتدا قرار دهید، این امر نوشتن شما را بسیار مستقیم و بیادماندن می‌کند.

	موقعیت عادی فاعل	برای دادن تأکید خاص
1	Lee noted that 40% of the data was erroneous, contrasting with Hall's estimation of 20%.	Up to 40% of the data was misleading, Lee notes.
	Author stressed to contrast with other author.	Here the quantity is stressed.
1	A new cure was discovered recently [12].	It was only recently that a new cure was discovered [12].
		The time reference (<i>only recently</i>) gives interesting or surprising new information.

۱۶-۳- فاعل را به تأخیر نیندازید

۱- فاعل را ابتدا قبل از بیان اینکه چه زمان، چگونه، کجا، و چرا عمل کرده است، قرار دهید. اگر با جمله‌واره وابسته شروع می‌کنید، این امر خواننده را مجبور می‌کند صبر کند تا دریابد شما واقعاً به چه چیزی اشاره می‌کنید.

۲- اگر از کلمات ربطی (فصل ۱۳) زیاد استفاده می‌کنید، مانند *in particular*, *generally*, *speaking*, *consequently*, *in addition*, همیشه آن‌ها را در ابتدا قرار ندهید. اگر امکان دارد، کلمه کوتاه‌تری بیابید (*so*, *thus*, *also*) و آن را قبل از فعل قرار دهید.

۳- از به کار بردن *it* غیرشخصی در ابتدای جمله اجتناب کنید. به جای آن از افعال معین شرطی (*should*, *need*, *might*, و غیره) و یا قید استفاده کنید.

۴- از شروع کردن عبارت با دوره زمانی شامل فعل *to be* اجتناب کنید.

	درست	توصیه نمی‌شود (۱-۳)، نادرست (۴)
1	The samples were dried after they had spent five minutes in an aqueous solution, and 20 minutes in the cold room.	After five minutes in an aqueous solution, and a further 20 minutes in the cold room, the samples were dried.
1	Despite Iceland's favorable geological situation in terms of harnessing all kinds of geothermal resources, until a few years ago only geothermal-electric generation received much attention.	Despite its favorable geological situation in terms of harnessing all kinds of geothermal resources, until a few years ago only geothermal-electric generation received much attention in Iceland .
2	The old system should thus not be used.	For this reason , it is not a good idea to use the old system .
3	Users should be distributed evenly.	It is recommended to distribute users evenly.
3	This can be done with the new system.	It is possible do this with the new system.
4	We have been studying this problem for three years .	They are three years that we study this problem.
	= For three years we have been studying this problem and we still have no results.	It is since three years that we study this problem.

۱۶-۴- اجتناب از فاعل‌های طولانی که فعل اصلی را به تأخیر می‌اندازند

مطمئن شوید که فعل در نزدیکی ابتدای جمله و کنار فاعل قرار دارد. اگر فاعل بسیار طولانی باشد، خواننده منتظر می‌ماند تا دریابد فعل چه چیزی است. برای اجتناب از این مشکل:

۱- از فعل معلوم، به جای حالت مجهول، استفاده کنید (بخش ۱۰-۳).

۲- فعل را به ابتدای جمله ببرید. این امر ممکن است شامل تغییر فعل و یا تغییر ترتیب کلمه باشد.

۳- جمله طولانی را به دو جمله کوتاه‌تر تقسیم کنید.

	درست	توصیه نمی‌شود
1	ABC generally employs people with a high rate of intelligence, a proven talent for problem-solving, a passion for computers, along with good communication skills.	People with a high rate of intelligence, a proven talent for problem-solving, a passion for computers, along with good communication skills are generally employed by ABC.
2	This data shows that there are significant correlations between ...	This data shows that significant correlations between the cost and the time, the time and the energy required, and the cost and the age of the system exist .
2	Fonts can be easily configured as well as filters, ticker settings, blotters, and message bars.	Fonts, filters, ticker settings, blotters, and message bars can easily be configured .
3	People with a high rate of intelligence are generally employed by ABC. They must also have other skills including: a proven talent for problem-solving ...	People with a high rate of intelligence, a proven talent for problem-solving, a passion for computers, along with good communication skills are generally employed by ABC.

۱۶-۵- وارونگی فاعل و فعل

۱- در سوالاتی که شامل فعل to be، افعال کمکی (have, had, will, would)، و یا افعال معین شرطی هستند، جای فاعل و فعل را عوض کنید.

۲- با to have مانند یک فعل معمولی رفتار کنید.

۳- مواظب باشید که جای فاعل و فعل را بعد از what, which, who, where, why آن هم زمانی که این کلمات در سوال استفاده نشده‌اند تغییر ندهید.

	درست	نادرست
1	Are doctors becoming the new drug representatives? Can we allow them to have this role? How long has this situation been going on? Would it be right to intervene?	Doctors are becoming the new drug representatives? We can allow them to have this role? How long this situation has been going on? It would be right to intervene?
2	Do we have the resources to educate all children?	Have we the resources to educate all children?
3	We were unable to identify what the problem was .	We were unable to identify what was the problem .
3	The authors did not state where their data came from .	The authors did not state where did their data come from .

۱۶-۶- وارونگی فاعل و فعل همراه با only, rarely, seldom, و غیره

۱- اگر only و قید تکرار که بیانگر حادثه‌ای هستند که تقریباً هرگز رخ نداده‌اند (seldom, rarely) را به‌عنوان کلمه اول عبارت قرار می‌دهید، آنگاه می‌بایست جای فاعل و مفعول را اگر سوال می‌سازید عوض کنید.

۲- قانون مشابهی در زمان قرار دادن نفی (مانند never, nothing) به‌عنوان کلمه اول عبارت اعمال می‌شود.

این ساختار به سختی به خاطر می‌ماند، به‌طوری که احتمالاً بهتر است از آن اجتناب شود. به‌جای آن از ترتیب معمولی کلمه استفاده کنید (ستون دوم).

	درست	نادرست	درست (جایگزین)
1	Rarely does this happen when the user is online.	Rarely this happens when the user is online.	This rarely happens when the user is online.
1	Only when all the samples have been cleaned, can you proceed with the tests.	Only when all the samples have been cleaned, you can proceed with the tests.	You can only proceed with the tests when all the samples have been cleaned.
2	Never before had we seen such a powerful reaction.	Never before we had seen such a powerful reaction.	We had never seen such a powerful reaction before .
2	Not just by overeating, but through lack of exercise, do people become overweight.	Not just by overeating, but through lack of exercise, people become overweight.	People become overweight through lack of exercise, not exclusively from overeating.

۱۶-۷- وارونگی همراه با so, neither nor

جای فاعل و فعل کمکی بعد از so و neither / nor در زمانی که این کلمات برای مقایسه دو یا چند چیز استفاده می‌شوند، عوض می‌شود.

۱- so زمانی استفاده می‌شود که جمله مثبت باشد.

۲- neither و nor دارای معنای مشابهی هستند و زمانی استفاده می‌شوند که جمله منفی باشد.

این ساختار به سختی به خاطر می‌ماند، به طوری که احتمالاً بهتر است از آن اجتناب شود. به جای آن از ترتیب معمولی کلمه استفاده کنید (ستون دوم).

	درست	نادرست	درست (جایگزین)
1	We found that helium is lighter than air, and so did Smith et al [2014].	We found that helium is lighter than air, and also Smith et al [2014].	In line with Smith et al [2014], we found that helium is lighter than air.
2	The alarm did not function and neither did the back up system.	The alarm did not function, neither the back up system.	The alarm did not function, moreover the back up system failed.

۱۶-۸- قرار دادن مفعول مستقیم قبل از مفعول غیرمستقیم

مفعول مستقیم چیزی است که داده یا دریافت می‌شود. مفعول غیرمستقیم (به صورت درشت در جدول زیر) چیزی است که مفعول مستقیم می‌دهد و یا توسط آن دریافت می‌شود. به موقعیت مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم در این جمله دقت کنید: "The authors sent *their manuscript* to the journal". بنابراین، ترتیب معمولی کلمه عبارت است از: (۱) فاعل (the authors)، (۲) فعل (sent)، (۳) مفعول مستقیم (their manuscript)، (۴) حرف اضافه (to)، (۵) مفعول غیرمستقیم (the journal).

۱- نوع ساختار مشخص شده در بالا، اغلب همراه با افعال قبل از by to و with یافت می‌شود. مثال: give X to Y, consign X to Y, attribute X to Y, apply X to Y, associate X with Y (یا give Y X), send X to Y, introduce X to Y (یا send Y X)

۲- اگر مفعول مستقیم بسیار طولانی باشد و شامل مجموعه‌ای از موارد باشد، می‌توانید مفعول غیرمستقیم را بعد از اولین مورد قرار دهید و سپس از along with استفاده کنید.

۳- به عنوان جایگزین قانون ۲، می‌توانید از دو نقطه برای معرفی یک لیست استفاده کنید.

۴- تمام علوم قانون ۱ را رعایت نمی‌کنند، و مخصوصاً در علم ریاضیات ممکن است مفعول غیرمستقیم را قبل از مفعول مستقیم بیابید.

	درست	نادرست
1	We can separate P and Q with this tool . With this tool we can separate P and Q.	We can separate, with this tool , P and Q.
1	We can associate a high cost with these values .	We can associate with these values a high cost.
2	We can associate a high cost with these values , along with higher overheads, a significant increase in man hours and several other problems.	We can associate with these values a high cost, higher overheads, a significant increase in man hours and several other problems.
3	We can associate several factors with these values : a high cost, higher overheads, ...	
4	This is a rule that associates with each element in S a unique element in T.	

۱۶-۹- افعال چند قسمتی

تعریف ساده‌ای از افعال چندقسمتی این است که آن‌ها افعالی هستند که از یک یا چند حرف اضافه تشکیل شده‌اند. افعال چند قسمتی تمایل ندارند تا در پیش‌نویس‌ها استفاده شوند چرا که بسیار غیررسمی هستند و تنها برای زبان محاوره‌ای بسیار مناسب می‌باشند. همچنین، یک فعل مشابه ممکن است چندین معنی متفاوت داشته باشد، که برای خواننده ممکن است گیج‌کننده باشد. با این حال، برخی افعال چند قسمتی در دانشگاه‌ها، پیش‌نویس‌ها، گزارش‌ها، و پست‌های الکترونیکی استفاده می‌شوند که عبارتند از: give off, fill in, fall through, ease off, draw up, cut down, carry out, bring up, break down, back up, go through, iron out, kick off, look forward to, phase out, point out, run into, set up, wear out. متأسفانه دسته‌بندی‌های متفاوتی از افعال چند قسمتی وجود دارد و تنها با نگاه کردن به فعل این امکان وجود ندارد که بدانیم کدام دسته‌بندی متعلق به آن‌هاست. در زیر تنها دو راهنمای مفید مرتبط با موقعیت مفعول مستقیم داده شده است.

۱- برخی افعال برای قرار گرفتن قبل از حرف اضافه نیازمند به ضمیر می‌باشند.

۲- افعال دیگر برای قرار گرفتن بعد از حرف اضافه نیازمند به ضمیر می‌باشند.

۳- با برخی افعال می‌توانید مفعول مستقیم را بعد یا قبل از حرف اضافه قرار دهید. جدا کردن دو بخش (مانند قرار دادن مفعول قبل از حرف اضافه) منجر به غیررسمی‌تر شدن فعل می‌شود.

اگر مطمئن نیستید، راحت‌ترین راه نگه داشتن بخش‌های فعل در کنار هم و اجتناب از استفاده از ضمیرها و تکرار دوباره و به سادگی فاعل می‌باشد. روش دیگر و در صورت امکان، استفاده از فعلی دیگر می‌باشد: مانند (perform) carry out, cut down, (examine) go through, (reduce).

	بعد از فعل	بین فعل و حرف اضافه	نادرست
1	We carried out the research.	We carried it out in two stages.	We carried out it in two stages.
1	Smith pointed this out in his seminal paper.		Smith pointed out this in his seminal paper.
2	We came across your paper by chance. We came across it by chance.		We came it across by chance.
3	We have set up a new project.	We have set a new project up.	We have set up it.
3	Smith pointed out this fact in his seminal paper.	Smith pointed this fact out in his seminal paper.	Smith pointed out it.

۱۶-۱۰- ساختارهای اسم + اسم و اسم + of + اسم

۱- در برخی موارد، می‌توانید هم از ساختار /اسم + of + /اسم (مانند the University of Manchester) و هم از ساختار /اسم + /اسم (مانند Manchester University) استفاده کنید. متأسفانه هیچ قانونی برای کمک به شما جهت تشخیص اینکه آیا هر دوی آن‌ها مناسب است و آیا هر دوی آن‌ها معنای مشابهی دارند وجود ندارد (بخش ۲-۴). برای قانونی که در زمان استفاده از 's به کار می‌روند، حالت مالکیت را ببینید (فصل ۲).

۲- ساختار /اسم + of + /اسم معمولاً همراه با کلماتی مانند piece, series, bunch, group, و herd (flock و غیره) استفاده می‌شود.

۳- در برخی موارد، ساختار /اسم + of + /اسم همیشه امکان‌پذیر نیست. این امر اغلب به دلیل حرف اضافه of می‌باشد که بیانگر ساخته شدن اسم اول از اسم دوم می‌باشد (مانند a ring of gold = a ring made of gold).

۴- رشته‌های طولانی از اسم‌ها و صفت‌ها معمولاً تنها زمانی استفاده می‌شوند که اسامی قسمت‌هایی از دستگاه و یا روش‌ها باشند.

	درست	نادرست
1	Methods of payment / Payment methods	Payment's methods
1	A law of nature	A nature law / A nature's law
1	A software program and a hardware device	A program of software and a device of hardware
1	Title: Syringe exchange and risk of infection	Title: The exchange of syringes and risk infection
2	The series of plugs was used together with two groups of switches and an innovative piece of electrical equipment.	The plug series was used together with two switch groups and an innovative electrical equipment piece.
3	A shoe shop	A shop of shoes
4	A recently developed reverse Monte Carlo quantification method	
4	A Hitachi S3500N environmental scanning electron microscope	

۱۶-۱۱- رشته‌ای از اسامی: استفاده از حروف اضافه در جایی که امکان دارد

۱- زمانی که خواننده بعید است قادر به دانستن اینکه چگونه اسم‌ها به هم مربوط می‌شوند، این اسم‌ها را به صورت رشته‌ای قرار ندهید. از حروف اضافه برای واضح تر ساختن معنی استفاده کنید. این امر مخصوصاً در عناوین مقالات مهم است - اگر خواننده نتواند مقاله شما را بفهمد آنگاه احتمالاً مقاله را نمی‌خوانند.

۲- رشته اسمی می‌تواند اغلب با استفاده از حرف اضافه شکسته شود: of = متعلق به چه چیزی، for = برای هدف، by = چگونه چیزی انجام شده است و در کجا نیاز به تبدیل اسم‌ها به فعل‌ها می‌باشد. این امر به واضح ساختن روابط بیان اسم‌های مختلف کمک می‌کند.

	درست	نادرست
1,2	Least Toxic Methods for Pest Control	Least Toxic Pest Control Methods Pest Control Least Toxic Methods
1,2	Quantifying surface damage by measuring the mechanical strength of silicon wafers.	Silicon wafer mechanical strength measurement for surface damage quantification.
2	The streets of San Francisco.	San Francisco streets San Francisco's streets
2	For reasons of space , we will not consider ...	For space reasons , we will not consider ...
2	Instructions for boiling potatoes	Potato boiling instructions

۱۶-۱۲- تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام اسم ابتدا در رشته اسم‌ها قرار گیرد

متأسفانه هیچ قانون واضحی وجود ندارد که کدام اسم می‌بایست ابتدا بیاید. همچنین، قرارداد از ترتیب به ترتیب متفاوت است. برای قوانین مبتنی بر اینکه چه زمان بعد از اولین اسم از S استفاده شود، حالت مالکیت را ببینید (فصل ۲).

۱- در اکثر موارد، اولین اسم به‌عنوان صفتی عمل می‌کند که اسم دوم را توصیف می‌کند. در چنین مواردی اسم عمومی معمولاً در موقعیت دوم می‌آید.

۲- زمانی که در مورد فامیلی‌ها صحبت می‌کنیم، این امر بستگی به این دارد که آیا در مورد افراد یا حشرات، گل‌ها، و غیره صحبت می‌کنید یا خیر. برای فامیلی‌های انسان از نام خانوادگی + فامیلی استفاده کنید؛ در حشره‌شناسی، گیاه‌شناسی، و غیره از فامیلی + گونه استفاده کنید. این تنها یک مثال است که بیانگر طبیعت نسبتاً تصادفی برخی جنبه‌های زبان انگلیسی می‌باشد!

	درست	همچنین امکان‌پذیر است
1	Press the Control key .	
1	Use Track Changes to make your revisions.	
2	More has been written about the Kennedy family than perhaps any other family in the history of the United States.	These mites are included in the family Tetranychidae , Order Acarina, Class Arachnida.

۱۶-۱۳- موقعیت حرف اضافه همراه با **where**، **who**، **which** و **where**

دو موقعیت امکان پذیر برای حرف اضافه وجود دارد که همراه با **who**، **which** و **where** استفاده می شوند:

۱- مستقیماً قبل از **who**، **which** و **where** - این یک حالت رسمی است و ممکن است عجیب به نظر برسد. به استفاده از **whom** توجه نمایید (from whom, with whom).

۲- در انتهای عبارت - بسیار غیررسمی و بسیار رایج.

۳- اگر قبلاً یک حرف اضافه در عبارت وجود داشت، آنگاه حرف اضافه همراه با **who** یا **which** در انتهای عبارت قرار می گیرد.

۴- **by** نمی تواند از **which** جدا شود.

	مستقیماً قبل از WHICH / WHO	در انتهای عبارت
1,2	We want to know to which group the member belongs.	We want to know which group the member belongs to .
1,2	We want to know from where he comes.	We want to know where he comes from .
1,2	These were researchers with whom we had worked before.	These were researchers who we had worked with before.
1,2	Interviewees mark all the statements with which they agree.	Interviewees mark all the statements which / that they agree with .
1,2	The clinical symptoms of the children from whom the virus was isolated were similar to those found in adults.	The clinical symptoms of the children who the virus was isolated from were similar to those found in adults.
	In this case the position of <i>from</i> is appropriate.	Too informal for a manuscript.
3		This <i>depends on</i> which group the member belongs to .
4	The means by which the ER environment, is regulated have yet to be elucidated.	

۱۷ ترتیب کلمه: قیدها

۱۷-۱- قید تکرار + already, just, only, also

قیدهای تکرار (مانند always, sometimes, occasionally) و کلماتی مانند also, just, already, و only معمولاً در مکان‌های زیر قرار داده می‌شوند:

۱- سریعاً قبل از فعل اصلی.

۲- سریعاً قبل از فعل کمکی دوم زمانی که دو فعل کمکی وجود دارد.

۳- بعد از زمان‌های حال و گذشته to be.

۴- برای تأکید خاص، برخی قیدها (usually, normally, often, occasionally, sometimes) می‌توانند در ابتدای جمله یافت شوند.

۵- زمانی که only همراه با اسم بیاید به جای فعل، آنگاه قبل از اسم قرار می‌گیرد. این کلمه می‌تواند در انتهای جمله ظاهر شود، اما چنین چیزی نادر است.

	درست	نادرست (= امکان‌پذیر، اما رایج نیست)
1	You only / also / just need to sign the document.	You need only / also / just to sign the document.
1	We don't usually go abroad on holiday.	We usually don't go abroad on holiday.*
2	We would never have seen him otherwise.	We never would have seen him otherwise.*
2	This may not always have been the case.	This may not have been always the case.
3	They are always late in sending their manuscripts to the editor.	They are late always in sending their manuscripts to the editor.
4	Normally X is used to do Y, but occasionally X can be used to do Z.	
5	Only Emma has been to Japan. No one else has been to Japan. Emma has only been to Japan. But she has not been to China or Korea.	

۱۷-۲-احتمال

قیدهای احتمال (مانند definitely, certainly, probably) سریعاً قبل از موارد زیر می آیند:

۱- فعل اصلی.

۲- نفی (not) و ساختارهایی مانند (hasn't, won't, don't).

درست		نادرست * یا رایج نیست
1	She will certainly come.	She certainly will come.
		She will not come certainly .*
2	She will probably not come. She probably won't come.	She probably will not come.
		She will not probably come.*
		She will not come probably .*
2	She definitely hasn't read it.	She hasn't definitely read it.

۱۷-۳-روش

قیدهای روش بیانگر چگونگی انجام کاری (مانند quickly) و یا تا چه اندازه (مانند completely) می باشند. برخی قیدهای روش می توانند قبل از فعل بیایند. اما، از آنجایی که تمام قیدهای روش می توانند همیشه بعد از فعل یا اسم بیایند، بهتر است که آنها را آنجا قرار دهیم. آنگاه با این کار از اشتباهات دوری خواهید کرد.

۱- فاعل + فعل + قید روش + نقطه.

۲- فاعل + فعل + اسم + قید (+ مابقی عبارت).

	درست	نادرست
1	This program could help considerably .	This program could considerably help.
2	This program will help system administrators considerably .	This program will help considerably system administrators.
	This program will help system administrators considerably to do x, y and z.	This program will help considerably system administrators to do x, y and z.

۱۷-۴- زمان

قیده‌های زمان:

- ۱- معمولاً در انتهای عبارت قرار می‌گیرند، مخصوصاً اگر شامل بیش از یک کلمه باشند.
- ۲- زمانی که در تضاد با هم استفاده شوند، در انتها قرار می‌گیرند.
- ۳- در برخی موارد (مانند today, tomorrow, tomorrow evening) می‌توانند در ابتدای جمله برای تأکید قرار بگیرند.

	درست	نادرست
1	We will go there once or twice a week / as soon as possible .	Once or twice a week / as soon as possible we will go there.
1	We will go there immediately .	We will immediately go there. We will go immediately there.
2	We will go there tomorrow morning not tomorrow evening .	Tomorrow morning we will go there not tomorrow evening .
3	Today , we are going to talk about the position of adverbs.	We today are going to talk about the position of adverbs.

۱۷-۵- first(ly), second(ly) و غیره

زمانی که حوادث را لیست می‌کنید:

- ۱- قید (firstly, secondly, و غیره) را در ابتدای عبارت قرار دهید. firstly یا first, secondly, thirdly, fourthly, و غیره در پیش‌نویس به second, third, fourth, و غیره ترجیح داده می‌شود. first به جای secondly معمولاً قبل از then می‌آید.
- ۲- then می‌تواند در ابتدای جمله قرار گیرد، اما بسیار رایج است که قبل از فعل اصلی قرار گیرد.

	درست	نادرست
1	First / Firstly , we will do X. Then we will do Y. Finally , we will do Z.	We will firstly do X. Then we will do Y. We will finally do Z.
2	Initially, we used X. Then we decided to use Y. At the beginning we used X, we then decided to use Y.	

۱۷-۶- قیدهایی با بیش از یک معنی

تعداد کمی قید وجود دارد که براساس موقعیت خود (مانند قبل یا بعد از فعل) سبب تغییر معنی می‌شوند:

۱- **Normally**: قبل = usually، بعد = موقعیت abnormally (این استفاده زیاد رایج نیست، in the normal way رایج‌تر است).

۲- **Clearly**: قبل = obviously، بعد = without difficulty.

۳- **Fairly**: قبل = quite (به اندازه کافی)، بعد = in the right proportion.

	قبل از فعل	بعد از فعل
1	Patients normally undergo rehabilitation after such accidents.	After six months of rehabilitation 65% of the patients were able to walk normally (i.e. without assistance).
2	Clearly , the authors have not followed the instructions carefully.	The instructions were not written clearly , in fact they were almost impossible to understand.
3	The article is written fairly well, but needs improving in several areas.	Profits were not distributed fairly amongst the shareholders, which led to several complaints.

۱۷-۷- انتقال کلمه نفی (no, not, nothing) و غیره) به نزدیکی ابتدای عبارت

نفی‌ها معمولاً شامل اطلاعات کلیدی هستند به‌طوری که می‌بایست در نزدیک‌ترین جای ممکن در ابتدای جمله قرار گیرند. با انجام چنین کاری، شما به خواننده می‌رسانید که می‌خواهید چیز منفی‌ای را به‌جای چیزی مثبت بگویید. قرار دادن نفی در انتها ممکن است موجب گمراهی شود. لذا موارد زیر را در نزدیکی فعل اصلی قرار دهید:

۱- not و no.

۲- قیدهایی که شامل اطلاعات منفی هستند؛ برای مثال: only, rarely, seldom, never.

۳- به موقعیت or not زمانی که همراه با ساختار فعل + whether می‌آید توجه کنید.

	درست	نادرست (*) یا مطلوب نمی‌باشد
1	This did not seem to be the case.	This seemed not to be the case.*
1	There is almost no documentation on this particular matter.	Documentation on this particular matter is almost completely lacking .
1	We did not find anything to contradict these results. = We found nothing to contradict these results.	We found to contradict these results nothing .*
1	Finally, no noticeable postcopulatory behaviour was observed in this species.	Finally, a noticeable post-copulatory behaviour was not observed in this species.
1	The referees did not find the results interesting.	The referees found the results not interesting.*
1	Our results revealed that there is no relationship between X and Y.	Our results revealed that a relationship between X and Y does not exist.
2	This rarely happens when the user is online.	The number of times this happens when the user is online is generally very few .* The frequency of this event when the user is online is rare .*
2	We only realized this at the end of the tests.	We realized this only at the end of the tests.
3	This study investigates the influences affecting a physician's decision whether or not to prescribe medicines. = decision whether to prescribe medicines or not .	This study investigates the influences affecting a physician's decision whether to prescribe or not medicines.*

۱۸ ترتیب کلمه: صفت‌ها و قسمت‌های سوم فعل

۱۸-۱- صفت‌ها

صفت‌ها معمولاً قبل از اسمی که آن را توصیف می‌کنند می‌آیند. صفت اغلب شامل اطلاعاتی است که نسبت به اسمی که آن را توصیف می‌کند مهم‌تر است، چرا که صفت به تمایز قائل شدن بین دو نوع مختلف از اسم یکسان کمک می‌کنند مانند He has a *red* car. I have a *blue* car.

۱- صفت را قبل از اسمی که آن را توصیف می‌کند قرار دهید.

۲- اگر صفت را بعد از اسم قرار دهید، آنگاه صفت را بعد از ساختار فعل + *that / which / who* قرار دهید.

۳- استثنا برای قانون ۳ همراهی با *available* و *possible* است، که اغلب بعد از اسم یافت می‌شود.

۴- صفت‌ها معمولاً بین دو اسم یافت می‌شوند.

۵- صفت را قبل از اسمی که آن را توصیف نمی‌کند قرار ندهید.

	درست	نادرست
1	This is a good and interesting book.	This is a book good and interesting .
1	He is an intelligent student.	He is a student intelligent .
2	He is a student who is intelligent enough to pass the exam.	He is a student intelligent enough to pass the exam.
3	The software available does not solve this problem.	The available software does not solve this problem.
3	This appears to be the only solution possible / possible solution.	
4	The main features of the software.	The software main features.
4	The computational complexity of the algorithm.	The algorithm computational complexity.
5	The main contribution of the document.	The main document contribution.

۱۸-۲- صفت‌های چندگانه

۱- یک راهنمای بسیار کلی برای رشته‌ای از صفت‌ها عبارت است از: اندازه + سن + رنگ + منشاء + ماده + کاربرد.

۲- زمانی که در مورد ترتیب تصمیم‌گیری می‌کنید، ابتدا صفت اصلی را انتخاب کنید (یا اسمی که به‌عنوان صفت عمل می‌کند) که معمولاً همراه با اسم همراه مانند software solutions یافت می‌شود. آنگاه جلوتر از حداکثر ۳ صفت دیگر می‌آید؛ مانند an extremely effective (and) innovative software solution. در این مثال هر دو کلمه effective و innovative دارای عملکرد مشابه و قابل معاوضه می‌باشند. extremely مرتبط با هر دو کلمه effective و innovative می‌باشد و بنابراین می‌بایست قبل از این دو صفت بیاید.

۳- صفت‌ها بعد از قسمت‌های سوم فعل قرار می‌گیرند.

۴- موقعیت صفت می‌تواند معنای عبارت را تغییر دهد.

۵- برای کمک به وضوح، به تغییر صفت به اسم و اصلاح ترتیب کلمه توجه نمایید.

	درست	نادرست
1	His swimming costume, which was large, old and red, was made in England and from cotton. It was found in ... = His large old red English cotton swimming costume was found in ...	A red old English cotton large swimming costume.
2	The low stock size of edible Asian species has led to the need for new resources overseas.	The stock low size of Asian edible species has led to the need for new resources overseas.
2	All the ready-to-eat jellyfish products that were examined had been contaminated.	All the examined jellyfish ready-to-eat products had been contaminated.
2	The mean daily air temperature was measured.	The mean air daily temperature was measured.
3	They were colored red and white .	They were red and white colored .
4	The female's first choice was ... There is only one female involved. The first female's choice was ... This implies that there was at least a second female involved.	A variety of choices were offered both to the male and the female. Interestingly, the first female's choice was ...
5	Products sold in Chinese communities in France .	Products sold in French Chinese communities.

۱۸-۳- اطمینان از واضح بودن اینکه صفت به چه اسمی اشاره دارد

اگر صفت قبل از دو اسم بیاید، ممکن است برای خواننده واضح نباشد که صفت تنها به اسم اول اشاره دارد و یا به هر دو اسم اول و دوم. اگر این امر بتواند ابهام ایجاد نماید، آنگاه شما نیازمندید تا عبارت را دوباره مرتب کنید:

۱- اگر صفت (مانند new) تنها به اسم اول (مانند teachers) اشاره داشته باشد، هم ترتیب اسم‌ها را تغییر دهید و هم به هر اسم یک صفت متفاوت بدهید.

۲- اگر صفت به هر دو اسم اشاره داشته باشد و اگر فکر می‌کنید می‌تواند ابهام ایجاد شود، آنگاه صفت را قبل از هر دو اسم قرار دهید و یا جمله را دوباره مرتب کنید.

	درست	نادرست
1	The course is intended for students and new teachers .	The course is intended for new teachers and students .
	= The course is intended for new teachers and all students .	
2	The course is intended only for new teachers and new students .	The course is intended for new teachers and students .
	= The course is intended only for newcomers: both teachers and students .	

۱۸-۴- قسمت‌های سوم فعل

۱- در اکثر موارد، قسمت‌های سوم فعل می‌توانند همیشه بعد از اسم بروند، اما در بسیاری از موارد آن‌ها نمی‌توانند قبل از اسم بروند. بنابراین، آن‌ها را بعد از اسم قرار دهید و احتمالاً کارتان درست خواهد بود!

۲- در برخی موارد هر دو موقعیت امکان‌پذیر است، به‌طوری که وقتی قسمت سوم فعل بعد از اسم قرار گیرد، اغلب قبل از جزئیات بیش‌تر می‌باشد.

۳- در مورد used مواظب باشید. این کلمه قبل از اسم به‌معنای «دسته دوم» می‌باشد، و بعد از اسم به‌معنای «که استفاده شده است» می‌باشد.

	درست	نادرست یا رایج نیست
1	It shows details of all the results found .	It shows details of all the found results .
1	The data reported show that ...	The reported data show that ...
1	We detail the main social actors involved along with all the materials consumed .	We detail the main involved social actors along with all the consumed materials .
1	The alternatives considered and the way the problem is structured may vary in interpretation.	The considered alternatives and the way the problem is structured may vary in interpretation.
2	It shows details of all the specified actions .	
	It shows details of all the actions specified (in the manual).	
2,3	This was the application used by the testers.	This was the used application by the testers.
3	I bought a used car .	
	i.e. a second-hand car	

۱۹ صفتهای مقایسه‌ای و عالی: -er، -est، حالت‌های بی‌قاعده

۱۹-۱- حالت و کاربرد

۱- تمام صفتهای یک هجایی نیازمند -er / -est می‌باشند (استثنا: more true یا truer، more real). تمام صفتهای سه یا چند هجا نیازمند more / most می‌باشند.

۲- صفتهای دو هجایی که به حرف صدadar ختم می‌شوند (مانند easy، happy، narrow)، -er / -est می‌گیرند، در حالی که آن‌هایی که به حرف بی‌صدا ختم می‌شوند (مانند complex، massive، useful) نیازمند more / most می‌باشند. توجه: common، friendly، gentle، quiet، simple و هر دو حالت استفاده می‌شوند (most common، commonest). بخش هجی (بخش ۲۸-۱) را ببینید.

۳- حالت مقایسه‌ای (مانند bigger، better، more beautiful) برای مقایسهٔ دو چیز یا دو گروه از چیزها استفاده می‌شود.

۴- از حالت عالی (مانند the best، the most beautiful، biggest) برای توصیف چیزی به صورت مطلق استفاده کنید. توجه کنید که the قبل از تمام صفتهای عالی استفاده می‌شود، به جز مورد داده شده در قانون ۶.

۵- به این حالت‌های بی‌قاعده توجه کنید: good / better / best؛ bad / worse / worst؛ far / further / furthest (هجی جایگزین: farther / farthest).

۶- به تفاوت بین Poverty was highest in England (الف) و Poverty in London was the highest in England (ب) توجه کنید. در (الف) ما در مورد دو مکان که مرتبط با هم هستند (London و England) صحبت کردیم. در (ب) ما در مورد فقر بدون قرار دادن دو کشور به صورت مستقیم در ارتباط با هم صحبت کردیم. این تفاوت نامحسوس تنها زمانی مناسب است که صفت عالی مستقیماً بعد از اسم نیاید.

	نادرست	درست
1	This is the most big and productivest machine in the world.	This is the biggest and most productive machine in the world.
2	This is the most busy and most heavy period of the year, but yet also the peacefullest .	This is the busiest and heaviest period of the year, but yet also the most peaceful .
3	Brazil is biggest than Argentina.	Brazil is bigger than Argentina.
3	The system performed best / worst / least efficiently / most efficiently in the first test than in the second test.	The system performed better / worse / less efficiently / more efficiently in the first test than in the second test.
4	The application returns only the more relevant results.	The application returns only the most relevant results.
4	It always chooses the better solution.	It always chooses the best solution.

4	Mumbai and Sao Paulo are big cities, but Tokyo is the biggest and most populated in the world.	Mumbai and Sao Paulo are big cities, but Tokyo is the bigger and more populated in the world.
4	This candidate was certainly the best .	This candidate was certainly best .
5	They traveled further than the others.	They traveled farer than the others.
6	Production was lowest among IT companies. = The lowest values of production were achieved by IT companies.	Production was the lowest among IT companies.
6	Mortality / Obesity / Reliability / Efficiency / Concentration was highest in / among / for patients diagnosed with ... = The highest levels of mortality ...	

۱۹-۲- موقعیت

۱- صفت‌های مقایسه‌ای و عالی را قبل از اسمی که توصیف می‌کنند قرار دهید.

۲- اگر نیازمندید تا صفت مقایسه‌ای را بعد از اسم قرار دهید، آنگاه قبل از آن از that استفاده کنید.

	درست	نادرست
1	This solution has more serious drawbacks than the other solution.	This solution has drawbacks more serious than the other solution.
2	The application returns only the results that are the most relevant .	The application returns only the results most relevant .

۱۹-۳ - مقایسه (نا)برابری

۱- از then در زمان مقایسه دو یا چند مورد استفاده کنید. از استفاده غیرضروری از / in comparison to / with respect to compared to اجتناب کنید.

۲- برای بیان اینکه آن موارد مشابه هستند، از the same as استفاده کنید.

۳- زمانی که بیان می‌کنید دو چیز از نظر کیفیتی خاص یکسان هستند، از as ... as استفاده کنید.

۴- زمانی که مقایسه منفی می‌کنید، tend تمایل دارد تا تنها همراه با صفت‌های چندهجایی استفاده شود. از not as ... as همراه با تک‌هجایی یا چندهجایی استفاده کنید.

	درست	نادرست
1	China is bigger than the United States.	China is bigger of the United States. China is big with respect to the USA.
2	Australia is approximately the same size as the 48 mainland states of the USA.	Australia is approximately the same size than / of the 48 mainland states of the USA.
3	This book is as good / expensive as that book.	This book is as good / expensive than that book.
4	This solution is not as good as the other one.	This solution is less good than the other one.
4	The first is not as good as the second.	The first is not so good like the second.
4	This solution is not as efficient as the other one. = This solution is less efficient than the other one.	This solution is less efficient as the other one.

۱۹-۴ - the more ... the more

۱- فعل بعد از فاعل قرار می‌گیرد و نه قبل از آن.

۲- حرف تعریف (the) قبل از هر مقایسه‌ای لازم است.

۳- در برخی مواقع، هیچ فعلی نیاز نیست.

	درست	نادرست
1	In realistic conditions, the more robust the software is , the less problems there are.	In realistic conditions, the more is robust the software , the less problems there are.
2	The more you use the software, the easier it becomes.	More you use the software, easier it becomes.
3	The sooner the job is done, the better .	The sooner the job is done, better is .

۲۰ اندازه‌گیری‌ها: اختصارات، شاخص‌ها، استفاده از حروف تعریف

خوانده می‌شود	نوشته می‌شود	خوانده می‌شود	نوشته می‌شود
اعداد اصلی و اعداد ترتیبی			
101	a / one hundred and one	58,679	fifty eight thousand six hundred and seventy nine
213	two hundred and thirteen	2,130,362	two million, one hundred and thirty thousand, three hundred and sixty two
1,123	one thousand, one hundred and twenty three		
13th	thirteenth	31st	thirty first
تاریخ‌های تقویم			
10.03.20	the tenth of March two thousand and twenty (GB)	1996	nineteen ninety six nineteen hundred and ninety six
GB: day / month / year	or March (the) tenth two thousand and twenty (GB)	1701	seventeen oh one seventeen hundred and one
US: month / day / year	October third two thousand twenty (US)	2010s	twenty tens
کسرها، اعشاری‌ها، درصدها			
$\frac{1}{4}$	a quarter / one quarter	0.25	(zero) point two five
$\frac{1}{2}$	a half / one half	0.056	(zero) point zero five six
$\frac{3}{4}$	three quarters	37.9	thirty seven point nine
10%	ten per cent	100%	one hundred percent
مربع‌ها، مکعب‌ها، و غیره			
4 m ²	four meters squared, four square meters	2 ⁵	two to the power of five
5 m ³	five cubic meters, five meters cubed		
پول			

678	six hundred and seventy eight euros	\$450,617	four hundred fifty thousand six hundred seventeen dollars
¥1.50	one yen fifty (cents)	\$1.90	a dollar ninety
اندازه گیری ها			
1 m 70	one meter seventy	3.5 kg	three point five kilos
3 m × 6 m	three meters by six		
100°	one hundred degrees	-10°	minus ten degrees
			ten degrees below zero
شماره های تلفن			
0044 161 980 4166	zero zero four four one six one nine eight zero four one double six	ext. 219	extension two one nine
	or oh oh four four etc.		

۲۰-۱- مخفف‌ها و شاخص‌ها: قوانین کلی

- ۱- در علوم انسانی و اجتماعی این تمایل وجود دارد که از کلمات به جای مخفف‌ها و شاخص‌ها استفاده کنیم.
- ۲- شاخص‌ها معمولاً بعد از عدد می‌آیند. استثنا: ارزها (مانند €56 ¥100).
- ۳- اعداد قبل از مخفف‌ها و شاخص‌ها می‌بایست عددی باشند (مانند 7) به جای حرفی (مانند seven).
- ۴- مخفف‌های اندازه‌گیری معمولاً قبل از نقطه می‌آیند مگر اینکه در انتهای جمله قرار گیرند. آن‌ها اجباراً به صورت جمع هستند.
- ۵- اکثر مخفف‌های اندازه‌گیری تماماً با حروف کوچک هستند. استثناها: بایت‌ها (مانند KB, GB)؛ اندازه‌های میکرو (mL - mililiter, microliter)؛ و دماها (F, C).
- ۶- مخفف‌های متوالی تمایل دارند تا تکرار شوند.
- ۷- در یک محدوده، مخفف تمایل دارد تا با آخرین مورد بیاید.
- ۸- مخفف را برای اندازه‌گیری بدون عدد استفاده نکنید.

	درست	نادرست
1	It took King Harold's men ten days to cover the 400 kilometers from York to fight at the battle of Hastings in temperatures that ranged from twenty degrees below zero to three degrees above .	It took King Harold's men 10 d to cover the 400 km from York to at the battle of Hastings in temperatures ranging from - 20°C to 3°C .
2	The total cost was \$5000 . = ... was 5000 USD / US dollars	The total cost was 5000\$.
3	The patient weighed 65kg .	The patient weighed sixty five kg .
4	The patient weighed 65kg and was 120 cm tall.	The patient weighed 65 kgs and was 1.20 cm tall.
5	The patient weighed 65kg .	The patient weighed 65Kg .
5	A memory of 3 GB .	A memory of 3gb .
6	The three patients weighed 65kg, 75kg and 85kg .	
7	... from 65 to 85kg .	
8	A few micrograms (e.g. 3µg) ...	A few µg of (e.g. 3µg) ...

۲۰-۲- فاصله همراه با شاخص‌ها و مخفف‌ها

۱- به‌نظر نمی‌رسد که قانونی ثابتی در مورد اینکه آیا قبل از واحدهای اندازه‌گیری فاصله گذاشت یا خیر وجود داشته باشد. با سبک مجله خود بررسی نمایید.

۲- اگر واحد اندازه‌گیری در ابتدای خط بعدی به‌صورت تنها قرار گرفته باشد، آنگاه فاصله را حذف کنید.

۳- زمانی که حافظه رایانه را توصیف می‌کنید، معمولاً سبک این طور است که از فاصله استفاده نشود.

۴- بین عدد و rd، st، و th فاصله نگذارید.

	درست	نادرست
1	The patient weighed 65 kg / 65kg .	
2	These rocks weighed up to 165kg each.	These rocks weighed up to 165 kg each.
2	The temperature was -20°C .	This meant that the temperature was -20°C .
3	A 120GB memory.	A 120 GB memory.
4	He was born on March 10th .	He was born on March 10 th .

۲۰-۳- استفاده از حرف تعریف: a / an در برابر the

۱- از a / an برای مرتبط کردن یک واحد اندازه‌گیری با دیگری استفاده کنید.

۲- از the در اندازه‌گیری‌هایی که با by شروع می‌شوند استفاده کنید.

۳- از a / an همراه با rate، speed، و غیره استفاده کنید. زمانی که چنین کلماتی قبل از عدد می‌آیند.

۴- از the همراه با rate، speed، و غیره استفاده کنید. زمانی که چنین کلماتی قبل از اسم می‌آیند.

	A / AN	THE
1,2	Gold is sold by the ounce .	Gold may soon cost \$2000 an ounce .
3,4	The pulses travel outward at the speed of sound .	The disc gyrates at a speed of 45 rpm .

۲۰-۴- بیان اندازه‌گیری‌ها: صفت‌ها، اسم‌ها، و فعل‌ها

اندازه‌گیری‌ها با استفاده از اسم‌ها معمولاً به چندین روش بیان می‌شوند، هم با فعل to have و هم با فعل to be.

۱- زمانی که اندازه‌گیری بعد از اسم بیاید، آنگاه از of به‌عنوان حرف اضافه استفاده کنید (a width of 2 cm)؛ اگر قبل از اسم بیاید، از in استفاده کنید (2 cm in width).

۲- صفت‌ها می‌توانند به‌جای اسم‌ها استفاده شوند.

۳- صفت می‌تواند قبل یا بعد از اسم بیاید. به استفاده از خط ربط (بخش ۲۵-۶) توجه کنید.

۴- زمانی که اندازه‌گیری‌ها در قلاب‌ها می‌آیند، اغلب به‌صورت جملات کامل نوشته نمی‌شوند.

	درست	جایگزین
1	The length of the field was 200 meters. The field was 200 meters in length .	The field had a length of 200 meters.
1	These cores had an approximate diameter of 1.5 mm and a height of 25 mm .	These cores were approximately 1.5 mm in diameter and 25 mm in height .
2	The girl had a height of 120 cm.	The girl was 120 cm tall .
2	A is the same width as B.	A is as wide as B.
3	The field was 200 meters long .	It was a 200-meter-long field.
4	Samples were individually stored in fresh glass vials (diameter: 1 cm; length: 6 cm) until the testing phase.	

۲۱ اعداد: حروفی در برابر عددی، جمع‌ها، استفاده از حروف تعریف، تاریخ‌ها، و غیره

۲۱-۱- حروفی در برابر عددی: قوانین پایه

۱- اگر عدد در ابتدای جمله ظاهر شود، از ساختار حرفی (مانند eleven) به جای عددی (مانند 11) استفاده کنید.

۲- اگر نیاز باشد، جمله را طوری مرتب کنید که عدد در ابتدا قرار نگیرد.

۳- اگر اعمال قانون ۲ امکان ندارد، از ساختار حرفی استفاده کنید.

	درست	نادرست
1	Two hundred samples were examined.	200 samples were examined.
2	This feature is not used by 50% of users.	50% of users do not use this feature.
2	An amount of 1.85 mL of distilled water was added to the mixture.	1.85 mL of distilled water was added to the mixture.
3	Seventy per cent of managers believe that praising employees makes no difference to performance.	70% of managers believe that praising employees makes no difference to performance.

۲۱-۲- حروفی در برابر عددی: قوانین اضافی

۱- زمانی که از اعداد ۱ تا ۱۱ در درون متن نوشته شده استفاده می کنید، آن‌ها را به صورت حروف (مانند nine) بنویسید به جای اینکه به صورت عدد (مانند 9) بنویسید. دلیل این کار این است که دیدن رقم در متن نسبت به حرف سخت تر است، به عنوان مثال دیدن 1 سخت تر از one است. استثنا: بخش ۲۱-۳.

۲- به استفاده از حروف برای اعداد بالاتر از ۱۰ در زمانی که خواندن را آسان تر می کند توجه نمایید.

۳- حروف و ارقام را با هم مخلوط نکنید تا به عدد مشابهی اشاره کنید، مگر اینکه این عدد میلیونی یا بیش تر باشد.

۴- حروف و ارقام را در درون متن مشابه با هم مخلوط نکنید.

۵- زمان های روز به صورت عددی نوشته می شوند؛ از ساختار ۲۴ ساعته برای اجتناب از نوشتن a.m. (قبل از ظهر) یا p.m. (بعد از ظهر) استفاده کنید.

	درست	نادرست
1	For the color measurements, three fruits of each cultivar were analyzed.	For the color measurements, 3 fruits of each cultivar were analyzed.
2	Of the 270 examined faecal samples, 46 were positive for Trichuridae eggs: six (2.2%) were positive for <i>E. boehmi</i> (Fig. 1a), twelve (4.4%) <i>E. aerophilus</i> (Fig. 1b) and thirty-three (12.2%) for <i>T. vulpis</i> (Fig. 1c).	Of the 270 examined faecal samples, 46 were positive for Trichuridae eggs: 6 (2.2%) were positive for <i>E. boehmi</i> (Fig. 1a), 12 (4.4%) <i>E. aerophilus</i> (Fig. 1b) and 33 (12.2%) for <i>T. vulpis</i> (Fig. 1c).
2	In Tables 1 and 2 , twenty samples with ...	In Tables 1 and 2 , 20 samples with ...
3	There were 200,000 people at the conference. There were two hundred thousand people at the conference.	There were 200 thousand people at the conference.
3	More than half of the Earth's 7.4 billion inhabitants live in the tropics and subtropics.	More than half of the Earth's 7,400,000,000 inhabitants live in the tropics and subtropics.
4	There were two- to three-fold increases.	There were two- to 3-fold increases.
5	Rats were fed at 09.00 and 17.00 every day.	Rats were fed at 9 o'clock in the morning and at 5 p.m. every day.

۲۱-۳- زمانی که ۱-۱۰ می‌تواند به‌عنوان ارقام به‌جای حروف استفاده شود

۱- زمانی که اعداد همراه با درصد، مخفف‌های اندازه‌گیری، جدول‌ها، شکل‌ها، و غیره می‌آیند، از ارقام و نه حروف استفاده کنید.

شما می‌توانید در مواقع زیر به‌صورت اختیاری از ارقام به‌جای حروف استفاده کنید:

۲- عدد دوم در محدودهٔ اعداد بزرگ‌تر از یازده است؛ از سوی دیگر هر دو عدد را به‌صورت حروف بنویسید.

۳- مجموعه‌ای از اعداد، یا در نسبت و ابعاد وجود دارد.

۴- اعداد به‌صورت صفت عمل کنند. به استفاده از خط ربط (بخش ۲۵-۶) توجه کنید.

	درست	نادرست
1	As shown in Table 3 , the patient was only 1.20 m tall and weighed 9 kg . Her percentage body fat was 9.9% .	
2	The process usually takes between 4 and 12 days.	The process usually takes between four and twelve days.
3	In the last three years the numbers have risen by 11, 6 and 7 , respectively.	In the last three years the numbers have risen by eleven, six and seven , respectively.
3	Multiple mating by females occurred in only 5 out of 34 species.	Multiple mating by females occurred in only five out of thirty-four species.
4	a 3-point turn, a 4-day week, a size 7 component, a 6-year-old child	a six-year-old child

۴-۲۱- جمع بستن اعداد

- ۱- تمام اعداد به S- برای اشاره به جمع احتیاج ندارند و هیچ حرف اضافه‌ای بین عدد و اسم استفاده نمی‌شود.
- ۲- یک استثنا برای قانون ۱، در اصلاحاتی مانند tens, dozens, hundreds, thousands برای اشاره به اعداد بزرگ عام می‌باشد. در چنین مواردی از of قبل از عدد استفاده می‌شود.
- ۳- کسرها نیازمند به S- جمع می‌باشند.
- ۴- به دلیل خوانایی، ارقام مفرد را با استفاده از S جمع ببندید. با این حال، برای اعداد دیگر (شامل تاریخ‌ها) به سادگی یک S اضافه کنید.
- ۵- اسمی که قبل از عدد می‌آید، زمانی که به عنوان صفت عمل کند به صورت مفرد استفاده می‌شود (از لحاظ فنی آن را «اصلاح‌کننده‌های عددی» می‌گویند). به استفاده از خط ربط (بخش ۲۵-۶) توجه کنید.

	درست	نادرست
1	Four thousand experiments have been conducted so far.	Four thousands of experiments have been conducted so far.
2	Hundreds of people were at the conference.	Hundred of people were at the conference.
3	One and a half hours (= an hour and a half), three quarters of an hour, four fifths of a liter, nine tenths of a second.	One and a half hour , three quarter of an hour, four fifth of a liter, nine tenth of a second.
4	The table contains only 0's and 1's .	The table contains only 0s and 1s .
4	In the 1990s , many airlines flew Boeing 747s . In the 1990's , many airlines flew Boeing 747's .	In the 1990's , many airlines flew Boeing 747's .
5	A 51-year-old patient i.e. a patient who is 51 years old multi- megabyte memory	a 51 years old patient multi megabytes memory

۲۱-۵- مفرد یا جمع به همراه اعداد

۱- اعداد و کمیت‌ها نیازمند به فعلی می‌باشند که بعد از آن‌ها به صورت مفرد بیاید. این بدان دلیل است که آن‌ها به صورت توده به جای موارد منفرد دیده می‌شوند.

۲- استفاده از *there is / was* و *there are / were* بستگی به این دارد که اسمی که بعد از آن‌ها می‌آید به ترتیب به صورت مفرد یا جمع باشد.

۳- از *another* و *not other* قبل از عدد استفاده کنید.

۴- *none* به همراه فعل جمع می‌آید.

	درست	نادرست
1	Two weeks is not enough.	Two weeks are too few.
1	Three hundred kilometers is not too far.	Three hundred kilometers are not too far.
1	Clearly, \$1,000,000 is a lot of money.	Clearly, \$1,000,000 are a lot of money.
2	In this diagram there is a rectangle and two squares. = In this diagram there are two rectangles and a square.	In this diagram there are a rectangle and a square.
3	We need to do another three tests. = We need to do three other tests.	We need to do other three tests.
4	None of the tests give optimum results.	None of the tests gives optimum results.

۲۱-۶- مخفف‌ها، شاخص‌ها، درصد‌ها، کسر‌ها، و اعداد ترتیبی

- ۱- همیشه از حالت عددی به‌همراه مخفف‌ها و یا شاخص‌ها استفاده کنید. حالت‌های لفظی اعداد را با شاخص‌ها ترکیب نکنید.
- ۲- percentage یک کلمه نیست، هر دوی percent (یک کلمه) و per cent (دو کلمه) صحیح هستند؛ از age % استفاده کنید.
- ۳- در محدوده درصد‌ها، علامت درصد را می‌توانید هم بعد از عدد دوم و هم بعد از هر دو عدد قرار دهید.
- ۴- کسر‌ها و اعداد ترتیبی نمی‌بایست به‌صورت رقم (مانند 1/4، 2nd) در ابتدای جملات و یا بین کلمات دیگر نوشته شوند.
- ۵- اعداد اعشاری به‌صورت حروف نوشته نمی‌شوند.
- ۶- اعداد اعشاری به همراه نقطه (.) نوشته می‌شوند نه ویرگول (,).
- ۷- ویرگول تمایل دارد که در تمام اعداد بالاتر از 999 استفاده شود (اما نه در تاریخ‌ها و اسب بخار).

	درست	نادرست
1	\$2,000 / two thousand dollars	\$two thousand
1	68c / sixty-eight cents	sixty-eight c
1,2	45% / forty-five per cent	forty-five%
1,2	The percentage of students who ...	The %ge of students who ...
3	The disease is fatal in 2–3% of cases. The disease is fatal in 2%–3% of cases.	The disease is fatal in 2%–3 of cases.
4	Two thirds of those interviewed said that one fifth of their income was spent on fuel.	2/3 of those interviewed said that 1/5 of their income was spent on fuel.
4	The first and the second experiments proved the most successful.	The 1st and 2nd experiments proved the most successful.
5	The student scored 2.4 and 2.6 in the first two tests.	The student scored two point four and two point six in the first two tests.
6	The student scored 0.4 and 1.6 in the first two tests.	The student scored 0,4 and 1,6 in the first two tests.
7	The faculty has a total of 24,563 students.	The faculty has a total of 24563 students.

۲۱-۷ - محدوده مقادیر و استفاده از خطوط ربط

می‌توانید محدوده مقادیر را به سه روش مختلف بیان کنید:

There should be 11-20 participants.

There should be from 11 to 20 participants.

There should be between 11 and 20 participants.

از خط ربط (بخش ۲۵-۶) در موارد استفاده کنید:

۱- برای بیان محدوده مقادیر با اعداد. اما برای بیان محدوده مقادیر با حروف، از to استفاده کنید.

۲- همراه با کسرهایی که از دو حرف تشکیل شده‌اند (مانند three-fifths, seven-ninths).

۳- همراه با سن‌ها و دوره‌های زمانی. توجه نمایید که بر روی دوره زمانی هیچ S جمعی وجود ندارد.

	درست	نادرست
1	The courses last 15-20 weeks.	The courses last fifteen-twenty weeks.
1	The course will last three to four weeks.	The course will last three-four weeks.
2	Three-quarters of the employees in this institute come to work by car.	Three quarters of the employees in this institute come to work by car.
3	Four-week holidays can only be taken by 40-year-old employees.	Four weeks holidays can only be taken by 40 years old employees.

۸-۲۱- حرف تعریف میعن (the) و حرف تعریف صفر همراه با اعداد و اندازه‌گیری‌ها

از حرف تعریف صفر (فصل ۵) در موارد زیر استفاده کنید:

۱- همراه با درصدها و کسرها.

۲- قبل از کلمات روبرو (و کلمات مشابه) زمانی که همراه با عدد می‌آیند: figure, appendix, table, schedule, و غیره؛ step, stage, phase, و غیره؛ task, issue, question, و غیره؛ case, example, sample, و غیره.

۳- همراه با وزن‌ها، فاصله‌ها، و غیره.

۴- در اصطلاح on average.

از حرف تعریف معین (فصل ۴) در موارد زیر استفاده کنید:

۵- اندازه‌گیری‌هایی که با by شروع می‌شوند.

۶- عددی که قبلاً ذکر شده است.

	درست	نادرست
1	Almost 80% of scientific papers are published in English.	Almost the 80% of scientific papers are published in English.
1	More than half of the patients were infected with HIV.	More than the half of the patients were infected with HIV
2	See the table in Section 2 .	See the table in the Section 2 .
2	We weighed Sample 1 and Sample 2 (see Figure 3).	We weighed the Sample 1 and the Sample 2 (see the Figure 3).
2	Details can be found in Schedule 2 .	Details can be found in the Schedule 2 .
3	The sample weighed 3 kg / three kilos .	The sample weighed the 3 kg / the three kilos .
4	On average , debt rises by about \$400 a month.	On the average , debt rises by about \$400 a month.
5	Gold is sold by the ounce while coal sells by the ton .	Gold is sold by ounce while coal sells by ton .
6	Values must not go over a 90% threshold. This means that any values that go over the 90% threshold are not considered.	

فصل بیست و یکم: اعداد - حروفی در برابر عددی، جمع‌ها، استفاده از حروف تعریف، تاریخ‌ها، و غیره ۱۹۷

۹-۲۱- حرف تعریف معین (the) و حرف تعریف صفر همراه با ماه‌ها، سال‌ها، دهه‌ها، و قرن‌ها

۱- از حرف تعریف صفر (فصل ۵) قبل از ماه‌ها (مانند July, August) و سال‌ها (مانند 1992, 2013, 2024) استفاده کنید.

۲- از حرف تعریف معین (فصل ۴) برای اشاره به دهه‌ها و قرن‌ها استفاده کنید.

	درست	نادرست
1	Work began in July and is only expected to end in 2030 .	Work began in the July and is only expected to end in the 2030 .
2	Research on this topic started in the late 1990s .	Research on this topic started in late 1990s .
2	The twenty-first century / The 21st century will witness the end of many minerals.	Twenty-first century / 21st century will witness the end of many minerals.
2	From the 15th to the mid 16th century , important changes were made to the techniques used in Chinese painting.	From 15th to mid 16th century , important changes were made to the techniques used in Chinese painting.

۱۰-۲۱- twice, once در برابر one time, two times

۱- once = one time, twice = two times. once و twice معمولاً بیش‌تر یافت می‌شوند تا one time و two times - از اختلاط دو حالت در یک عبارت یکسان اجتناب کنید. thrice (three times) منسوخ است و نمی‌بایست استفاده شود.

۲- once و twice نمی‌توانند بعد از اصطلاحاتی مانند maximum of / a minimum استفاده شوند.

	درست	نادرست
1	The tests should be repeated at least two or three times .	The tests should be repeated at least twice or three times .
2	The test should repeated a minimum of two times .	The test should repeated a minimum of twice .

۲۱-۱۱- اعداد ترتیبی، مخفف‌ها، و اعداد رومی

سه حالت از نوشتن اعداد ترتیبی وجود دارد:

حالت (الف) حروفی مانند first, second, third, fourth.

حالت (ب) مخففی مانند 1st, 2nd, 3rd, 4th.

حالت (ج) اعداد رومی مانند I, II, III, IV.

۱- از حالت (الف) در درون متن اصلی پیش‌نویس استفاده کنید.

۲- از حالت (ب) همراه با قرن‌ها، نسل‌های هزاره، سلسله‌ها، و غیره استفاده کنید.

۳- حالت (ب) نیز می‌تواند استفاده شود (مانند July 4th) اما استفاده آن با حالت اصلی به همان اندازه قابل قبول است و از خطاهای امکان‌پذیر با -st, -rd, و -th جلوگیری می‌کند.

۴- برخی اسامی کنفرانسی از حالت (الف) استفاده می‌کنند، برخی از حالت (ب)، و مابقی از حالت (ج) - هیچ رابطه منطقی وجود ندارد که در مورد استفاده از هر کدام تصمیم‌گیری کرد. توجه: حالت‌ها را با هم مخلوط نکنید (مانند IIIrd).

۵- از حالت (ج) همراه با اسامی افراد استفاده کنید.

۶- اعداد عربی (1, 2, 3) غالباً بسیار بیش‌تر نسبت به اعداد رومی (I, II, III) برای شماره‌گذاری بخش در مقالات استفاده می‌شوند.

	درست	نادرست (۱-۵)، کمتر رایج (۶)
1	This is the first time that ... During the third experiment we ...	This is the 1st time that ... During the 3rd experiment we ...
2	They can be dated to a time-span ranging from the 7th century BC to the 2nd century AD.	They can be dated to a time-span ranging from the VII century BC to the II century AD.
3	The Second Conference on Jugular Architecture will be held on 3 April 2026 .	The Second Conference on Jugular Architecture will be held on 3th April 2026.
4	A summary of this paper was presented at the Fourth / 4th / IV Euroanalysis Conference, Helsinki.	A summary of this paper was presented at the IVth Euroanalysis Conference, Helsinki.
5	John Paul Getty III , King William IV and Pope John Paul II never met all together, but if they had ...	John Paul Getty 3rd , King William 4th and Pope John Paul 2nd never met all together, but if they had ...
6	This is dealt with in more detail in Sections 3 and 4 .	This is dealt with in more detail in Sections III and IV .

۲۱-۱۲ - تاریخ‌ها

۱- قرن‌ها را با اعداد عربی و نه اعداد لاتین بنویسید. توجه: جایگزین‌های غیرمذهبی برای BC (قبل از میلاد مسیح) و AD (بعد از میلاد مسیح - سال خداوند ما) و BCE (قبل از عصر مشترک) و CE (عصر مشترک)، و نیز BPE (قبل از عصر حاضر) و PE (عصر حاضر). با این حال این علامت‌های اختصاری هنوز بسیار رایج نیستند.

۲- دهه‌ها را به حالت عددی کامل (1980s) نسبت به حالت مخفف (80s) بنویسید در غیر این صورت سردرگمی بین قرن‌ها می‌تواند به‌وجود آید. همچنین از S جمع بدون آپوستروف استفاده کنید.

۳- دهه اول هر قرن را به‌صورت حروف و نه عدد بنویسید. توجه نمایید که 2000s می‌تواند به دوره زمانی از 2000-2009 یا 2000-2099 اشاره داشته باشد.

۴- جهان دارای سه سیستم اساسی برای نوشتن تاریخ می‌باشد:

حالت (الف): 10.03.2020 = 10 March 2020 (dmy)

حالت (ب): 03.10.2020 = March 10, 2020 (mdy)

حالت (ج): 2020-10-03 = 2020 March 10 (ymd)

حالت اول (روز ماه سال) گویا واضح‌ترین حالت است. برای اجتناب از سردرگمی، همیشه تاریخ را با ماه به‌صورت حرف بنویسید.

	درست	نادرست
1	They can be dated to a time-span ranging from the 7th century BCE to the 2nd century CE .	They can be dated to a time-span ranging from the VII century BCE to the II century CE .
2	This paper presents an analysis of the techno-rhythms of the music of the 1990s .	This paper presents an analysis of the music of the '90s / 1990's .
3	Little progress was made in the first decade of the 21st century , but considerable progress has been made in the second decade / in the 2010s .	Little progress was made in 2000s , but considerable progress has been made in the 2010s .
4	Smith et al. calculate that the world will end on 10 March 2030 .	They calculate that the world will end on 03.10.2030 . In the US, this would be interpreted as 10 October not 10 March.

۲۲ علامت‌های اختصاری: کاربرد، گرامر، جمع‌ها، نقطه‌گذاری

۲۲-۱- کاربرد اصلی

۱- اولین بار که علامت اختصاری را می‌بینید، کلمه را کامل بنویسید، به همراه علامت اختصاری در قلاب‌ها. بعد از آن، تنها علامت اختصاری را استفاده نمایید.

۲- هر حرف علامت اختصاری معمولاً بزرگ نوشته می‌شود.

۳- حالت نوشته‌شده کامل علامت اختصاری ممکن است/نیست نیازمند به حروف بزرگ ابتدایی باشد.

۴- استثناها برای قانون ۳ مکرر زمانی است که یکی از حروف در علامت اختصاری حرف اضافه باشد (معمولاً of).

۵- علامت‌های اختصاری که شامل یک عدد هستند می‌توانند هم در حالت بالا و هم در حالت پایین یافت شوند (به‌عنوان مثال، B2B یا business to business = b2b).

۶- آخرین کلمه خلاصه‌شده در متن را بعد از اختصار تکرار نکنید.

	درست	نادرست
1	Orders are dealt with on a first in first out (FIFO) basis.	Orders are dealt with on a FIFO (first in first out) basis.
2	We are part of a NASA project.	We are part of a Nasa project.
3	Users require a personal identification number (PIN) to access any North Atlantic Treaty Organization (NATO) files.	Users require a Personal Identification Number (PIN) to access any north atlantic treaty organization (NATO) files.
4	The future Internet is expected to support applications with quality of service (QoS) requirements.	The quality-of-service (QOS) requirements for ...
5	Many P2P / p2p applications have now been blocked.	Many peer2peer applications have now been blocked.
6	The GUI is user friendly. It does not require a PIN .	The GUI interface is user friendly. It does not require a PIN number .

۲۲-۲- علامت‌های اختصاری خارجی

در مورد استفاده از علامت‌های اختصاری که در زبان شما وجود دارد اما در زبان انگلیسی وجود ندارد مواظب باشید:

- ۱- معنای علامت اختصاری را قبل از خود علامت اختصاری قرار دهید. اگر نیاز باشد نیز ملیت را هم شامل کنید.
- ۲- اگر علامت اختصاری بعید است که برای خوانندگان شما شناخته شده باشد، آنگاه دادن توضیحی در مورد آن می‌تواند کمک‌کننده باشد. نیاز نیست که ترجمه تحت‌اللفظی کنید.
- ۳- نیاز ندارید که حروف علامت اختصاری در زبان خود را در زمانی که این علامت دارای معنا و یا معادل واضح در زبان انگلیسی است، توضیح دهید.
- ۴- مطمئن شوید که از حالت انگلیسی علامت اختصاری در زمان اشاره به ماهیت بین‌المللی استفاده می‌کنید؛ به‌عنوان مثال، EU - European Union، نه UE - Union europeenne.
- ۵- حتی اگر حروف بزرگ برای علامت اختصاری در زبان شما استفاده نشده است، می‌بایست در زبان انگلیسی استفاده شوند - وگرنه، منجر به پیدایش کلمه دارای املاي غلط می‌شوند.

	درست	نادرست
1	This paper describes a study by the French National Center for Scientific Research (CNRS) of ...	This paper describes a CNRS (National Center for Scientific Research) study of ...
2	Italian citizens are subject to various taxes, the most important being IRPEF, which is a tax on personal income .	Italian citizens are subject to various taxes, the most important being IRPEF (Imposta sul Reddito delle Persone Fisiche – tax on the income of physical persons).
3	The Brazilian ministry has control over the National Institute of Amazonian Research (INPA), and the National Institute of Technology (INT).	The Brazilian ministry has control over the National Institute of Amazonian Research (Instituto Nacional de Pesquisas da Amazonia – INPA), and the National Institute of Technology (Instituto Nacional de Tecnologia – INT).
4	The high commissioner of the UN stated that ...	The high commissioner of ONU / OOH stated that ...
5	Italian citizens are subject to various taxes, the most important being IRPEF .	Italian citizens are subject to various taxes, the most important being Irpef .

۲۲-۳- گرامر

علامت‌های اختصاری، مانند تمام اسم‌ها، قوانین عادی گرامر را رعایت می‌کنند:

۱- اگر علامت اختصاری به ماهیت قابل شمارش اشاره کند، آنگاه اگر به صورت مفرد استفاده شود به حرف تعریف نیازمند است.

۲- حالت جمع علامت اختصاری با افزودن s ساخته می‌شود.

۳- اگر کلمه آخر در حالت کامل علامت اختصاری جمع باشد، آنگاه حالت پایینی s می‌بایست در انتهای علامت اختصاری استفاده شود. این قانون به اسامی برخی اتحادیه‌ها اعمال نمی‌شوند (مانند United Nations - UN).

۴- قانون ۳ حتی اگر حرف آخر در علامت اختصاری s باشد نیز اعمال می‌شود. توجه: در برخی موارد، برخی نویسندگان حالت جمع علامت اختصاری که به s ختم می‌شوند را با استفاده از es- تشکیل می‌دهند؛ به عنوان مثال، محققان علم کامپیوتر از هر دو مورد Ass و ASes به عنوان علامت اختصاری برای Autonomous Systems استفاده می‌کنند.

۵- با اینکه علامت اختصاری ممکن است اولین بار در حالت مفرد خود استفاده شده باشد، این بدان معنا نیست که نمی‌توانند در حالت جمع نیز استفاده شود. اگر علامت اختصاری در حالت جمع استفاده شده است، آنگاه می‌بایست به s ختم شود.

۶- قبل از حالت جمع، آپوستروف قرار ندهید.

	درست	نادرست
1	We used a PC .	We used PC .
2	Four PCs in series were needed in order to make the calculation.	Four PC in series were needed in order to make the calculation.
3	This book is intended for non-native English teachers (hereafter NNETs).	This book is intended for nonnative English teachers (hereafter NNET).
4	Solar systems (SSs) have been studied for thousands of years.	Solar systems (SS) have been studied for thousands of years.
4	Reactive oxygen species (ROSSs) are important in a number of physiological and pathological processes.	Reactive oxygen species (ROS) are important in a number of physiological and pathological processes.
5	Enter your PIN (personal identification number). All users are required to have two PINs .	Enter your PIN (personal identification number). All users are required to have two PIN .
6	They released seven CDs .	They released seven CD's .

۲۲-۴- نقطه گذاری

۱- برخی علامت‌های اختصاری با حق خود به صورت کلمه شدند، و ممکن است با یا بدون نوشتن با حروف بزرگ یافت شوند.

۲- حروف علامت اختصاری توسط نقطه (.) با هم جدا نمی‌شوند. با این حال، برخی نویسندگان U.K. و U.S.A را به جای UK و USA می‌نویسند.

	درست	همچنین امکان پذیر است
1	We have developed a “what you see is what you get” (WYSIWYG) approach to map digitizing.	Following a wysiwyg philosophy, we have developed a novel approach to map digitizing.
1	The objections are part of a NIMBY , or Not in My Backyard, pattern of responses.	Policy scholars dedicated to efficient urban and industrial planning have long tried to understand the “ nimby syndrome” in order to overcome local resistance to controversial land uses.
2	The USA and the UK are allies.	The U.S.A. and the U.K. are allies.

۲۳ مخفف‌ها و کلمات لاتین: کاربرد، معنی، نقطه‌گذاری

۲۳-۱- کاربرد

مخفف حالت کوتاه کلمه است (مثال: etc. برای etcetera).

۱- مخفف‌ها را تنها برای کلماتی مانند figure, table, و appendix زمانی استفاده کنید که این کلمات همراه با عدد باشند.

۲- مخفف‌ها کم‌تر قابل خواندن هستند، لذا به استفاده از آن‌ها تنها زمانی که فضای کمی دارید توجه نمایید.

۳- از علامت درصد استفاده نکنید مگر اینکه همراه با عدد باشد.

۴- مخفف‌های آکادمیک و دیگر موقعیت‌های کاری معمولاً در پیش‌نویس‌ها یافت نمی‌شوند. استثناً: Dr زمانی که Dr به شخصی که PhD دارد اشاره کند.

۵- مخفف‌های مدارک آکادمیک در زمان لیست کردن اسامی نویسندگان پیش‌نویس خود نیاز نیست. برای جزئیات بیش‌تر در مورد مخفف‌های مورد استفاده برای مدارک آکادمیک در UK و USA این لینک‌ها را ببینید:

http://en.wikipedia.org/wiki/British_degree_abbreviations;

http://en.wikipedia.org/wiki/Academic_degree#Canada_and_United_States.

	درست	توصیه نمی‌شود
1	See the figure below.	See the fig. below.
2	See Appendix 1.	See App. 1.
2	See Figure 5 on page 10.	See fig. 5 on p. 10.
3	This value is always expressed as a percentage .	This value is always expressed as % .
4	These data were confirmed by Professor Lim, Senator Adams and General Kakowski.	These data were confirmed by Prof. Lim, Sen. Adams and Gen. Kakowski.
5	Psycholinguistics as a teaching aid J Win, A Yang, P Li	Psycholinguistics as a teaching aid J Win, PhD ; A Yang, EdD ; P Li, MA

۲۳-۲- نقطه گذاری

۱- نویسندگان بسیاری از حرف بزرگ همراه با شکل، جدول، پیوست، هم به شکل کلمات کامل و هم به شکل کلمات مخفف استفاده می کنند. این قانون تنها زمانی اعمال می شود که این کلمات به همراه عدد بیایند.

۲- عددی که بعد از مخفف می آید، یک فاصله می گیرد.

۳- مخفف کمیت ها (مانند: kilograms, meters) همراه با نقطه (.) نمی آید. این چنین مخفف ها را به صورت حرف کوچک بنویسید.

	درست	توصیه نمی شود
1	See Appendix 1 . See App. 1 .	See app 1 .
2	See Fig. 1 .	See Fig.1 .
3	The road is 3 km long.	The road is 3 km. long. The road is 3 KM long.

۲۳-۳- مخفف‌های موجود در کتاب‌شناسی‌ها

شاخص‌ها و اختصارات: () = حالت جمع؛ / = حالت جایگزین

app.	appendix
art.	article
assn.	association
attrib.	attributed to
bull.	bulletin
ch. / chap. (chs. / chaps.)	chapter
col. (cols.)	column
cont. / contd.	continued
dept.	department
dev.	developed by
dir.	directed by, director
div.	division
doc. (docs)	document
ed.	edited by, editor, edition
eds.	editors, editions
enl.	enlarged
eq. (eqs.)	equation
ex.	example
fig. (figs.)	figure
govt.	government
illus.	illustrated by, illustrator, illustration
inc.	incorporated, including
inst.	institute
intl.	international
jour.	journal
ms. (mss.)	manuscript
natl.	national
No. (Nos.)	number
p., (pp.)	page
pl.	plate, plural
proc.	proceedings
reg.	registered, regular
resp.	respectively
rev.	revised by, revision; review, reviewed by
rpt.	reprinted by, reprint
sched.	schedule
sec. / sect.	section
ser.	series
sess.	session
soc.	society
supp.	supplement

tab.	table
trans.	translated by, translator, translation
vers.	version
vol. (vols.)	volume

۲۳-۴- اصطلاحات و مخفف‌های رایج لاتین

هیچ قانون استنادی در مورد کاربرد کلمات لاتین و مخفف‌ها وجود ندارد. در زیر تنها برخی رهنمودهای کلی آورده شده است:

- مگر در مواردی که اغلب در نظام شما استفاده شده است، از عبارات لاتین کمتر رایج مانند *ceteris paribus*، *sine*، *mutatis mutandis*، *non qua* اجتناب کنید.
- برخی کارشناسان پیشنهاد می‌کنند که می‌بایست از کلمات لاتین و مخفف‌های مشخصی اجتناب شود، چرا که اکثر افراد در مورد معنای درست آن‌ها بی‌اطلاع هستند. قطعاً سردرگمی بین *e.g.* و *i.e.* وجود دارد (بخش ۱۳-۱۰).
- برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا نیازمند به کج نوشتن کلمه لاتین دارید یا خیر، با دستورالعمل مجله خود برای نویسندگان بررسی نمایید و یا مقالات چاپ‌شده توسط آن مجله را نگاه کنید. من پیشنهاد می‌کنم با این کلمات از حالت کج استفاده نکنید: *e.g.*، *et al.*، *et.*، *etc.*، *per i.e.*، *versus*، *vs.*، و *vice versa*.

اصطلاح لاتین	معادل آن در زبان انگلیسی
<i>a fortiori</i>	with a stronger reason; if one fact exists then a second fact is even more true
<i>a posteriori</i>	from what comes after, a conclusion based on induction
<i>a priori</i>	evident by logic alone on the basis of what is already known
<i>ab initio</i>	from the beginning
<i>ad hoc</i>	created for this particular purpose only
<i>ad libitum</i>	without any advanced preparation, at the discretion of the researcher
<i>anno domini (AD)</i>	in the year of our lord (indicates the Christian era)
<i>ceteris paribus</i>	other things being equal
<i>c. / ca. / circa</i>	around, approximately
<i>confer (cf.)</i>	compare
<i>de facto</i>	in fact, in reality
<i>erratum / errata</i>	mistake / mistakes
<i>et alii (et al.)</i>	and others, and co-workers
<i>et cetera</i>	etcetera, and so on
<i>et sequens (et seq.)</i>	and the following
<i>ex ante</i>	before the fact, beforehand
<i>ex post (facto)</i>	after the fact, afterwards
<i>exempli gratia (e.g.)</i>	for example, for instance, such as
<i>ibidem</i>	in the same place
<i>id est (i.e.)</i>	that is, that is to say
<i>idem (id.)</i>	the same
<i>in silico ('modern' Latin)</i>	via computer simulation
<i>in situ</i>	in its original place
<i>in vitro</i>	taking place outside a living organism

in vivo	within a living organism
inter alia	among other things
ipso facto	by the fact itself
modus operandi	characteristic method of working
mutatis mutandis	the necessary things having been changed i.e. this proof applies in more general cases
nota bene (NB)	NB, note that
per annum (p.a.)	for each year
per capita	per head
per diem (p.d.)	by the day
per impossibile	a proposition that cannot be true
per se	intrinsically, in itself
post mortem	autopsy
prima facie	on its face, i.e. a conclusion drawn only from the appearance of things
pro rata	proportionally
pro tempore	for the time being
quod et demonstrandum (QED)	that which was to be demonstrated
(reductio) ad absurdum	reduction to absurdity (disproof of a proposition by showing that it leads to an absurd conclusion)
sensu lato	in its broadest sense
sine non qua	essential condition
verbatim	without any changes to the original wording
versus	versus, vs., against
via	through, by means of
vice versa	vice versa, the other way round
videlicet (viz.)	viz, namely

۲۴ بزرگ‌نویسی حروف: سر تیترها، تاریخ‌ها، شکل‌ها، و غیره

۲۴-۱- عنوان‌ها و سر تیترهای بخش

برای هر دوی عنوان‌ها و سر تیترهای بخش، انتخاب شما وابسته به سبک مجله شما می‌باشد.

۱- از حروف بزرگ برای تمام کلمات درون عنوان اصلی سند استفاده کنید به جز برای کلمات زیر، مگر اینکه اولین کلمه باشند:

- the و a
- it
- and
- تمام حروف اضافه (by, from, of, و غیره)

۲- در روش دیگر، تنها از حالت بزرگ برای اولین حرف از اولین کلمه استفاده کنید و مابقی را با حالت کوچک بنویسید. سر تیترهای بخش تمایل دارند تا از این حالت استفاده کنند.

۳- از نقطه (.) در انتهای عنوان استفاده نکنید.

	درست	نادرست
1	A Guide to the Use of English in Scientific Documents	A Guide To The Use Of English In Scientific Documents
2,3	A guide to the use of English in scientific documents	A guide to the use of English in scientific documents

۲۴-۲- روزها، ماهها، کشورها، ملیتها، زبانهای طبیعی

۱- روزها، ماهها، کشورها، ملیتها، و زبانها تماماً دارای حرف اول بزرگ هستند.

۲- در مورد استفاده از north(ern), south(ern), east(ern), و west(ern) مواظب باشید. این کلمات تنها زمانی که مناطق رسمی باشند که روی نقشه یا اطلس نشان داده شده‌اند، نیازمند به حرف اول بزرگ هستند. برای مثال، North Korea و South Korea دو کشور جدا می‌باشند.

۳- زمانی که می‌خواهید به حوزه جغرافیایی کشوری اشاره کنید، آنگاه می‌توانید از دو حالت استفاده کنید، به‌عنوان مثال، southern France, the south of France. توجه نمایید که در هر دو مورد هیچ بزرگی حرف ابتدایی وجود ندارد.

۴- این موارد معمولاً دارای حرف اول بزرگ می‌باشند: the West, the Middle East, the Far East. می‌توانید به هر دو شکل the northern hemisphere و یا the Northern Hemisphere (به همین ترتیب با southern) بنویسید.

	درست	نادرست
1	The new versions in English and Arabic will be released on Monday , 10 March throughout Egypt and Saudi Arabia .	The new versions in english and arabic will be released on monday , 10 march throughout egypt and saudi arabia .
2	This species is found in North Korea , East Timor , and some parts of South America .	This species is found in South Japan , East India and some parts of south America .
2	This species tends to be found in the north and west of the island.	This species tends to be found in the North and West of the island.
2	The languages spoken in northern Turkey are quite disparate.	The languages spoken in Northern Turkey are quite disparate.
3	I love it when conferences are located in the south of France .	I love it when conferences are located in the South of France .
4	Ugter [67] reveals the total lack of morality in the West and compares it to the Far East where ...	Ugter [67] reveals the total lack of morality in the west and compares it to the far east where ...

۲۴-۳- عناوین، درجات، موضوعات (برای درس)، دپارتمان‌ها، مؤسسه‌ها، دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها

۱- عناوین موقعیت کاری معمولاً دارای حرف اول بزرگ می‌باشند، مخصوصاً در سندهای رسمی (مانند CVs، بیوگرافی برای کنفرانس‌ها) و زمانی که موقعیت تنها توسط یک شخص حفظ شده است (در چنین مواردی an / a نیاز نیست). اگر موقعیت توسط بیش از یک شخص حفظ شده باشد (an / a نیاز است)، آنگاه حروف اول بزرگ نیاز است لذا ممکن است هنوز یافت شوند.

۲- عناوین درجات که همراه با موضوع درس می‌باشند، دارای حرف اول بزرگ می‌باشند.

۳- زمانی که عناوین (ریاضیات، مردم‌شناسی، تاریخ) در مورد عناوین درسی صحبت می‌کنند دارای حرف اول بزرگ می‌باشند. با این حال، زمانی که جزئی از نام دپارتمان، مؤسسه، و یا دانشکده می‌باشند، نیازمند به حرف اول بزرگ می‌باشند.

۴- عبارات $department$ ، $institute$ ، $faculty$ و $university$ (و کلمات مشابه) تنها زمانی نیازمند به حرف اول بزرگ می‌باشند که به یک دپارتمان خاص، دانشگاه خاص، و غیره اشاره کنند. قوانین حرف اول بزرگ برای هر کلمه منفرد در نام دپارتمان از قوانین داده شده در بخش ۲۴-۱-۱ پیروی می‌کنند.

	حروف اول بزرگ	حروف اول کوچک
1,3	She is now A ssociate P rofessor at Nanjing University of Traditional Chinese Medicine.	He is an a ssociate p rofessor at Nanjing University of Traditional Chinese Medicine.
2	Short resume: Professor Wang has a B achelor of Arts in medicine, and a M aster's in alternative medicine.	I think she's got a b achelor's and a m aster's.
3	From 1891 to 1931 he was Professor of M athematics and D escriptive G eometry at the Technical University of Munich.	He studied m athematics and i nformation engineering before doing his Ph.D.
4	The D epartment of S ociology offers the following courses:	Our d epartment offers the following courses:
4	The F aculty of E conomics at the University of Bangkok has a long history of ...	Courses typically offered by e conomics f aculties and e ngineering f aculties include:

۲۴-۴- شکل، جدول، بخش، و غیره: گام، فاز، مرحله، و غیره

۱- زمانی که به بخش‌ها، شکل‌ها، جدول‌ها، ضمیمه‌ها، برنامه‌ها، جمله‌واره‌ها، گام‌ها، عبارت‌ها، مرحله‌ها، و غیره اشاره می‌کنید، حرف اول را بزرگ بنویسید.

۲- حرف اول بخش، شکل، جدول، ضمیمه، برنامه، جمله‌واره، مرحله، و غیره را زمانی که با هیچ عددی همراه نیستند بزرگ ننویسید. تمام مجلات قوانین بیان‌شده در سیاست‌های ۱ و ۲ بالا را قبول ندارند.

	درست	توصیه نمی‌شود
1	See Section 2 for further details.	See the section 2 for further details.
2	See Step 1 above.	See step 1 above.
2	See the appendix for further details.	See the Appendix for further details.

۲۴-۵- کلمات کلیدی

در برخی سندها، مانند مشخصات و قراردادها، ممکن است نیازمند باشید تا بین واحدهای تحقیقاتی، اعضاء، پروژه‌ها، محصولات، و غیره تمییز قائل شوید. در چنین مواردی، حرف اول بزرگ برای برجسته ساختن این کلمات کلیدی برای خواننده مفید می‌باشد.

واضح	کمتر واضح
There are two types of user. Hereafter they will be referred to as User A and User B .	There are two types of user. Hereafter they will be referred to as user a and user b .
This will be the task of Research Unit 1 .	This will be the task of research unit 1 .
The two parties shall be referred to as the Vendor and the Supplier .	The two parties shall be referred to as the vendor and the supplier .
In the first phase, two prototypes will be developed: a prototype for automatically connecting to banks (hereafter, Prototype 1), and a prototype for risk management (Prototype 2).	In the first phase, two prototypes will be developed: a prototype for automatically connecting to banks (hereafter, prototype 1), and a prototype for risk management (prototype 2).

۲۴-۶- مخفف‌ها

تمام حروف مخفف‌ها (فصل ۲۲) دارای حرف بزرگ می‌باشند.

۲۴-۷- the internet ,euro

euro و internet با (مانند Euro, the Internet) و بدون حرف اول بزرگ یافت می‌شوند.

۲۵ نقطه‌گذاری: آپوستروف‌ها، دونقطه‌ها، ویرگول‌ها، و غیره

۲۵-۱- آپوستروف (‘)

۱- استفاده عمده از آپوستروف برای تشکیل حالت مالکیت (فصل ۲) است. تنها استفاده دیگر زمانی است که بخواهید برای خواننده واضح نمایید که کلمه چطور ساخته شده است.

۲- از آپوستروف برای ساختن مخفف‌ها و جمع تاریخ‌ها استفاده نکنید.

۳- ساختارهای منقبض معمولاً در پیش‌نویس‌های پژوهش استفاده نمی‌شوند.

	درست	توصیه نمی‌شود
1	In my email I cc'd the co-authors who all have PhD's . cc'd = carbon copied	In my email I ccd the co-authors who all have PhDs .
1	A common mistake with the word 'aardvark' is to forget that it begins with two A's .	A common mistake with the word 'aardvark' is to forget that it begins with two As .
2	We bought six PCs .	We bought six PC's .
2	Our institute was founded in the 1980s .	Our institute was founded in the 1980's .
3	Let us now turn to Theorem 2, where we will learn that it is essential to ...	Let's now turn to Theorem 2, where we'll learn that it's essential to ...
3	The experiment cannot / could not be repeated.	The experiment can't / couldn't be repeated.

۲۵-۲- دو نقطه‌ها (:) :

- ۱- بیشترین استفاده رایج از دو نقطه در مقاله پژوهشی برای بیان لیست می‌باشد.
- ۲- از دو نقطه برای تقسیم کردن دو بخش از عنوان مقاله یا کنفرانس استفاده کنید. کلمه همراه با دو نقطه می‌تواند هم بزرگ نوشته شود و هم کوچک. در چنین مواردی، خط تیره (بخش ۲۵-۵) می‌تواند به جای دو نقطه استفاده شود.
- ۳- از به کار بردن دو نقطه برای افزودن اندیشه‌ها و توضیحات بیش تر زمانی که این کار مانع از تشکیل جمله غیرضروری بلند می‌شود، اجتناب کنید.
- ۴- دو نقطه ممکن است برای برجسته کردن تضاد مفید باشد، مجدداً انجام این کار جمله بلندی را تشکیل نمی‌دهد.

	درست	همچنین امکان پذیر است
1	The following countries were involved in the treaty: Turkey, Armenia ...	
2	Communicative language teacher: The state of the art Space debris: the need for new regulations	Ethical management in banking – does the presence of females make the difference?
3	This problem was first identified in the 1990s: in the Sudan it was not noticed until 2013.	This problem was first identified in the 1990s. In the Sudan it was not noticed until 2013 and in fact this led to serious problems with ...
4	X can be used as an identifier: Y cannot.	X can be used as an identifier. Y cannot.

۲۵-۳- ویرگول (,): کاربرد

ویرگول می‌بایست در وضعیت‌های زیر استفاده شود:

۱- برای جدا کردن دو جمله‌واره وابسته. این کار اغلب موردی با جمله‌واره‌هایی است که توسط if, when, as soon as, after, و غیره بیان می‌شود.

۲- برای اجتناب از سردرگمی ابتدایی روی بخشی از خواننده. برای مثال، در مثال قسمت «نادرست» در ابتدا به نظر می‌رسد که آب نمونه‌ها را تبخیر کرده است.

۳- بعد از جملاتی که با قید شروع می‌شوند تا توجه خواننده را جلب کنند (به‌عنوان مثال interestingly, clearly) و یا کلمه ربطی که بیان می‌کند اطلاعات بیش‌تری را اضافه کرده‌اید و یا در مورد نتیجه صحبت می‌کنید (به‌عنوان مثال consequently, in addition).

۴- در جمله‌واره‌های نسبی غیرتعریف‌کننده (بخش ۷-۲-۲).

۵- اگر لیستی با بیش از دو مورد دارید، از ویرگول قبل از and استفاده کنید (بخش ۱۳-۴). ویرگول برجسته می‌کند که عنصر یکی مانده به آخر و عنصر آخر دو مورد مجزا هستند.

	نادرست	درست
1	When the specimen is dry remove it from the recipient.	When the specimen is dry , remove it from the recipient.
2	If the water boils , the specimen will be ruined.	If the water boils, the specimen will be ruined.
3	Surprisingly , the results were not in agreement with any of the hypotheses. Moreover , in many cases they were the exact opposite of what had been expected.	Surprisingly the results were not in agreement with any of the hypotheses. Moreover in many cases they were the exact opposite of what had been expected.
4	The Thames , which runs through London , is England's longest river.	The Thames which runs through London is England's longest river.
5	There are three advantages of this: costs are lower, deadlines and other constraints are more easily met , and customers are generally happier.	There are three advantages of this: costs are lower, deadlines are more easily met and customers are generally happier.

۲۵-۴- ویرگول (,) : عدم کاربرد

اگر جمله شامل موارد زیر باشد، می‌بایست از به کار بردن ویرگول اجتناب کرد یا استفاده از آن را محدود نمود:

- ۱- بیست کلمه یا بیش‌تر. به بازمرتب‌سازی جمله و یا نوشتن دو جمله مجزا توجه نمایید.
- ۲- مجموعه‌ای از عبارات بسیار کوتاه که تماماً توسط ویرگول از هم جدا شده‌اند. به بازمرتب‌سازی جمله به عبارات بلندتر با ویرگول‌های کم‌تر توجه نمایید.
- ۳- لیست بلندی از موارد، که خود شامل زیرگروه‌ها است. بهتر است که از نقطه‌ویرگول (بخش ۲۵-۱۱-۱۲) برای جدا کردن زیرگروه‌های مختلف استفاده کنید.
- ۴- مجموعه‌ای از اسم‌ها و اولین و دومین اسم با هم مرتبط نباشند. به جای آن، جمله جدید را بعد از اولین اسم شروع کنید، در غیر این صورت خواننده فکر خواهد کرد که تمام اسامی بخشی از مجموعه مشابه هستند.
- ۵- در جمله‌واره نسبی تعریفی (بخش ۷-۲-۱).

	درست	نادرست
1	If the iodine solution does not turn to this color when added to a food , this indicates that starch is not present in the food.	If, when the iodine solution is added to food , it does not turn this color , this indicates that starch is not present in the food.
1	This application was developed specifically for this purpose. It can be used on most platforms, for example XTC and B4ME. It can also be used with ...	This application, which was developed specifically for this purpose, can be used on most platforms for example XTC and B4ME, it can also be used with ...
2	If Y is installed before X , this may cause damage.	Damage may be caused if X is installed after, rather than before, the installation of Y. If Y is installed before, rather than after, installing Y, then this may cause damage.
3	We used various sets of characters: A, B and C; D , E and F; and X, Y and Z.	We used various sets of characters: A, B and C, D, E and F and X, Y and Z.
4	Each row in the page represents an individual record . The information and the features provided enable the user to control, monitor and edit the records created.	Each row in the page represents an individual record , the information and the features provided enable the user to control, monitor and edit the records created.
5	The student that gets the top marks is awarded the prize.	The student, that gets the top marks is awarded the prize.

۲۵-۵- خط تیره ()

از خط تیره برای موارد زیر استفاده کنید:

۱- برای اجتناب از استفاده اضافی از ویرگول‌ها و یا قلاب‌ها/پرانتزها در توضیحات. خط تیره قوی‌تر از دو ویرگول است، اما ضعیف‌تر از پرانتز است. با این حال، معمولاً بهتر است که جمله را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم کرد.

۲- برای چاره‌اندیشی موقت در مورد نظر نهایی.

	درست	جایگزین بهتر
1	Taking this process into account, we would expect undesirable products – that is, unneeded doses (large pairs of isomers) – to form in the donor atoms.	Taking this process into account, we would expect undesirable products to form in the donor atoms. These products consist of unneeded doses, i.e. large pairs of isomers.
2	X does not, in fact, correspond to Y – and this is what we had suspected.	X does not correspond to Y. In fact, this is what we had suspected. X does not correspond to Y, thus confirming our suspicions.

۲۵-۶- خط ربط (-): بخش ۱

از خط ربط در زمان‌های زیر استفاده کنید:

۱- دو اسم را برای تشکیل صفت جهت توصیف اسم دیگر به هم متصل کنید. توجه: از S جمع روی اسم استفاده نکنید که به‌عنوان صفت عمل می‌کند.

۲- از کلمه‌ای استفاده کنید که به‌عنوان پیشوند برای کلمه همراه خود عمل کند.

۳- دارای مجموعه‌ای از پیشوندها برای اشاره به اسمی مشابه باشید.

۴- پیشوند کلمه‌ای همراه با non - که قانون نیست و تمام نویسندگان از آن تبعیت نمی‌کنند.

۵- پیشوند اسم بزرگ نوشته‌شده.

۶- برای اشاره به مخلوط‌ها و آنالیزهایی که دو عنصر را با هم ترکیب می‌کنند.

	درست	نادرست
1	A 30-year-old patient with one six-fingered hand.	A 30 years old patient with one six-fingers hand.
2	To avoid time-consuming decisions, we used row-based flashing.	To avoid time consuming decisions, we used row based flashing.
3	Control of the interaction is user not application-driven .	Control of the interaction is user not application driven.
4	These are non-essential items. These are non essential items. These are nonessential items.	
5	They made an assessment of soil depletion in sub-Saharan Africa.	They made an assessment of soil depletion in sub Saharan Africa.
6	We used chemical-physical analyses to determine the relative values in the hydrogen-oxygen mixture.	We used chemical physical analyses to determine the relative values in the hydrogen oxygen mixture.

۲۵-۷- خط ربط (-): بخش ۲

از خط ربط در زمان‌های زیر استفاده کنید:

۱- برای متصل کردن یک اسم به حرف اضافه (back-up, clean-up)، اما نه برای متصل کردن فعل به حرف اضافه (to clean up, to back up).

۲- نیاز به روشن‌سازی هر گونه ابهامی.

۳- توجه: اسم‌ها، صفت‌ها، و حروف اضافه تنها زمانی نیازمند به متصل شدن به هم توسط خط ربط هستند که در ترکیب با هم به‌عنوان صفت‌هایی که اسم همراه خود را توصیف می‌کنند عمل نمایند. اگر اسم همراهی وجود ندارد، آنگاه هیچ خط ربطی نیاز نمی‌باشد (اگرچه این قاعده اغلب نادیده گرفته می‌شود).

	درست	نادرست
1	When the machine is started up , make sure ... This feature is only available at start-up .	When the machine is started-up , make sure ...
2	This is a little used-car . A second-hand car that is small in size. This is a little-used car. A car that has been rarely driven.	This is a little used car .
3	We present three state-of-the-art solutions to this well-known problem.	We present three state of the art solutions to this well known problem.
3	Automatic translation: the state of the art	Automatic translation: the state-of the art

۲۵-۸- پرانتز ()

زمانی که خوانندگان عبارتی را در پرانتز می‌بینند، ممکن است فرض کنند که اطلاعات موجود در آن چندان مهم نیست. اگر استفاده از عبارت مجزا می‌تواند خواننده را منحرف کند، از پرانتز استفاده نکنید. از پرانتز در موارد زیر استفاده کنید:

۱- همراه با کلمات اختصاری و مخفف‌ها. حالت کامل را خارج از پرانتز قرار دهید، و مخفف را داخل.

۲- برای دادن مثال در حالت لیست‌های کوتاه، زمانی که این لیست در وسط عبارت ظاهر می‌شود.

۳- اگر پرانتز در انتهای جمله ظاهر شود، نقطه (.) می‌بایست بعد از پرانتز بیاید.

برای جزئیات بیش‌تر در مورد انواع و کاربرد قلاب‌ها این لینک را ببینید:

<http://en.wikipedia.org/wiki/Bracket>

	درست	نادرست
1	This is based on a first in first out (FIFO) policy.	This is based on a FIFO (first in first out) policy.
2	This is only true of three countries (i.e. Libya, Syria and Jordon) and for the purposes our study can be ignored.	This is only true of three countries i.e. Libya, Syria and Jordon and for the purposes our study can be ignored.
3	If there is no following noun, then no hyphens are required (though this rule is frequently ignored).	If there is no following noun, then no hyphens are required (though this rule is frequently ignored .)

۲۵-۹- نقطه (.)

۱- نقطه‌ها معمولاً در انتهای عناوین و یا سرتیترها استفاده نمی‌شوند.

۲- نقطه‌ها در زیرنویس‌ها بعد از کلمات Table, Figure, و غیره، و در زیرنویس‌های مرتبط با هم استفاده می‌شوند.

۳- اگر کلمه‌ای مانند etc. در انتهای جمله ظاهر شد، تنها نیاز به یک نقطه دارد.

۴- مجموعه‌ای از سه (یا بیش‌تر) نقطه می‌تواند برای بیان اینکه موارد بعدتر تنها نوعی مثال هستند و ممکن است موارد دیگری نیز وجود داشته باشد، استفاده شود. استفاده از e.g. و etc. و همچنین سه نقطه نیاز نمی‌باشد.

	درست	نادرست
1	A model for assessing the level of complexity in a manuscript	A model for assessing the level of complexity in a manuscript.
1	Materials and Methods	Materials and Methods.
2	Figure 1 . Transgene structure . Schematic representation of the fragment microinjected into the nuclei .	Figure 1 Transgene structure Schematic representation of the fragment microinjected into the nuclei
3	Various grammatical points are covered: tenses, adjectives, agreement etc.	Various grammatical points are covered: tenses, adjectives, agreement etc..
4	Various languages can be used (C++ , Java , ...) on most types of hardware (IBM , Apple , ...)	Various languages can be used (e.g. C++ , Java , ...) on most types of hardware (IBM , Apple , ... etc).
	= Various languages can be used (e.g. C++ and Java), and most types of hardware (e.g. IBM and Apple).	

۲۵-۱۰- علامت نقل قول (‘ ‘)

بررسی نمایید که مجله شما از علامت نقل قول منفرد (‘...’) و یا دوتایی (‘...’) استفاده می کند. قوانین برای نقل قول مستقیم کار دیگر نویسندگان از نظام به نظام و از مجله به مجله متفاوت است.

در زیر تنها برخی مثال ها آورده شده اند.

۱- اگر نقل قول کوتاه است، آن را در متن اصلی بگنجانید.

۲- اگر نقل قول بلند است، پاراگراف جدیدی را شروع کنید و آن پاراگراف را تورفتگی بدهید.

۳- استفاده دیگر از علامت های نقل قول برای محصور کردن کلمات و عبارتی است که به روشی خاص استفاده کرده اید. از نقل قول های منفرد در چنین مواردی استفاده کنید.

	درست	جایگزین
1	Wallwork states “A maximum of 20 words should be used per sentence” (Wallwork 2014). This implies that ...	According to Wallwork (2014) “A maximum of 20 words should be used per sentence.” This implies that ...
1	To determine “the best way to respond to referees without aggravating them” (Wallwork 2015) we devised a study based on a database of 476 replies to referees reports.	In order to determine what Wallwork (2015) posits as “the best way to respond to referees without aggravating them”, we devised a study based on a database of 476 replies to referees reports.
2	In her seminal work, Southern begins by saying: blah blah blah blah blah blah blah blah blah blah blah blah blah blah blah ...	
3	We call this phenomenon ‘venting’, which is a variation of the so-called ‘wind synergism’.	

۲۵-۱۱- نقطه‌ویرگول (؛)

- ۱- از نقطه‌ویرگول در لیست‌هایی که شامل مجموعه‌ای از عبارات هستند استفاده کنید.
- ۲- از نقطه‌ویرگول برای روشن ساختن اینکه کدام عناصرها در مجموعه لیست‌ها متعلق به هم هستند استفاده کنید.
- ۳- از نقطه‌ویرگول برای ساختن وقفه بلندتر در ادغام خوانندگان جمله استفاده کنید. این کار می‌بایست تنها به ندرت استفاده شود، چرا که این کار احتمالاً منجر به ساختن جملات بلند می‌شود.
- ۴- دو جمله‌واره غیروابسته را با نقطه‌ویرگول به هم متصل نکنید. به جای آن، دو جمله مجزای ساده را بسازید.

	درست	اجتناب
1	Substances are transported in living organisms as: (1) solutions of soluble nutrients ; (2) solids in the form of food particles ; (3) gases such as ...	Substances are transported in living organisms as: (1) solutions of soluble nutrients , (2) solids in the form of food particles , (3) gases such as ...
1	Figure 1. Three types of classroom arrangements: <i>a</i> , traditional ; <i>b</i> , circle ; <i>c</i> , U-shaped.	Figure 1. Three types of classroom arrangements: <i>a</i> , traditional , <i>b</i> , circle , <i>c</i> , U-shaped.
2	Several countries are participating in the project, in the following groups: Spain, Cuba and Argentina ; France , Morocco and Senegal; and the Netherlands and Indonesia.	Several countries are participating in the project, in the following groups: Spain, Cuba and Argentina , France , Morocco and Senegal, and the Netherlands and Indonesia.
3	Sensory inputs merely modulate that experiment ; they do not directly cause it. Used here to create contrast between 'modulate' and 'cause'.	
3	The pitfalls described in this article have been known for many years ; our work attempts to solve them. Connects previous knowledge of Xs with author's own explanation of them.	
4	Users can search the entire database . There is also a special alert mechanism to inform administrators ...	Users can search the entire database ; a special alert mechanism is also provided that informs that administrator ...

۲۵-۱۲- بولت: دایره، شماره، تیک

بولت‌ها به ندرت در مقالات پژوهشی یافت می‌شوند. این امر مایه تأسف است چرا که این کار خواندن را آسان‌تر می‌کند.

۱- از بولت‌های دایره‌ای زمانی استفاده کنید که مجموعه‌ای از موارد اهمیت ندارند.

۲- از بولت‌های شماره‌ای زمانی استفاده کنید که مجموعه‌ای از موارد اهمیت دارند و برای توصیف روش‌ها استفاده می‌شوند.

۳- بولت‌های تیکی برخی اوقات در گزارش‌ها و ارائه‌ها برای لیست کردن اینکه کدام اعمال قبلاً در نظر گرفته شده‌اند، برای مثال پروژه، استفاده می‌شود.

	درست	نادرست
1	To install the system you need: <ul style="list-style-type: none"> • Version 5.6 of Technophobe • Version 1.2 of Monsternac • Version 9.7 of SysManiac 	To install the system you need: <ol style="list-style-type: none"> 1. Version 5.6 of Technophobe 2. Version 1.2 of Monsternac 3. Version 9.7 of SysManiac
2	The project is organized into three phases: <ol style="list-style-type: none"> 1. Specifications 2. Design and development 3. Release 	The project is organized into three phases: <ul style="list-style-type: none"> • Specifications • Design and development • Release
3	We have made the following changes: <ul style="list-style-type: none"> ✓ two new tables added ✓ figures renumbered ✓ Appendix 2 removed 	Conclusions We believe our approach has three major advantages: <ul style="list-style-type: none"> ✓ low cost ✓ easily adaptable ✓ quick set up times

۲۵-۱۳- بولت: ثبات و اجتناب از حشو

در لیستی مشابه و یا مجموعه‌ای از بولت‌ها:

۱- همیشه با حالت گرامری مشابه شروع می‌شود. از عبارت مقدمه‌ای که می‌تواند همیشه همراه با نوع گرامری مشابه بیاید استفاده کنید (ترجیحاً مصدر یا اسم مصدر).

۲- از سبک مشابهی از نقطه‌گذاری و بزرگ‌نویسی استفاده کنید (هیچ استاندارد برای این مورد وجود ندارد).

۳- از تکرار کلمات غیرضروری اجتناب کنید.

	درست	نادرست
1	<p>This would involve the following:</p> <ul style="list-style-type: none"> • acquiring information on ... • understanding the importance of ... • highlighting any deficiencies in ... <p>All the bullets are -ing forms.</p>	<p>This would involve the following:</p> <ul style="list-style-type: none"> • the acquisition of information on ... • understanding the importance of ... • an ability to highlight any deficiencies in ...
1	<p>These data are used to:</p> <ul style="list-style-type: none"> • acquire information on ... • understand the importance of ... • highlight any deficiencies in ... <p>All the bullets are in the infinitive form.</p>	<p>These data are used:</p> <ul style="list-style-type: none"> • for the acquisition of information on ... • to understand the importance of ... • for highlighting any deficiencies in ...
2	<p>There are three ways to learn English:</p> <ul style="list-style-type: none"> ➤ find a good teacher ➤ buy DVDs and learn at home ➤ marry a native English speaking person <p>The first word of each bullet is in lower case.</p>	<p>There are three ways to learn English:</p> <ul style="list-style-type: none"> ➤ find a good teacher, ➤ Buy DVDs and learn at home; ➤ Marry a native English speaking person
3	<p>... the decomposition into individual modules:</p> <ul style="list-style-type: none"> • Settings Input • Platform Input • Engine 	<p>... the decomposition into individual modules:</p> <ul style="list-style-type: none"> • Settings Input module • Platform Input module • Engine module

۲۶ ارجاع به اسناد

۲۶-۱- رایج ترین سبک‌ها

چهار روش عمده برای ارجاع به نویسندگان دیگر وجود دارد.

۱- عبارت را با نام نویسنده شروع کنید. این کار آسان ترین و خواناترین سبک برای استفاده در مورد نویسندگان است. همچنین این سبک برای مقایسه نویسندگان مفید است.

۲- با منبع شروع کنید و سپس سریعاً نام نویسنده را بدهید. این کار مشابه سبک اول می باشد، و مخصوصاً زمانی مفید است که به بیش از یک کار توسط نویسنده مشابه ارجاع می دهید.

۳- با نویسنده و یا منبع تمام کنید. برخی اوقات این کار می تواند ساختاری سنگین باشد چرا که شامل استفاده از مجهول می باشد. با این حال، این کار زمانی که چندین مقاله ارجاع داده می شوند مفید است.

۴- نویسنده ذکر نمی شود، تنها شماره منبع ذکر می شود. این ذاتاً مبهم است، بخش ۲۶-۲ را ببینید.

برای دانستن اینکه چگونه فهرست منابع را بنویسید، راهنما یا دستورالعمل سبک مجله خود برای نویسندگان را ببینید.

مثال‌ها
Wallwork [2012] stated $x = y$.
Huang [2013] agrees with this statement, but Xanadu [2014] does not.
In [6] Wallwork stated that $x = y$. Then in [9] he added that $x + 1 = y + 1$.
A proposal for a conference on this topic was put forward by Tang [2014].
This is not the first time that such a proposal has been put forward [Himmmler, 2012; Goldberg, 2013].
This is not the first time such a proposal has been put forward [6, 27, 33].
This proposal was first put forward in [6].
In [6] a proposal for a conference on this topic was put forward.

۲۶-۲- خطرات رایج

۱- تنها استفاده از منبع بدون ذکر نام نویسنده قطعاً خلاصه‌ترین حالت است. اما این کار یک عیب عمده دارد. این کار خواننده را مجبور می‌کند تا خواندن متن را قطع نماید و به فهرست منابع برود تا ببیند به کدام نویسنده ارجاع داده شده است. همچنین خواننده ممکن است نیازمند باشد تا مطمئن شود که آیا نویسنده به کار خودش ارجاع داده است یا خیر. همچنین این کار می‌تواند زمانی که عبارت the author/s استفاده می‌شود، مبهم باشد - آیا این ارجاعی به نویسنده(گان) مقاله حاضر است و یا به دیگر نویسندگان در اسناد؟

۲- اگر به مقاله قبلی‌ای که نوشتید ارجاع می‌دهید، مطمئن شوید که واضح است این مقاله توسط شما نوشته شده است و نه توسط نویسنده دیگر. تنها ذکر نام خود کافی نیست چرا که خواننده ممکن است فراموش کند که مقاله‌ای که خوانده است توسط شما نوشته شده است.

۳- در پیش‌نویس مشابه، حالت سال را با حالت شماره فهرست منابع مخلوط نکنید. انتخاب شما بستگی به مجله خواهد داشت.

توجه: بهترین راه‌حل ممکن است به کار بردن بیش از یک حالت برای ساختن تنوع باشد. اگر هر جمله با نام نویسنده و یا منبع شروع و یا خاتمه یابد، مرور اسناد می‌تواند بسیار خسته‌کننده باشد. همچنین، ممکن است که نیاز داشته باشید تا تمرکز را از نویسنده به یافته‌ها تغییر دهید و برعکس.

	درست	مبهم یا نادرست
1	In [6] Wallwork put forward a proposal for the scientific community to allow personal forms. = another author In [6] we put forward a proposal for the scientific community to allow personal forms. = the author of the current paper	In [6] the author put forward a proposal for the scientific community to allow personal forms.
2	In a previous paper [Gomez, 2], we found that $x = y$.	In [Gomez, 2], it was found that $x = y$.
3	In [6] Wallwork stated that all journals should allow the use of personal forms. Two years later he added that the ISO should set some standards regarding the style of bibliographies [9].	In [6] Wallwork stated that all journals should allow the use of personal forms. Two years later he added that the ISO should set some standards for scientific writing [Wallwork, 2014].

۲۶-۳- نقطه گذاری: ویرگول و نقطه ویرگول

در زیر برخی مثال‌ها در مورد اینکه چگونه منابع را در متن اصلی نقطه گذاری کنیم آورده شده است. این موارد می‌بایست به عنوان کاربردهای معمول به جای قوانین مدنظر قرار گیرند.

مثال‌ها	کاربرد پیشنهادی
Wallwork, 2015	one author: name + comma + year
Wallwork and Southern, 2016	two authors: name1 'and' name2 + year
Wallwork, Brogdon and Southern, 2016	three authors: name1 + comma + name2 'and' name3 + year (Note: writing the names of three authors is quite unusual)
Wallwork et al., 2016	three or more authors: name1 + et al.
Wallwork et al., 2016; Sanchez, 2017; Poplova, Huang and Sun, 2018	two or more references: ref1 + semicolon + ref2 + semicolon etc.
Wallwork, 2012, 2014, 2016	several works by same author: name + comma + year1 + comma + year2 etc.

۲۶-۴- نقطه گذاری: پرانتز

برخی مجلات از (پرانتزهای گرد) و مابقی از [پرانتزهای مربعی] استفاده می‌کنند.

مثال‌ها	کاربرد پیشنهادی
Wallwork [2012] suggests that ...	when the author is the subject of the verb: name + year in parentheses. Alternatively: name + reference number in parentheses
Wallwork [6] suggests that ...	
It has been suggested that one plus two is equal to four (Moron, 2011).	when the author is not the subject of the verb: both name and year in parentheses

et al -۵-۲۶

۱- اکثر مجلات زمانی که سه یا بیش تر نویسندگان وجود دارد از et al استفاده می کنند. کلمه جایگزین برای et al, co-workers و یا coworkers است.

۲- et al در اکثر مجلات به صورت کج قرار داده می شود. et al به همراه نقطه در برخی مجلات می آید.

	درست	همچنین امکان پذیر
1	Wallwork et al [2016] put forward a proposal for the scientific community to allow personal forms.	Wallwork and co-workers [2016] put forward ...
2	Wallwork et al [2016] suggested that ...	Wallwork <i>et al</i> [2016] suggested that ...
		Wallwork <i>et al.</i> [2016] suggested that ...

۲۷ شکل‌ها و جدول‌ها: ارجاع دادن، نوشتن زیرنویس و شرح

۲۷-۱- شکل‌ها، جدول‌ها

۱- از F و T بزرگ برای Figure و Table زمانی که همراه با عدد می‌آیند استفاده کنید. از حرف کوچک زمانی که همراه عدد نمی‌آیند استفاده کنید.

۲- مخفف Figure و Figures به ترتیب Fig. و Figs. است. از مخفف نوشتن Table خودداری کنید.

۳- زمانی که شکل و یا جدولی را بیان می‌کنید و یا به آن‌ها ارجاع می‌دهید، مختصر بنویسید.

۴- تا جایی که امکان دارد از حالت معلوم به جای حالت مجهول استفاده کنید.

۵- از as استفاده کنید نه as it (بخش ۱۳-۵).

	درست	توصیه نمی‌شود (۱-۴)، نادرست (۵)
1	See Figure 1 and Table 2.	See figure 1 and table 2.
2	See Fig. 1a and Figs. 2a and 2b.	See Fig. 2a and “b.”
3	Figure 2 below shows the initial settings.	The following figure (Figure 2) gives a schematic overview of the initial settings.
3	Figure 3 shows the architecture.	The snapshot depicted in Figure 3 shows a view of the architecture.
3	For details, see [Kyun, 2013].	For further details on this topic, the reader is kindly invited to refer to [Kyun, 2013].
4	Figure 2 below shows the initial settings.	The initial settings are shown in Figure 2 below. In Figure 2 the initial settings are shown .
5	As can be seen in the figure below ...	As it can be seen in the figure below ...

۲۷-۲- شرح

هیچ قانون استandarی برای نوشتن شرح در مورد شکل‌ها و جدول‌ها وجود ندارد. من پیشنهاد می‌کنم که زیرنویس خود را از نظر گرامری تصحیح نمایید، برای مثال از حروف تعریف و حروف اضافه در جایی که نیاز است استفاده کنید. در زیر یک حالت امکان‌پذیر وجود دارد:

Figure 1. The main characteristics of the shock absorbers.

که این است که بگوییم:

- حرف اول بزرگ برای figure, table, appendix, و غیره. از مخفف استفاده کنید.
- بعد از عدد نقطه کامل بگذارید.
- حرف اول بزرگ برای کلمه اول در توصیف.
- خط را با نقطه کامل تمام کنید.

۲۷-۳- ارجاع به بخش‌های دیگر پیش‌نویس

۱- زمانی که به چیزی در سندی مشابه ارجاع می‌دهید، از اصطلاحاتی مانند above, below, later, on the previous page. in the next section اجتناب کنید. خواننده را به سرتیتر و یا شماره صفحه‌ای خاص ارجاع دهید.

۲- زمانی که می‌خواهیم به چیزی که در بند قبلی نوشتید ارجاع دهید، از این ساختار استفاده کنید: اسم + mentioned above یا above-mentioned + اسم (به استفاده از خط ربط دقت کنید، بخش ۲۵-۶).

۳- hereafter زمانی که عبارت بلندی دارید که می‌خواهید آن را کوتاه کنید، کلمه مفیدی است؛ و این مخفف آنگاه در مابقی سند استفاده خواهد شد.

۴- the following همراه با اسم می‌آید.

	درست	توصیه نمی‌شود (۱)، نادرست (۲-۵)
1	As mentioned in Section 2 , this procedure is ...	As mentioned above , this procedure is ...
1	This procedure is extremely complex and is described in Section 4 .	This procedure is extremely complex and is described later .
2	The function mentioned above is ... The above-mentioned function is ...	The function above mentioned is ...
3	This feature is known as an 'automatic rendering and masking agent' hereafter ARM agent.	This feature is known as an 'automatic rendering and masking agent' in the following ARM agent.
4	The following versions can be used: The versions that can be used are as follows :	The versions that can be used are the following :

۲۸ املاي کلمات: قوانين، US در برابر GB، غلط‌هاي املايي رايج

۲۸-۱- قوانين

قانون	ریشه کلمه	حال / جمع	قسمت سوم فعل / مقایسه‌ای	حالت یندار	-able / -ly
1 S: 1 V + 2 C	work	works	worked	working	workable
	quick		quicker		quickly
1 S: 2 V + 1 C	heat	heats	heated	heating	heatable
	great		greater		greatly
1 S: 1 V + 1 C	stop	stops	stopped	stopping	unstoppable
	glad		gladder		gladly
2 S: stress on S1	cover	covers	covered	covering	coverable
2 S: stress on S2	prefer	prefers	preferred	preferring	preferable
-ch C + e	reach	reaches	reached	reaching	reachable
	note	notes	noted	noting	notable
	enlarge	enlarges	enlarged	enlarging	enlargeable
			larger		largely
-c + e	replace	replaces	replaced	replacing	replaceable
-e + e	agree	agrees	agreed	agreeing	agreeable
-i + e	tie	ties	tied	tying	utieable
-is	thesis	theses			
-l + e	sample	samples	sampled	sampling	sampleable
	simple		simpler		simply
-u + e	argue	argues	argued	arguing	arguable
-ic	panic	panics	panicked	panicking	tragically
-lic	public				publicly
-l	travel	travels	travelled (GB)	travelling (GB)	
			traveled (US)	traveling (US)	
	hill		hillier		hilly
-no	piano	pianos			
-o	forego	foregoes		foregoing	foregoable
	potato	potatoes			

-sh	push	pushes	pushed	pushing	pushable
			<i>pushier</i>		
-ss	pass	passes	passed	passing	passable
V. + w	narrow		<i>narrower</i>		narrowly
-x	fix	fixes	fixed	fixing	fixable
C + y (1 S)	shy	shies	shied	shying	shyly
			shier		
C + y (2 S)	happy		happier		happily
	marry	marries	married	marrying	marriable
V + y	enjoy	enjoys	enjoyed	enjoying	enjoyable
-zz	jazz	jazzes	jazzed	jazzing	jazzable
			jazzier		

شرح: S = هجا (2 S = دو هجایی)، C = حرف بی‌صدا، V = حرف صدادار

نکات:

۱- در جدول بالا، برخی کلمات وجود دارند که معمولاً استفاده نمی‌شوند (مانند *jazzable*, *gladder*)، اما به‌سادگی برای برجسته کردن قانون املای کلمات طراحی شده‌اند.

۲- مجله خود را بررسی کنید که آیا املای آمریکایی و یا انگلیسی نیاز است یا خیر. مطمئن شوید که املای شما همواره انگلیسی و یا آمریکایی. برای جزئیات بیش‌تر این لینک را ببینید:

http://en.wikipedia.org/wiki/Spelling_differences#Simplification_of_ae_and_oe

۳- برخی کلمات می‌توانند به دو روش نوشته شوند: *aging* / *ageing*, *spelt* / *spelled*, *dearnt* / *dearnt*, *focussed* / *focussed*, *focused*, *focusing* / *focussing*.

۴- برخی کلمات دارای املای متفاوتی هستند نسبت به اینکه آیا اسم هستند و یا فعل. در اینجا چند مثال رایج بیان می‌شود: *unbalance* (v), *imbalance* (n), *practise* (v, GB; v + n US), *practice* (n, GB English).

۵- اکثر افراد اغلب نسبت به استفاده از *-ize* و *-ise* تفاوتی قائل نمی‌شوند.

۲۸-۲- برخی از تفاوت‌ها بین املاى انگلیسى (GB) و آمریکایی (US)، از نظر حروف چاپی

GB	US	GB	US
-ae-, -oe-	-e-	anaemia, archaeology, anaesthesia	anemia, archeology, anesthesia
-amme	-am	programme	program
arte-	arti-	artefact (but: artificial, artist etc)	artifact
-ce	-se	defence, offence	defense, offense
-ce	-se	practice, licence (n), practise, licence (v)	practise (n, v), license (n, v)
-edge-	-edg-	acknowledgements	acknowledgements
-elled	-eled	modelled, travelled	modeled, traveled
-ey	-ay	grey	gray
-ise, -yse	-ize, -yze	analyse, materialise, realise	analyze, matertialize, realize
-ium	-um	aluminium	aluminum
-l	-ll	marvellous	marvelous
-ller	-ler	modeller, traveller	modeler, traveler
-oe	-e	oedema	edema
-ogue	-ge	analogue, catalogue, dialogue	analog, catalog, dialog
-our	-or	behaviour, colour, flavour	behavior, color, flavor
-ph-	-f-	sulphur	sulfur
-que	-k	cheque (money)	check
-re	-er	centre, fibre, metre	center, fiber, meter
-wards	-ward	backwards, forwards, towards	backward, forward, toward

۲۸-۳- برخی از تفاوت‌ها بین املاي انگلیسی (GB) و آمریکایی (US)، از نظر الفبایی

GB	US
acknowledgements	acknowledgements
aluminium	aluminum
anaemia	anemia
anaesthesia	anesthesia
analogue	analog
analyse	analyze
archaeology	archeology
artefact	artifact
backwards	backward
behaviour	behavior
catalogue	catalog
centre	center
cheque	check
colour	color
defence	defense
dialogue	dialog
empower	impower / empower
ensure	insure / ensure
fibre	fiber
flavour	flavor
forwards	forward
grey	gray
labelled	labeled
licence (n)	license (n , v)
license (v)	license (n, v)
marvellous	marvelous
materialise	materialize
metre	meter
modelled	modeled
modeller	modeler
oedema	edema
offence	offense
practice (n)	practise (n, v)
programme	program
realise	realize
sulphur	sulfur
towards	toward
travelled	traveled
traveller	traveler

۲۸-۴ - غلط‌های املائی که نرم‌افزارهای بررسی‌کنندهٔ املاء آن‌ها را یافت نمی‌کنند

برخی غلط‌های املائی برجسته نخواهند شد چرا که کلماتی هستند که واقعاً وجود ندارد. زمانی که سند خود را تمام می‌کنید، 'find' را انجام دهید و بررسی کنید که غلط‌های لیست‌شده در پایین را دارد یا خیر. توجه نمایید که این‌ها تنها چند مثال هستند، و غلط‌های امکان‌پذیر بسیار بیش‌تری از این دست وجود دارد.

کلمه	مثال	کلمه	مثال
addition (n)	The addition of gold led to higher values.	addiction (n)	Their addiction to cannabis had let to behavioral problems.
analyzes / ses (v)	The software analyzes the data.	analyses (n pl., sing. <i>analysis</i>)	We carried out two analyses.
assess (v)	We assess the pros and cons.	asses (n pl)	Horses and asses (<i>equus asinus</i>).
context (n)	The meaning of a word may depend on the context.	contest (n)	This is basically a contest between males and females.
chose (inf. <i>choose</i>)	In the past we always chose this method because ...	choice (n)	The rationale behind our choice was ...
drawn (inf. <i>draw</i>)	Conclusions are drawn in Sect. 5	drown (inf)	The fish drown in the nets.
fell (inf. <i>fall</i>)	The tree fell on the house.	felt (inf. <i>feel</i>)	The patients said they all felt anxious.
filed (inf. <i>file</i>)	It is filed under 'docs'.	field (n)	The field of ICT is ever growing.
form (v)	We would like to form a new group.	from (prep)	Professor Yang comes from China.
found (inf. <i>find</i>)	We found very high values in ...	founded (inf. <i>found</i>)	IBM was founded in 1911.
lose (inf.)	Companies may lose a lot of money.	loose (adj)	There is only a loose connection between the two.
rely (v)	We rely on CEOs to make good decisions.	relay (v, n)	This relays the information to the train's onboard computer
than (conj, adv)	This is better than that.	then (adv)	After Stage 1, we then added the liquid.
thanks (n pl)	Thanks are due to the following people:	tanks (n)	The fish were stored in water tanks.
though (adv, conj)	The overheads are high, though the performance is excellent.	tough (adj)	This is a tough question to answer.

through (prep)	This was achieved through a comparative study of ...	trough (n)	Pigs eat from a trough.
two	Two replications were made.	tow (v)	The car is equipped to tow a caravan.
three (n)	Tests were repeated three times.	tree	Tests were conducted on an apple tree.
use (v, n)	We use a method developed by ...	sue (v)	Patients frequently sue their physicians for malpractice.
weighed (inf. <i>weigh</i>)	The samples were dried and then weighed.	weighted (adj)	The weighted values were obtained by dividing the integral of the ...
which (pronoun)	This worked well, which was surprising considering that ...	witch (n)	Life often ended early for a witch in medieval times – burnt on the stake.
with (conj)	We worked with them in 2013.	whit (n)	Whit is a religious festival.

پیوست‌ها

پیوست ۱: فعل‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها + حروف اضافه

این پیوست موارد زیر را شامل می‌شود:

- افعال بی‌قاعده (تنها رایج‌ترین موارد استفاده شده در محیط‌های آکادمیک)
- فعل + مصدر، یا فعل + -ing
- فعل + حرف اضافه
- اسم + حرف اضافه
- صفت + حرف اضافه

شرح:

[] = حالت گذشته و قسمت سوم فعل، اگر تنها کلمه وجود داشته باشد به این معناست که حالت گذشته و قسمت سوم فعل مشابه هستند.

inf + = این فعل مصدر می‌گیرد

ing + = این فعل حالت ing دار می‌گیرد

inf/ing + = این فعل هر دو حالت را می‌گیرد، احتمالاً با معنای متفاوت

n = اسم

v = فعل

/ = هر دو حالت امکان‌پذیر هستند، اما احتمالاً با تغییر در معنا

, = کلمه‌ای که همراه با ویرگول است بر کلمه اصلی مقدم است (مانند in addition to = in addition to)

abide [abode] by
ability + inf
able + inf
above -
absence of, in the
accept + inf
accompanied by
accordance with, in
according to
account for

accustomed to
achieved by
acquaint with
act as
act upon
action of X on Y
adapt X to Y
add up to
add X to Y
addition of X to Y

addition to, in
adequate for
adhere to
adherence to
adjacent to
adjust X to Y
advance, in
advantage in
advantage of X over Y
adverse to

advise X to do Y	article on/about	belong to
affiliate to	ask for X	below -
agree + inf	ask X to do Y	benefit from
agree with	assign X to Y	benefit of, a
aid X to do Y	assimilate X into Y	bind [bound] X to Y
aim + inf	assist in	birth to, give [gave, given]
aim to	assist X to do Y	bite [bit, bitten]
aimed at	assist X with Y	blame X for Y
allocate X to Y	associate X with Y	bleed [bled]
allow for	assume that	blow [blew, blown]
allow X to do Y	assumed + inf	book on/about
allowance for	assumption, on/under the	book, in a
ally with	attach X to Y	borrow from
alteration in	attempt (n) to + inf, at + ing	bottom, at the
alternative to	attempt (v) + inf	bound to
amenable to	attention on	bounded by
amount to	attention, give [gave, given] to	break [broke, broken]
analogous to	attract X to Y	breed [bred]
answer (n) to	attracted to/by	bring [brought]
answer (v) -	attribute X to Y	broadcast [-cast/-casted]
answer X	average, on	build [built] on
apart from	avoid + ing	burn [burnt/burned]
appeal to	aware of	burst [burst]
appear + inf	axis, on an	calculate for
append X to Y	balance X with/against Y	call attention to
apply X to Y	based on	candidate for
appointment with	basis, on the	capable of
approach to	be [was, been]	capacity for
approach, in this	bear [bore, born] in mind	caption to the figures
appropriate for	bear [bore, born] out (by)	careful + inf
approve of	become [became, become]	carry out
arise [arose, arisen] from	begin [began, begun] + inf/ing	cash, in
arranged in/into	begin [began, begun] with	catch [caught]
arrive (at)	believe in	cater for
cause X to do Y	comparable to/with	conservative over
cease + inf/ing	compare X to/with Y	consider -
challenged with	comparison of X and Y	consign X to Y
chance, by	compatible with	consist in + ing
chances of	compel X to do Y	consist of
change in	compensate for	consistent with
change X into Y	compliance with, in	constraint on
change X with/for Y	comply with	consult (with)
characterized by	composed of	contact in
charged to	comprised of/in	contact with, in

charged with	conceive of	contained in
check whether	concentrate on	contaminated with
choice, by	concern	contingent to
choose [chose, chosen]	concerned with/about	continue + inf/ing
between/from	concerned, as far as X is	contradistinction to
claim + inf	concession to	contrary to
close to	conclusion, in	contrary, on the
closed to	concur with	contrast to, in
clue to	condition, under/in a	contrast, by
clustered in	confer with	contribute to
coefficient on	confer X on Y	contrive + inf
coerce X to Y	confidence in	control, in
coincide with	confine X to Y	control, out of
collaborate with	conflict with	converge to / in
collide with	conform to	convert X into Y
colored [with]	confront (X and Y)	convert X to Y
combination of X and Y	confusion with/between	convertible into
combine X with Y	congratulate X on Y	convey X to Y
come [came, come]	connect to/with	convince X to do Y
command X to do Y	connection with, in	cooperate for a purpose
comment on	conscious of	cooperate in work
commit X to Y	consent + inf	cooperate with X
common to	consequence of, (as a)	coordinate X with Y
common with, in	consequent from	cope with
correct X to Y	derive X from/by Y	distinguish X from Y
correlate X with Y	designated by	divide (up) X into Y
correspond to	designed by	divide by
correspond with	detach X from Y	do [did, done]
cost [cost] -	detail, enter into	dominate over
count on	detail, in	doubt whether
counteract by	deter X from Y	downstream of
coupled with	detriment of, to the	draw [drew, drawn] attention to
credit for	detriment to, without	draw [drew, drawn] on
cut [cut]	develop X into Y	drawback of/to
deal [dealt] with	deviate from	dream [dreamt/dreamed] about
debate about	deviation in	drink [drank, drunk]
decide + inf	devoid of	drive [drove, driven] by
decide for/against	devote to	dry in
decide on	diagnose X as being Y	due to
decompose X into Y	die of	duty to
decrease in	differ from	ease, with
deduce X from Y	difference from/between	effect of X on Y
defend X from Y	difference in	effect, bring [brought] into
deficiency of X in Y		

defined as	different from	elevate X to Y
defined by	differentiate between	embark on
definition, by	difficulty in	emitted by
degenerate into	difficulty, with	emphasis on
delay + ing	direct X to do Y	empty of
delay in	disagree with	enable X to do Y
deliver X to Y	disassociate from	encourage X to do Y
demand that X do Y	discourage X from doing Y	end, to this
denote X by/with Y	discuss X with Y	endowed with
depend on	discussion, under	enquire into
dependence on	dispense with	enroll in
depending on	displacement of	ensue from
deposit on/onto	dissolved in	entail + ing
deprive X of Y	distinct from	enter [into]
entrust X with Y	distinguish between X and Y	entitled to
envisage + ing	extent, to an	free + inf
equal to	external to	free X of/from Y
equate to	extreme, at	freeze [froze, frozen]
equate X with Y	faced with	front of, in
equilibrium, in	fact, in	full of
equip X for Y	fail + inf	function of, as a
equipped with	fail in + noun + ing	fundamental to
equivalent to	fall [fell, fallen]	generate X from/by Y
essential to	fall in, a	get [got, got/gotten]
event of, in the	fault in/with	give [gave, given] rise to
evidence from	feasibility of	give [gave, given] XY
evidence of/for	feature of	go [went, gone]
examination, under	feed [fed] X into Y	gradation, in
except for	feel [felt]	graduated in
exception of, with the	fight [fought]	grant X to Y
excess of X in Y	fill in/out	grind [ground]
excess of, in	fill with	grounds of, on the
exchange X for/with Y	find [found] (to)	group X into Y
exclude X from Y	fit in	grow [grew, grown]
exert X on Y	fit with	guarantee + inf
exertion, by	fit X into Y	guarantee against
expect X to do Y	fluctuation in	guarantee X that Y
experience in	fly [flew, flown]	guarantee X Y
experiment with	focus (X) on Y	guided by
expert on, an	follow on from	hang [hung]
explain X to Y	forbid [-bade, -bidden] X to do Y	have [had]
explanation, in	force X to do Y	hear [heard]
expose X to Y	forecast [-cast / -casted]	help X to do Y
exposure to	foresee [-saw, -seen]	help X with Y
expressed by	forget [-got, -gotten]	hide [hid, hidden] X from Y

expressed in	form of, in the	hit [hit]
extend X to Y	formed by	hold [held] (true) for
extension of	formed on	hurt [hurt]
identical to	insert X into Y	hypothesis, under a
immerse X into Y	insertion into	lay [laid] stress on
immersed in	insight into	lead [led] X to do Y
immunity to	insist on	lean [leant/leaned] on
impact on	inspired by	learn [learnt/learned] + inf
impart X to Y	instant, at an	least, at
impermeable to	instead of	leave [left]
implicated in	integral with	left, on the
imply + ing	intend + inf	legend to the figures
importance to	intended for	lend [lent] force to
impose X on Y	interact with	lend [lent] XY
improve on	interest in	let [let] X do Y
improvement in/on	interested in	level, on a
incident upon	interests of, in the	liaise with
include X in Y	interfere with	license X to do Y
inclusive of	internal to	light [lit]
incompatible with	interval, at	light of, in the
incongruous with	introduce in/into	likelihood of
incorporate X into Y	introduce X to Y	likened to
increase in, an	invest (X) in Y	limit X to Y
increased by	investigate (into)	limit, within a
indebted to	investigation, under	linear to
independent of	invite X to do Y	linked to
induce X to do Y	involve + ing	load X into/onto Y
infected with	involved in	look forward to
inferior to	irrespective of	lose [lost]
influence (v) X	isomorphic to	loss of
influence of X on Y	joined to	made up of
inherent in	journal, in a	magazine, in a
initiate X into Y	keep [kept]	make [made] X do Y
inject X into Y	key to	manage + inf
input into	know [knew, known]	map onto
input (inputted)	of/about	map X on/onto Y
inscribe with	lack of	map, on a
maximum, at a	last for	match (v) -
mean [meant] + inf	occur in	persuade X to do Y
mean [meant] by	offer to do X for Y	pertaining to
means of, by	offer XY	phone, on the
measured in	open to	place of, in
mediate between	operation, in	plan + inf
meet [met] (with)	opportunity + inf, for	play a part in
middle, in the	opposed to, (as)	point of view, from
	opposite -	

minimum, at a	opposite -	point out
mislead [-led]	order of, in the	point to (at)
mistake [-took, -taken] X for Y	organize X into Y	point, at a
mistake, by	originate from/by	poor in
mix X with Y	orthogonal to	possession of, in
modification to	output (outputted)	possibility of
modify X into Y	overview of	power of, to the
more than	owing to	practice, in
most, at	painted [with]	precedence over, have
motion, in	par with, on (a)	precedence to, give
move X to Y	parallel to/with	predicted by
multiply by	parallel, in	predominate over
nature, by	part of	prefer X to Y
near -	participate in	prefer x to y
necessity of	partition X into Y	preliminary to
necessity, by	pattern, in a	preoccupied with
need + inf/ing	pay [paid] attention to	prepare X for Y
need for	pay [paid] X for Y	prepared + inf
neglectful of	peculiar to	prescribe X for Y
neighbor of	penetrate into	presence of, in the
next to	permeable to	preside over
normal to	permission to	press, at the
obey X	permit X to do Y	pressure, at a
object to	perpendicular to	pressure, under
oblige X to do Y	persist in	pretext for
occasion, on an	persistence in	prevail over
principle, in	ratio of X to Y	prevent X from
prior to	react to/with	reply to
probability of	read [read]	report on/about
problem with	reason (n) why	representative of
proceed + inf	reason for	request (n) for
proceed by + ing	recall + ing	request X to do Y
proceed with	recede from	require that X do Y
product of	recommend that X do Y	required for
profit from	reduce X to	research on/about/into
progress, in	reduced to	resemble -
project X onto//upon Y	refer X to Y	resist + ing
prompt X to do Y	reference to, with	resistance to
proportion to, in	refine X into Y	resistant to
proportional to	regarded as	respect (n) for
propose + ing/inf	regardless of	respect to, with
propose X to Y	regards, as	respect, in
protect X from/against Y	reinforce with	respond to
protective of/towards/against	relate to	response to, in
protest against	related to	responsible for

prove [proved, proved/proven] X on Y	relating to	responsive to
provide against	relation to, in	restrict X to Y
provide for	relation with/between	result from
provide X with Y	relationship between/among	result (v) in
provoke X to do Y	relative to	result of, as a
purpose, on	release X from Y	review of/on
put [put] in/into	relief from	review, in a
question, in	relief, in	rich in
raise X by	relieve X from/of Y	ride [rode, ridden]
raise X to	rely on	right, on the
random, at	remember + inf/ing	ring [rang, rung]
range, in the	remind X to do Y	rise [rose, risen]
rate, at a	remove X from Y	rise in
rather than	reorganize X into Y	risk + ing
role in, play a	replace X by/with Y	risk of
room for	similar to	risk to
rule, as a	sit [sat, sat]	subject X to Y
sake of, for the	skilled in	subjected to
same as	slide [slid, slidden]	submit X to Y
same time, at the	smell [smelt/smelled]	subsequent to
satisfied with	soluble in	substitute by/with/for
say [said] to	solution to/of/for	subtract x from y
scale, on a	solve X with Y	succeed in
scope, beyond the	speak [spoke, spoken]	successful in
seal off/up	to/with/about	succession, in
search for	specialist in	suffer from
see [saw, seen]	spell [spelt/spelled]	suggest doing X
seeing as	spend [spent] (time + ing)	suggest that X do Y
select X from/by Y	spill [spilt/spilled]	suitability of X for Y
send [sent] XY	spin [span, spun]	suitable for
sense, in a	split [split] into	suited to
sensitive to	spoil [spoilt/spoiled]	summary, in
separate X from Y	sponsored by	superimposable to
series, in	spread [spread]	superior to
serve as	spring [sprang, sprung]	supply X to Y
serve to	stand [stood] for	support for
set [set, set]	steal [stole, stolen]	survey of/on
shake [shook, shaken]	step in	susceptible to
share X with Y	stick [stuck]	swell [swelled, swollen]
shares in	stimulate X to do Y	swim [swam, swum]
sharing of	stop + inf (stop X in order to do Y)	switch from X to Y
shed [shed]	stop + ing (stop X)	sympathize with
shield X from Y	stop X from doing Y	synchronize X with Y
	stored in	

shine [shone]	stress on	synchronous with
shoot [shot]	strike [struck]	tailored for
show [showed, shown] XY	study on/of, a	take [took, taken] part in
shrink [shrank, shrunk]	study X	take [took, taken] X from Y
shut [shut]	study, under	take X into account
teach [taught] X to do Y	transmit X to Y	talk about
tear [tore, torn]	transparent to	tally with
tell [told] XY	transverse to	vary with
temperature, at	trouble with	verify whether
tend + inf	try + inf	visualize + ing
tendency to	turn X into Y	vital to
tending to	TV, on the	vouch for
terms of, in	understand [-stood] how	wait for X to do Y
tests on	undertake [-took, -taken] + inf	want X to do Y
thanks to	uniform in	warn X about/against Y
theory, in	unit of	watch X doing Y
think [thought] about / of	unite X with/to Y	way + inf
throw [threw, thrown]	upstream of	wear [wore, worn]
tied to	urge X to do Y	whole, on the
together with	vacuum, under	wind [wound]
top, at the	value, in	work on
trace out	variance, at	worth + ing
transform X into Y	variation in	write [wrote, written]
translate X into Y	vary in	yield to

پیوست ۲: لغت‌نامه عبارات مورد استفاده در این کتاب

تعاریف زیر، تعاریف من در مورد اینکه چگونه عبارات مختلف در این کتاب استفاده شده‌اند می‌باشد. آن‌ها نمی‌بایست به‌عنوان تعاریف رسمی مدنظر قرار گیرند.

مخفف abbreviation	حالت کوتاه‌شده کلمه مانند info به‌جای information
مخفف acronym	مانند IBM, NATO, www, url
فعال (حالت) active (form)	استفاده از ضمیر/فاعل شخصی قبل از فعل، مانند we found that x = y به‌جای it was found that x = y
صفت adjective	کلمه‌ای که اسم را توصیف می‌کند (مانند usual, significant)
قید adverb	کلمه‌ای که فعل را توصیف می‌کند و یا قبل از صفت ظاهر می‌شود (مانند significantly, usually)
ابهام ambiguity	کلمات یا عباراتی که می‌توانند به بیش از یک روش تفسیر شوند
مقایسه‌ای comparative	مانند more intelligent, happier, better
شرطی conditional	مانند If I spoke perfect English, it would be easier to write papers
اسم قابل شمارش countable noun	اسمی که می‌تواند با افزودن -s جمع بسته شود، مانند students, books
حرف تعریف معین definite article	the
مفعول مستقیم direct object	در جمله I have a book, the book مفعول مستقیم است
حالت مالکیت genitive	حالت مالکیت اسم، مانند Adrian's book
اسم مصدر gerund	بخشی از فعل که به -ing ختم می‌شود و مانند اسم عمل می‌کند (مانند learning, analyzing). عبارات gerund و حالت یندار بدون تفاوت در این کتاب استفاده شده‌اند
اسم مصدر نامعین indefinite article	an / a
مفعول غیرمستقیم indirect object	در جمله I gave the book to Anna, book مفعول مستقیم است و Anna مفعول غیرمستقیم
حالت یندار -ing form	بخشی از فعل که به -ing ختم می‌شود و مانند اسم عمل می‌کند (مانند learning, analyzing). عبارات gerund و حالت یندار بدون تفاوت در این کتاب استفاده شده‌اند
مصدر infinitive	بخش ریشه‌ای فعل، مانند to learn, to analyze

کلمات و اصطلاحاتی که عبارات و جملات را به متصل می‌کنند (مانند and, moreover, despite the fact that, although)	کلمهٔ ربطی، ارتباط‌دهنده link word, linker
فعل‌هایی مانند can, may, might, could, would, should	فعل معین شرطی modal verb
کلماتی مانند a/the sample, a/the result, a/the paper. اگر اسم بتواند جمع بسته شود، "قابل شمارش" می‌باشد، و اگر به صورت مفرد باشد، "غیرقابل شمارش" است	اسم noun
مجموعه‌ای از یک یا چند جمله، آخرین آن‌ها به علامت پاراگراف (¶) ختم می‌شود	پاراگراف paragraph
روشی غیرشخصی استفاده از افعال، مانند it was found that x = y به جای we found that x = y	مجهول (حالت) passive (form)
مانند they have done, we have seen, we have found, it was found	قسمت سوم فعل past participle
مانند work out, turn off, look forward to, break down, back up	فعل چندقسمتی phrasal verb
مجموعه‌ای از کلمات که بخشی از یک جمله را تشکیل می‌دهند	عبارت phrase
مانند to, at, in, by, from	حرف اضافه preposition
. (نقطه) , (ویرگول) ; (نقطه‌ویرگول) : (دو نقطه) - (خط ربط) () (قلاب/پرانتز) ? (علامت سوال) 'blah' (نقل قول تکی) "blah" (نقل قول دوتایی)	نقطه‌گذاری punctuation
مانند many, all, any, every, some	کمیت‌سنج quantifier
whose, that, which, who	ضمیر نسبی relative pronoun
مجموعه‌ای از کلمات که به نقطه ختم می‌شوند	جمله sentence
مانند most intelligent, happiest, best	عالی superlative
آینده ساده (he will study, we will study, و غیره)، حال ساده (he, we study), حال استمراری (studies, he is studying, we are studying), حال کامل (we have he has studied, studied, been studying), گذشته ساده (he studied, we studied), گذشته کامل (we had he has studied, studied, گذشته استمراری (he has studied, studied, studying)	زمان فعل tense
اسمی که تنها به صورت مفرد وجود دارد، مانند software, feedback, information	اسم غیرقابل شمارش uncountable noun
ترتیبی که در آن اسم‌ها، فعل‌ها، صفت‌ها، و قیدها در درون جمله ظاهر می‌شوند	ترتیب کلمه word order

حرف تعریف صفر zero article	عدم وجود حرف تعریف مانند Make love not war (در تضاد با the war against terrorism)
-------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------

فهرست شاخص‌ها

این فهرست بر اساس شمارهٔ سرتیتر هر شاخص آورده شده است.

A

a / an, **3**, 5.5, 5.6, 20.3
a little vs *a few*, 6.4
a vs *one*, 3.3
abbreviations, 20.1, 20.2, 23.1-23.3
about, 13.1
above, 14.1
academic titles, 24.3
acronyms, **22**, 24.6
across, 14.2
active form, **10**
adjective + preposition Appendix, 1
adjectives: position in sentence, **18**
adverbs, **14**
adverbs: position in sentence, 17
after, 14.8
afterwards, *first*, 14.8
all, 13.3
allow, 11.11
along with, 13.5
already, 14.3
also, 13.2, 13.3, 17.1
although, 13.14
among, 14.4
and, 13.5
and, 13.5, 25.3
any, 6.2, 6.3, 6.6
apostrophes, 25.1
apostrophes in genitive, **2**
as, 13.8
as far as ... concerned, 13.1
as vs *as it*, 13.6
as vs *like (unlike)*, 13.7
as well as, 13.2, 13.3
at, 14.5, 14.6, 14.7
at the moment, 14.16

B

be able to, 12.3

be supposed to, 12.7
because, 13.8
before, 14.8
beforehand, 14.8
below, 14.1
beside, 14.9
besides, 13.2
between, 14.4
both ... and, 13.9
both, 13.3
brackets, 25.8
bullets, 25.12, 25.13
but, 13.14
by, 14.10-14.13
by comparison with, 13.16
by now, 14.13

C

can, 12.1-12.5
capitalization, **24**
close to, 14.9
colons, 25.2
commas, 25.2, 25.3, 26.3
comparative forms, **19**
compared to, 13.16
conditional forms, **9**
consequently, 13.18
contracted forms, 15.9
could, 12.1-12.5
countable vs uncountable nouns, **1**, 6.1
countries, 5.3, 24.2
currently, 14.16

D

dashes, 25.5
dates, 21.12, 24.2
definite article, **4**, 20.3, 21.8, 21.9
despite, 13.14
do and *does* (emphatic forms), 15.10

due to, 13.8
during, 14.14

E

e.g., 13.10, 13.11
each vs *every*, 6.6
either ... or, 13.9
et al, 26.5
etc, 13.11
euro, 24.7
every vs *each*, 6.6

F

figure, 24.4
figures, **27**
first, 14.8
first conditional, 9.1
first(ly), *second(ly)*, 17.5
for, 13.8, 14.15
for example, 13.10
for now, 14.13
for the moment, 14.13
for this purpose, 13.12
for this reason, 13.12
former, 13.13, 15.14
from, 14.10, 14.15
full stops, 25.9
future simple, 8.10

G

GB vs US spelling 28.1 (second note),
28.2-28.3
genitive, **2**
gerund (-ing form) vs infinitive **11**,
Appendix, 1

H

have to, 12.6, 12.7
hence, 13.18
however, 13.14, 13.15
hyphens, 21.7, 25.6, 25.7

I

i.e., 13.11
imperative, 11.1
impersonal vs personal form, **10**

in, 14.5, 14.6, 14.11, 14.16, 14.17
in addition, 13.2
in contrast with, 13.16
indefinite article, **3**, 20.3
infinitive vs gerund (-ing form) **11**,
Appendix, 1
informal words, 15.9
-ing form vs infinitive **11**, Appendix, 1
inside, 14.17
insofar, 13.8
instead, 13.17
internet, 24.7
inversions, 16.5-16.7
inverted commas, 25.10
irregular verbs Appendix, 1

J

just, 17.1

L

languages, 5.3, 24.2
Latin, 23.4
latter, 13.13, 15.14
length of sentences, **15**
let, 11.14
link words, **13**
literature, reference to, **26**
little vs *few*, 6.4

M

make, 11.14
manage, 12.3
many vs *much*, 6.5
may, 12.2, 12.5
measurements, **20**
might, 12.2, 12.5
modal verbs, 12
moreover, 13.2
much vs *many*, 6.5
must, 12.6

N

nationalities, 5.3, 24.2
near (to), 14.9
need, 12.6

negations, 6.3, 6.7, 15.16
nevertheless, 13.14, 13.15
next to, 14.9
no, 6.3, 6.7
nonetheless, 13.14
not, 6.7
notwithstanding, 13.14
nouns + preposition Appendix, 1
nouns, **1**, 16.10-16.12
now, 14.13, 14.16
numbers, **21**

O

of, 14.11, 14.18
on the contrary, 13.17
on the other hand, 13.17
once, 21.10
only, 16.6, 17.1
over, 14.1, 14.14
owing to, 13.8

P

parenthetical phrases, 139
parentheses, 25.8
passive form, **10**
past continuous, 8.9
past participles: position in sentence, 18.4
past perfect, 8.9
past simple, 8.4, 8.5, 8.6, 8.7, 8.9
periods (punctuation), 25.9
personal pronouns, 15.7, 15.8
personal vs impersonal form, **10**
plural (nouns, numbers), 1.1, 1.2, 21.4, 21.5, 22.3
prepositions **14**, Appendix, 1
present continuous, 8.1, 8.2
present perfect, 8.2, 8.3, 8.6, 8.8, 9.1
present perfect continuous, 8.8
present simple, 8.1, 8.2, 8.4, 8.5, 8.6, 8.7, 9.1, 9.4
punctuation, **25**

Q

quantifiers, **6**
quotation marks, 25.10

R

rarely, 16.6
redundancy, 15.4
referring to other parts of your manuscript, 27.3
referring to the literature, **26**
relative clauses, **7**
relative pronouns, **7**
repetition, 15.13

S

second conditional, 9.2
section, 24.4
seldom, 16.6
semicolons, 25.11, 26.3
sentences (reducing length of), **15**
since, 13.8
since, 14.15
so, 13.18
so far, 14.13
some, 6.2
spelling, **28**
still, 14.3
superlative forms, **19**
symbols, 20.1, 20.2
syntax, **16**

T

table, 24.4
tables, **27**
tenses, **8**
that, **7**, 11.9
the, **4**, 20.3
the more ... the more, 19.4
thereby, 13.18
therefore, 13.18
third conditional, 9.5
through, 14.2
throughout, 14.14
thus, 13.18
to, 14.5, 14.7
to this end, 13.12
translating, 15.12
twice, 21.10

U

uncountable vs countable nouns,

1, 6.1

under, 14.1

university, 2.4, 24.3

until now, 14.13

US vs GB spelling 28.1 (second note),
28.2-28-3

V

verbs + *-ing* 11.15, 11.16, Appendix, 1

verbs + infinitive 11.10-11.16,

Appendix, 1

verbs + preposition Appendix, 1

verbs, irregular forms Appendix, 1

W

we, 10.3, 10.4, 15.8

whereas, 13.17

which, 7, 11.9, 15.14, 16.13

who, 7, 16.13

whose, 7.1

why, 13.8

will, 8.10, 9.1

with, 14.18

within, 14.12

within, 14.17

word order, 16

would, 9.2, 9.3, 9.4

Y

yet, 13.14, 14.3

Z

zero article, 5, 21.8, 21.9

zero conditional, 9.1